



ریاست جمهوری
سازمان برنامه و بودجه کشور

گزارش اقتصادی سالانه

(موضوع بند ۲ ماده ۳۷ قانون برنامه و بودجه)

تهیه و تنظیم:

سازمان برنامه و بودجه کشور

مهرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش اقتصادی سالانه (موضوع بند ۲ ماده ۳۷ قانون برنامه و بودجه)

خلاصه مدیریتی

گزارش حاضر بر اساس بند (۲) ماده (۳۷) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ تهیه شده که شامل تجزیه و تحلیل وضع اقتصادی کشور در سال گذشته، سال جاری و سال آینده است. این گزارش مشتمل بر فصول وضعیت اقتصاد جهانی؛ تولید و سرمایه‌گذاری؛ جمعیت و بازار کار؛ بازار پول و تورم؛ بازار سرمایه و بدهی؛ تجارت خارجی؛ بازار ارز؛ بودجه عمومی دولت و توزیع درآمد و رفاه اجتماعی است.

• اقتصاد جهانی

قبل از پرداختن به وضعیت اقتصادی کشور، وضعیت متغیرهای اقتصادی در سطح جهان و برخی مناطق به تصویر کشیده شده است. پیش‌بینی بانک جهانی حاکی است، رشد اقتصاد جهانی که طی سه سال اخیر (۲۰۲۱-۲۰۲۳) از روند نزولی برخوردار بود، در سال جاری (۲۰۲۴) و سال‌های آتی در سطح ۲٫۶ درصد تثبیت خواهد شد. همچنین پیش‌بینی شده است که نرخ تورم در سال جاری میلادی به ۳٫۵ درصد برسد. به علاوه، پیش‌بینی شده است که حجم تجارت جهانی در سال جاری و سال ۲۰۲۵ به ترتیب ۲٫۵ درصد و ۳٫۴ درصد افزایش یابد که نسبت به سال ۲۰۲۳ بسیار قابل توجه خواهد بود. ضمن این که قیمت نفت خام برای سال جاری و سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به ترتیب ۸۴ دلار، ۷۹ دلار و ۷۸ دلار، پیش‌بینی شده است. در مجموع، به رغم بهبود نسبی در رشد اقتصاد جهانی و کاهش نسبی نرخ تورم، کماکان نااطمینانی در عرصه جهانی برای سرمایه‌گذاری و توسعه کسب و کارها وجود دارد و انتظار می‌رود که نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی، سازمان ملل متحد و نظایر آن حداکثر تلاش را برای ثبات بخشیدن به اقتصاد جهانی و جلوگیری از هر نوع شوک در سطح منطقه‌ای و جهانی داشته باشند تا مسیر رشد اقتصادی در سطح بالاتر تداوم یابد.

• رشد اقتصادی

اطلاعات مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، محصول تولید ناخالص داخلی کشور (قیمت بازار) در سال ۱۴۰۲ با رشد ۵٫۷ درصد به ۸۶۷۵ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت (پایه ۱۳۹۰) رسیده است. همچنین طی سه سال اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲) اقتصاد کشور تحت تأثیر تکمیل ظرفیت‌های خالی بعد از شرایط کرونایی در بخش خدمات، افزایش فروش نفت و سیاست‌های تشویقی مالی، اعتباری و قانونی، توانسته است به طور متوسط رشد حدود ۵٫۴ درصدی را تجربه کند. بخش عمده رشد اقتصادی در این سال‌ها مربوط به بخش نفت بود که سهم آن در رشد حدود ۳۱ درصد بوده است که رشد مستمر این بخش به سرمایه‌گذاری جدید به منظور افزایش ظرفیت تولید و صادرات آن بستگی دارد. به هر حال، تداوم روند مثبت رشد اقتصادی

مستلزم بهبود فضای کسب و کار و کاهش نااطمینانی و افزایش بهره‌وری است. پیش‌بینی‌ها برای رشد اقتصادی کشور نیز بر این امر صحنه می‌گذارد که اقتصاد ایران با حفظ شرایط موجود، رشدی در محدوده ۳ تا ۳,۵ درصد را برای سال جاری و سال آینده خواهد داشت که این روند با اهداف برنامه هفتم پیشرفت فاصله دارد.

• سرمایه‌گذاری

یکی از متغیرهایی که در ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصاد و در نتیجه رشد تولید دخیل است، تشکیل سرمایه ثابت می‌باشد. سرمایه‌گذاری به دلیل متاثر بودن شدید از شرایط فضای کسب و کار و عوامل برونزا شامل تحریم، در دهه ۱۳۹۰ عملکرد منفی داشته و به طور متوسط سالانه منفی ۵,۵ کاهش یافته است. رشد این متغیر از سال ۱۳۹۹ مثبت شد و در مجموع در دوران ۱۴۰۰-۱۴۰۲ از رشد متوسط سالانه ۴,۶ درصد برخوردار بوده است. تشکیل سرمایه ثابت در بهار سال جاری، رشد ۴,۶ درصدی را به ثبت رسانده است. افول سرمایه‌گذاری یکی از محدودیت‌ها و تنگناهای اساسی در تحقق بخشی به رشد اقتصادی پایدار و فزاینده می‌باشد و کشور نیاز به تزریق حجم انبوهی سرمایه برای گذر از وضعیت فعلی دارد؛ در غیر این صورت، ضمن استهلاک شدید زیرساخت‌ها، به تدریج بنیه تولیدی کشور تضعیف می‌شود و امکان بهبود تولید و درآمد سرانه به شکل پایدار وجود نخواهد داشت.

• مصرف نهایی خصوصی

رشد هزینه مصرف نهایی خصوصی در اقتصاد ایران از پاییز سال ۱۳۹۹ تا پایان سال ۱۴۰۲ اعداد مثبتی را به ثبت رسانده، ولی نرخ رشد سالانه آن به صورت پله‌ای روند کاهنده‌ای داشته است. رشد هزینه مصرفی خصوصی در سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۱۱,۸ درصد بود که در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ از شدت رشد آن کاسته شد و به ترتیب به ۶,۸ و ۵,۲ درصد رسید. در بهار امسال رشد مصرف خصوصی به ۰,۷ درصد کاهش یافته است که در مقایسه با رقم ۸,۳ درصدی مدت مشابه سال قبل، کاهش معناداری را نشان می‌دهد. بخشی از کاهش شدت هزینه‌های مصرفی خصوصی ناشی از کاهش قدرت خرید خانوارها به دلیل تورم بالا و ماندگاری آن در ارقام بالای ۳۵ درصد است.

• جمعیت و باروری

طبق سرشماری مرکز آمار ایران جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ برابر با ۷۹۹۲۶ هزار نفر بود، ضمن این که نرخ باروری کل را نیز در سال مذکور، بیش از ۲,۱ فرزند برآورد (با استفاده از روش مستقیم) رسید، که نشانگر بالاتر رفتن نرخ باروری کل از نرخ جانشینی و محقق شدن بند اول سیاست‌های کلی جمعیت در سال ۱۳۹۵ بود. اما، از سال ۱۳۹۵ به رشد جمعیت کاهشی شده و نرخ باروری نیز تا سال ۱۴۰۲ کاهش یافته (در سه سال اخیر تثبیت شده) و به ترتیب به عدد ۰,۷۴ درصد و ۱,۶۵ فرزند

رسیده است. شایان ذکر است، مهمترین چالش‌های جمعیتی کشور افزایش نسبت سالمندی و کاهش نرخ باروری است. بنابراین، اتخاذ راهکارهایی برای بهبود شرایط اقتصادی و افزایش درآمد جوانان توأم با سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی امیدآفرین می‌تواند اهداف سیاست‌های کلی جمعیت را بطور مناسبی محقق نماید. نکته مثبت این که ساختار سنی جمعیت کشور از سال ۱۳۸۵ تاکنون در بهترین حالت ممکن قرار دارد که از آن با عنوان پنجره جمعیتی یاد می‌شود و پیش‌بینی می‌شود اقتصاد ایران حدود دو دهه دیگر در این شرایط مطلوب قرار داشته باشد.

• بازار کار

وضعیت اشتغال و بیکاری از جوانب حیاتی در اقتصاد هر کشور است که به‌طور مستقیم بر روند توسعه و رفاه اجتماعی تاثیرگذار می‌باشد. طی سال‌های اخیر بازار کار به دلیل ساختار خاص و غیرمتشکل بودن آن، بیشترین تاثیر منفی از همه‌گیری کرونا را پذیرفت و در سال ۱۳۹۹ ضمن کاهش حدود ۳ واحدی نرخ مشارکت اقتصادی، بیش از یک میلیون نفر نیز از تعداد شاغلان کشور کم شد. از سال ۱۴۰۰ با کاهش محدودیت‌ها از فعالیت‌های اقتصادی، شاخص‌های کلان بازار کار بهبود یافت و نرخ بیکاری در یک روند کاهشی به کمتر ۸ درصد در شش ماهه سال جاری، نرخ مشارکت اقتصادی در یک روند افزایشی به ۴۱٫۵ درصد و خالص ایجاد اشتغال هم مثبت و در دوره ۱۴۰۰ تا شش ماهه اول سال ۱۴۰۳ در مجموع حدود ۱٫۶۷ میلیون نفر به شاغلان کشور اضافه شد که ضمن جبران کاهش بیش از یک میلیونی شاغلین کشور در سال ۱۳۹۹ و به تعداد شاغلان کشور نسبت به سال قبل از کرونا (۱۳۹۸) حدود ۶۵۰ هزار نفر افزوده شد. همزمانی بهبود شاخص‌های کلان بازار کار و رشد اقتصادی، نشان دهنده بهبود شرایط اقتصادی و امیدواری به آینده بازار کار می‌باشد. البته، توجه صرف به شاخص‌های کلان بازار کار به ویژه نرخ تک‌رقمی بیکاری (۷٫۶ درصد در نیمه اول سال ۱۴۰۳)، ممکن است سیاستگذار حوزه بازار کار را با انحراف مواجه کند. لذا لازم است، ابعاد و جوانب مختلف بازار کار مورد توجه قرار گیرد. از جمله این که، همچنان در تابستان ۱۴۰۳ نرخ مشارکت اقتصادی (امیدواری برای پیدا کردن شغل) کمتر از دوران قبل از کرونا (۱۳۹۸) بوده و تفاوت ۲٫۴ درصدی دارد، نرخ بیکاری در گروه سنی جوانان ۱۵-۲۴ ساله بیش از ۲٫۵ برابر متوسط کشوری (۷٫۵ درصد)، نرخ بیکاری در گروه سنی جوانان ۱۸-۳۵ ساله حدود ۲ برابر متوسط کشوری، نرخ بیکاری زنان حدود ۲ برابر متوسط کشوری، نرخ بیکاری جمعیت دارای تحصیلات عالی ۱٫۵ برابر متوسط کشوری می‌باشد. همچنین در تابستان ۱۴۰۳ بیش از ۴۳٫۹٪ از بیکاران دارای تحصیلات عالی بوده‌اند. لذا همچنان بیکاری جوانان، زنان و دانش‌آموختگان دانشگاهی، مسئله‌ای است که کشور با آن مواجه است و چالش ایجاد مشاغل شایسته و پایدار برای این افرادی که هر ساله وارد بازار کار می‌شوند، موضوع را تشدید و روز به روز با اهمیت‌تر می‌کند. انتظار می‌رود با روند امید به یافتن شغل و توسعه مهارت‌ها، نرخ مشارکت طی سال جاری و آینده به حدود ۴۲ درصد افزایش یابد و ارقام نرخ بیکاری کل در دامنه ۷/۵ تا ۸ درصد نوسان داشته باشد.

• بازار پول و تورم

عملکرد متغیرهای پولی، بانکی و تورم نشان می‌دهد، رشد نقدینگی از محدوده ۴۰ درصد در سال‌های گذشته به ۲۶,۸ درصد در خرداد سال ۱۴۰۳ کاهش یافته است که از هدف ۲۵ درصدی تعیین شده در قانون مقدار کمی انحراف دارد. کنترل حجم پول در سال‌های اخیر به واسطه اعمال سیاست‌های کنترلی بانک مرکزی و انضباط مالی دولت حاصل شده است. اما این مهم با اعمال محدودیت در اعطای تسهیلات همراه بود به نحوی که رشد واقعی تسهیلات در سال‌های اخیر منفی شده است. بر اساس آمار ارائه شده، رشد تسهیلات پرداختی در سال ۱۴۰۲ در حدود ۲۷ درصد و در ۵ ماهه نخست سال ۱۴۰۳ معادل ۲۴ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ تورم سالانه در سال ۱۴۰۲، معادل ۴۰,۷ درصد و در شهریور ۱۴۰۳ معادل ۳۴ درصد بوده است که نشان‌دهنده رشد منفی تسهیلات پرداختی شبکه بانکی می‌باشد. شایان ذکر است، هرچند کنترل حجم پول و مهار تورم همواره باید مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد، اما نباید از رشد اقتصادی و تأمین مالی تولید غفلت کرد.

• تجارت خارجی و ارز

داده‌های گمرکی در حوزه تجارت خارجی در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که صادرات کالا در مقایسه با سال قبل با کاهش ۸ درصدی به ۴۹۳۳۹ میلیون دلار و در مقابل واردات کالا با افزایش ۱۰ درصد به رقم ۶۶۲۰۴ میلیون دلار رسیده است و بدین ترتیب کسری تراز تجاری غیرنفتی نسبت به سال ۱۴۰۲، با حدود ۱۰,۷ میلیارد دلار افزایش به ۱۶۸۷۵ میلیون دلار رسیده است. به عبارتی واردات این مقدار بیشتر از صادرات کالا بوده است. همچنین پیش‌بینی می‌شود که بر اساس ادامه روند موجود، در سال ۱۴۰۴ صادرات کالا به حدود ۶۵ میلیارد دلار و واردات کالا به حدود ۷۵ میلیارد دلار خواهد رسید و لذا کسری تراز تجاری غیرنفتی مقداری بهبود می‌یابد.

البته حجم تجارت کالا و خدمات حدود ۳,۴ میلیارد دلار نسبت به سال قبل آن افزایش یافت و دو متغیر اصلی حوزه مشتمل بر صادرات کالای غیرنفتی و واردات کالا از رشد مثبت برخوردار بودند. هرچند مشکلات ساختاری این حوزه نظیر اتکای بخش عمده صادرات کشور به محصولات پایه و کمتر فرآوری شده، پایین بودن قدرت رقابت‌پذیری محصولات صادراتی به دلیل تورم‌های ساختاری و بالا و تمرکز بالای تجارت به لحاظ بازار و شرکای تجاری، کماکان وجود دارد.

از جمله مهمترین عوامل بنیادی تاثیرگذار بر نوسات نرخ ارز، وضعیت حساب جاری و حساب سرمایه است. چنانچه ملاحظه می‌شود، تراز تجاری غیرنفتی و حساب سرمایه در سال ۱۴۰۲ با مقادیر بسیار بزرگ به ترتیب ۱۶,۹ و ۱۵,۴ میلیارد دلار منفی شده است که بر میزان ذخایر در دسترس در بازار ارز اثرات قابل توجهی داشته است. افزایش واردات و تامین ارز آن با نرخ پایین‌تر از بازار غیررسمی در کنار کم‌اظهاری صادرات به منظور فروش ارز ناشی از آن در نرخ‌های بالاتر می‌تواند سبب افزایش کسری تراز تجاری شود. این عوامل بنیادی و تداوم تنش در سیاست خارجی، سبب نوسان و افزایش نرخ ارز بازار و نرخ ارز نیمایی (تالار دوم) شده است. به طوری که نرخ ارز بازار آزاد در نه ماهه ابتدای سال ۱۴۰۲ نوسان اندکی را تجربه نمود ولی از ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۲ از محدوده ۵۰۰ هزار ریال فراتر رفت و تا انتهای فروردین ماه در یک روند صعودی افزایش یافت. پس از آن تا انتهای شهریور ۱۴۰۳ در محدوده ۶۰۰ هزار ریال در نوسان بوده است. از ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۲، نرخ ارز تالار دوم مرکز مبادله ارز و طلا نوسان اندکی را تجربه کرده و از حدود ۳۹۰ هزار ریال به حدود ۴۶۵ هزار ریال رسید. شکاف بین نرخ ارز آزاد و نیمایی از محدوده ۲۸ درصد در ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۲ به محدوده ۶۱ درصد در فروردین ۱۴۰۳ رسید که بیشترین مقدار این نماگر از ابتدای سال ۱۴۰۲ بوده است (اختلاف نرخ ارز نیما و نرخ ارز آزاد در سال ۱۴۰۲ به طور متوسط برابر با ۳۵ درصد بوده است).

• بودجه عمومی دولت

عملکرد منابع عمومی بودجه در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۲۱۷۴۷ هزار میلیارد ریال بوده است که درآمدهای مالیاتی (امور مالیاتی و گمرکی) به میزان ۸۶۶۹، منابع حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی به میزان ۴۸۱۳ و فروش و واگذاری انواع اوراق مالی اسلامی به میزان ۳۲۲۸ هزار میلیارد ریال اجزای اصلی آن را تشکیل داده‌اند. در طرف مصارف بودجه عمومی عملکرد اعتبارات هزینه‌ای بالغ بر ۱۶۸۸۰، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بالغ بر ۳۰۴۸ و اعتبارات تملک دارایی‌های مالی بالغ بر ۱۸۱۸ هزار میلیارد ریال بوده است. منابع (مصارف) بودجه عمومی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱، حدود ۴۰ درصد رشد داشته و ۹۱ درصد میزان مصوب قانون محقق شده است.

با وجود اینکه در چند سال اخیر، ایران رشد اقتصادی نسبتاً خوبی را تجربه کرده است، اما، قابلیت تداوم در سال‌های آینده را ندارد. لذا، افزایش سرمایه‌گذاری به منظور تداوم رشد اقتصادی پایدار ضروری است. از این رو، افزایش سهم و ارتقای بهره‌وری اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران ضروری است و لذا باید به محقق شدن کامل این اعتبارات در سال جاری (۴۰۰۰ هزار میلیارد ریال) اهتمام ویژه‌ای داشت. علاوه بر کاهش نسبت تشکیل سرمایه ثابت به تولید، تامین پایدار و مطمئن انرژی صنایع به یکی از چالش‌های اصلی و مهم پیش‌روی رشد اقتصادی تبدیل شده است و بخش انرژی و مخصوصاً بالادست نفت و گاز جزء اولویت‌های بالای سرمایه‌گذاری به منظور تامین پایدار انرژی در

بازار داخل و نگاه‌داشت و تقویت توان صادراتی به منظور تامین منابع ارزی و ریالی بودجه عمومی است. همچنین پیشنهاد می‌شود ارتقای بهره‌وری انرژی هم در بخش خانوار و هم در بخش تولید یکی از محورهای سیاست‌گذاری دولت باشد. صرف‌نظر از میزان بدهی‌های دولت که هر ساله تسویه می‌شود، میزان فروش اوراق و استقراض از صندوق توسعه ملی، به عنوان افزایش بدهی دولت محسوب می‌شود. در واقع در سال ۱۴۰۲ بدهی ناخالص دولت حدود ۴۹۶۰ هزار میلیارد ریال افزایش یافته که حدود ۲۲۷۰ هزار میلیارد ریال بیشتر از سال قبل آن است. گفتنی است که ظرفیت انتشار اوراق ۱۲ ماهه در سناریوی سیاست‌های پولی هماهنگ با بانک مرکزی در سال ۱۴۰۳، به میزان ۴۰۰ همت و در سال ۱۴۰۴ به میزان ۵۲۲ همت پیش‌بینی می‌شود^۱. لذا، در انتشار و فروش انواع اوراق مالی بایستی به ظرفیت بازار سرمایه توجه کرد زیرا، در غیر این صورت به افزایش پایه پولی و تورم منجر خواهد شد.

• توزیع درآمد

شاخص‌های توزیع درآمد نشان می‌دهد که ضریب جینی و شاخص رفاه اجتماعی در سال ۱۴۰۲ به ترتیب رشد ۲٫۶ درصد و ۱٫۳ درصدی، نسبت به سال قبل داشته‌اند. همچنین پیش‌بینی می‌شود که با ادامه وضع موجود، ضریب جینی در سال ۱۴۰۳ (حدود ۰٫۳۹۵۱) و سال ۱۴۰۴ (۰٫۳۹۵۷) تفاوتی نداشته باشند و به عبارتی بهبودی در توزیع درآمد حاصل نخواهد شد. این در حالی است که طبق هدف برنامه ضریب جینی باید در سال آینده به ۰٫۳۷۸۷ کاهش یابد. باید توجه داشت اگر نرخ تورم همچنان بالا باشد و رشد اقتصادی نوسانی و پایین باشد، بهبودی در شاخص‌های مذکور در چند سال آینده متصور نیست. باوجود اتخاذ سیاست‌های ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی، اعمال تحریم‌ها و همچنین تورم بالا و رشد اقتصادی منفی و یا سطح پایین، تلاش برای بهبود رفاه اجتماعی و دستیابی به هدف‌های موردنظر را با اختلال مواجه کرده است. البته برای بهبود مستمر شاخص‌های توزیع درآمد و رفاه اجتماعی سیاست‌ها و اقداماتی مهمی نظیر حمایت از صندوق‌های اجتماعی مردم‌نهاد به‌منظور کاهش فقر، کنترل تورم باهدف جلوگیری از کاهش قدرت خرید آحاد جامعه به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر، افزایش نقش تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری، افزایش نقش دولت در تامین مخارج سلامت و آموزش پایه بخصوص برای خانوارهای کم درآمد و محروم جامعه و افزایش سقف معافیت مالیاتی برای افراد حقوق‌بگیر دولتی و خصوصی مدنظر دولت قرار دارد.

• جمع بندی

با وجود اینکه اقتصاد ایران کماکان تورم بسیار بالایی را از سر می‌گذراند، اما، ثبات نسبی در بازار ارز از طریق افزایش صادرات نفتی و صنعتی و سیاست اعمال محدودیت بر رشد نقدینگی بانک مرکزی، (در صورت ثبات شرایط سیاسی و منطقه‌ای)،

^۱ . برآورد امور اقتصاد کلان

می‌تواند منجر به کاهش تورم شود. مدیریت کسری بودجه، تقویت صادرات، مدیریت بازار ارز، اصلاح نظام بانکی و بهبود تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی از لوازم کاهش تورم و بهبود رشد اقتصادی است و تلاش شده است تا سیاست‌های بودجه‌ای در این راستا انتها ببرد.

صادقانه، باید اذعان نمود که فضای سیاست‌گذاری در اقتصاد ایران محدود است و تداوم تحریم‌های ظالمانه دشمنان و بالا رفتن تنش‌ها در سطح منطقه‌ای، دامنه انتخاب‌های سیاست‌گذاران را محدودتر از قبل کرده است. به رغم این محدودیت‌ها، تلاش دولت چهاردهم بر آن است که ضمن کوشش حداکثری برای ثبات بخشی به اقتصاد ایران، ظرفیت‌های اقتصادی کشور به ویژه در حوزه سواحل جنوبی و شمالی کشور، بخش‌های انرژی و معدن را با حمایت حداکثری از بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان فعال کند زیرا واقف است که بدون بهبود توان تولید رقابت‌پذیر کشور، بهبود معیشت مردم و تاب‌آوری اقتصاد کشور در میان مدت و بلندمدت امکان‌پذیر نیست.

فصل ۱: عملکرد اقتصاد جهانی

مقدمه

اقتصاد هر کشور بنا به میزان ارتباط با دنیای خارج، از تغییر و تحولات اقتصاد جهانی متأثر می‌شود. اقتصاد ایران نیز به واسطه تغییرات قیمت جهانی نفت خام و صادرات نفت، صادرات غیرنفتی و واردات کالاها و خدمات، اثرپذیری زیادی از وقایع و روندهای جهانی دارد. از این رو درک صحیح روندها و مناسبات و آرایه تصویر مناسب از تحولات اقتصاد جهانی می‌تواند به شناخت دقیق‌تر تحولات اقتصاد ایران و تصمیم‌سازی بهتر در این حوزه کمک کند. در این راستا، فصل حاضر ضمن بررسی روند تحولات اقتصاد جهانی از سه منظر رشد اقتصادی، تورم جهانی و تجارت بین‌المللی، پیش‌بینی نهادهای معتبر بین‌المللی را نیز در رابطه با چالش‌ها و روندهای پیش روی اقتصاد جهان آرایه می‌نماید.

رشد اقتصادی جهان

همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ و شوک‌های جهانی پس از آن، چالش‌های بلندمدتی از طریق تشدید کسری بودجه دولت‌ها و افزایش بدهی‌های عمومی به ویژه در کشورهای کوچک ایجاد نمود. درآمدهای دولتی در این کشورها به ویژه آنهایی که وابستگی بیشتری به درآمدهای گردشگری داشتند، در طول دوره شیوع بیماری واگیر، آسیب دید و نسبت به کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور^۱ (EMDE) با کندی زیادی روبرو بود. مخارج دولت در این کشورها بالاتر رفت. بنابراین در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۳ نسبت بدهی دولت‌ها به GDP در کشورهای مذکور از سطوح قبلی پیشی گرفت و منجر به کسری بودجه پایدار گردید.

اکنون، پس از چندین سال وجود شوک‌های منفی، وضعیت اقتصاد جهانی در حال ثبات است. پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصاد جهانی در سال جاری (۲۰۲۴) با اندکی افزایش نسبت به گزارش‌های قبلی و عمدتاً به دلیل تداوم گسترش اقتصاد ایالات متحده آمریکا در سطح ۲٫۶ درصد باقی بماند. همچنین پیش‌بینی می‌شود که اقتصاد دنیا در سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۲۶ با

^۱ - Emerging Market and Developing Economies (EMDEs)

گسترش و تقویت تجارت و سیاست های پولی حمایتی، به طور متوسط، ۲,۷ درصد افزایش یابد. با این وجود، چشم انداز جهانی نسبت به استانداردهای تاریخی ضعیف است به طوری که هم اقتصادهای پیشرفته و هم اقتصادهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور با سرعت کمتری نسبت به دهه قبل از همه گیری رشد خواهند کرد (نمودار ۱). به علاوه، رشد سال های ۲۰۲۴-۲۰۲۵ برای ۶۰ درصد اقتصادها که بیش از ۸۰ درصد تولید و جمعیت جهانی را تشکیل می دهند، کمتر از حد انتظار و کمتر از متوسط آن در دهه ۲۰۱۹-۲۰۱۰ می باشد.

برای مقابله با چالش های موجود جهت بازگشت به رشدهای اقتصادی بالا و تورم پایین مشابه سال های ۲۰۱۹-۲۰۰۰ نیاز به تلاش های سیاستی موثر در سطح ملی و جهانی است. در سطح جهانی سیاست هایی مانند تجارت ایمن، حمایت از انتقالات سبز و دیجیتالی، تخفیف بدهی ها و بهبود امنیت غذایی در اولویت است. در سطح ملی خطرات ناشی از پایداری تورم موجب شده است که سیاست پولی کشورهای در حال توسعه و نوظهور به سیاست های تثبیت قیمت متمرکز شود. همچنین هزینه های ناشی از بدهی های بالا ایجاب می کند که سیاستگذاران به دنبال راهی برای انجام سرمایه گذاری های پایدار همزمان با پایداری مالی باشند. همچنین دستیابی به اهداف توسعه ای و تقویت رشد بلندمدت مستلزم ارتقای بهره وری، افزایش کارایی سرمایه گذاری بخش عمومی، ایجاد سرمایه انسانی و حذف شکاف های جنسیتی در بازار کار می باشد.

نکته قابل توجه دیگر این است که به رغم اینکه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) در سال های گذشته رشد اقتصادی بالایی را تجربه کردند اما به دلایل مختلف از جمله افزایش تنش ها و درگیری های داخلی و منطقه ای و کاهش نسبی قیمت نفت، رشد این منطقه در سال ۲۰۲۳ به سطح ۱,۵ درصد رسیده است. بر اساس پیش بینی های بانک جهانی انتظار می رود با کاهش تنش ها و بهبود نسبی قیمت نفت و توسعه صنعت گردشگری در این منطقه، رشد اقتصادی به تدریج به وضعیت باثبات تر خود بازگشته و به بالای ۳ درصد در سال های آتی برسد. مطابق گزارش بانک جهانی، در میان کشورهای این منطقه، ایران در سال ۲۰۲۳ رشد اقتصادی نسبتاً خوبی (بالای ۵ درصد) را تجربه کرده است. اما پیش بینی می شود که در سال های بعد این نرخ کاهش یافته و به طور متوسط به ۲,۵ الی ۳ درصد برسد. در عین حال این پیش بینی از روند میان مدت گذشته خود فاصله دارد.

شایسته ذکر است که در گزارش صندوق بین المللی پول^۱ در جولای ۲۰۲۴، رشد اقتصاد جهانی در سال جاری میلادی ۳,۲ درصد و برای سال آینده (۲۰۲۵) ۳,۳ درصد پیش بینی شده است.

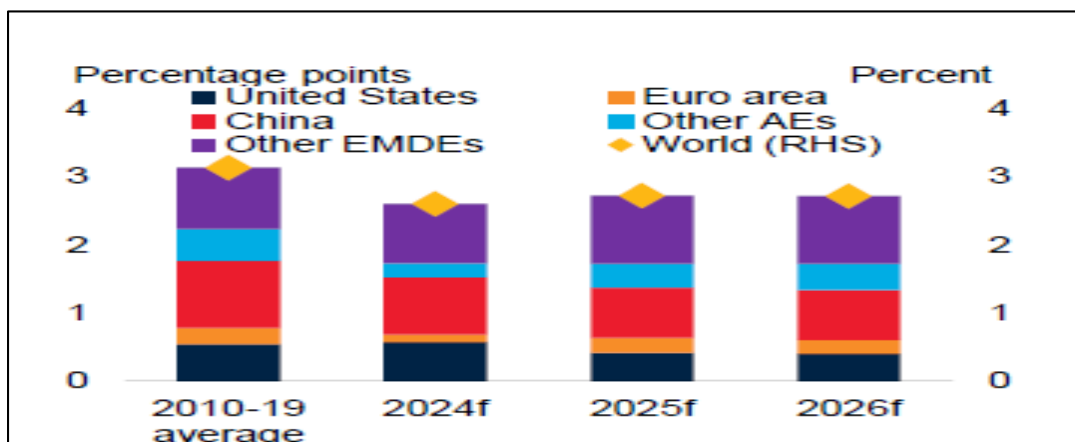
^۱ - IMF, WORLD ECONOMIC OUTLOOK UPDATE, JULY ۲۰۲۴.

جدول ۱- روند و پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادی جهان (درصد)

۲۰۲۶	۲۰۲۵	۲۰۲۴	۲۰۲۳	۲۰۲۲	۲۰۲۱	
۲.۷	۲.۷	۲.۶	۲.۶	۳	۶.۳	جهان
۱.۸	۱.۷	۱.۵	۱.۵	۲.۶	۵.۵	اقتصادهای پیشرفته
۱.۸	۱.۸	۲.۵	۲.۵	۱.۹	۵.۸	آمریکا
۱.۳	۱.۴	۰.۷	۰.۵	۳.۴	۵.۹	اتحادیه اروپا
۰.۹	۱	۰.۷	۱.۹	۱	۲.۶	ژاپن
۳.۹	۴	۴	۴.۲	۳.۷	۷.۳	اقتصادهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور
۴.۱	۴.۲	۴.۸	۵.۱	۳.۴	۷.۶	آسیای شرقی و اقیانوسیه
۴	۴.۱	۴.۸	۵.۲	۳	۸.۴	چین
۵.۱	۵.۱	۵	۵	۵.۳	۳.۷	اندونزی
۲.۹	۲.۸	۲.۴	۱.۹	۲.۵	۱.۶	تایلند
۲.۸	۲.۹	۳	۳.۲	۱.۶	۷.۲	اروپا و آسیای مرکزی
۱.۱	۱.۴	۲.۹	۳.۶	-۱.۲	۵.۹	روسیه
۴.۳	۳.۶	۳	۴.۵	۵.۵	۱۱.۴	ترکیه
۳.۲	۳.۴	۳	۰.۲	۵.۶	۶.۹	لهستان
۲.۶	۲.۷	۱.۸	۲.۲	۳.۹	۷.۲	آمریکای لاتین و کارائیب
۲	۲.۲	۲	۲.۹	۳	۴.۸	برزیل
۲	۲.۱	۲.۳	۳.۲	۳.۷	۶	مکزیک
۴.۵	۵	-۳.۵	-۱.۶	۵	۱۰.۷	آرژانتین
۳.۶	۴.۲	۲.۸	۱.۵	۵.۹	۶.۲	خاورمیانه و شمال آفریقا
۳.۲	۵.۹	۲.۵	-۰.۹	۸.۷	۴.۳	عربستان سعودی
۲.۴	۲.۷	۳.۲	۵	۳.۸	۴.۷	ایران
۴.۶	۴.۲	۲.۸	۳.۸	۶.۶	۳.۳	مصر
۶.۲	۶.۲	۶.۲	۶.۶	۵.۸	۸.۶	آسیای جنوبی
۶.۸	۶.۷	۶.۶	۸.۲	۷	۹.۷	هند
۲.۷	۲.۳	۱.۸	-۰.۲	۶.۲	۵.۸	پاکستان
۴	۳.۹	۳.۵	۳	۳.۸	۴.۴	آفریقا
۳.۷	۳.۵	۳.۳	۲.۹	۳.۳	۳.۶	نیجریه
۱.۵	۱.۳	۱.۲	۰.۶	۱.۹	۴.۷	آفریقای جنوبی
۲.۴	۲.۶	۲.۹	۰.۹	۳	۱.۲	آنگولا

ماخذ: World Bank, Global Economic Prospects, June ۲۰۲۴

نمودار ۱-۱- روند و پیش‌بینی سهم کشورها و گروه‌های مختلف در رشد جهانی



ماخذ: World Bank, Global Economic Prospects, June ۲۰۲۴

نرخ تورم جهانی

بر اساس آمار بانک جهانی روند نرخ تورم (درصد تغییرات شاخص مصرف‌کننده) در دهه اخیر به استثنای سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ با ثبات بوده است. در سال ۲۰۲۲ با شروع جنگ روسیه و اوکراین و به دنبال آن افزایش قیمت‌های انرژی و مواد غذایی سطح عمومی قیمت‌ها به میزان زیادی افزایش یافت. به طوری که نرخ تورم جهان از ۳٫۵ درصد در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۸ درصد در سال ۲۰۲۲ رسید. اما در سال ۲۰۲۳ با تعدیل شوک‌های منفی نرخ تورم جهانی تا حدودی کاهش یافت و به ۵٫۷ درصد رسید. مقایسه نرخ تورم ج. ا. ایران با گروه‌های منتخب نشان می‌دهد که این نرخ همواره با فاصله زیادی در سطح بالاتری نسبت به سایر کشورها قرار داشته و از سال ۲۰۱۸ به‌خصوص همزمان با تشدید تحریم‌های غرب علیه اقتصاد ایران به دنبال خروج آمریکا از برجام، از روند افزایشی برخوردار بوده است.

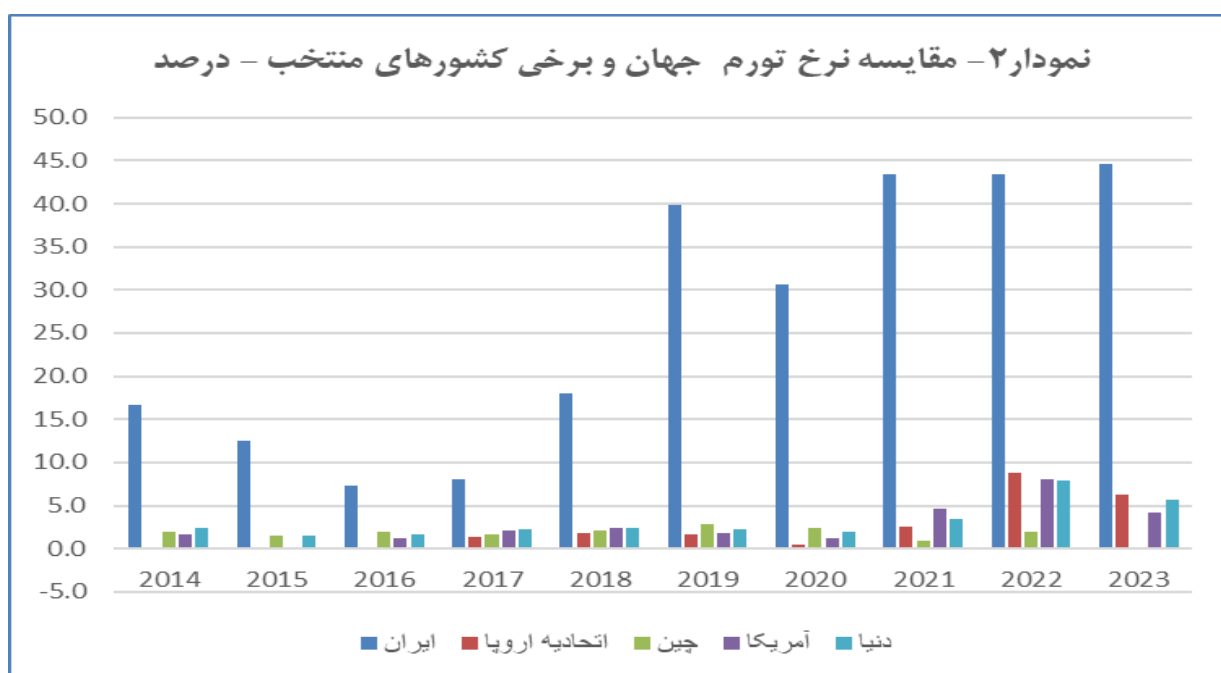
در مجموع، داده‌های بانک جهانی حاکی از آن است که در سطح جهانی نرخ تورم متأثر از تغییر و تحولات اقتصادی و سیاسی بوده و به دلیل جنگ روسیه و اوکراین، تاثیر منفی بر ثبات قیمت داشته است. در عین حال، سیاست‌ها و اقدامات انجام شده سیاست‌گذاران کشورها، حرکت به سمت روند بلندمدت نرخ تورم بوده است. اقتصاد ایران نیز تا حدودی از تحولات فوق متأثر شده است ولی شواهد نشان می‌دهد روند افزایشی نرخ تورم در پنج سال گذشته در سطح بالای ۴۰ درصد و ماندگاری آن در این سطوح، ایران را در میان کشورهای با تورم بالا قرار داده است (جدول ۲ و نمودار ۲).

لازم به ذکر است که در گزارش بانک جهانی قیمت نفت خام برای سال جاری و سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به ترتیب ۸۴ دلار، ۷۹ دلار و ۷۸ دلار، پیش‌بینی شده است (جدول ۴).

جدول ۱-۲- روند نرخ تورم جهان و برخی کشورهای منتخب در دهه اخیر - درصد

سال / منطقه	دنیا	آمریکا	چین	اتحادیه اروپا	ایران
۲۰۱۴	۲.۴	۱.۶	۱.۹	۰.۲	۱۶.۶
۲۰۱۵	۱.۴	۰.۱	۱.۴	-۰.۱	۱۲.۵
۲۰۱۶	۱.۶	۱.۳	۲.۰	۰.۲	۷.۲
۲۰۱۷	۲.۳	۲.۱	۱.۶	۱.۴	۸.۰
۲۰۱۸	۲.۵	۲.۴	۲.۱	۱.۷	۱۸.۰
۲۰۱۹	۲.۲	۱.۸	۲.۹	۱.۶	۳۹.۹
۲۰۲۰	۱.۹	۱.۲	۲.۴	۰.۵	۳۰.۶
۲۰۲۱	۳.۵	۴.۷	۱.۰	۲.۶	۴۳.۴
۲۰۲۲	۸.۰	۸.۰	۲.۰	۸.۸	۴۳.۵
۲۰۲۳	۵.۷	۴.۱	۰.۲	۶.۳	۴۴.۶

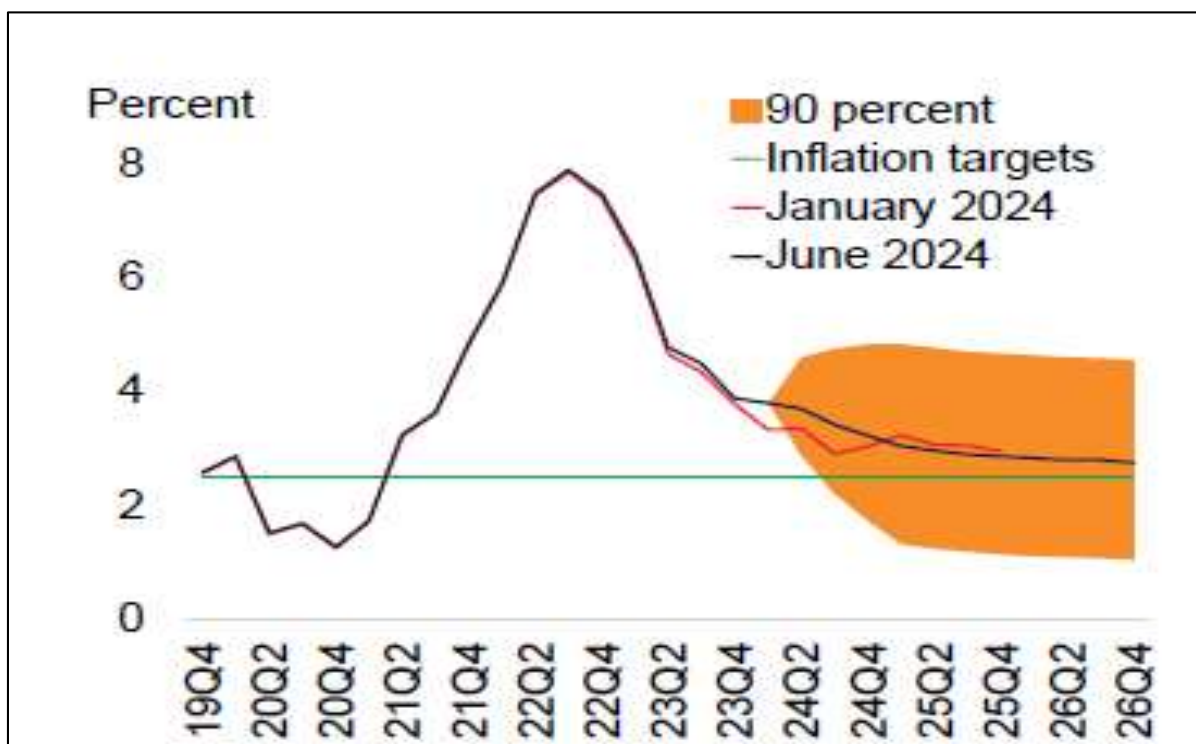
ماخذ: پایگاه داده بانک جهانی



ماخذ: پایگاه داده بانک جهانی

نکته قابل توجه اینکه در گزارش جدید بانک جهانی (ژوئن ۲۰۲۴) پیش بینی شده است نرخ تورم جهانی در سال ۲۰۲۴ به ۳,۵ درصد و در سال ۲۰۲۵ به ۲,۹ درصد کاهش یابد که کمتر از رقم مورد انتظار در پیش‌بینی‌های قبلی (ژانویه ۲۰۲۴) است (نمودار ۳). بدین ترتیب با تداوم فشارهای تورمی، بانک‌های مرکزی کشورهای پیشرفته و نوظهور و در حال توسعه در اتخاذ سیاست‌های پولی محتاطانه عمل خواهند کرد. در این صورت انتظار می‌رود نرخ بهره در سال‌های آتی حدود ۲ برابر متوسط آن در دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۰ هدف گذاری شود.

نمودار ۱-۳- روند و پیش‌بینی نرخ تورم جهانی (درصد تغییرات قیمت مصرف‌کننده)



ماخذ: World Bank, Global Economic Prospects, June ۲۰۲۴

چشم‌انداز کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور (EMDE)

پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی کشورهای EMDE در سال ۲۰۲۴ به ۴ درصد کاهش یابد و در سال‌های ۲۰۲۵-۲۶ نیز در حول و حوش آن حرکت کند. انتظار می‌رود رشد اقتصادی چین در سال جاری بیشتر کاهش یابد و حتی در سال‌های ۲۰۲۵-۲۶ به دلیل تداوم لختی (کندی) ساختاری، کاهش بیشتری را تجربه نماید. رشد گروه EMDE در سال جاری بدون در نظر گرفتن چین، تا ۳,۵ پیش‌بینی می‌شود اما پس از آن به دلیل کاهش تورم، تسهیل شرایط مالی و افزایش تقاضای جهانی، به طور متوسط به ۳,۹ درصد در سال‌های ۲۰۲۶-۲۰۲۵ خواهد رسید. در سال‌های اخیر، شوک‌های متعدد مانع افزایش

درآمد سرانه شده است، به طوری که در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۴ کشورهای EMDE تقریباً نیمی از جایگاه خود را نسبت به اقتصادهای پیشرفته از دست داده‌اند. چالش‌های مهم در اقتصادهای آسیب‌پذیر از جمله کشورهای کم‌درآمد^۱ (LIC) و برخوردار از سطوح بالای درگیری و خشونت، همچنان ادامه دارد که موجب شده است چشم‌انداز رشد در این کشورها به طور قابل توجهی بدتر شود.

تجارت کالا و خدمات

بر اساس آمار بانک جهانی، مجموع تجارت جهان در سال ۲۰۲۳ بالغ بر ۶۱ هزار میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال ماقبل آن بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار کاهش داشته است. این در حالی است که تجارت جهانی در سال ۲۰۲۲ علیرغم وقوع جنگ روسیه و اوکراین در حدود ۳ درصد افزایش داشته است. کاهش تجارت جهانی در سال ۲۰۲۳ ناشی از افزایش معنی‌دار قیمت‌های انرژی و سطح عمومی قیمت‌ها بود که نهایتاً به دلیل کاهش درآمد خانوارها، منجر به کاهش تقاضا برای کالاهای تجاری به ویژه محصولات کارخانه‌ای گردید. در بین گروه‌های منتخب، اتحادیه اروپا، آمریکا و چین به ترتیب با دارا بودن سهمی در حدود ۳۰,۵ درصد، ۱۱,۳ درصد و ۱۰,۹ درصد (در مجموع بیش از ۵۲ درصد تجارت جهانی) بیشترین نقش و سهم را دارند. سهم ایران از تجارت جهان کمتر از ۰,۴ درصد می‌باشد. جدول (۱-۳) و نمودار (۱-۴) روند تجارت و تغییرات سهم هر یک از گروه‌های منتخب را نشان می‌دهد. کاهش ۱,۲ درصدی تجارت کالایی در سال ۲۰۲۳ عمدتاً در نتیجه کاهش شدید واردات اروپا و افت واردات آمریکا، ثابت ماندن واردات آسیا و در مقابل، افزایش واردات کشورهای نفت‌خیز، بوده است. گزارش آنکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل) نشان می‌دهد که تجارت کالا و خدمات در سه ماه اول سال جاری (۲۰۲۴) به واسطه بهبود وضعیت تجاری در آمریکا، چین و هند به ترتیب ۱ و ۱/۵ درصد افزایش یافته است و انتظار می‌رود این افزایش در نیمه اول سال ۲۰۲۴ نسبت به نیمه دوم سال ۲۰۲۳ به دلیل بهبود نسبی رشد اقتصادی و تقاضای کل کشورهای آمریکا و ژاپن طی دوره یاد شده، حدود ۲۵۰ میلیارد دلار به تجارت کالا و ۱۰۰ میلیارد دلار به تجارت خدمات اضافه نماید. اگر روندهای مثبت ادامه یابد، تجارت جهانی در سال ۲۰۲۴ می‌تواند افزایش یابد اما بعید است که از سطح رکورد خود در سال ۲۰۲۲ فراتر رود. بر این اساس کشورهای چین، هند و آمریکا با افزایش صادرات به ترتیب معادل ۹ درصد، ۷ درصد و ۳ درصد محرک‌های اصلی رشد تجارت جهانی در سه ماهه اول سال ۲۰۲۴ بوده‌اند. برعکس، صادرات اروپا رشدی نشان نداده و صادرات آفریقا ۵ درصد کاهش یافته است. براساس گزارش مذکور، تنش‌های ژئوپلیتیک، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و سیاست‌های در حال ظهور صنعتی از جمله عواملی است که می‌تواند الگوهای تجارت جهانی را تغییر دهد. این گزارش هشدار می‌دهد که افزایش تمرکز بر صنایع داخلی و محدودیت‌های تجاری می‌تواند مانع رشد تجارت بین‌المللی شود.

^۱ - low-income countries (LICs).

بر اساس گزارش‌های بین المللی انتظار می‌رود در سال‌های آتی با کاهش تورم و بهبود درآمد حقیقی خانوارها، تقاضا برای کالاهای تجاری به تدریج بهبود یابد. پیش‌بینی بانک جهانی نشان می‌دهد حجم تجارت جهانی در سال جاری و سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به ترتیب ۲,۵ درصد، ۳,۴ درصد و ۳,۴ درصد افزایش یابد که نسبت به سال ۲۰۲۳ بسیار قابل توجه هست لیکن نسبت به سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به مراتب کمتر می‌باشد (جدول ۴).

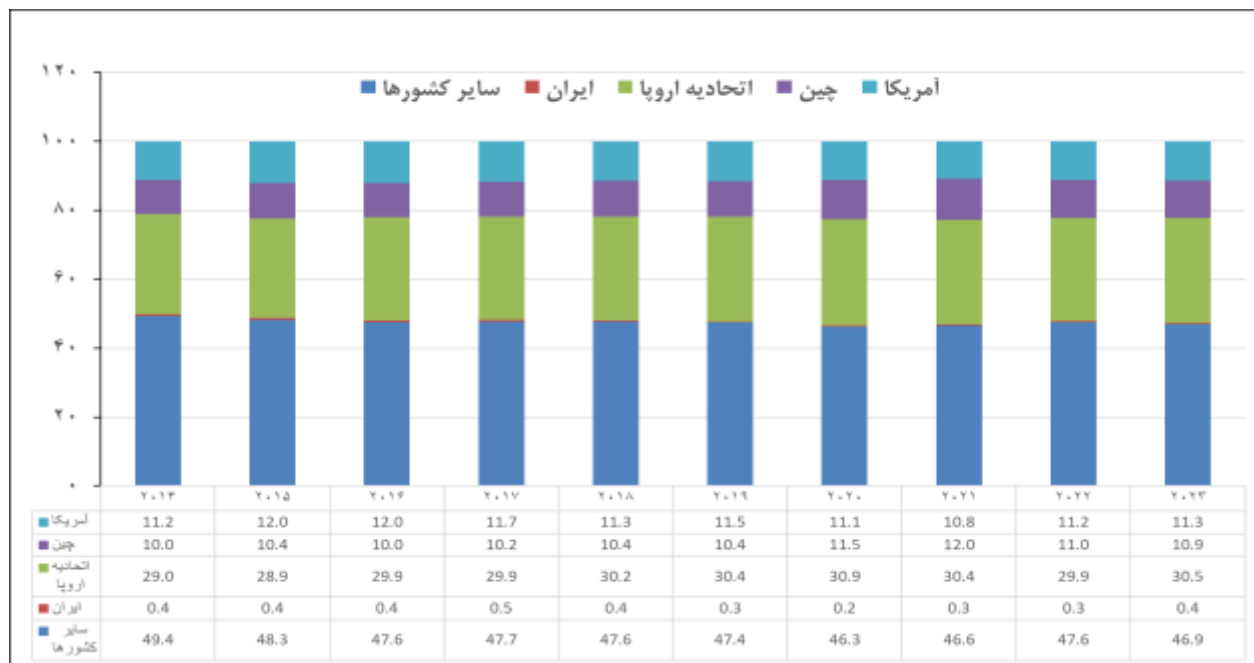
آخرین چشم‌انداز اقتصاد جهانی صندوق بین المللی پول، رشد تجارت جهانی برای سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ را به ترتیب ۳ درصد و ۳,۳ درصد پیش‌بینی نموده است. صندوق بین‌المللی پول همچنین پیش‌بینی کرده است که اقتصاد جهان پس از بحران‌های متوالی چهار سال گذشته، از جمله تأثیر تجاری همه‌گیری کرونا و جنگ در اوکراین، که منجر به افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی و نیز افزایش نرخ‌های بهره شد، کمتر شاهد «آسیب‌های اقتصادی» باشد. بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی شده است تجارت جهانی کالا در سال ۲۰۲۴ به میزان ۲,۶ درصد و در سال ۲۰۲۵ به میزان ۳,۳ درصد رشد خواهد کرد. سازمان تجارت جهانی در گزارش خود می‌گوید بحران دریای سرخ و درگیری در خاورمیانه باعث تاخیر و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل برای برخی بخش‌ها شده است. این سازمان همچنین به نشانه‌هایی از چندپارگی و گروه‌بندی مجدد تجارت در امتداد خطوط ژئوپلیتیک اشاره می‌کند.

جدول ۱-۳- ارزش تجارت جهان و برخی کشورهای منتخب - میلیارد دلار

سال / کشور و منطقه	جهان		آمریکا		چین		اتحادیه اروپا		ایران	
	صادرات کالا و خدمات	واردات کالا و خدمات	صادرات کالا و خدمات	واردات کالا و خدمات	صادرات کالا و خدمات	واردات کالا و خدمات	صادرات کالا و خدمات	واردات کالا و خدمات	صادرات کالا و خدمات	واردات کالا و خدمات
۲۰۱۴	۲۳۸۹۵	۲۳۳۱۹	۲۳۷۹	۲۸۸۷	۲۴۶۳	۲۲۴۱	۷۱۴۷	۶۵۵۹	۱۰۵	۱۰۴
۲۰۱۵	۲۱۳۱۵	۲۰۷۷۰	۲۲۷۱	۲۷۹۵	۲۳۶۲	۲۰۰۳	۶۳۷۷	۵۷۸۷	۷۶	۸۵
۲۰۱۶	۲۰۹۲۷	۲۰۳۸۳	۲۲۳۶	۲۷۳۹	۲۲۰۰	۱۹۴۴	۶۴۷۸	۵۸۷۴	۹۷	۸۸
۲۰۱۷	۲۳۰۶۰	۲۲۴۶۸	۲۳۸۸	۲۹۳۲	۲۴۲۴	۲۲۰۹	۷۱۳۰	۶۵۰۳	۱۱۱	۱۰۷
۲۰۱۸	۲۵۲۶۴	۲۴۶۹۱	۲۵۳۸	۳۱۳۱	۲۶۵۶	۲۵۶۴	۷۸۵۰	۷۲۴۰	۱۰۳	۹۰
۲۰۱۹	۲۴۸۶۵	۲۴۳۶۸	۲۵۳۸	۳۱۱۷	۲۶۲۹	۲۴۹۶	۷۷۵۳	۷۲۰۷	۶۷	۷۷
۲۰۲۰	۲۲۵۲۹	۲۱۸۸۶	۲۱۵۰	۲۷۷۷	۲۷۲۰	۲۳۷۵	۷۱۴۷	۶۵۸۵	۴۷	۵۸
۲۰۲۱	۲۸۱۹۷	۲۷۱۹۸	۲۵۵۰	۳۴۰۸	۳۵۵۴	۳۰۹۳	۸۷۴۷	۸۰۸۹	۸۲	۷۷
۲۰۲۲	۳۱۴۰۱	۳۰۷۵۴	۲۹۹۵	۳۹۶۶	۳۷۱۸	۳۱۴۰	۹۴۳۵	۹۱۳۳	۱۱۱	۱۰۲
۲۰۲۳	۳۰۸۵۷	۳۰۲۳۶	۳۰۷۲	۳۸۵۷	۳۵۱۳	۳۱۲۷	۹۶۶۸	۸۹۸۴	۱۱۵	۱۰۸

ماخذ: پایگاه داده بانک جهانی

نمودار ۱-۴- سهم هر یک از گروه های منتخب در تجارت جهانی (درصد)



ماخذ: پایگاه داده بانک جهانی

جدول ۱-۴- روند و پیش‌بینی متغیرهای رشد تجارت و قیمت نفت

۲۰۲۶	۲۰۲۵	۲۰۲۴	۲۰۲۳	۲۰۲۲	۲۰۲۱	
۳.۴	۳.۴	۲.۵	۰.۱	۵.۶	۱۱.۲	رشد حجم تجارت (درصد)
۷۸	۷۹	۸۴	۸۲.۶	۹۹.۸	۷۰.۴	قیمت نفت (ارزش دلاری هر بشکه نفت خام)
ماخذ: World Bank, Global Economic Prospects, June ۲۰۲۴						

جمع بندی

پیش بینی بانک جهانی نشان می‌دهد رشد اقتصاد جهانی که طی سه سال اخیر (۲۰۲۱-۲۰۲۳) از روند نزولی برخوردار بود در سال جاری (۲۰۲۴) و سال‌های آتی در سطح ۲٫۶ درصد تثبیت خواهد شد، تورم به کمترین سطح خود طی سه سال گذشته می‌رسد و شرایط مالی شفاف تر می‌گردد. تثبیت رشد اقتصادی جهان در سطح ۲٫۶ الی ۲٫۷ درصد که به میزان قابل توجهی کمتر از متوسط رشد ۳٫۱ درصد طی دهه قبل از کووید ۱۹ هست، نشان می‌دهد علیرغم گذشت ۴ سال از پاندمی کووید ۱۹ و آسیب‌های ناشی از آن، رشد تجارت و سرمایه‌گذاری جهان برای دستیابی به اهداف کلیدی توسعه، ناکافی است و لازم است کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه به دنبال راه‌های مطمئن تر و قابل اعتمادتری برای پیشرفت باشند.

پیش بینی می شود نرخ تورم در سال جاری میلادی به ۳,۵ درصد برسد. بدین ترتیب با تداوم فشارهای تورمی، بانک‌های مرکزی کشورهای پیشرفته و نوظهور و در حال توسعه در اتخاذ سیاست های پولی محتاطانه عمل خواهند کرد. در این صورت انتظار می رود نرخ بهره در سال‌های آتی به حدود ۲ برابر متوسط آن در دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۰ هدف گذاری شود.

از بعد منطقه‌ای پیش‌بینی شده است که رشد اقتصادی بسیاری از کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور در سال ۲۰۲۴ اندکی کاهش یابد و از ۴,۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۴ درصد در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ برسد.

پیش‌بینی بانک جهانی نشان می‌دهد حجم تجارت جهانی در سال جاری و سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به ترتیب ۲,۵ درصد، ۳,۴ درصد و ۳,۴ درصد افزایش یابد که نسبت به سال ۲۰۲۳ بسیار قابل توجه هست لیکن نسبت به سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به مراتب کمتر خواهد بود. در گزارش بانک جهانی قیمت نفت خام برای سال جاری و سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به ترتیب ۸۴ دلار، ۷۹ دلار و ۷۸ دلار، پیش‌بینی شده است.

در مجموع، به رغم بهبود نسبی در رشد اقتصاد جهانی و کاهش نسبی نرخ تورم، کماکان ناطمینانی در عرصه جهانی برای سرمایه‌گذاری و توسعه کسب و کارها وجود دارد و انتظار می رود که نهادهای بین المللی از جمله بانک جهانی، سازمان ملل متحد و نظایر آن حداکثر تلاش را برای ثبات بخشیدن اقتصاد جهانی و جلوگیری از هر نوع شوک بر کشورهای منطقه‌ای و جهانی داشته باشند تا مسیر رشد اقتصادی در سطح بالاتر تداوم یابد.

فصل ۲: تولید و سرمایه‌گذاری

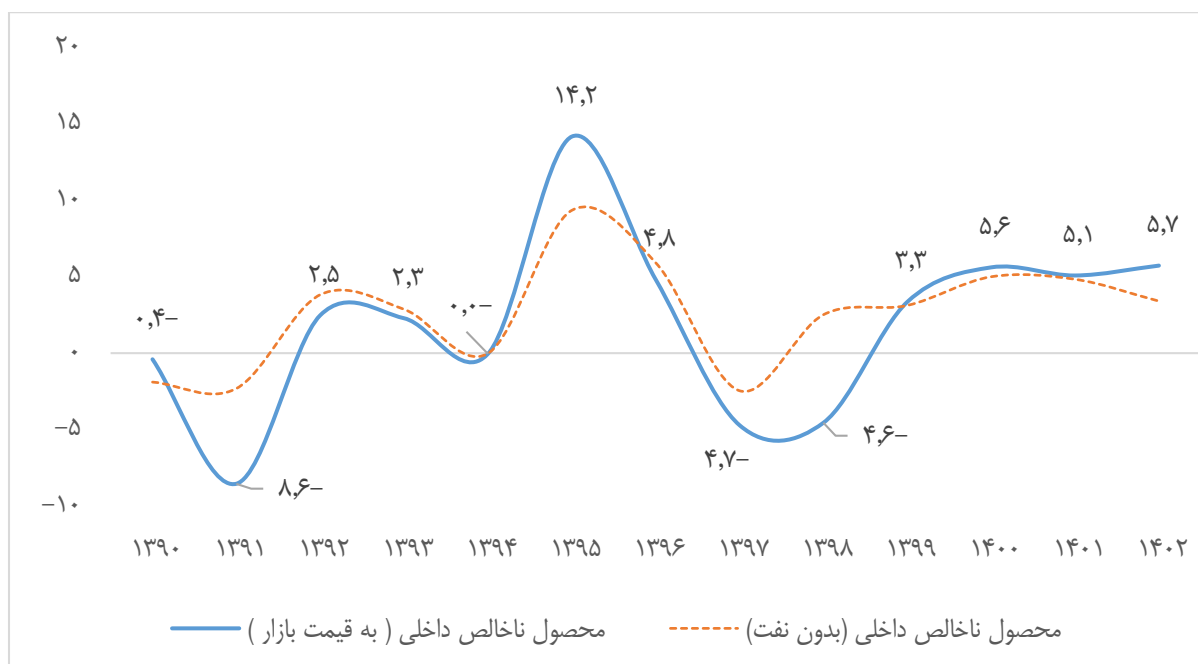
مقدمه

فصل پیش رو به تبیین شرایط اقتصاد کشور به لحاظ رشد اقتصادی به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص ارزیابی عملکرد اقتصاد کلان کشور و تحولات مولفه‌های مهم تاثیرگذار بر آن پرداخته است. تلاش شده است، ضمن تبیین چالش‌ها و محدودیت‌های رشد اقتصادی ایران، مهم‌ترین سیاست‌های اجرایی در بودجه سال آینده که می‌تواند به ارتقای آن کمک کند، ارائه شود.

تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی

رشد اقتصادی کشور ایران در دوره ۱۳۹۰-۱۴۰۲ نوسانی بوده و از یک روند پایدار پیروی نکرده است. این در حالی است که سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در افق سال ۱۴۰۴ در خصوص شاخص رشد اقتصادی، داشتن ویژگی «شتابان و مستمر بودن» آن را مورد تأکید قرار داده است. مطابق نمودار ۱-۲، متوسط رشد اقتصادی تولید ناخالص داخلی کشور در طول ۱۳ سال گذشته حدود ۱,۸ درصد با نفت و ۲,۶ درصد بدون نفت بوده است.

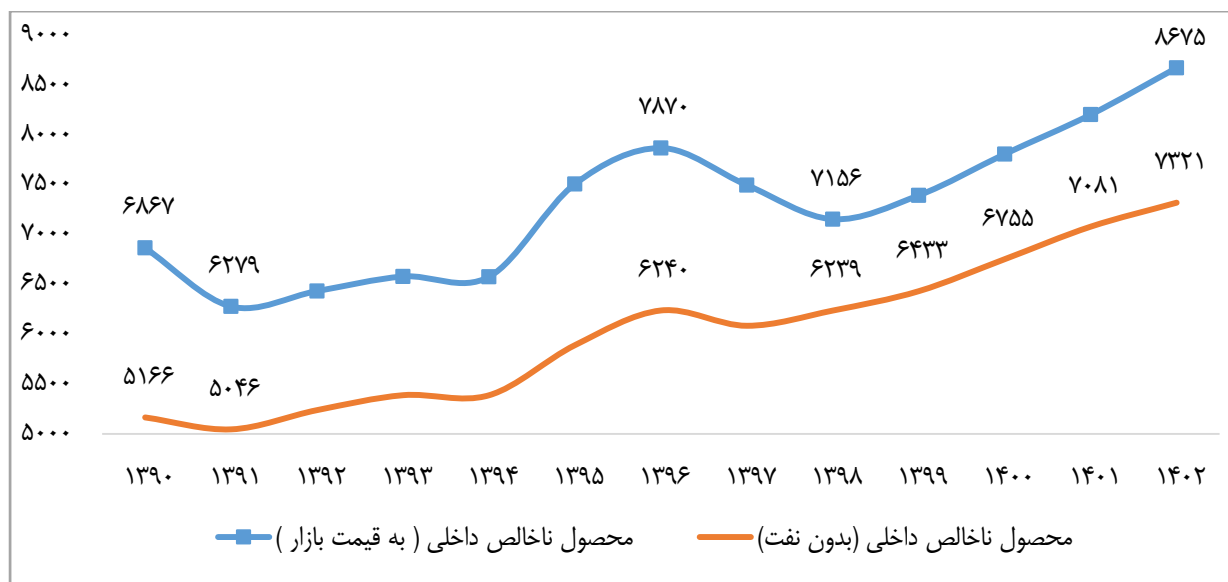
نمودار ۱-۲: رشد محصول ناخالص داخلی با و بدون نفت به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰



در تحلیل این آمار باید اشاره کرد که از ابتدای دهه ۱۳۹۰ به دلیل پدیدار شدن تاثیر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و افزایش هزینه‌های تولید و دور اول تحریم‌ها (۱۳۹۱) و مشکلات ناشی از آن از جمله تأمین ارز واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز تولید، تولید ناخالص داخلی با رشد منفی مواجه شد. اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۶ تقریباً بعد از کاهش نسبی تحریم‌ها در سال ۱۳۹۵ و رشد اقتصادی ۱۴,۲ درصدی، به روند بلندمدت خود برگشت به طوری که رشد ارزش افزوده تقریباً در تمامی زیرگروه‌های تشکیل‌دهنده تولید ناخالص داخلی مثبت بود و سبب شد تا در مجموع اقتصاد کشور رشد اقتصادی ۴,۸ درصدی را تجربه کند. اما در سال ۱۳۹۷ با تغییر شرایط بین‌المللی کشور، خروج ترامپ از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا (دور دوم تحریم‌ها) مجدداً اقتصاد کشور با رشد منفی مواجه شد و رشد منفی در سال ۱۳۹۸ نیز ادامه یافت. از سال ۱۳۹۹ با اعمال سیاست‌های حمایتی دولت از بخش تولید و مثبت شدن فضای بین‌المللی (تحت تاثیر تغییر دولت آمریکا) به طور نسبی روند رو به بهبود داشته است. مطابق آمارهای رسمی مرکز آمار، تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص بدون نفت از سال ۱۳۹۹ با رشد مثبت همراه شده و به ترتیب با نرخ ۳,۳ و ۳,۱ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۴۰۰ با کاهش محدودیت از فعالیت‌های اقتصادی که به دلیل همه‌گیری کرونا بوجود آمده بود و بهبود در صادرات نفت کشور و تسهیل در واردات مواد اولیه و واسطه‌ای، رشد اقتصادی کل به ۵,۶ درصدی و رشد اقتصادی بدون نفت به ۵ درصد افزایش یافت. در ادامه، در سال ۱۴۰۱ عمدتاً به دلیل افزایش رشد ارزش افزوده بخش صنعت و ادامه رشد بخش نفت، سومین سال متوالی رشد اقتصادی مثبت را به ثبت رساند و رشد اقتصادی کل به عدد ۵,۱ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت به رقم ۴,۸ درصد رسید. روند بهبود رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه یافت که عمدتاً از ناحیه بخش نفت و گاز و برخی از زیربخش‌های گروه خدمات بوده است که در مجموع رشد اقتصادی با نفت و بدون نفت را به ترتیب به رقم ۵,۷ و ۳,۴ درصد رسانید. در سه سال اخیر رشد اقتصادی مثبت و با سرعت‌های مختلف ادامه داشته است که با توجه به شرایط اقتصادی کشور رقم مناسب و قابل قبول محسوب می‌شود.

در نمودار ۲-۲ روند تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که این شاخص در سال ۱۳۹۱ به دلیل شروع تحریم‌های بین‌المللی نسبت به سال ۱۳۹۰ با کاهش حدود ۸,۵ درصدی روبرو شد اما با رشد آرامی در سال‌های بعد رو به افزایش می‌گذارد تا جایی که سطح تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است. با بازگشت تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ تولید ناخالص داخلی کاهش می‌یابد و این روند نزولی تا سال ۱۳۹۸ ادامه‌دار می‌شود. با این حال، از سال ۱۳۹۹ دوباره این شاخص رو به افزایش گذاشته تا جایی که سطح تولید در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۳۹۸ با افزایش حدود ۲۱ درصدی به عدد ۸۶۷۵ هزار میلیارد ریال رسیده است.

نمودار ۲-۲: محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۹۰ (هزار میلیارد ریال)



مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

اجزای تولید از منظر عرضه و تقاضا

بررسی تحولات تولید از منظر گروه‌های مختلف سمت عرضه اقتصاد می‌تواند اطلاعات مهمی را در اختیار کارشناسان، تصمیم‌گیران و پژوهشگران قرار دهد. طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ سهم ارزش افزوده گروه کشاورزی از کل تولید به‌طور متوسط ۸٫۶ درصد بوده است. با این حال باید در نظر داشت که کشور در سال‌های اخیر وارد دوره خشکسالی شده و میانگین بارش سالانه کشور با توجه به میانگین بلندمدت آن، ۲۳ درصد در سال آبی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ کاهش یافته است (جدول ۱-۲). به نظر می‌رسد کشور در سال‌های آتی به‌طور گسترده با کم‌آبی مواجه خواهد بود که این وضعیت در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی تاثیر منفی خواهد داشت. در این راستا لازم است الگوی کشت در کشور اصلاح و تسریع شود و راندمان آبیاری بهبود یابد که تحقق این امر نیز به نوبه خود نیازمند اصلاح نوین آبیاری و هوشمندسازی الگوی کشت و در نهایت نیاز به سرمایه‌گذاری بالایی است.

جدول ۱-۲: وضعیت ریزش‌های جوی در سال آبی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ (از اول مهر ۱۴۰۲ تا پایان اسفند ۱۴۰۲)

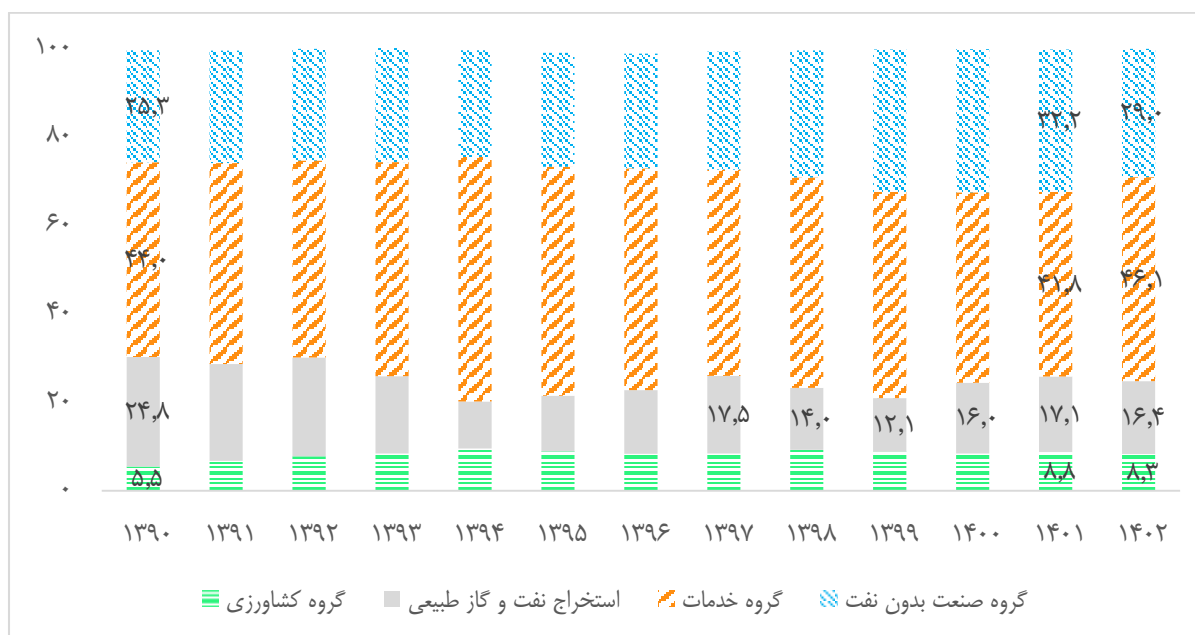
ارتفاع بارندگی (میلیمتر)		درصد اختلاف نسبت به	
سال آبی جاری	سال آبی گذشته	میانگین بلندمدت	سال آبی گذشته

۱۳۴,۵	۱۵۲,۳	۱۷۴,۴	-۱۲	-۲۳
-------	-------	-------	-----	-----

مأخذ: وزارت نیرو

در رابطه با گروه استخراج نفت و گاز طبیعی نیز به علت مواجهه کشور با دو تحریم بین‌المللی طی دهه ۹۰، سهم گروه نفت از تولید ناخالص داخلی کشور که در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۵ درصد بود در سال ۱۴۰۲ به حدود ۱۶ درصد کاهش یافت (نمودار ۳-۲). گرچه در سه سال اخیر، سهم گروه نفت از تولید افزایش داشته است، اما با توجه به این که طی سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری جدی در بخش نفت انجام نشده است، احتمالاً افزایش قابل توجهی در ظرفیت تولید در سال‌های آتی رخ نخواهد داد و حتی در صورت رفع تحریم‌ها، افزایش مقدار صادرات از این گروه در کوتاه مدت انتظار نمی‌رود. بنابراین تداوم نرخ رشد اقتصادی بالا در این گروه در سال‌های آینده قابل تصور نیست.

نمودار ۳-۲: روند سهم و ترکیب ارزش افزوده گروه‌های اصلی اقتصادی از تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (درصد)



مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

جدول ۲-۲: سهم هر بخش از تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (درصد)

سال / فصل	۱۴۰۱	۱۴۰۲	میانگین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲
گروه کشاورزی	۸,۸	۸,۳	۸,۶
کشاورزی	۸,۲	۷,۷	۸,۰
ماهیگیری	۰,۶	۰,۶	۰,۶
گروه صنعت	۴۹,۲	۴۵,۴	۴۴,۷
معادن	۱۹,۰	۱۸,۵	۱۷,۱
استخراج نفت و گاز طبیعی	۱۷,۱	۱۶,۴	۱۵,۵
سایر معادن	۱,۹	۲,۱	۱,۷
صنعت	۱۷,۵	۱۷,۰	۱۶,۸
تأمین آب، برق و گاز طبیعی	۱۰,۰	۷,۰	۷,۴
ساختمان	۲,۷	۲,۸	۳,۴
گروه خدمات	۴۱,۸	۴۶,۱	۴۶,۲
عمده و خرده فروشی، هتل و رستوران	۱۳,۱	۱۳,۱	۱۳,۲
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۷,۳	۸,۱	۷,۹
واسطه‌گری‌های مالی	۲,۵	۲,۵	۲,۶
مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار	۱۰,۶	۱۳,۳	۱۲,۲
امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری	۷,۰	۷,۴	۹,۴
خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی	۱,۲	۱,۷	۱,۰

مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

جدول ۲-۳: رشد ارزش افزوده و سهم از رشد هر بخش از کل رشد اقتصادی سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲

رشد ارزش افزوده	سهم از رشد هر بخش از رشد اقتصادی	رشد ارزش افزوده	سهم از رشد هر بخش از رشد اقتصادی	
۱۴۰۱		۱۴۰۲		
-۳,۳	-۰,۲	-۲,۱	-۰,۱	کشاورزی
۶,۶	۰,۹	۲۰,۳	۲,۸	استخراج نفت و گاز طبیعی
۰,۷	۰	۱,۵	۰	سایر معادن
۷,۷	۰,۹	۲,۱	۰,۳	صنعت
۹,۰	۰,۷	-۶,۱	-۰,۵	تأمین آب، برق و گاز طبیعی
-۲,۳	-۰,۱	۳,۴	۰,۱	ساختمان
۳,۷	۰,۴	۰,۱	۰	عمده و خرده فروشی، هتل و رستوران
۵,۰	۰,۴	۶,۴	۰,۶	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
۱,۷	۰,۱	۹,۸	۰,۸	واسطه‌گری‌های مالی
۵,۸	۰,۹	۰,۸	۰,۱	مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار
۰,۵	۰,۱	۱۰,۸	۱,۱	امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری
۵۹,۳	۰,۷	۲۸,۲	۰,۵	خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی
۵,۱		۵,۷		رشد اقتصادی
۴,۸		۳,۴		رشد اقتصادی بدون نفت

مآخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

در سال ۱۴۰۲ از بین گروه‌های مختلف اقتصادی، بیشترین نرخ رشد متعلق به گروه نفت به میزان ۲۰,۳ درصد می‌باشد که از رشد ۵,۷ درصدی ۲,۸ درصد آن متعلق به این گروه است. پس از آن، گروه خدمات با رشد ۵,۷ درصد، به میزان ۳,۱ درصد در رشد اقتصادی سال ۱۴۰۲ مشارکت داشته است. در گروه خدمات به ترتیب بخش‌های «امور عمومی، آموزش و بهداشت»، «واسطه‌گری‌های مالی» و «حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات» به ترتیب با رشد ۱۰,۸، ۹,۸ و ۶,۴ درصد بیشترین سهم را

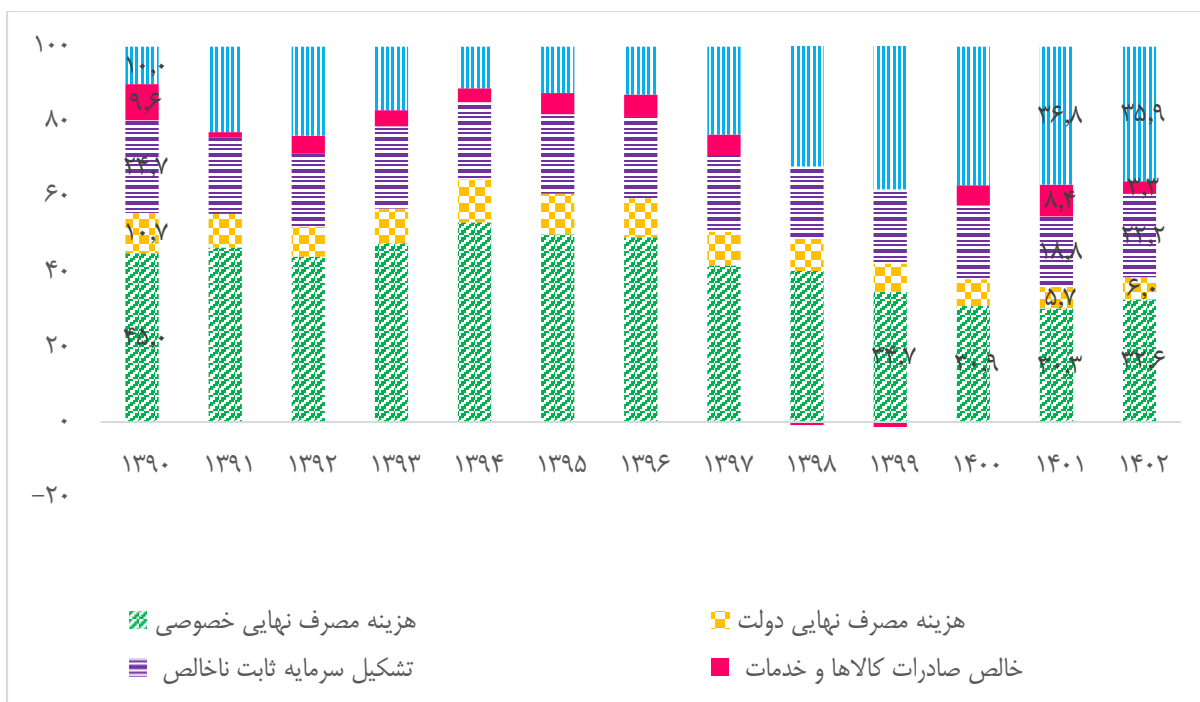
در این گروه به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل بخش‌های «تأمین آب، برق و گاز» و «کشاورزی» به ترتیب با رشدهای ۶,۱- و ۲,۱- درصدی اثر منفی بر رشد اقتصادی سال ۱۴۰۲ داشته‌اند (جدول ۲-۳).

رشد بخش صنعت نیز در سال ۱۴۰۲، به ۲,۱ درصد رسید که نسبت به سال ۱۴۰۱ (که رشد ۷,۷ درصدی را تجربه کرد) کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد. بخش مهمی از رشد صنعت در سال ۱۴۰۱ ناشی از رشد خودروسازی و صنایع بزرگ بوده است (جدول ۲-۳).

اجزای تقاضای کل (تولید به روش هزینه‌ای)

از منظر تقاضا در محاسبه تولید ناخالص داخلی به روش هزینه‌ای، فرض می‌شود که هر کالا و خدمت تولید شده در اقتصاد طی یک بازه زمانی مشخص، توسط یکی از بخش‌های تقاضای کل خریداری شده است. بنابراین کل هزینه ایجاد شده در اقتصاد متناظر با کل تولیدات کالا و خدمات است. این بخش‌ها شامل «مصرف نهایی خصوصی»، «مصرف نهایی دولتی»، «تشکیل سرمایه ثابت ناخالص»، «صادرات کالا و خدمات» و «واردات» است. مصرف نهایی خصوصی همان هزینه‌کرد خانوارها است و به نوعی مصرف آن‌ها را نشان می‌دهد. مصرف نهایی دولتی نیز همان مخارج دولت است. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش‌های ساختمان و ماشین‌آلات صورت می‌گیرد و نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری است. صادرات و واردات نیز نشان‌دهنده هزینه‌ای است که برای ارسال کالا به خارج کشور یا واردکردن کالا به داخل کشور صورت گرفته است. در نمودار ۲-۴ سهم هر کدام از بخش‌های هزینه‌ای از کل تولید ناخالص داخلی در طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ آورده شده است. در ادامه هر بخش به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمودار ۲-۴: روند سهم اجزای هزینه‌های نهایی به تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (درصد)



مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

جدول ۲-۴: سهم اجزای هزینه نهایی* از تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری

سال/ فصل	۱۴۰۱	۱۴۰۲	میانگین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲
هزینه مصرف نهایی خصوصی	۳۰,۳	۳۲,۶	۴۲,۰
هزینه مصرف نهایی دولت	۵,۷	۶,۰	۸,۷
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۱۸,۸	۲۲,۲	۲۰,۸
تشکیل سرمایه در ماشین آلات	۱۲,۸	۱۶,۰	۱۲,۳
تشکیل سرمایه در ساختمان	۶,۰	۶,۲	۸,۵
خالص صادرات کالاها و خدمات	۸,۴	۳,۳	۴,۳
صادرات کالاها و خدمات	۲۶,۷	۲۵,۷	۲۱,۸
واردات کالاها و خدمات	۱۸,۳	۲۲,۴	۱۷,۵

مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

*تفاوت سرجمع اجزاء تقاضای کل از ۱۰۰ ناشی از موجودی انبار می باشد.

جدول ۲-۵: رشد هزینه نهایی و سهم از رشد هر بخش از کل رشد اقتصادی به قیمت ثابت ۹۰ (درصد)

رشد هزینه نهایی	سهم از رشد هر بخش از رشد اقتصادی	رشد هزینه نهایی	سهم از رشد هر بخش از رشد اقتصادی
۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۱	۱۴۰۲
هزینه مصرف نهایی خصوصی	۶,۸	۳,۴	۲,۶
هزینه مصرف نهایی دولت	۵,۸	۱,۲	۳,۵
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۲,۵	۰,۳	۰,۵
تشکیل سرمایه در ماشین آلات	۸,۳	۰,۴	۰,۳
تشکیل سرمایه در ساختمان	-۲,۳	-۰,۱	۰,۲
خالص صادرات کالاها و خدمات	۲۹,۴	۲,۰	۱,۲
صادرات کالاها و خدمات	۲۳,۳	۲,۱	۱,۴
واردات کالاها و خدمات	۶,۰	۰,۱	۰,۲
رشد اقتصادی	۵,۱	۵,۷	
رشد اقتصادی بدون نفت	۴,۸	۳,۴	

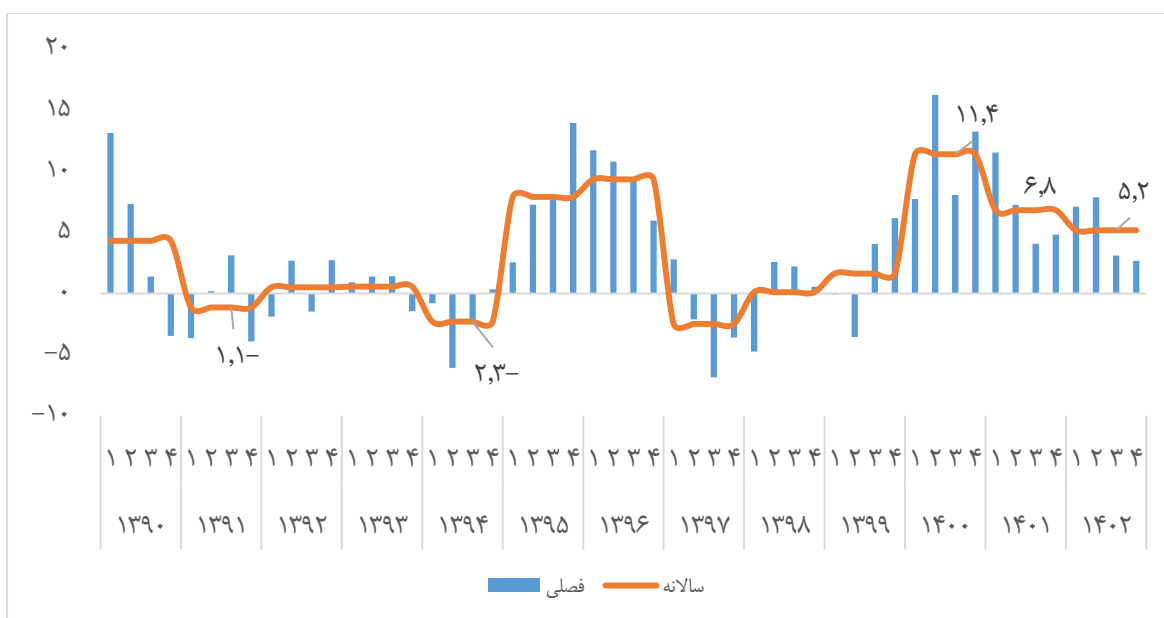
مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

در رابطه با هزینه مصرف خصوصی، اگر آمارهای تعدیل‌شده با سال پایه ۱۳۹۰ را بررسی شود، می‌توان گفت که اقتصاد کشور شاهد افت رفاه و کاهش مخارج مصرفی در این بخش بوده است. با وضع تحریم در ابتدای دهه ۱۳۹۰ و افت درآمدهای نفتی و همچنین جهش قیمت ارز، سطح مصرف نهایی بخش خصوصی افت قابل‌توجهی به ثبت رسانده است. بر این اساس از زمستان ۱۳۹۰ تا پاییز ۱۳۹۲، ۵ فصل از ۸ فصل رشد منفی مصرف نهایی بخش خصوصی را به ثبت رساندند. در سال ۱۳۹۴، هم‌زمان با افت قیمت نفت در بازارهای جهانی مجدداً رشد مصرف خصوصی ارقام منفی را تجربه کرد. از زمستان ۱۳۹۳ تا پاییز سال ۱۳۹۴، اقتصاد ایران به مدت ۴ فصل پیاپی با افت مخارج مصرف نهایی خصوصی مواجه بوده است. به بیان بهتر، یک سال مداوم، دسترسی مصرف‌کنندگان به کالاها و خدمات مختلف با کاهش مواجه شده است. با رفع نسبی تحریم‌ها و افزایش رشد اقتصادی، سطح مخارج مصرف نهایی خصوصی به پیش از تحریم‌های سال ۱۳۹۰ بازگشت و از آن فراتر رود. با این حال این روند رو به رشد دیری نپایید که روند نزولی به خود گرفت. در دور دوم تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷، بار دیگر یک سال تمام اقتصاد ایران افت در سطح مصرف خصوصی را تجربه کرد. بر این اساس، اقتصاد ایران از تابستان ۱۳۹۷

تا بهار ۱۳۹۸ به مدت چهار فصل متوالی با کاهش مصرف خصوصی دست و پنجه نرم کرد. این روند بلافاصله با شروع بحران کرونا به مدت دو فصل دیگر تداوم پیدا کرد و در تابستان ۹۹ به اوج خود رسید (نمودار ۲-۵).

برای رشد هزینه مصرف نهایی خصوصی در اقتصاد ایران از پاییز سال ۱۳۹۹ تا پایان سال ۱۴۰۲ اعداد مثبتی به ثبت رسید ولی نرخ رشد سالانه آن به صورت پله‌ای روند کاهنده‌ای داشته است. با این حال باید به این نکته توجه کرد که افزایش مصرف می‌تواند از طریق صرف نظر از پس انداز و حفظ کیفیت کالاهای ضروری رخ دهد و لزوماً نمی‌توان از آن افزایش سطح رفاه را نتیجه‌گیری کرد. به طور مثال، ممکن است که خانوار بخش قابل توجهی از این افزایش میزان مصرف را به دلیل هزینه‌کرد در کالاهای اساسی نظیر خوراک یا تامین مسکن هزینه کرده باشد و سهم کالاهای غیر اساسی کمتر بوده است. بنابراین نمی‌توان عنوان کرد که رشد مثبت مصرف خانوار معادل رفاه باشد. از سوی دیگر، امکان دارد به دلیل بالاتر بودن تورم خوراکی‌ها و مسکن نسبت به متوسط تورم، خانوارها برای به دست آوردن سطح یکسانی از کالاها هزینه بالاتری را پرداخت کرده باشند (نمودار ۲-۵).

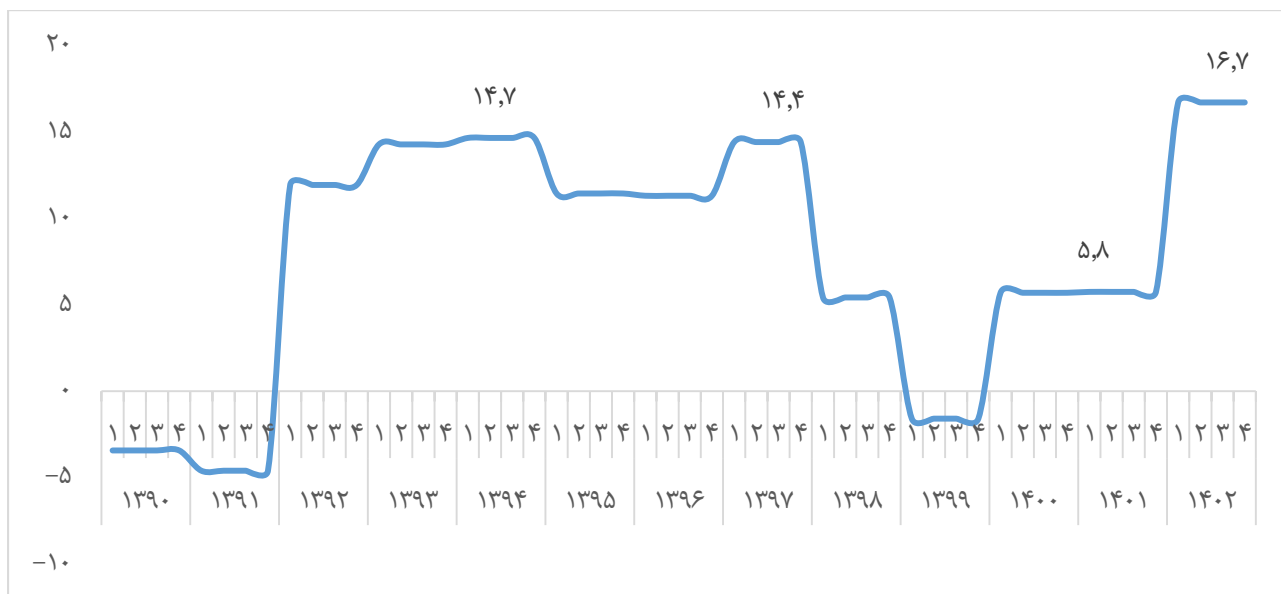
نمودار ۲-۵: رشد فصلی و سالانه هزینه مصرف نهایی خصوصی به قیمت ثابت ۱۳۹۰ (درصد)



مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

بررسی ارقام مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۲ در میان اجزای روش هزینه‌ای، رشد هزینه نهایی مصرف دولت به قیمت ثابت نسبت سال ۱۴۰۱ برابر با ۱۶,۷ درصد به ثبت رسیده که بیشترین رشد طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ بوده است. مخارج دولت به قانون بودجه در هر سال بستگی دارد که مقدار آن از قبل از شروع یک سال مشخص است. منظور از این مخارج تمام مخارجی است که دولت در سال جاری دارد که البته با رقم بودجه تفاوت‌هایی دارد. مثلاً پرداخت‌های رفاهی در محاسبه مخارج دولت لحاظ نمی‌شود. یا درآمد و هزینه دولت از جهت تجارت خارجی که در بودجه لحاظ می‌شود، در مخارج دولت محاسبه نشده و به صورت جداگانه در خالص صادرات و واردات کالاها و خدمات محاسبه می‌شود. مرکز آمار ایران برای محاسبه مخارج دولت در هر فصل، مبلغ کل مخارج را تقسیم بر چهار می‌کند و مخارج را در همه فصل‌های یک سال یکسان در نظر می‌گیرد. در حالی که مخارج دولت در واقعیت در همه فصل‌ها یکسان نیست. سهم رشد هزینه مصرف نهایی دولت در رشد کل اقتصادی در سال ۱۴۰۲ برابر با ۳,۵ درصد بوده است. یعنی حدود ۶۱ درصد از رشد کل به دلیل رشد مخارج دولتی بوده است و به طور نسبی بر اساس شواهد گذشته این سهم بسیار چشم‌گیر نشان می‌دهد (نمودار ۲-۶).

نمودار ۲-۶: سری زمانی رشد هزینه مصرف نهایی دولت به قیمت ثابت ۱۳۹۰ (درصد)

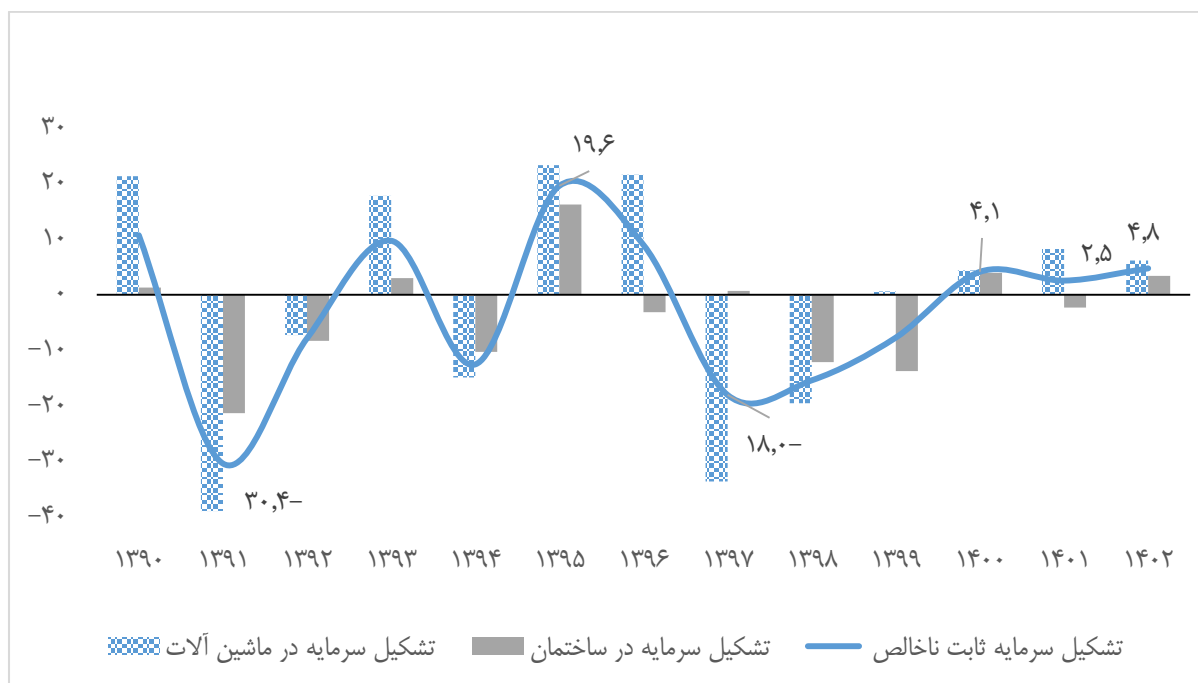


مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

یکی از متغیرهایی که در ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصاد و در نتیجه رشد تولید دخیل است، تشکیل سرمایه ثابت است که در نمودار ۷-۲ روند تغییرات تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ ارائه شده که رشد آن به طور متوسط سالانه منفی ۳,۴ درصد بوده است و بیانگر کاهش ایجاد ظرفیت‌های جدید در اقتصاد کشور در دهه اخیر می‌باشد. نرخ رشد تشکیل سرمایه در سال‌های متوالی و تقریباً نیمی از فصول و سال‌های دهه ۱۳۹۰ تاکنون، منفی یا صفر بوده و فقط در دو دوره به صورت پایاپای، مثبت بوده است؛ نخستین بار در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ و پس از آن، از سال ۱۴۰۰ تاکنون. مطابق این آمار، سرمایه‌گذاری در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ پس از گذراندن سه سال پیاپی رشدهای منفی، به ترتیب با رشدهای مثبت ۴,۱، ۲,۵ و ۴,۸ درصدی همراه بود.

سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری از حدود ۲۵ درصد در سال ۱۳۹۰، به حدود ۲۲ درصد در سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است (نمودار ۲-۴). طی دهه گذشته افزایش نااطمینانی و تشدید هزینه‌های تولید و مبادله موجبات کاهش تولید و خروج قابل توجهی از سرمایه‌های کشور از فعالیت‌های مولد شد و نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منفی شد. در مجموع بررسی وضع موجود تولید و سرمایه‌گذاری در کشور نشان می‌دهد، رشد این دو متغیر در طول دهه گذشته مستمر و پایدار نبوده و با اهداف تعیین شده در برنامه ششم (متوسط رشد سالانه ۲۲,۱ درصد) فاصله زیادی دارد.

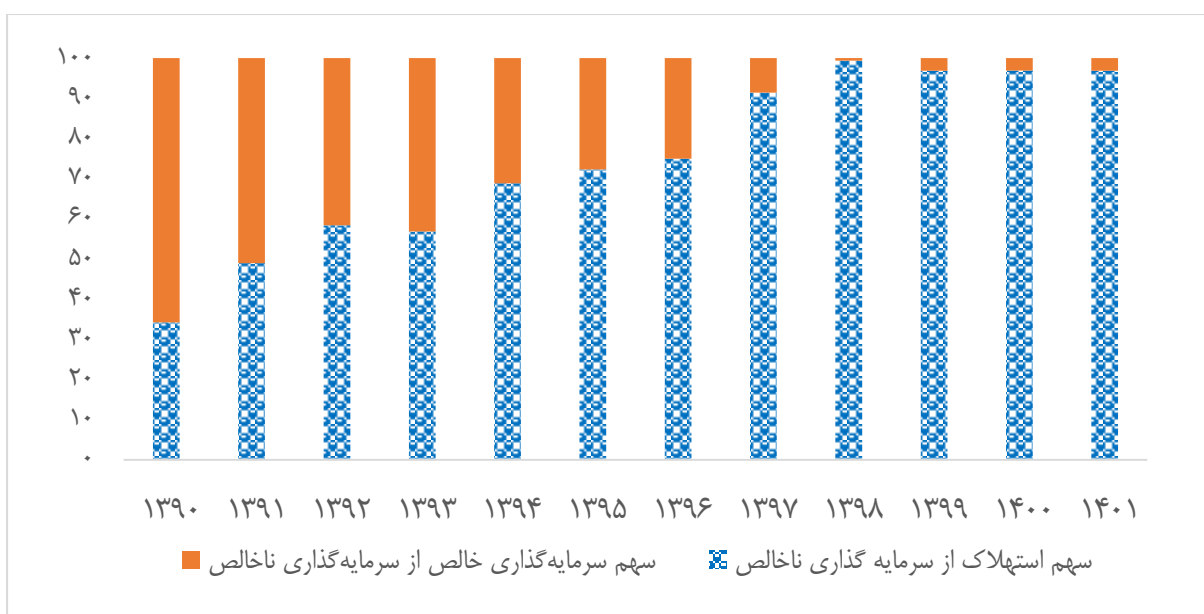
نمودار ۷-۲: تغییرات تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در اقتصاد ایران به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (درصد)



مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های مربوطه

در رابطه با میزان سرمایه‌گذاری خالص نیز می‌توان گفت که طبق آمار بانک مرکزی در طی دهه ۱۳۹۰، سهم سرمایه‌گذاری خالص از تشکیل سرمایه ناخالص کاهش و سهم استهلاک افزایش یافته است. به طوری که سهم هزینه استهلاک از تشکیل سرمایه از ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۹۷ درصد در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است. در این وضعیت، افول سرمایه‌گذاری یکی از محدودیت‌ها و تنگناهای اساسی در تحقق بخشی به رشد اقتصادی پایدار و فزاینده می‌باشد و اقتصاد ایران نیاز به تزریق حجم انبوهی سرمایه برای گذر از وضعیت فعلی دارد؛ در غیر این صورت، ضمن استهلاک شدید زیرساخت‌ها، به تدریج بنیه تولیدی کشور ایران تضعیف می‌شود و امکان بهبود تولید و درآمد سرانه به شکل پایدار وجود نخواهد داشت (نمودار ۲-۸).

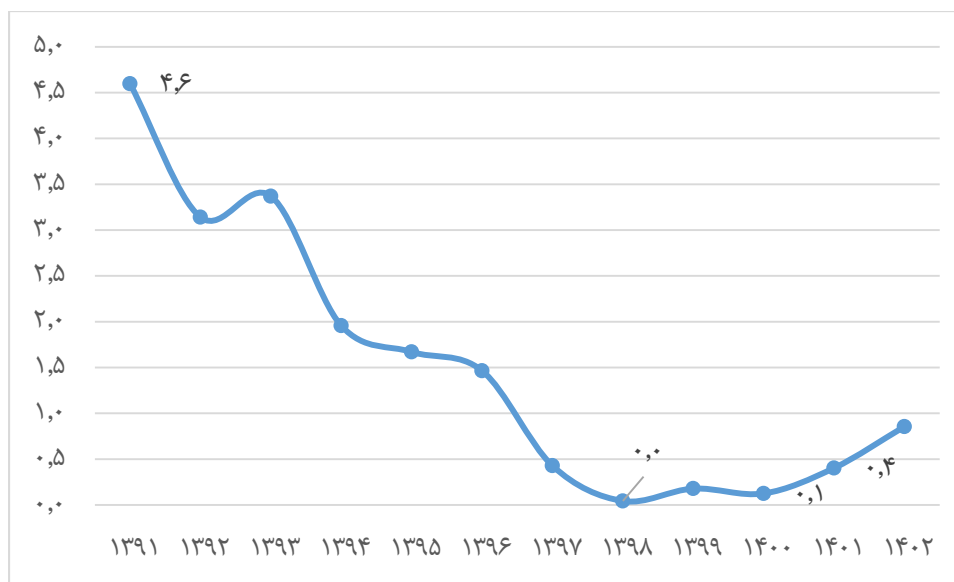
نمودار ۲-۸: ترکیب سرمایه‌گذاری خالص و استهلاک از سرمایه‌گذاری ناخالص به قیمت ثابت ۹۵ (درصد)



منبع: بانک مرکزی ج.ا. ایران سال‌های مربوطه

مطابق اطلاعات نمودار ۲-۹، رشد موجودی سرمایه در سال ۱۳۹۸ بسیار ناچیز و تقریباً "صفر بوده است که به معنی این است که در این سال سرمایه‌گذاری انجام شده در اقتصاد به حد جایگزینی موجودی سرمایه مستهلک شده اقتصاد رسید. سرمایه‌گذاری در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و بهار ۱۴۰۲ پس از گذراندن سه سال پیاپی رشدهای منفی (۱۳۹۷-۱۳۹۹)، به ترتیب با رشدهای مثبت ۴,۱ درصد، ۲,۵ درصد و ۷,۱ درصدی همراه بوده است و باعث شده تا موجودی سرمایه افزایش و رشد آن در سال ۱۴۰۱ به ۰,۵ درصد برسد. در مجموع، متوسط رشد سالانه موجودی سرمایه طی دوره ۱۳۹۹-۱۴۰۲ حدود ۰,۵ درصد بوده است.

نمودار ۲-۹: رشد موجودی سرمایه خالص ماشین‌آلات و ساختمان (درصد)



منبع: بانک مرکزی ج.ا. ایران سال‌های مربوطه

در مجموع طی دهه اخیر (از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲) اجزای تقاضای داخلی (مصرف خصوصی، مصرف دولتی و تشکیل سرمایه) با افت شدیدی مواجه شده است و این عامل مهمی در کاهش تقاضای اقتصاد بوده است. بهبود این شاخص‌ها در سال ۱۴۰۲ تا حدودی توانسته است وضعیت را به سمت روند بلندمدت برگرداند.

ضریب فزاینده سرمایه^۱ (ICOR) یکی از شاخص‌های اقتصادی مهم در ارزیابی کارایی سرمایه‌گذاری در تولید و رشد اقتصادی است. این شاخص نشان می‌دهد که برای افزایش یک واحد تولید ناخالص داخلی بیشتر به چند واحد سرمایه‌گذاری بیشتر احتیاج است. هر چقدر عددی که برای ICOR حاصل می‌شود، کمتر باشد به این معناست که کارایی سرمایه‌گذاری بیشتر است و با سرمایه‌گذاری کمتر می‌توان تولید بیشتری را ایجاد کرد. شاخص ICOR به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای رسیدن به یک هدف در رشد اقتصادی را برآورد کنند. علاوه بر این، این شاخص به عنوان یک معیار برای مقایسه کارایی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد یا مقایسه بین کشوری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در ایران ضریب فزاینده کل سرمایه طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ با فرض وقفه تأثیرگذاری ۱ تا ۳ سال به طور متوسط بین ۵ تا ۷ بوده است. این نشان می‌دهد که برای تولید یک واحد تولید ناخالص داخلی در کشور بین ۵ تا ۷ واحد سرمایه‌گذاری نیاز است. این میزان ضریب فزاینده نسبتاً بالاست و نشان از عدم کارایی نسبی سرمایه‌گذاری در ایران عمدتاً به دلیل فناوری پایین ابزارهای تولید و وجود طرح‌های راکد و نیمه‌تمام زیاد در بخش‌های خصوصی و عمومی اقتصاد کشور می‌باشد.

^۱ (Incremental capital output ratio)

ضریب فزاینده سرمایه در بخش کشاورزی بین ۰,۲ تا ۰,۳، بخش نفت بین ۰,۱ تا ۰,۲، بخش صنایع و معادن بین ۱ تا ۱,۳ و بخش خدمات بین ۴ تا ۶ گزارش شده است. این اعداد نشان می‌دهد که کارایی بخش نفت و کشاورزی نسبت به دو بخش دیگر بیشتر است. بخش خدمات کارایی نسبتاً کمتری نسبت به سایر بخش‌ها دارد. بخش خدمات شامل فعالیت‌هایی مانند حمل و نقل، ارتباطات، بانکداری، آموزش و بهداشت و ... است. این بخش علاوه بر هزینه‌های ثابت و اولیه سرمایه‌گذاری برای ایجاد ظرفیت تولیدی، هزینه‌های جاری مانند حقوق و دستمزد، اجاره و بهره سرمایه، هزینه‌های انبارداری و ... را نیز شامل می‌شود. همچنین عواملی ضعف مدیریت، فساد و مشکلات فضای کسب و کار می‌تواند به کاهش کارایی سرمایه‌گذاری در این بخش منجر شود. علاوه بر این برخی از سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش ممکن است صرفاً جنبه تجاری و غیرمولد داشته باشند. در این موارد، افزایش سرمایه‌گذاری لزوماً به افزایش تولید و عملکرد منجر نمی‌شود (جدول ۲-۶).

جدول ۲-۶: ضریب فزاینده سرمایه کشور ایران (ICOR)

ICOR (بانک جهانی)	ICOR کشور به تفکیک بخش‌ها طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۱ (بانک مرکزی)					
	کل اقتصاد	خدمات	صنایع و معادن	نفت و گاز	کشاورزی	بازه زمانی
۵,۲	۵,۵	۴,۲	۱,۰	۰,۱	۰,۳	یک ساله
۶,۰	۵,۹	۳,۶	۱,۲	۰,۲	۰,۲	دو ساله
۶,۷	۷,۴	۵,۶	۱,۳	۰,۱	۰,۳	سه ساله

مأخذ: بانک مرکزی، بانک جهانی و محاسبات دفتر اقتصاد کلان

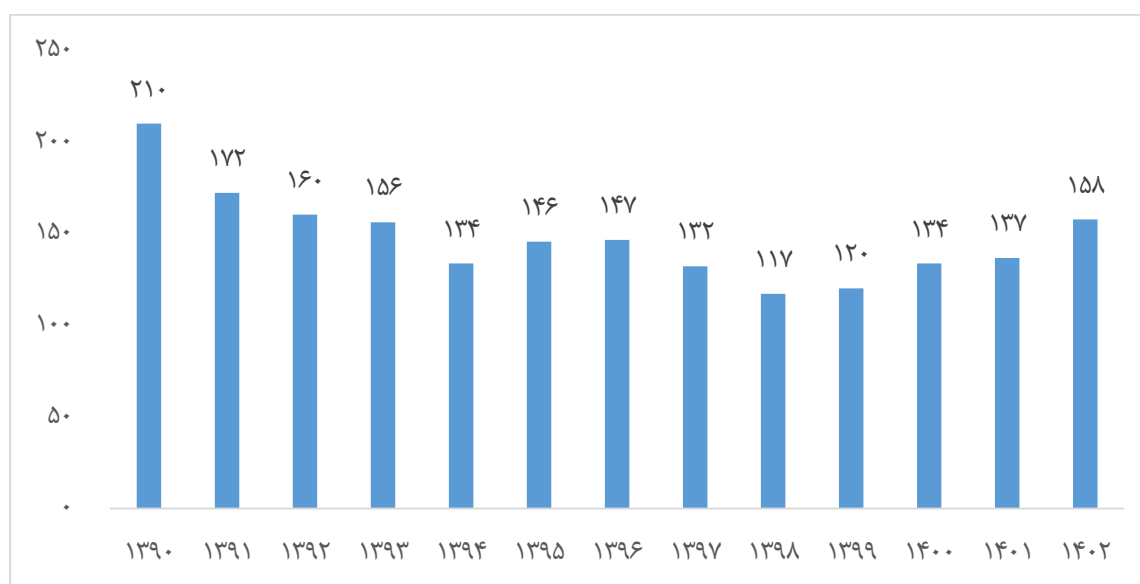
شاخص درآمد سرانه

ملاک کمی و قابل استناد برای سنجش میزان و سرعت توسعه کشور، رشد اقتصادی است. از طرف دیگر، درآمد سرانه مفهومی خاص‌تر از مفهوم توسعه است و اگر درآمد ملی بر جمعیت یک کشور تقسیم شود، درآمد سرانه به دست می‌آید که تا اندازه زیادی گویای بهره‌مندی شهروندان یک کشور از رفاه و امکانات می‌باشد و در واقع ثمره رشد اقتصادی است. طبق داده‌های بانک مرکزی ج.ا.ایران، سطح درآمد سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، در سال ۱۳۹۱ با آغاز دور اول تحریم‌های ظالمانه علیه اقتصاد کشور، نسبت به سال ۱۳۹۰ به یک باره کاهش ۱۸ درصدی را تجربه کرد و این شوک منفی به اقتصاد تنها به یک سال محدود نشد و تا سال ۱۳۹۴ روند کاهشی در درآمد سرانه ادامه یافت. در سال ۱۳۹۵ با کاهش نسبی تحریم‌ها

و ایجاد گشایش در شرایط بین‌المللی و افزایش فروش نفت سطح درآمد سرانه افزایش یافت ولی این شرایط پایدار نماند و تأثیر اخبار منفی پیرامون وضع دور دوم تحریم‌ها در اواخر سال ۱۳۹۶ و عملی شدن نهایی آن در ابتدای سال ۱۳۹۷ مجدداً درآمد سرانه روند نزولی به خود گرفت به طوری که در سال ۱۳۹۸ کمترین درآمد سرانه طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ برای اقتصاد کشور به ثبت رسید (نمودار ۲-۱۰).

در سال ۱۳۹۹ همه‌گیری کرونا نیز به شرایط تحریمی کشور اضافه شد و سبب شد که افزایش جدی در درآمد سرانه کشور رخ ندهد و سطح درآمد سرانه در حدود سال ۱۳۹۸ باقی بماند. در سال ۱۴۰۰ به دلیل برطرف شدن شرایط کرونایی، افزایش فروش نفت و استفاده از ظرفیت‌های خالی، اقتصاد کشور توانست خود را بازیابی کند و درآمد سرانه افزایش ۱۱ درصدی را نسبت به سال ۱۳۹۹ تجربه کرد. در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نیز در ادامه سال ۱۴۰۰ روند افزایشی در درآمد سرانه ادامه یافت به طوری که در سال ۱۴۰۲، سطح درآمد سرانه نسبت به سال ۱۴۰۱، ۱۵ درصد افزایش یافت. با وجود افزایش درآمد سرانه طی سال‌های اخیر به دلیل رشد اقتصادی ناچیز دهه ۱۳۹۰، هنوز سطح درآمد سرانه در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۳۹۰، فاصله ۲۵ درصدی دارد و در طی این بازه زمانی به طور متوسط سالانه با نرخ ۲,۵ درصد کاهش یافته است (نمودار ۲-۱۰). با فرض اینکه رشد اقتصادی کشور با نرخ ۵,۵ درصد (متوسط نرخ رشد سالانه طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲) در سال‌های آتی افزایش یابد، پنج سال طول می‌کشد تا سطح درآمد سرانه به مقدار سال ۱۳۹۰ برسد. ضمن آنکه میزان درآمد سال ۱۴۰۲ تقریباً ۷۵,۲ درصد درآمد سرانه سال ۱۳۹۰ اقتصاد ایران می‌باشد. به عبارت دیگر، اقتصاد ایران طی سه سال اخیر به رغم رشد نسبی اقتصادی مثبت نتوانسته است عقب ماندگی درآمد سرانه دهه ۱۳۹۰ را جبران کند.

نمودار ۲-۱۰: روند درآمد سرانه به قیمت ثابت سال ۹۵ بانک مرکزی ج.ا. ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ (میلیون ریال)

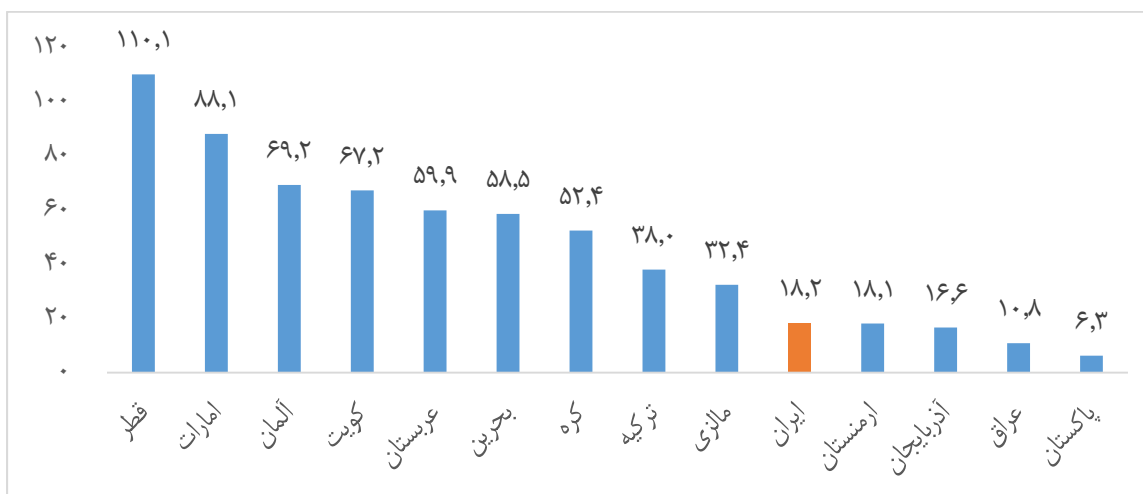


مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران

در نمودار ۲-۱۱ به مقایسه سطح درآمد سرانه ایران با چند کشور منتخب در سال ۱۴۰۱ به قیمت جاری و به روش برابری قدرت خرید (PPP) پرداخته شده است. شاخص برابری قدرت خرید مشخص می‌کند که اگر تمام کشورها از یک ارز استفاده می‌کردند، خرید کالاها و خدمات چقدر هزینه داشتند. به عبارتی برابری قدرت خرید (PPP) نوعی نرخ مبادله می‌باشد که با نسبت هزینه‌های دو سبد کالای یکسان در دو جامعه بر حسب ارزشهای ملی برابرست.

همان‌طور که مشاهده می‌شود ایران در میان کشورهای خاورمیانه نظیر قطر، امارات، کویت، عربستان، بحرین از وضعیت درآمد سرانه مناسبی برخوردار نیست. به عنوان مثال، درآمد سرانه قطر به عنوان یک کشور صادرکننده گاز حدوداً ۶ برابر درآمد سرانه ایران و عربستان به عنوان صادرکننده نفت درآمد سرانه ۳,۳ برابر اقتصاد ایران را داراست. با فرض اینکه رشد اقتصادی کشور با نرخ ۵,۵ درصد در سال‌های آتی افزایش یابد، به ترتیب حدود ۳۳ و ۲۲ سال طول می‌کشد تا سطح درآمد سرانه به مقدار کنونی درآمد سرانه کشورهای قطر و عربستان برسد.

نمودار ۲-۱۱: مقایسه سطح درآمد سرانه ایران با چند کشور منتخب در سال ۲۰۲۲ به قیمت جاری به روش برابری قدرت خرید (هزار دلار)

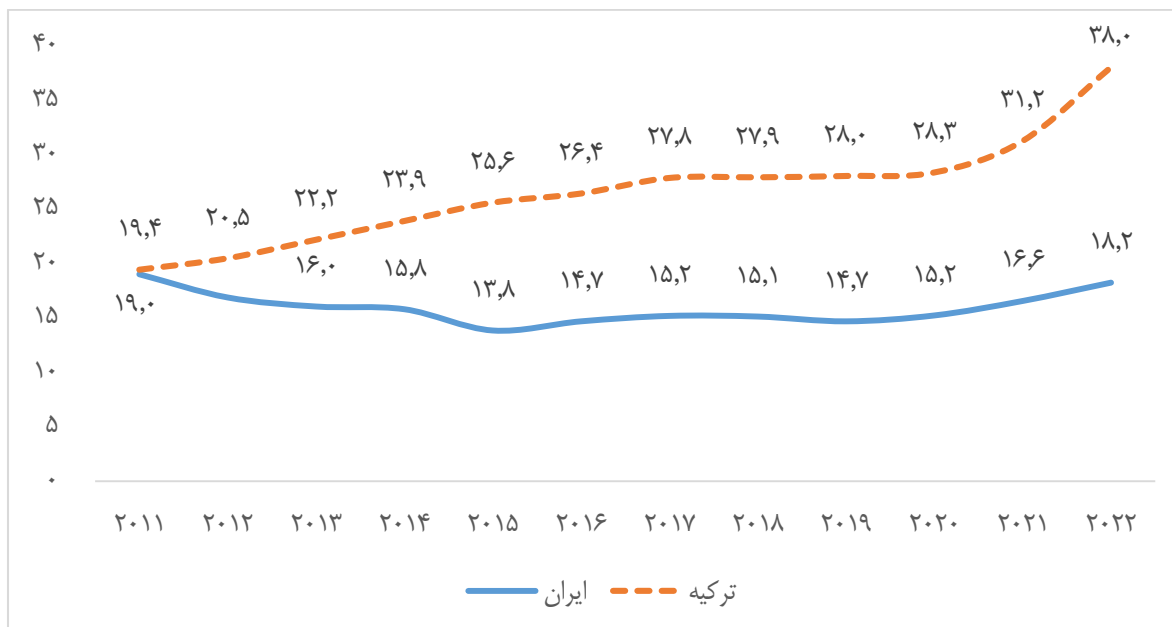


مأخذ: بانک جهانی WDI ۲۰۲۴

در نمودار ۲-۱۲ روند تغییر درآمد سرانه ایران با کشور ترکیه طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۱ (۲۰۱۱-۲۰۲۲ میلادی) مقایسه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود درآمد سرانه به قیمت جاری با روش برابری قدرت خرید هر دو کشور تقریباً در سال ۱۳۹۰ در سطح یکسانی قرار داشته است ولی دو مسیر متفاوت را در طی سال‌های بعدی طی کرده‌اند؛ به طوری که درآمد سرانه ایران در پایان سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۱۱ با کاهش حدود ۴ درصدی مواجه شده درحالی‌که درآمد سرانه ترکیه در

سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۱۳۹۰ افزایش ۹۵ درصدی داشته است. این دو روند متفاوت در نهایت سبب شده است که در سال ۲۰۲۲ درآمد سرانه ترکیه حدود ۲ برابر درآمد سرانه در ایران باشد. با فرض اینکه رشد اقتصادی کشور با نرخ ۵,۵ درصد در سال‌های آتی افزایش یابد، حدود ۱۳ سال طول می‌کشد تا سطح درآمد سرانه به مقدار کنونی درآمد سرانه ترکیه برسد.

نمودار ۲-۱۲: مقایسه روند درآمد سرانه ایران و ترکیه به قیمت جاری طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ به روش برابری قدرت خرید (هزار دلار)



ماخذ: بانک جهانی ۲۰۲۴ WDI

منشأ رشد اقتصادی از منظر عوامل تولید

مطابق آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، رشد اقتصادی از ۱۳۹۹ به صورت مستمر مثبت بوده به نحوی که، متوسط رشد اقتصادی سالانه دوره ۱۴۰۰-۱۴۰۲ حدود ۴,۳ درصد بوده است (نمودار ۲-۱). با عنایت به اینکه طی مدت یاد شده متوسط رشد سالانه موجودی سرمایه ناچیز و حدود ۰,۵ درصد و متوسط رشد سالانه اشتغال ۱,۷ درصد بوده، این سوال مطرح شده است که دلیل متوسط رشد اقتصادی ۴,۳ درصدی طی سه سال ۱۴۰۰-۱۴۰۲، چه می‌تواند باشد؟

برای پاسخ به سوال فوق و پی بردن به نقش هر یک از عوامل تولید، لازم است رشد اقتصادی کشور به عوامل آن تجزیه شود. بدین منظور از تابع تولید بهره گرفته شده که متغیرهای اساسی تولید شامل سرمایه، نیروی کار و فناوری (بهره‌وری) را با هم در ارتباط و سازگار در نظر می‌گیرد. با توجه به محاسبات انجام شده، طی دوره ۱۴۰۰-۱۴۰۱، حدود ۷۷ درصد رشد

اقتصادی ایران، حاصل رشد بهره‌وری کل عوامل تولید (به ویژه استفاده از ظرفیت‌های خالی بخش‌های مختلف اقتصادی و یا ظرفیت‌های معطل تولید خصوصاً در بخش نفت و خدمات که به واسطه شدت همه‌گیری کرونا در سال ۱۳۹۹ تا اواسط ۱۴۰۰ با محدودیت فعالیت مواجه شدند) بوده است. از آنجا که طی سه سال اخیر، بخشی مهمی از رشد اقتصادی به دلیل به کارگیری ظرفیت‌های معطل به ویژه در بخش نفت و خدمات بوده است، با کاهش این ظرفیت‌ها این نگرانی وجود دارد اثر عامل مذکور به تدریج کاهش و از رشد اقتصادی کشور کاسته شود. به عبارت دیگر، پایدار بودن افزایش سهم بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) بستگی به نحوه و به کارگیری عوامل تولید از فناوری و نوآوری است که کیفیت رشد اقتصادی را در میان مدت و بلندمدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تجربه اکثر کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا نیز می‌باشد.

گفتنی است، نیروی کار به عنوان عامل مهم تولید در سال ۱۳۹۹ به شدت تحت تأثیر همه‌گیری کرونا قرار گرفت و اشتغال کاهش قابل ملاحظه بیش از یک میلیون نفر (۱۰۱۰ هزار نفر) داشت. لیکن از سال ۱۴۰۰ خالص ایجاد اشتغال بهبود نسبی داشت و به میزان ۱۸۴ هزار نفر و در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به ترتیب به میزان ۲۶۸ هزار نفر و ۷۷۴ هزار نفر به شاغلین کشور اضافه شد و در مجموع رشد متوسط سالانه اشتغال در دوره ۱۴۰۰-۱۴۰۲ حدود ۱,۷ درصد بوده است.

جدول ۲-۷: منشأ رشد اقتصادی ایران از بعد عوامل تولید طی دوره ۱۴۰۰-۱۴۰۲

رشد بهره‌وری کل عوامل تولید- درصد	رشد اشتغال- درصد	رشد موجودی سرمایه خالص (ماشین آلات و ساختمان)- درصد	رشد اقتصادی- درصد	
۱,۶	۱,۷	۰,۵	۴,۳	رشد متوسط سالانه طی دوره (۱۴۰۰-۱۴۰۲)
۷۷	۶	۱۷	۱۰۰	سهم عوامل در رشد اقتصادی دوره (۱۴۰۰-۱۴۰۲)

مآخذ: محاسبات با استفاده از آمارهای بانک مرکزی ج.ا.ایران برای موجودی سرمایه و تولید و اشتغال مرکز آمار ایران

پیش‌بینی رشد اقتصادی

برای تبیین و پیش‌بینی رشد اقتصادی در سال جاری، عملکرد سه ماهه اول رشد اقتصادی و عملکرد مولفه مهم تأثیر گذار بر رشد اقتصادی بر اساس آخرین آمار موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به استناد آمار بانک مرکزی ایران، نرخ رشد اقتصادی فصلی در بهار ۱۴۰۳ بر مبنای قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵، برابر با ۳,۲ درصد بوده است.^۱ این آمار حاکی از کاهش ۲,۵ واحد درصدی رشد فصلی اقتصاد ایران در بهار امسال نسبت به مدت مشابه

^۱ حسابهای ملی مرکز آمار برای فصل اول منتشر نشده است.

سال گذشته است. رشد اقتصادی بدون نفت نیز در این فصل، ۲,۵ درصد برآورد شده است که نسبت به بهار سال گذشته کاهش ۲,۱ واحد درصدی را نشان می‌دهد. عمده دلایل کاهش شدت رشد اقتصادی، کاهش رشد بخش نفت و گاز، در مقایسه با سال گذشته بوده که با روندی کاهشی مواجه شده و از ۱۶,۵ درصد در فصل اول سال ۱۴۰۲ به ۹,۵ درصد در فصل اول ۱۴۰۳ رسیده است. بررسی آمار رشد گروه نفت و گاز نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ و با کاهش محدودیت‌ها از فعالیت‌های اقتصادی در سطح جهان و بهبود تقاضای نفت و سخت‌گیری کمتر برای صادرات نفت کشور به دلیل فضای اقتصاد بین‌المللی و بحران اوکراین، به واسطه رشد تولید و صادرات، رشد ارزش افزوده این بخش روندی صعودی به خود گرفت. اکنون و با گذشت زمان، رشد بخش نفت و گاز، تقریباً در حداکثر توان تولید و صادرات می‌باشد و در فصول آتی نقش آن در رشد اقتصادی تعدیل خواهد شد. به نظر می‌رسد رشد اقتصادی در آینده و با حذف کامل اثر رشد نفتی، به موتور محرک دیگری نیاز داشته باشد. در گروه صنعت نیز میزان رشد در بهار ۱۴۰۲، ۳,۸ درصد بوده که به ۳,۶ درصد در بهار ۱۴۰۳ کاهش پیدا کرده است. گروه خدمات که در نبود سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصاد، همواره نوعی پیشران در رشد اقتصادی بوده، در بهار ۱۴۰۳ به ۱,۹ درصد کاهش پیدا کرده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش ۳,۷ واحد درصدی را نشان می‌دهد (جدول ۲-۸).

در طرف تقاضا، میزان رشد اقتصادی از ناحیه مصرف نهایی بخش خصوصی در بهار امسال به ۰,۷ درصد کاهش یافته است که در مقایسه با رقم ۸,۳ درصدی مدت مشابه سال قبل، معنادار است و نشان می‌دهد تقاضای مردم برای کالاهای تولید داخل افزایش چندانی در مقایسه با بهار ۱۴۰۲ نداشته است و کماکان نگرانی از تداوم کاهش رفاه خانوارها وجود دارد. همچنین نرخ رشد شاخص مصرف نهایی بخش دولتی در نخستین فصل سال منفی ۷,۳ درصد بوده است. این در حالی است که بهار سال قبل، این شاخص مثبت ۴,۱ درصد به ثبت رسیده بود و نشان می‌دهد، مخارج دولت در ماه‌های آغازین سال، کم شده است. از سوی دیگر، دو بخش مهم صادرات و واردات کالاها و خدمات در شروع سال جاری، روند متفاوتی در مقایسه با سال قبل داشته‌اند؛ به نحوی که رشد صادرات نسبت به بهار سال قبل کاهشی بوده، اما رشد واردات افزایش داشته است. تشکیل سرمایه ثابت نیز با وجودی که در بهار ۱۴۰۳، رشد ۴,۶ درصدی را به ثبت رسانده و نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش ۳,۲ واحد درصدی داشته است، ولی هنوز تا میزانی که برای تحقق رشد ۸ درصدی مورد نیاز است فاصله معناداری دارد (جدول ۲-۸).

جدول ۲-۸: رشد اجزای طرف عرضه و تقاضا به قیمت ثابت ۹۵

فصل اول ۱۴۰۳	فصل اول ۱۴۰۲	به قیمت‌های ثابت سال ۹۵
۳,۱	۰,۶	گروه کشاورزی
۹,۵	۱۶,۵	گروه نفت
۳,۶	۳,۸	گروه صنایع و معادن
۱,۹	۵,۶	گروه خدمات
۰,۷	۸,۳	مخارج مصرفی نهایی بخش خصوصی
-۷,۳	۴,۱	مخارج مصرفی نهایی بخش دولتی
۴,۶	۱,۴	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
۸,۱	۱۴,۳	صادرات کالا و خدمات
۶	۱,۳	واردات کالا و خدمات
۳,۲	۵,۷	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه
۲,۵	۴,۶	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه (بدون نفت)

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا. ایران

عملکرد مولفه های موثر در رشد اقتصادی در نیمه اول ۱۴۰۳

- تورم:** طبق داده‌های مرکز آمار ایران تورم ماهانه که نشان‌دهنده درصد تغییر شاخص قیمت نسبت به ماه قبل می‌باشد در شهریور ماه ۱۴۰۳ برابر ۱,۷ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۰,۳ درصد کاهش یافته است. تورم نقطه به نقطه نیز که نشانگر درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل بوده، در ادامه روند کاهشی ۳۱,۲ درصد گزارش شده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین، ۳۱,۶ درصد بیشتر از مرداد ماه ۱۴۰۲ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات» هزینه کرده‌اند. نرخ تورم سالانه نیز که درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری را نشان می‌دهد در مرداد ماه ۱۴۰۳ برای خانوارهای کشور به ۳۴,۲ درصد رسیده که نسبت به ماه قبل، ۰,۷ واحد درصد کاهش یافته است. کاهش نرخ تورم و انتظارات تورمی می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های تولید و ثبات اقتصادی و پیش بینی پذیرش اقتصاد برای فعالین اقتصادی شود.
- درآمدهای دولت:** بررسی منابع بودجه‌ای دولت در پنج ماهه اول سال ۱۴۰۳ نشان دهنده افزایش درآمدهای دولت می‌باشد. در این مدت، مالیاتها (سازمان امور مالیاتی) به عنوان پایدارترین جزء منابع دولت، با ۴۴ درصد افزایش به

۴۰۶,۸ هزار میلیارد تومان و میزان درآمد حاصل از نفت و میعانات، با افزایش ۱۱۲ درصدی به ۲۷۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. قطعاً بهبود درآمدهای دولت می‌تواند باعث ایفای نقش موثرتر دولت در اقتصاد کشور و تامین مالی طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی شود. البته با توجه به اینکه جنس اعتبارات هزینه‌ای در سال‌های اخیر عمدتاً از جنس حقوق و دستمزد یا پرداختی‌های حمایتی ضروری است، و به دلیل بیش برآوردی منابع در قانون بودجه ۱۴۰۳، قطعاً کسری بودجه در سال جاری هم وجود دارد و نوع تامین مالی آن می‌تواند بر تورم و تخصیص اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه موثر باشد. پیشنهاد می‌شود جهت تحقق اهداف رشد اقتصادی، تخصیص اعتبارات عمرانی در اولویت باشد.

- **اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای:** در سال ۱۴۰۲ عملکرد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۳۰۴,۸ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد افزایش داشته و از درصد تحقق ۶۹ درصد برخوردار بوده است. روند افزایشی اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در پنج ماهه اول سال جاری نیز ادامه داشته است به نحویکه عملکرد تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در این مدت حدود ۴,۵ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۹ درصد بیشتر است. از آنجا که اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ضمن کمک به افزایش سرمایه‌گذاری دولتی، مکمل و تهییج کننده سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز تلقی می‌شود، افزایش آن سرمایه‌گذاری کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند به افزایش سرمایه‌گذاری و سپس افزایش رشد اقتصادی کشور که کمک کند.

- **درآمدهای نفتی:** عملکرد منابع تبصره (۸) قانون بودجه سنواتی تا پایان شهریور ماه سال ۱۴۰۳ بالغ بر ۲۱۱,۹ هزار میلیارد تومان بوده است که نشان‌دهنده تحقق ۵۵ درصد منابع مصوب شش ماهه می‌باشد. تنها ردیف فروش داخلی فرآورده‌های نفتی با درصد تحقق ۹۵ درصد عملکرد مناسبی در ۶ ماهه ابتدای امسال داشته است و میزان تحقق سایر ردیف‌های منابع مناسب نبوده و بطور خاص فروش صادراتی فرآورده‌های نفتی که اعتبار مصوب سالانه آن ۳۰۰ هزار میلیارد تومان می‌باشد تنها ۳۹ درصد تحقق داشته است که نشانگر وجود عدم تحقق منابع تبصره (۸) قانون بودجه است. به دلیل ماهیت اجتناب‌ناپذیر مصارف هدمندسازی یارانه‌ها بالغ بر ۲۱۲,۸ هزار میلیارد تومان از سایر منابع واریزی مانند مصوبات ویژه، تنخواه بانک مرکزی و خزانه و غیره تامین شده است و در مجموع کل منابع به ۴۲۴,۷ هزار میلیارد تومان بالغ شده است. از مجموع ۴۱۵,۸ هزار میلیارد تومان مصارف هدمندسازی، عمده آن به هزینه‌های اجتناب اختصاص یافته است. یارانه نقدی و معیشتی و یارانه آرد و نان به ترتیب با ۱۶۱ و ۱۶۷,۲ هزار میلیارد تومان اصلی‌ترین ارقام مصرفی هدمندسازی را تشکیل داده‌اند. مطابق روال سال‌های گذشته سهم پرداختی

به شرکت‌های تولید و توزیع‌کننده انرژی عملکرد بسیار پایینی داشته است و به جز ردیف مرتبط با شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در شش ماه ابتدایی سال مبلغی به آن‌ها پرداخت نشده است.

- **مشارکت اقتصادی:** مطابق نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در بهار ۱۴۰۳، نرخ بیکاری با کاهش ۰,۵ درصدی نسبت به فصل مشابه در سال قبل به ۷,۷ درصد، نرخ مشارکت بدون تغییر نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۱,۲ درصد و خالص ایجاد اشتغال افزایش ۴۴۰ هزار نفری داشته که ۱۲۸ هزار نفر آن مربوط به بخش صنعت و ۴۹۰ هزار نفر آن مربوط به بخش خدمات بوده است. البته به دلیل خشکسالی شاغلین بخش کشاورزی ۱۸۱ هزار نفر کاهش داشته است. با وجودی که وضعیت اشتغال، نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۲ و بهار سال ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه بهبود یافته، لیکن نرخ مشارکت اقتصادی که به فرصت‌های اشتغال و تقاضای درآمد بیشتر توسط افراد جامعه اشاره دارد (امیدواری برای پیدا کردن شغل) تغییر محسوسی نداشته و نسبت به دوران قبل از کرونا (۱۳۹۸) تفاوت ۳ واحدی دارد. به هر حال شرایط بازار کار در فصل نخست سال و عدم تحول در نرخ مشارکت اقتصادی موید کند شدن رشد اقتصادی نسبت به مدت مشابه سال قبل است.

- **ترکیب واردات:** مقایسه ترکیب واردات به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی، در پنج ماه اول ۱۴۰۳ در مقایسه با دوره مشابه سال قبل آن بیانگر افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای (۲,۲ درصدی) و سرمایه‌ای (۱۰,۴ درصدی) و افزایش واردات کالاهای مصرفی (۱۹ درصد) است. بدین ترتیب، نرخ رشد کالای مصرفی بیش از دو گروه دیگر بوده که تداوم افزایش نرخ رشد این گروه کالایی می‌تواند تاثیر منفی بر رشد اقتصادی ایجاد نماید.

- **صادرات غیرنفتی:** اصلی‌ترین سیاست غیرتورم‌زای افزایش تقاضای موثر، تسهیل و تشویق صادرات غیرنفتی است. بر اساس آمار گمرک، در پنج ماه اول ۱۴۰۳ بیش از ۶۰,۵ میلیون تن کالا به ارزش حدود ۲۲ میلیارد دلار صادر شده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل به لحاظ وزنی و ارزشی به ترتیب حدود ۷,۳ درصد و بیش از ۱۰ درصد افزایش داشته است. همچنین حدود ۱۵,۷ میلیون تن کالا به ارزش بیش از ۲۶ میلیارد دلار وارد کشور شده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزنی و ارزشی به ترتیب حدود ۸ درصد و ۵,۵ درصد افزایش داشته است. در مجموع حجم تجارت خارجی (مجموع صادرات و واردات) طی دوره مذکور حدود ۴۸,۳ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل آن ۷,۵ درصد افزایش یافته است. همچنین تراز تجاری غیرنفتی در پنج ماه اول ۱۴۰۳ با کسری حدود ۴,۴ میلیارد دلار مواجه بود؛ حال آنکه این تراز در دوره مشابه سال قبل، در حدود ۵ میلیارد

دلار کسری داشت. لذا روند افزایش صادرات غیرنفتی در سال جاری امیدوارکننده می باشد و می تواند ضمن کمک به تامین ارز و ایجاد ثبات در اقتصاد به گسترش بازار محصولات و خدمات تولید کمک کند.

- **تسهیلات سیستم بانکی:** تامین مالی اقتصاد کشور ایران، بانک محور است. کل تسهیلات پرداخت شده شبکه بانکی کشور به بخش های مختلف اقتصادی طی سال ۱۴۰۲ با ۲۸,۵ درصد افزایش نسبت به سال گذشته به ۲۲۹۵۶,۷ هزار میلیارد ریال بالغ گردیده است. از کل تسهیلات پرداختی، ۷۵,۶ درصد به صاحبان کسب و کار (حقوقی و غیرحقوقی) و ۲۴,۴ درصد به مصرف کننده نهایی (خانوار) تعلق گرفته است. کل تسهیلات پرداخت شده شبکه بانکی کشور به بخش های مختلف اقتصادی طی پنج ماهه اول سال ۱۴۰۳ معادل ۲۲۹۵۶,۷ هزار میلیارد ریال بوده است که نسبت به رقم دوره مشابه سال قبل به میزان ۲۸,۵ درصد افزایش نشان می دهد. شایان ذکر است، تسهیلات پرداختی به کل اقتصاد در طی پنج ماهه ۱۴۰۲ نسبت به مدت مشابه در سال ۱۴۰۱ نیز معادل ۲۶,۳ درصد رشد داشت. که این افزایش حدود ۲ درصدی در شتاب رشد تسهیلات می تواند علامت مثبتی برای رشد اقتصادی باشد. لازم است ضمن تلاش برای افزایش قدرت تسهیلات دهی بانک ها، اعطای تسهیلات به طرح های فاقد توجیه فنی، اقتصادی و مالی ممنوع شود و ابزارهای تأمین مالی مبتنی بر زنجیره تولید و تأمین مالی پروژه های اولویت دار در دستور قرار گیرد. همچنین سهم تسهیلات و تعهدات کلان و اشخاص مرتبط با بانک ها کاهش و سهم تسهیلات خرد افزایش یابد.

شایان ذکر است، از برنامه های مهم دولت برای حمایت توانان از تولید و اشتغال، اختصاص منابع عمومی در تبصره ۱۸ قوانین بودجه سنواتی سال های ۱۴۰۰-۱۴۰۲ جهت تلفیق با منابع بانکها و همچنین اختصاص منابعی از محل منابع قرض الحسنه (تبصره ۱۶ قانون بودجه) در جهت اعطای تسهیلات به افراد جویای کار و به بنگاه های کوچک و متوسط بوده تا با راه اندازی کسب و کار علاوه بر ایجاد درآمد و شغل برای خود، برای دیگران هم به ایجاد اشتغال مبادرت می کنند. طی سه سال گذشته، بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان منابع به صورت تسهیلات قرض الحسنه پرداخت شده و بیش از ۶۷,۵ هزار میلیارد تومان از منابع بودجه عمومی دولت به حمایت از تولید و اشتغال اختصاص یافته تا پس از با تلفیق با منابع بانکی (یک به دو) برای حمایت از تولید و اشتغال تسهیلات با نرخ ترجیحی اعطا شود. از محل تبصره ۱۸ قانون بودجه ۱۴۰۰ بیش از ۴۵,۸ هزار میلیارد تومان (پس از تلفیق منابع) تسهیلات و از محل تبصره ۱۸ قانون بودجه ۱۴۰۱ حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان تا پایان شهریور سال جاری تسهیلات شده است.

- **شاخص های تولید و فروش بازار سرمایه:** شاخص تولید، فروش و قیمت صنایع بورسی که با استفاده از اطلاعات ماهیانه ۳۲۲ شرکت بورسی توسط مرکز پژوهش های مجلس استخراج می شود، نشان می دهد که در طی تیرماه

سال ۱۴۰۳ شاخص تولید شرکت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با کاهش ۳,۵ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۸ درصدی مواجه شده و همچنین شاخص فروش شرکت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با کاهش ۵,۴ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۹,۸ درصدی مواجه شده است. گفتنی است؛ شاخص قیمت فعالیت‌های صنعتی بورسی نیز نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۶ درصد افزایش و نسبت به ماه قبل ۱,۴ درصد افزایش یافته است. در تیرماه ۱۴۰۳، شاخص تولید و شاخص فروش رشته فعالیت خودرو و قطعات، نسبت به ماه مشابه سال قبل، کاهش ۱۸ و ۱۹,۱ درصدی و نسبت به ماه قبل شاخص تولید و فروش کاهش ۲۰,۲ و ۶,۲ درصدی داشته است. همچنین، شاخص تولید و شاخص فروش رشته فعالیت فلزات پایه نسبت به ماه مشابه سال قبل کاهش ۷,۶ و ۱۱,۱ درصدی و نسبت به ماه قبل شاخص تولید و شاخص فروش کاهش ۱۵,۲ و ۱۷,۶ درصدی داشته است.

- **شامخ:** شاخص مدیران خرید (شامخ) با سوال از مدیران اقتصادی کشور در خصوص میزان سفارشات جدید، مقدار تولید محصولات، میزان استخدام نیروی انسانی، سرعت انجام سفارش و تحویل آن، میزان موجودی مواد خام و اولیه بدست می‌آید. عدد بالای ۵۰ شامخ، به منزله بهبود وضعیت و اعداد کمتر از ۵۰ بدتر شدن شرایط را در مقایسه با ماه پیش نشان می‌دهد. شامخ کل اقتصاد در مرداد ماه ۱۴۰۳، معادل ۴۴,۹ برآورد شده که نشان می‌دهد که سطح فعالیت‌های اقتصادی در این ماه همچنان کاهشی است و همچنین پس از تعدیل فصلی، این شاخص برای مرداد معادل ۴۷,۴ برآورد شده است که حاکی از رکود برای چهارمین ماه پیاپی است.

شاخص «میزان تولید محصول یا ارائه خدمات» بعد از تعدیل فصلی ۴۳,۴ به دست آمده است، که برای پنجمین ماه پیاپی کاهشی است و این شاخص در حالی که نسبت به تیر (۴۵,۲) کاهش شدیدتری داشته، دومین کمترین مقدار را در ۴۶ ماهه گذشته در سری تعدیل شده به ثبت رسانده است. تداوم قطعی برق در کارخانه‌ها و عدم تخصیص ارز به واردات مواد اولیه از عوامل اصلی تولید در ظرفیت‌های پایین‌تر از توان تولیدی کارخانه‌ها محسوب می‌شود.

شاخص «میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» پس از حذف اثر فصلی ۴۷,۷ به دست آمده است که نسبت به ماه قبل با شدت کاهش بیشتری همراه بوده است و کمترین مقدار ۴۵ ماهه را به ثبت رسانده است. شاخص «میزان فروش کالاها یا خدمات» نیز در مرداد ماه پس از حذف اثر فصلی، معادل ۴۶,۹ است که برای چهارمین ماه پیاپی کاهشی است و در ۱۹ ماه گذشته دومین کمترین میزان خود را به ثبت رسانده است. از جمله دلایل کاهش میزان استخدام و فروش می‌توان به کمبود نقدینگی در سمت تقاضا و رکود در تقاضای مشتریان داخلی و خارجی که بسیاری از شرکت‌ها را با مشکل کمبود منابع مالی مورد نیاز روبرو کرده اشاره کرد که در مجموع باعث شده تا

برخی از شرکت‌ها اشتغال را کاهش دهند و علاوه بر این به دلیل سطوح پایین دستمزد، تمایل نیروی انسانی به ماندن در شرکت‌ها را کاهش داده است.

- **مصرف برق:** یکی از بحران‌های پیش روی اقتصاد و صنعت کشور چالش ناترازی انرژی است به طوری که قطعی گاز در زمستان و قطعی برق در تابستان به یک الگوی تکرارشونده و مزمن تبدیل شده است. طبق آمار وزارت نیرو بررسی شاخص‌های کلان بخش برق در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد اگرچه ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور ۱,۷ درصد افزایش یافته، اما رشد تقاضای برق در زمان اوج مصرف ۵,۸ درصد بوده و به همین دلیل ناترازی برق شدت گرفته است. در سال ۱۴۰۲ حداکثر نیاز مصرف برق کشور ۷۳,۷ هزار مگاوات بود که در اوج تقاضا به میزان ۶۰,۸ هزار مگاوات تولید همزمان صورت گرفت و باقی آن از طریق مدیریت مصرف جبران شد.
- با توجه به ملاحظات دولت برای عدم قطع برق خانگی و تجاری در کشور، عملاً بار مدیریت مصرف بر عهده صنایع کشور قرار می‌گیرد. بر اساس گزارش وزارت صمت، میزان محدودیت برق در سال ۱۴۰۳ برای صنایع فولاد به ۷۵٪، صنایع سیمان به ۷۰٪ و صنایع کوچک به دو روز در هفته افزایش یافته است.
- طبق بررسی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، شدت تکانه قطع برق به کل اقتصاد در سطح بخش‌های اقتصادی یکسان نیست و شدت تکانه وارده بر اقتصاد ناشی از قطع برق در بخش «صنعت» ۳۶۹۷ برابر شدت تکانه وارده بر اقتصاد بخش «فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی» است. در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی نیز مجدداً بخش «صنعت» به میزان بالایی از قطعی برق تأثیر می‌پذیرد. به عنوان مثال قطعی برق بخش «صنعت» ۹۳۸ برابر بخش «فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا»، ۱۱۷ برابر بخش «آموزش»، ۳۳ برابر بخش «استخراج معدن»، ۲۳ برابر «عمده‌فروشی و خرده‌فروشی» و ۱۵ برابر بخش «کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری» موجب کاهش تولید ناخالص داخلی می‌شود. قطعی برق حتی در میان رشته فعالیت‌های مختلف صنعتی نیز با شدت متفاوتی اثرگذار است. لذا در کنار برنامه‌های افزایش تولید برق نیاز است که سیاست‌گذاری مدیریت مصرف برق بر اساس درجات آسیب‌پذیری بخش‌های مختلف اقتصادی صورت گیرد تا خسارت ناشی از قطع برق بر تولید حداقل گردد. در حوزه تنوع سبد تولید برق نیز آمار موجود نشان‌دهنده اتکای بیش از حد (بیشتر از ۹۰ درصد) تولید برق کشور به سوخت‌های فسیلی است. ناترازی گاز طبیعی در فصل سرد و همچنین زیان‌های اقتصادی و زیست‌محیطی سوخت‌های مایع، توجه بیشتر به توسعه منابع غیرفسیلی تولید برق (به خصوص تجدیدپذیر) و افزایش راندمان نیروگاه‌های حرارتی را ایجاب می‌کند.

با توضیحات مذکور و عملکرد رشد اقتصادی فصل نخست سال و همچنین تحولات مولفه‌های مختلف رشد اقتصادی (که در بالا توضیح داده شد) به نظر می‌رسد میزان رشد اقتصادی در سال جاری اندکی کمتر از سال ۱۴۰۲ باشد. بر اساس برآورد الگوها و فروض بودجه‌ای قانون بودجه ۱۴۰۳ و لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ برای اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و همچنین سایر فروض نظیر میزان صادرات نفت، سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت و گاز، در نظر گرفتن ۱۲-۱۵ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی و واردات حدود ۶۰-۶۵ میلیاردی کالا، پیش‌بینی می‌شود میزان رشد اقتصادی سال جاری در دامنه ۳-۳٫۵ درصد و سال ۱۴۰۴ در دامنه ۲٫۵-۳ درصد باشد.

در آخرین گزارش بانک جهانی در بهار ۲۰۲۴، برآورد مقدماتی نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۳/۲۴ برابر ۵ درصد بوده که دلیل عمده آن افزایش رشد مربوط به افزایش فروش نفت و بهبود نسبی در بخش خدمات ذکر شده است. برآوردهای بانک جهانی حاکی از آن است که ایران در سال‌های پیش رو با کاهش رشد اقتصادی مواجه می‌شود. این نرخ ابتدا در سال ۲۰۲۴ میلادی به ۳٫۲ درصد و سپس در سال ۲۰۲۵ میلادی به ۲٫۷ درصد می‌رسد. در نهایت، طبق آخرین محاسبات این نهاد، رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۶ میلادی که تقریباً مصادف با سال ۱۴۰۵ شمسی است، به ۲٫۴ درصد خواهد رسید. صندوق بین‌المللی پول نیز در آخرین گزارش خود در ماه آوریل ۲۰۲۴، رشد اقتصادی کشور را در سال ۲۰۲۳ حدود ۴٫۷ درصد برآورد کرد و در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ به ترتیب رشد اقتصادی ۳٫۳ و ۳٫۱ درصدی را پیش‌بینی کرد (جدول ۲-۹).

جدول ۲-۹: پیش‌بینی رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴

سال	۲۰۲۳/۲۴ (۱۴۰۲)	۲۰۲۴/۲۵ (۱۴۰۳)	۲۰۲۵/۲۶ (۱۴۰۴)
	تخمین	پیش‌بینی	
سازمان برنامه و بودجه	-	۳٫۶	۳٫۲
بانک مرکزی به قیمت پایه	۴٫۵	۳٫۱	۲٫۵
وزارت اقتصاد	-	۲٫۲	۳٫۶
رشد اقتصادی به قیمت بازار بانک جهانی	۵٫۰	۳٫۲	۲٫۷
صندوق بین‌المللی پول	۴٫۷	۳٫۳	۳٫۱

مأخذ: بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی ج.ا.ایران و سازمان برنامه و بودجه کشور

چالش‌های اقتصاد ایران در مسیر تحقق رشد اقتصادی بالا

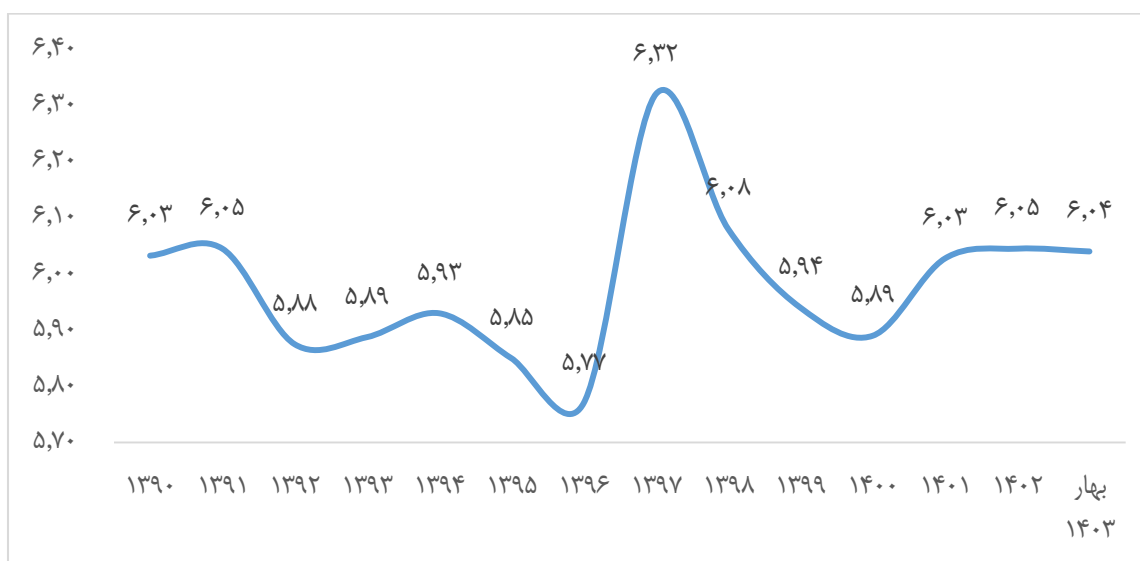
ادامه تحریم‌ها و تنش‌های منطقه‌ای

از منظر ارتباط با محیط بین‌المللی، اقتصاد کشور در طی یک دهه گذشته تحت شرایط تحریمی قرار گرفته که این مسأله علاوه بر ایجاد تنگنای جدی در زمینه مبادلات بین‌المللی، منجر به تحمیل هزینه‌های مبادلاتی و سربار بیشتر نسبت به رقبا در سطح اقتصاد بین‌الملل را سبب شده است. هزینه‌های بالاتر انبارداری و حمل و نقل، مشکلات انتقالات ارزی و ریسک بیشتر طرف‌های خارجی از تجارت با کشور، افق سرمایه‌گذاری را نامطلوب و بنگاه‌های اقتصادی را برای برنامه‌ریزی برای رشد فعالیت خود با مشکل جدی روبرو کرده است. علاوه بر مشکلات تجاری، تحریم با کاهش درآمدهای دولت و بی‌ثبات کردن درآمد ارزی سبب نوسانات گسترده نرخ ارز و نهایتاً رشد اقتصادی نوسانی و غیرمستمر می‌شود.

محیط کسب و کار نامناسب

یکی از الزامات رشد تولید، افزایش سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی در بخش واقعی اقتصاد است. فضای کسب‌وکار نامساعد، سبب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و رونق گرفتن فعالیت‌های غیرمولد می‌شود. به عبارتی زمانی که تولید در کشور بسیار پرمخاطره و کم‌سود است و فعالیت‌های غیرتولیدی و سوداگرانه سودهای امن و قابل توجهی را در اختیار فعالان اقتصادی قرار می‌دهند، سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق پیدا می‌کند.

نمودار ۲-۱۳: متوسط سالیانه شاخص محیط کسب‌وکار طی سال‌های ۱۳۹۰ تا بهار ۱۴۰۳



ماخذ: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

در نمودار ۱۳-۲ مقدار متوسط سالیانه شاخص محیط کسب و کار که بر اساس پایش ملی محیط کسب و کار به صورت فصلی محاسبه شده، آورده شده است. طبق این شاخص روند تغییرات طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ هرچند به صورت جزئی رو به بهبود بوده، اما از سال ۱۴۰۱ افزایش مقدار شاخص گویای نامساعدتر شدن محیط کسب و کار بوده است. در بهار ۱۴۰۳ نیز وضعیت این شاخص مشابه فصل زمستان ۱۴۰۲، ۶,۰۴ (نمره بدترین ارزیابی ۱۰ است) بوده است. در جدول ۱۰-۲، مهم‌ترین موانع کسب و کار بیان شده توسط فعالان اقتصادی هریک از سه بخش عمده اقتصادی در سه فصل سال ۱۴۰۲ ارائه شده است.

جدول ۱۰-۲: مهم‌ترین موانع کسب و کار بیان شده توسط فعالان اقتصادی به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی

مجموعه اولویت		۱	۲	۳	۴	۵
کل	زمستان ۱۴۰۲	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار	رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات	دخالت‌های غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت بازار
	بهار ۱۴۰۳	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار	رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات	دخالت‌های غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت بازار
کشاورزی	زمستان ۱۴۰۲	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار	دخالت‌های غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت بازار	رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات
	بهار ۱۴۰۳	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار	دخالت‌های غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت بازار	رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات
صنعت	زمستان ۱۴۰۲	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار	رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات	موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب‌وکار در دستگاه‌های اجرایی
	بهار ۱۴۰۳	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار	رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات	تولید و عرضه نسبتاً
خدمات	زمستان ۱۴۰۲	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار	رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات	وجود انحصار، امتیاز یا هر نوع رانت به یک یا تعدادی از رقبا در بازار
	بهار ۱۴۰۳	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار	رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات	وجود انحصار، امتیاز یا هر نوع رانت به یک یا تعدادی از رقبا در بازار

ماخذ: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

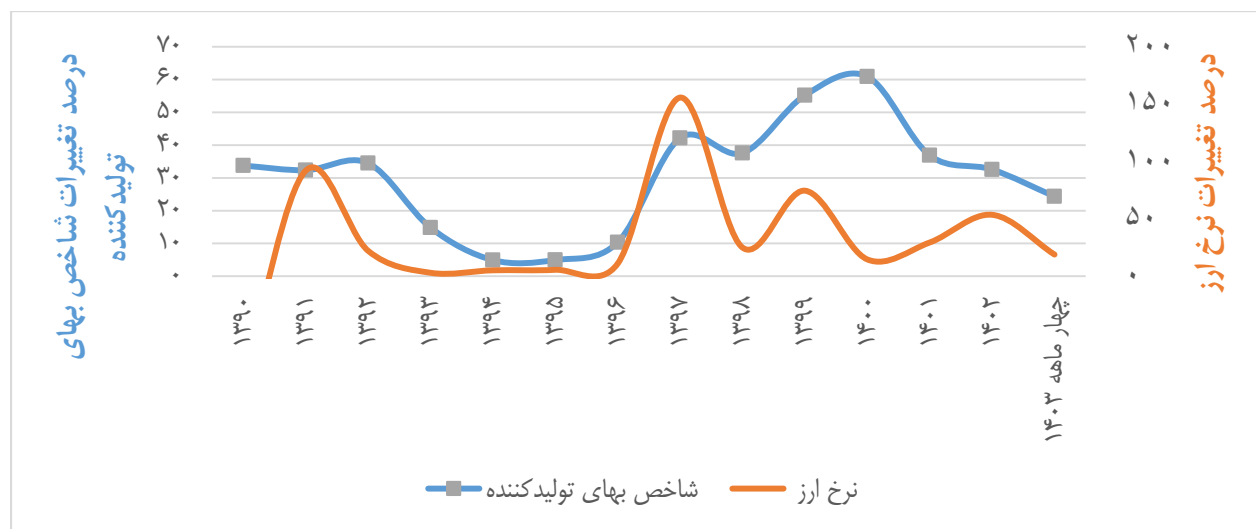
در بهار ۱۴۰۳ فعالان اقتصادی مشارکت‌کننده در این پایش، به ترتیب سه مؤلفه غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات (۸،۲۳)، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها (۷،۸۰)، بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار (۷،۲۹) را نامناسب‌ترین مؤلفه‌های محیط کسب و کار کشور نسبت به سایر مؤلفه‌ها ارزیابی نموده‌اند. بر اساس پایش صورت گرفته در بهار ۱۴۰۳ پس از موارد مذکور، رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات (۶،۸۶)، دخالت

غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت‌ها در بازار (۶,۴۸)، تولید و عرضه نسبتاً آزاد کالاهای غیراستاندارد و تقلبی در بازار (۶,۴۷)، رویه‌های سخت‌گیرانه اداره‌های کار و بیمه تأمین اجتماعی برای مدیریت نیروی انسانی (۶,۴۱)، فساد و سوء استفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه‌های اجرایی (۶,۳۳)، موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاه‌های اجرایی (۶,۲۷)، وجود انحصار، برداشتهای سلیقه‌ای از قوانین و مقررات توسط مأموران، محیط زیست، شهرداری، گمرک، بهداشت و ... (۶,۲۵)، به ترتیب در نامساعد شدن محیط کسب و کار تأثیر بیشتری داشته‌اند. در ادامه به صورت اجمالی درخصوص سه مانع پیش گفته که در نامساعد شدن محیط کسب و کار بیشترین تأثیر را داشته‌اند و بررسی و اصلاح موانع آن که می‌تواند در بهبود سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی اقتصاد ایران کمک کند، توضیحاتی ارائه شده است.

الف) غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات

سهم بیش از ۸۰ درصدی انواع واردات از جمله واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، بخش تولید کشور را بیش از حد وابسته به خارج کرده است. این وابستگی معلول عوامل مختلفی از جمله سیاست‌های حمایتی غیرهدفمند ناشی از فقدان راهبرد توسعه صنعتی و کاهش انگیزه توسعه فناوری و نوآوری، نقایص نظام ارزشگذاری پول ملی و آثار آن بر افزایش واردات و در نتیجه نقش ضعیف کالاهای نهایی در تحریک بازار محصولات واسطه‌ای، شکل نگرفتن شبکه‌ها و زنجیره‌های افقی و عمودی و البته نقایص رقابت در ساختار صنعت است. وابستگی زیاد تولید به واردات می‌تواند در کمیت و کیفیت تولیدات داخل و در نتیجه کاهش قدرت رقابت پذیری محصولات تولیدی کشور اثرگذار باشد. در نمودار ۲-۱۴ روند تغییرات سالیانه نرخ ارز و شاخص بهای تولیدکننده طی سال‌های ۱۳۹۰ تا بهمن ۱۴۰۲ ارائه شده است.

نمودار ۲-۱۴: تغییرات سالیانه نرخ ارز و شاخص بهای تولیدکننده طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۹ ماهه سال ۱۴۰۲



همان طور که از آمار نمودار ۲-۱۴ مشخص است میان رشد نرخ ارز و تورم تولیدکننده همبستگی مثبت وجود دارد، لذا نوسانات شدید نرخ ارز موجب بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه و محصولات و نامساعد شدن محیط کسب‌وکار و افزایش نااطمینانی می‌شود. نوسانات نرخ ارز، تاثیر زیادی بر تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد کسب و کارها داشته و دارد، به طوری که در چنین شرایطی این بخش‌ها از یکسو نمی‌توانند ارزیابی دقیقی در حوزه فعالیت خود داشته باشند و از سویی دیگر اطمینان و مجالی برای سرمایه‌گذاری یا ادامه فعالیت خود نخواهند داشت. لذا ثبات نرخ ارز و به تبع آن ثبات اقتصاد کلان نقش مهمی در شکل‌گیری سرمایه‌گذاری و افزایش تولید می‌تواند داشته باشد.

ب) دشواری تأمین مالی

با وجود این که سهم تأمین سرمایه در گردش، سهم بالایی در تسهیلات اعطایی دارد لیکن شرایط تورمی موجود و ضرورت خریدهای نقدی، موجب تشدید مشکل کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز واحدهای تولیدی می‌شود. در جدول ۲-۱۱ سهم تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش‌های اقتصادی و عمده‌ترین هدف از دریافت آن طی ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۲ ارائه شده است. بیشترین تسهیلات بانکی به ترتیب به بخش خدمات و صنعت و معدن اختصاص یافته است. نکته حایز اهمیت درخصوص ترکیب تسهیلات پرداختی است که به طور متوسط ۷۶٫۸ درصد تسهیلات پرداختی با هدف تأمین سرمایه در گردش دریافت شده است. به عبارتی، تسهیلات بانکی بیشتر در حفظ وضع موجود مؤثر بوده است.

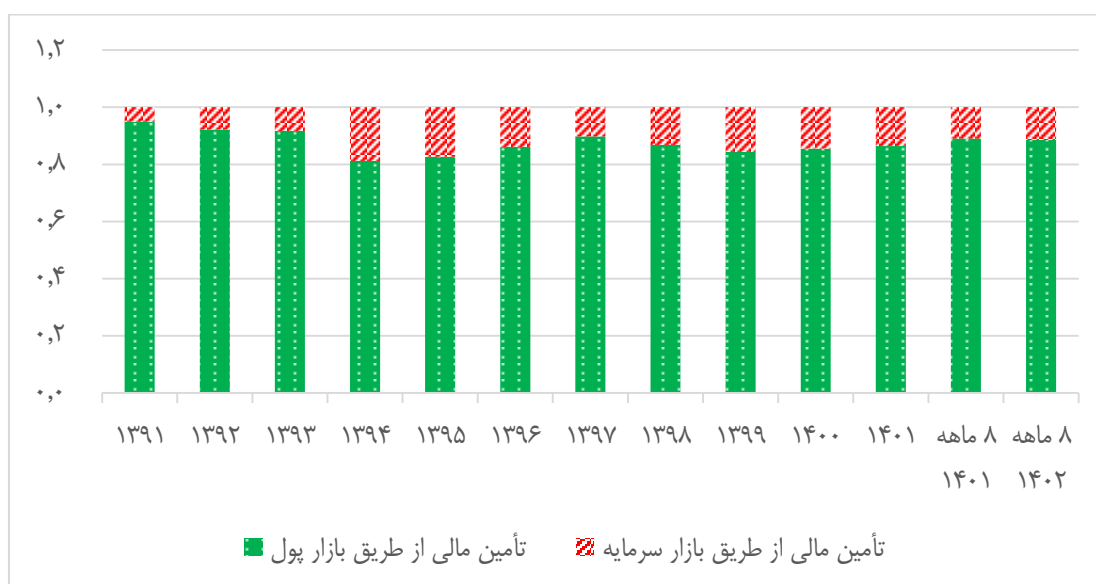
جدول ۲-۱۱: تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش‌های اقتصادی و عمده‌ترین هدف از دریافت طی ۱۱ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۲ کل

بانک‌ها (هزار میلیارد ریال / درصد)

هدف از دریافت تسهیلات	کشاورزی		صنعت و معدن		مسکن و ساختمان		بازرگانی		خدمات		متفرقه		کل بخش‌ها	
	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل
ایجاد	۳۴۰٫۷	۳۴٫۴	۶۶۱٫۶	۹٫۸	۶۰۲٫۵	۶۲٫۱	۱۳۸٫۸	۶٫۹	۱۴۴۴٫۸	۲۲	۴٫۲	۳۷٫۹	۳۱۹۲٫۸	۱۸٫۴
تأمین سرمایه در گردش	۵۵۲٫۸	۵۵٫۷	۵۷۹۳٫۳	۸۵٫۵	۲۸۸٫۴	۲۹٫۷	۱۷۶۱٫۳	۸۷٫۲	۴۶۷۵٫۵	۷۱٫۱	۲۷٫۹	۵۶٫۲	۱۳۰۹۹٫۴	۷۵٫۴
توسعه	۶۷٫۳	۶٫۸	۲۸۶٫۱	۴٫۲	۴۰٫۵	۴٫۲	۱۱۰٫۵	۵٫۵	۳۴۰٫۰	۵٫۲	۰٫۱	۴٫۸	۸۴۴٫۵	۴٫۹
سایر	۳۱٫۰	-	۳۴٫۰	-	۳۹٫۲	-	۸٫۳	-	۱۱۴٫۰	-	۰٫۱	-	۲۲۶٫۴	-
جمع	۹۹۱٫۸	۵٫۷	۶۷۷۵٫۰	۳۹	۹۷۰٫۶	۵٫۶	۲۰۱۸٫۹	۱۱٫۶	۶۵۷۴٫۳	۳۷٫۹	۳۲٫۳	۰٫۰	۱۷۳۶۳٫۱	۷۵٫۶

در نمودار ۲-۱۵ سهم تأمین مالی از بازار پول و بازار سرمایه طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۸ ماهه ۱۴۰۲ آورده شده است. به طور متوسط در این بازه زمانی بیش از ۸۸ درصد تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی در کشور توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی انجام می‌شود. این مسأله سبب شده است تا فشار زیادی بر شبکه بانکی تحمیل شود. این در حالی است که در سایر کشورها، بازار سرمایه و بدهی نیز نقش مهمی در نظام تأمین مالی ایفا می‌کنند، به نحوی که بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهت تأمین مالی نیازهای خود از دو روش انتشار سهام و اوراق بدهی استفاده می‌کنند. بنابراین لازم است با استفاده از ظرفیت سایر نهادهای مالی از جمله بازار سرمایه و تنوع بخشی به ابزارها و روش‌های تأمین مالی زمینه برای تقویت تأمین مالی تمامی بخش‌های اقتصادی ایجاد شود.

نمودار ۲-۱۵: مقایسه سهم تأمین مالی از طریق بازار سرمایه و بازار پول طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۸ ماهه ۱۴۰۲



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا. ایران

ج) بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار

تغییرات مکرر سیاست‌ها و قوانین، افزایش نااطمینانی و هزینه‌های تولید و مبادله را به همراه دارد. بخشنامه‌های متعدد درخصوص موضوع نرخ ارز، تغییرات حقوق ورودی در خصوص ماشین‌آلات، تجهیزات و مواد واسطه‌ای در قوانین مختلف از جمله مصادیق بی‌ثباتی در بستر قوانین و مقررات است. مهم‌ترین اقدامی که دولت‌ها می‌توانند در این خصوص انجام دهند این است که از سیاست‌های شتاب‌زده پرهیز کنند تا از تحمیل نااطمینانی‌های گسترده، هزینه‌ها و ریسک‌های بالا به فعالان بخش خصوصی اجتناب شود.

توصیه‌های سیاستی

الف: اصلاحات ساختاری

به رغم تمام دستاوردهای اقتصادی که در سال‌های اخیر حاصل شده و تلاش‌هایی که برای بهبود وضعیت اقتصادی صورت گرفته است اما هنوز اقتصاد کشور با مشکلات عدیده‌ای روبرو است که تا اندازه زیادی نتیجه ساختارهای نامناسب اقتصادی است. لذا اصلاح ساختاری اقتصادی می‌تواند نقشی حیاتی در ثبات بخشی کلان اقتصادی و بهبود عملکرد اقتصاد ایران داشته باشد. در ادامه به برخی از محورهای مهم اصلاحات ساختاری اقتصاد پرداخته می‌شود.

محور اول، مرتبط با موضوع کنترل تورم است. تورم هزینه‌های زیادی بر جامعه تحمیل می‌کند. نرخ تورم بالا سبب توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی و به زیان اقشار کم‌درآمد با حقوق ثابت و افزایش نابرابری میان اقشار جامعه و صاحبان کسب و کار می‌شود. علاوه بر میزان تورم، نااطمینانی تورم نیز موجب افزایش هزینه‌های مبادله، کاهش پس‌انداز خانوار و کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تولیدی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین سیاست‌گذار پولی باید بکوشد با اجرای سیاست‌های کاهنده تورم، نااطمینانی تورم را نیز کاهش دهد. بانک مرکزی به عنوان سیاستگذار پولی در راستای ثبات بخشی اقتصاد کلان، از دو راه می‌تواند نااطمینانی تورم را کاهش دهد. اول اینکه به تدریج میانگین تورم را کاهش دهد تا مطابق مطالعات نظری و تجربی، نااطمینانی تورم نیز کاهش یابد. راه دوم این است که رفتار سیاستگذار پیش‌بینی‌پذیر و از سیاست‌های پولی غیرمنتظره اجتناب شود.

محور دوم، مرتبط با اصلاحات ساختاری بودجه و کنترل کسری بودجه است. بودجه دولت از جمله مهم‌ترین ابزارهای دستیابی به اهداف رشد اقتصادی بالا و تورم پایین است. تأثیر کسری بودجه بر رشد اقتصادی از کانال نحوه هزینه‌کرد کسری بودجه قابل توضیح است. به این صورت که اگر هزینه‌کرد کسری بودجه در جهت تأمین هزینه‌های عمرانی، بهبود شرایط بهداشت و درمان، و بهبود و ارتقای سیستم آموزشی کشور باشد می‌تواند به توسعه زیرساخت‌ها و افزایش شاخص توسعه انسانی کشور کمک کرده و زمینه افزایش رشد اقتصادی را فراهم نماید. اما اگر هزینه‌کرد کسری بودجه در جهت تأمین هزینه‌های جاری و پرداخت حقوق و دستمزد به آن بخش‌های دولتی باشد که بازدهی کافی ندارند یا مداخله در بازار کالای خصوصی باشد آنگاه خلق کسری بودجه نمی‌تواند به رشد اقتصادی کمک نماید و تنها می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تورم گردد.

در شرایط اقتصاد ایران، امکان تأمین مالی هزینه‌های جاری با اتکا به درآمدهای پایدار مالیاتی وجود ندارد. این شرایط باعث شکل‌گیری مساله کسری بودجه مزمن در اقتصاد ایران شده است. به علاوه طی سال‌های گذشته رشد هزینه‌های جاری که بخش قابل توجهی از آن مانند حقوق و دستمزد اجتناب‌ناپذیرند، سبب شده تا هزینه‌های جاری در اولویت قرار گیرد و مخارج

عمرانی کاهش یابد. این امر با توجه به رابطه مثبت بین هزینه‌های عمرانی و رشد اقتصادی می‌تواند اثر مخربی بر رشد اقتصادی کشور در سال‌های آتی داشته باشد. بنابراین کنترل کسری بودجه دولت و حرکت به سمت توازن بودجه از الزامات رشد پایدار و اشتغال‌زا و در نهایت ثبات بخشی اقتصاد کلان محسوب می‌شود. اصلاحات ساختاری بودجه‌ای را می‌توان در چهار محور درآمدزایی پایدار، هزینه‌کرد کارا، ارتقای ثبات، توسعه و عدالت، اصلاحات نهادی نظام بودجه‌ریزی پیگیری شود.

محور سوم، اصلاحات ساختاری ناظر بر ثبات بازار ارز است. بی‌ثباتی ارزی بدترین آسیب را به تولید زده است، زیرا باعث تشدید انتظارات تورمی آحاد اقتصادی شده و ضریب نااطمینانی را در اقتصاد بالا می‌برد. نرخ ارز در کوتاه‌مدت یکی از عوامل کلیدی شکل دادن به انتظارات تورمی و در نتیجه نرخ تورم در اقتصاد ایران است. نوسانات ارزی در میان‌مدت اثر قابل توجهی در سطح فعالیت‌های اقتصادی و ترکیب کالاهای قابل تجارت و غیرقابل تجارت دارد. همانطور که در پایش ملی محیط کسب و کار ایران (بهار ۱۴۰۳) مولفه «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» به عنوان مهم‌ترین معضل پیش روی تولید عنوان شده است. کارکرد اصلی سیاست‌های ارزی در حوزه حمایت از تولید باید بر پیش‌بینی‌پذیر کردن نرخ ارز و جلوگیری از نوسانات شدید متمرکز در نهایت ثبات بخشی اقتصاد کلان باشد. عدم تثبیت نرخ ارز و تعدیل به موقع آن با توجه به تورم داخلی، می‌تواند در کاهش احتمال بروز بحران‌های ارزی و در نتیجه ممانعت از ایجاد فضای سفته‌بازی در بازار ارز ثمربخش باشد. علاوه‌براین، بهره‌گیری از ابزارهای پوشش ریسک نوسانات ارزی و رفع موانع پیش روی استفاده هرچه بهتر و بیشتر از این ابزارهای پوششی، می‌تواند در مدیریت نوسانات ارزی و کمک به بخش تولید خصوصاً در شرایط وجود سطح بالایی از نااطمینانی در اقتصاد مؤثر باشد.

محور چهارم، اصلاحات ساختاری ناظر بر بخش بانکی در راستای تخصیص هدفمند تسهیلات بانکی به بنگاه‌های تولیدی است. در اقتصاد ایران به دلیل تعیین دستوری نرخ‌های سود بانکی (بدون توجه به نرخ‌های بالای تورم) و به عبارت دیگر سرکوب مالی، بازار تسهیلات بانکی همواره با مازاد تقاضا روبه‌رو بوده است. مداخله در تخصیص اعتبارات بانکی در کنار نرخ سود حقیقی منفی باعث شده است تا به‌رغم حجم بالای نقدینگی در سطح کلان کشور، بنگاه‌های تولیدی با تنگنای اعتباری مواجه باشند. به‌رغم فسادزا بودن تخصیص دستوری تسهیلات، ارزان بودن تسهیلات، خود به عاملی برای تشدید خطر رانت‌جویی و انحراف منابع منجر می‌شود. تخصیص اعتبارات به بخش‌ها بدون مزیت رقابتی با هدف حمایت از تولید ملی باعث هدررفت و اتلاف منابع می‌شود.

محور پنجم اصلاحات ساختاری آرایش مجدد اولویت‌های اقتصادی و پیشران‌ها متناسب با مقتضیات کشور در سطح ملی و منطقه‌ای می‌باشد.

محور ششم حفظ و ارتقای رقابت پذیری تولیدات داخلی با پرهیز از قیمت‌گذاری کالا و خدمات و سپردن آن به سازوکارهای عرضه و تقاضا و قرار گرفتن در زنجیره تولید منطقه‌ای و جهانی و ثروت‌آفرینی برای اقتصاد ملی است.

ب- بهبود محیط کسب‌وکار

از منظر برنامه‌ریزی رشد، دولت هم در کنار بخش خصوصی یک بازیگر اقتصادی است و هم نهادی است که قواعد بازی را مشخص می‌کند. مهم‌ترین اقدامی که دولت‌ها می‌توانند انجام دهند پرهیز از سیاست‌های شتاب‌زده است که نااطمینانی‌های گسترده و هزینه‌ها و ریسک‌های بالا را به فعالان بخش خصوصی تحمیل می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، ایجاد کردن فضای کسب‌وکاری که با قواعد باثبات، شفاف و تسهیل‌کننده تولید و تجارت همراه باشد، و امکان محاسبه سود و زیان فعالیت‌ها را در میان مدت برای فعالان اقتصادی فراهم کند.

ج- بهبود دیپلماسی اقتصادی

با توجه به تاکید اسناد بالادستی کشور به‌ویژه سند چشم‌انداز بیست ساله بر ارتقای جایگاه اقتصادی و فن‌آوری ایران در منطقه، اولویت دادن به تعامل اقتصادی سازنده و اثربخش با کشورهای منطقه و جهان در قالب دیپلماسی اقتصادی که از ظرفیت بهره‌گیری از منافع اقتصاد جهانی برخوردار می‌باشد، به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است، زیرا در شرایط فعلی که کشور تحت فشارهای اعمال تحریم‌های ظالمانه اقتصادی است، اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گرا و تعامل فعال در سطوح کشورهای همسایه، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، می‌تواند از طریق اعتمادسازی در روابط خارجی، منجر به ثبات در مناسبات تجاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی شود و با افزایش کارایی اقتصادی از طریق انتقال فن‌آوری‌های نو و دانش‌بنیان، اثری مثبت بر روند رشد و توسعه کشور داشته باشد.

د- ارتقای نقش بخش خصوصی و توسعه مشارکت مردم در اقتصاد ملی

استفاده از توان حداکثری بخش خصوصی واقعی و تقویت مشارکت مردم در حوزه سرمایه‌گذاری و حمایت همه جانبه از آن همراه با کاهش موثر ریسک فعالیت‌های اقتصادی، کاهش هزینه تامین منابع، ارتقاء خدمات عمومی به بنگاه‌ها و فعالین اقتصادی، حمایت از حقوق مالکیت و تولید ثروت، مقررات‌زدایی، عدم مداخله در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی خصوصی، بهبود شرایط طرح‌دعای فعالین اقتصادی، حذف رانت از اقتصاد و شفاف سازی، تامین مطمئن مواد اولیه و واسطه‌ای واحدهای تولیدی، رفع موانع و محدودیت‌های فعالیت بخش خصوصی با شرکت‌های معتبر و دارای نشان بین‌المللی (برای ارتقای فناوری تولید، کیفیت محصول و گسترش بازار)

عمده ترین راهبرد دولت در این حوزه است. موضوع اخیر به دلیل تحریم‌های غرب علیه ایران و شیوع بیماری واگیر کرونا، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

جمع‌بندی

بنا بر نظریه‌های اقتصادی و تجربه‌های موجود، آنچه سبب رشد اقتصادی و افزایش تولید سرانه در کشورها شده است، سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه (فیزیکی و انسانی) در کنار بهره‌گیری بهتر از عوامل تولید (بهره‌وری) است. تشکیل سرمایه نیز بنا به ماهیت آن فرایندی بلندمدت است و بر همین اساس وجود چشم‌انداز مثبت از تحولات جامعه و متغیرهای اقتصادی و فضای کسب و کار نقشی تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و وفق آن دارد؛ به‌گونه‌ای که با تشدید نااطمینانی و بروز انتظارات منفی، از میزان و زمان سرمایه‌گذاری کاسته می‌شود و در مقابل با بهبود محیط کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری‌های بیشتری به وقوع می‌پیوندد.

اقتصاد ایران بر خلاف دهه ۱۳۸۰ که متوسط رشد ۴,۳ درصدی را تجربه کرد، طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ تحت تأثیر تکانه‌ها عمدتاً از ناحیه تحریم و به دنبال آن جهش‌های ارزی، با نوساناتی شدید مواجه شد و شواهد آن نیز وجود نرخ‌های رشد اقتصادی در یک طیف وسیع از منفی ۸,۶ درصد تا مثبت ۱۴,۲ درصد با متوسط ۰,۷ درصد است. از سویی وابستگی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی و نبود الزام‌ها و زمینه‌های ورود به بازارهای خارج از کشور باعث شده است بنگاه‌های صنعتی با مشکل منابع و فروش مواجه باشند و از سوی دیگر، بخش نامولد گسترده در اقتصاد ایران مانع بزرگی بر سر راه رشد و سرمایه‌گذاری کشور است. در چنین فضای پرنوسانی، بهترین تلاش کسب‌وکارها معطوف به حفظ شرایط موجود خواهد بود و لذا افزایش سرمایه‌گذاری و گسترش کسب‌وکارها به بهبود شرایط و چشم‌انداز آتی موکول و مشروط خواهد شد. نتیجه چنین تصمیماتی در سطح کلان منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و پیشی گرفتن سهم هزینه‌های استهلاک از میزان خالص تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد ایران شده است.

طی سه سال اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲) اقتصاد کشور تحت تأثیر تکمیل ظرفیت‌های خالی بعد از شرایط کرونایی در بخش خدمات، افزایش فروش نفت و سیاست‌های مالی، اعتباری و حقوقی توانسته است به طور متوسط بر اساس آمارهای مرکز آمار رشد حدود ۵,۴ درصدی را تجربه کند که طبیعتاً تداوم این روند جز با بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش نااطمینانی (که امکان رشد سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را فراهم کند) و افزایش بهره‌وری ممکن نخواهد بود. پیش‌بینی‌ها برای رشد اقتصادی کشور نیز بر این امر صحنه می‌گذارد که اقتصاد ایران با حفظ شرایط موجود، رشدی در محدوده ۳ تا ۳,۵ درصد را

برای سال جاری و سال آینده خواهد داشت که این روند با اهداف برنامه هفتم پیشرفت فاصله دارد. بدیهی است ناترازی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی نیز بر تثبیت این وضعیت کمک خواهند کرد و اقتصاد ایران را در دام رشد اقتصادی پایین گرفتار خواهند کرد و این سطح از رشد، با تحقق اهداف عدالت‌جویانه دولت چندان سازگار نیست و تدابیر بهتر و موثرتری را نیاز خواهد داشت.

فصل ۳: جمعیت

مقدمه

حجم جمعیت، ساختار سنی، نرخ رشد و توزیع فضایی آن در هر کشور محور اصلی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و آمارهای حیاتی ثبت شده ولادت، فوت، ازدواج و طلاق دو منبع اصلی شناخت ویژگی‌های جمعیتی کشور است. آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ اجرا شد. آمارهای حیاتی ولادت، فوت، ازدواج و طلاق نیز بصورت سالانه توسط سازمان ثبت احوال کشور اعلام می‌گردد.

در پی کاهش تعداد موالید سالانه در دو دهه متوالی ۸۵-۱۳۶۵، نگرانی‌های در خصوص منفی شدن نرخ رشد جمعیت، کاهش جمعیت در سال‌های آینده، ناپایداری نهاد خانواده، سالمندی و... شکل گرفت. بنابراین مقام معظم رهبری، سیاست‌های کلی جمعیت را که از ابعاد مختلفی برخوردار است، در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ به ریاست جمهوری ابلاغ نمودند که فصل جدیدی در سیاست‌های جمعیتی گشود. این مجموعه سیاستی یکی از مجموعه اسناد زیربنایی و پشتیبان برنامه ششم توسعه قرار گرفت. سیاست‌های کلی جمعیت شامل ۱۴ بند است که به مسائل زیر اشاره می‌نماید:

افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی (۲,۱ فرزند)، رفع موانع ازدواج و تسهیل و ترویج تشکیل خانواده، اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران در دوران بارداری و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری، تحکیم بنیان و پایداری خانواده، ترویج و نهادینه سازی سبک زندگی اسلامی- ایرانی، تأمین سلامت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، ایجاد شرایط لازم برای تکریم و سلامت سالمندان، توانمندسازی جمعیت در سن کار، باز توزیع جمعیت متناسب با ظرفیت زیستی، حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم تراکم، مدیریت مهاجرت به داخل و خارج، تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری در کشور، ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی و رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی. در راستای اجرای سیاست‌های کلی جمعیت، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شد و پس از موافقت مجلس اجرای آزمایشی آن به مدت ۷ سال تصویب گردید و از ۱۴۰۰/۰۸/۲۴ توسط رئیس جمهور ابلاغ شده است. در این قانون تسهیلاتی در راستای افزایش فرزندآوری در نظر گرفته شده است. لیکن برخی عوامل بنیادی رشد جمعیت شامل رشد ازدواج، کاهش سالیانه سقط جنین و ناباروری و نیز مدیریت مهاجرت خارجی در نظر گرفته نشده است.

برخی از تسهیلات و تمهیدات قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت برای فرزندآوری در زیر آمده است:

- ✓ احداث یا تکمیل، تامین و تجهیز خوابگاه های دانشجویان متاهل
 - ✓ ارائه تسهیلات مسکن از طریق بانک ها و موسسات اعتباری
 - ✓ در اولویت بودن ارائه یک خودرو ایرانی به قیمت کارخانه توسط شرکت های خودروساز داخلی
 - ✓ ارائه یارانه نقدی بیشتر از محل درآمدهای ناشی از حذف یارانه سه دهک بالای درآمدی
 - ✓ در اولویت بودن استخدام
 - ✓ عدم اجازه تعدیل مستخدمین دارای فرزند
 - ✓ افزایش مرخصی زایمان
 - ✓ اختصاص سبد تغذیه رایگان و بسته بهداشتی در اجرای ماده ۲۴ قانون حمایت از خانواده و جوانی
 - ✓ بیمه مادران غیرشاغل روستایی و عشایری دارای سه فرزند و بیشتر
 - ✓ انجام اقدامات فرهنگی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت
 - ✓ پرداخت کارانه به بهورزان و آموزش مادران باردار و ترویج زایمان طبیعی
- در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور اعتبار تخصیص یافته به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ۶۵۹۱۰ میلیارد ریال بوده است. در سال ۱۴۰۲ در مجموع ۲۲۵۰۰۰ میلیارد ریال ذیل جدول ۷ قانون بودجه به این قانون تخصیص یافته است.
- در این فصل روند تحولات برخی متغیرهای جمعیتی مرتبط با این سیاست‌ها از جمله نرخ باروری و تعداد موالید، ساختار سنی جمعیت کشور، موالید، مرگ و میر، ازدواج، طلاق و... که آمارهای آن موجود است، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

توصیف و تحلیل عملکرد متغیرهای اصلی جمعیت

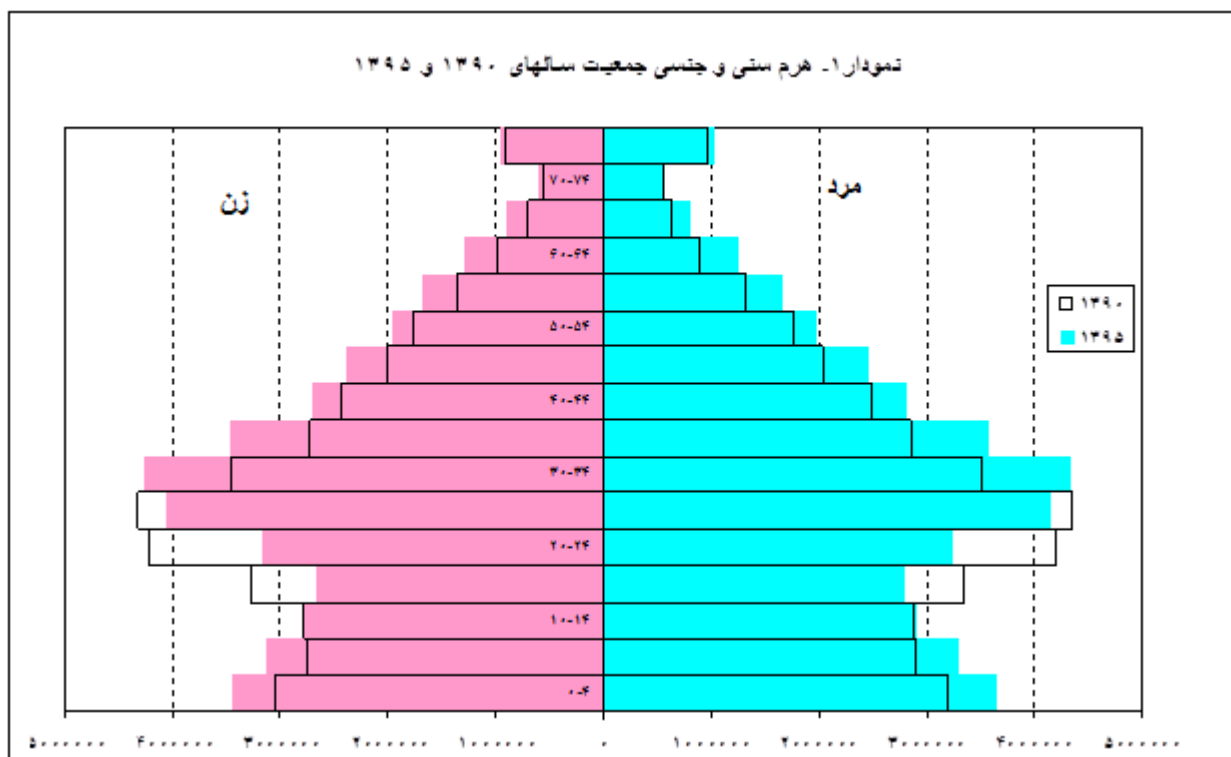
تعداد و ساختار جمعیت

براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت کشور از ۷۵،۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۷۹،۹۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در دوره ۵ ساله ۹۰-۱۳۸۵ متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت ۱،۲۹ درصد بوده است. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در دوره ۹۵-۱۳۹۰ به ۱،۲۴ درصد رسیده است، که نسبت به دوره ۵ ساله قبلی اندکی کاهش نشان می‌دهد. با کاهش قابل توجه تعداد موالید تحت تاثیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی، مشکلات اقتصادی و افزایش مهاجرت جوانان به خارج از کشور، نرخ رشد جمعیت در سال ۱۴۰۲ به حدود ۰،۷۴ درصد کاهش یافته است. در جدول ۱ مقادیر مهم‌ترین متغیرها و شاخص‌های جمعیتی در سال‌های ۱۳۹۵-۱۴۰۲ منعکس شده است.

جدول ۳-۱- مقادیر شاخص ها و متغیرهای مهم جمعیتی در سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲

عنوان متغیر	واحد متعارف	سال ۱۳۹۵	سال ۱۳۹۶	سال ۱۳۹۷	سال ۱۳۹۸	سال ۱۳۹۹	سال ۱۴۰۰	سال ۱۴۰۱	سال ۱۴۰۲
جمعیت	هزار نفر	۷۹۹۲۶	۸۱۰۵۳	۸۱۹۶۲	۸۲۷۱۰	۸۳۴۰۹	۸۴۰۵۵	۸۴۷۰۰	۸۵۳۲۹
نرخ رشد جمعیت	درصد	۱,۲۴	۱,۴	۱,۱۲	۰,۹۱	۰,۸۵	۰,۷۷	۰,۷۷	۰,۷۴
سهم جمعیت ۰-۱۴ ساله	درصد	۲۴	۲۴,۳	۲۴,۴	۲۴,۲	۲۴	۲۳,۸	۲۳,۵	۲۳,۲
سهم جمعیت ۱۵-۲۹ ساله	درصد	۲۵,۱	۲۳,۹	۲۲,۹	۲۲,۱	۲۱,۴	۲۰,۸	۲۰,۴	۲۰,۱
سهم جمعیت ۳۰-۶۴ ساله	درصد	۴۴,۸	۴۵,۶	۴۶,۵	۴۷,۳	۴۸	۴۸,۶	۴۹,۱	۴۹,۴
سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر	درصد	۶,۱	۶,۱	۶,۲	۶,۴	۶,۶	۶,۸	۷	۷,۳
نسبت وابستگی	درصد	۴۳,۱	۴۳,۸	۴۴,۱	۴۴,۱	۴۴,۱	۴۴	۴۳,۹	۴۳,۷
موالید ثبت شده	واقعه	۱۵۲۸۰۵۳	۱۴۸۷۹۱۳	۱۳۶۶۵۱۹	۱۲۳۷۸۸۷	۱۱۸۱۶۳۸	۱۱۱۶۲۱۲	۱۰۷۵۲۳۱	۱۰۵۷۹۶۰
مرگومیر ثبت شده	واقعه	۳۶۹۵۷۱	۳۷۶۷۳۱	۳۷۷۲۴۵	۳۹۰۰۸۲	۵۰۷۵۱۱	۵۴۴۵۱۷	۴۱۸۷۶۹	۴۴۲۱۹۹
ازدواج ثبت شده	واقعه	۷۰۴۷۱۶	۶۰۸۹۵۶	۵۵۰۵۶۵	۵۳۳۸۸۷	۵۵۶۷۳۱	۵۶۸۹۳۰	۵۴۴۱۴۰	۴۸۰۸۶۹
طلاق ثبت شده	واقعه	۱۸۱۰۴۹	۱۷۴۵۷۸	۱۷۵۶۱۴	۱۷۵۷۱۶	۱۸۳۱۹۳	۲۰۱۶۶۳	۲۰۴۳۰۱	۲۰۱۱۶۶
میزان خام مولید	در هزار	۱۹,۵	۱۸,۴	۱۶,۷	۱۴,۸	۱۴,۲	۱۳,۳	۱۲,۷	۱۲,۴
میزان خام مرگومیر	در هزار	۵	-	-	-	۶,۳	۶,۵	-	-
میزان باروری کل*	فرزند	۲,۱۴	۲,۱۱	۱,۹۷	۱,۷۵	۱,۶۶	۱,۶۹	۱,۶۵	۱,۶۵**
ضریب شهرنشینی	درصد	۷۴	۷۴,۴	۷۴,۸	۷۵,۲	۷۵,۶	۷۶	۷۶,۳	۷۶,۷

مأخذ: برآوردهای مرکز آمار ایران و آمار ثبتی سازمان ثبت احوال کشور، * برآورد امور اقتصاد کلان، ** برآورد براساس مولید ثبت شده در شش ماهه اول



در نمودار ۱ با نگاهی به هرم سنی جمعیت، چند تغییر مهم در فاصله ۵ ساله ۹۵-۱۳۹۰ رخ داده است.

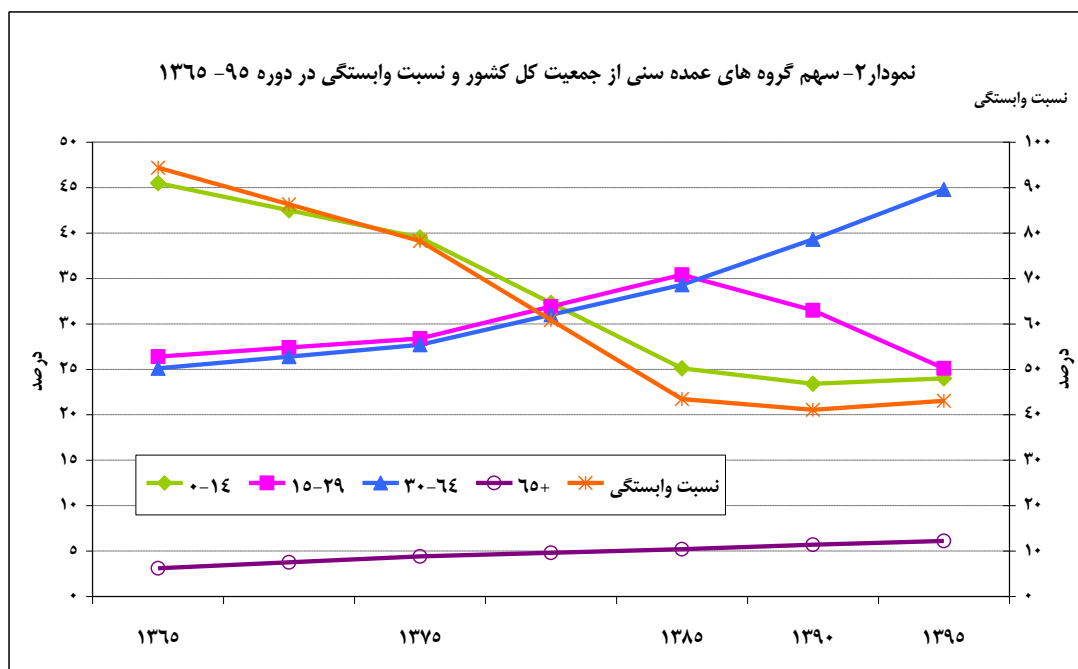
۱- پهن‌تر شدن پایه هرم جمعیت یا اضافه شدن بیش از ۱٫۶ میلیون نفر به جمعیت زیر ۱۰ سال در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰. روند افزایشی موالید ثبت شده در ده ساله ۹۵-۱۳۸۵ دلیل این تغییر است. دلیل اصلی افزایش تعداد موالید تا سال ۱۳۹۰، افزایش جمعیت زنان واقع در سنین اوج باروری (۲۰-۳۴ ساله) و از سال ۱۳۹۰ به بعد افزایش نرخ باروری کل بوده است. بر اساس نتایج سرشماری و آمار موالید ثبت شده در سازمان ثبت احوال کشور، نرخ باروری کل در سال ۱۳۹۵، حدود ۲٫۱۴ فرزند برآورد می‌شود که بیشتر از نرخ جانشینی است و بند یک سیاست‌های کلی جمعیت در این سال محقق شده است. در حالی که نرخ باروری در سال ۱۳۹۰ حدود ۱٫۹ فرزند برآورد شده بود. از سال ۱۳۹۵ به بعد تعداد موالید سالانه کاهش یافته است که اثر آن در این نمودار دیده نمی‌شود.

۲- کاهش حجم جمعیت جوانان ۲۹-۱۵ ساله. این گروه سنی بازماندگان متولدین سال‌های ۸۰-۱۳۶۵ هستند. روند کاهش تعداد موالید در دوره فوق، در دهه ۹۰ به صورت کاهش جمعیت جوانان دیده می‌شود. کاهش جمعیت این گروه سنی از فشار بر روی آموزش عالی و ورود به بازار کار می‌کاهد. در سنین جوانی بیشترین تغییرات و گذارهای وضعیت زندگی نظیر اتمام و ترک تحصیل، ورود به بازار کار، گذار به بزرگسالی، ازدواج و تشکیل خانواده، تجربه والدینی، رفتارهای پرخطر، مهاجرت و غیره رخ می‌دهد. بنابراین تأمین نیازهای اشتغال، ازدواج، تشکیل خانواده، مسکن، بهداشت و سلامت برای خیل عظیم جوانان (به عنوان فرصت جمعیتی) یکی از مهم‌ترین مسائل جمعیتی است؛ که همانگونه که در سال‌های اخیر دیده شد، فشار زیادی به کشور و دولت وارد می‌کند. گرچه در حال حاضر مطالبات شغلی و تشکیل خانواده برای بخشی از متولدین دهه ۶۰ هنوز پاسخ داده نشده و به تعویق افتاده است، ولی با کاهش سهم جمعیتی این گروه انتظار می‌رود در سال‌های آینده به تدریج از فشار مطالبات شغلی کاسته شده و روند معقولی به خود گیرد. روند کاهش نرخ بیکاری گواه این ادعا می‌تواند باشد.

۳- جمعیت در همه گروه‌های سنی ۳۰ سال به بالا در حال افزایش بوده است. علت این امر نیز روند افزایشی موالید از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۶۵ است. علاوه بر این کاهش مرگ و میر بخصوص مرگ و میر کودکان و افزایش امید زندگی نیز بر افزایش حجم جمعیت سنین بالا مؤثر بوده است. سهم گروه سنی ۶۴-۳۰ ساله (میانسالان) در یک روند صعودی سریع از حدود ۳۴ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در واقع معادل سهم جمعیتی کاسته شده از گروه سنی جوانان ۲۹-۱۵ ساله، به سهم جمعیتی این گروه سنی افزوده شده است. برآوردها نشان می‌دهد، سهم جمعیتی این گروه سنی در سال ۱۴۰۲ به ۴۹٫۴ درصد افزایش یافته است. در شرایط معمول انتظار می‌رود

جمعیت این گروه سنی به تثبیت شغلی رسیده باشند. در این صورت حجم جمعیتی بالای این گروه سنی با کاهش بار تکفل و افزایش تعداد شاغلان، زمینه‌ساز رشد اقتصادی و ثبات اجتماعی جامعه می‌شوند. ولی با بدتر شدن شرایط اقتصادی از نیمه دهه ۸۰ به بعد، در کنار ورود حجم عظیم جوانان متولد دهه ۶۰ به بازار کار، مطالبات شغلی و خانوادگی بخشی از این جوانان پاسخ نگرفته و به سنین بعد از ۳۰ سالگی موکول شد. در کنار مشکلات اقتصادی در کشور، بخشی از جوانان متقاضی کار متولد دهه ۶۰ نیز به متولدین دهه ۷۰ متقاضی کار، در سال‌های اخیر اضافه شد که این امر باعث شده مشکل اشتغال، یکی از دغدغه‌های اصلی کشور گردد.

۴- سهم جمعیت گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر از سال ۱۳۶۵ به بعد روند افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۵ به ۶,۱ درصد رسیده است. این سهم در سال ۱۴۰۲ با اندکی افزایش به ۷,۳ درصد رسیده است. گرچه هنوز هم سهم این گروه سنی پایین است ولی در دهه‌های آتی با ورود انبوه متولدین دهه ۶۰ به این سنین، سهم جمعیت واقع در این گروه سنی و جمعیت آنان رو به افزایش خواهد گذاشت و نیازمند توجه بیشتر به برنامه‌های مرتبط با جمعیت سالمند و بخصوص بیمه‌ها در برنامه‌های توسعه آینده خواهید بود.



مأخذ: نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران

با تغییرات صورت گرفته در نرخ باروری کشور از سال ۱۳۶۵ به بعد، کشور در مسیر گذار جمعیتی قرار گرفته است. در بستر فرآیند انتقال جمعیتی، در نتیجه گذارهای ساختار سنی در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه، نسبت جمعیت در سنین فعالیت به

حداکثر می‌رسد و نوعی ساختار جمعیتی مطلوب برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی به وجود می‌آید. پنجره (فرصت) جمعیتی دوره‌ای است که در آن کمتر از یک سوم جمعیت خارج از سنین فعالیت و بیشتر از دوسوم جمعیت در سنین فعالیت باشند. در این حالت نسبت وابستگی سنی یا بار تکفل که از تقسیم جمعیت خارج از سنین فعالیت (زیر ۱۵ ساله و ۶۵ ساله و بالاتر) بر جمعیت در سنین فعالیت (۶۴-۱۵ ساله) به دست می‌آید، به پایین‌ترین سطح خود و به کمتر از ۵۰ درصد می‌رسد. در نمودار ۲ می‌بینیم که براساس این شاخص ایران قبل از سال ۱۳۸۵ وارد فاز پنجره جمعیتی شده است. سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که در این سال نسبت وابستگی سنی به ۴۴ درصد کاهش یافته است. این نسبت در سال ۱۳۹۰ به ۴۱ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۴۳ درصد رسید. با افزایش سریع‌تر موالید در روستاها، نسبت وابستگی در مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۹۵ به ۵۰٫۸ درصد رسید و فرصت پنجره جمعیتی در روستاها به پایان رسید. در ادامه روند افزایشی این شاخص، نسبت وابستگی در سال ۱۴۰۲ در کل کشور به ۴۳٫۷ درصد رسیده است.

فرصت پنجره جمعیتی که از آن با نام موهبت جمعیتی نیز نام برده می‌شود، در تاریخ جمعیتی هر ملت فقط یک بار اتفاق می‌افتد. عمر کوتاهی دارد- معمولاً چند دهه (حدود ۴ دهه) دوام می‌آورد- و اگر به درستی هدایت شود می‌تواند به توسعه کشور به نحو شایان توجهی کمک کند. در غیر این صورت، در صورت عدم هدایت و بهره‌برداری درست و به موقع از آن به جای کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی، به مانع بزرگی در مسیر توسعه تبدیل شده و همراه خود انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله بیکاری جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاهی خواهد آورد. بیکاری بالا در بین جوانان افزایش جرائم و خطرات رفتاری را به دنبال داشته و علاوه بر افزایش میزان مهاجرت می‌تواند منجر به گسستگی در جامعه شود. به دلیل مشکلات ساختاری اقتصاد در سال‌های گذشته، تاکنون از فرصت طلایی پنجره جمعیتی به درستی استفاده نشده و بر حجم جوانان بیکار در کشور افزوده شده است. با این وجود، هنوز هم فرصت برای استفاده از این موهبت جمعیتی باقی است.

باروری و مرگ و میر

مرکز آمار ایران نرخ باروری کل را در سال ۱۳۹۵ با استفاده از روش مستقیم، بیش از ۲٫۱ فرزند برآورد کرد، که نشانگر بالاتر رفتن نرخ باروری کل از نرخ جانشینی و محقق شدن بند اول سیاست‌های کلی جمعیت در سال ۱۳۹۵ بوده است. ولی تعداد موالید ثبت شده سالانه که از سال ۱۳۸۳ به بعد روند صعودی داشته و تا سال ۱۳۹۴، بیش از ۳۶ درصد به موالید ثبت شده سالانه افزوده شده بود، از سال ۱۳۹۴ به بعد روند کاهشی یافته است.

تعداد موالید سالانه به ثبت رسیده طی دوره ۶ ساله ۱۴۰۲-۱۳۹۶، ۳۰ درصد کاهش یافته است. بخشی از کاهش موالید به دلیل کاهش جمعیت زنان ۳۴-۲۰ ساله که حدود ۸۰ درصد موالید را شکل می دهند، بوده است. ولی کاهش پر رنگ موالید در سال ۱۳۹۷ الی ۱۳۹۹ ناشی از کاهش نرخ باروری کل در کشور است. نرخ باروری از ۲٫۱ فرزند در سال ۱۳۹۶ به ۱٫۹۷ فرزند در سال ۱۳۹۷ و ۱٫۶۶ فرزند در سال ۱۳۹۹ رسید. ولی از سال ۱۳۹۹ الی ۱۴۰۲ نرخ باروری در حدود ۱٫۶۵ فرزند تثبیت شده است. تثبیت نرخ باروری در حالی رخ داده که در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت اجرایی شده و بودجه قابل توجهی به آن تخصیص یافته است. تثبیت نرخ باروری از دو سال قبل از اجرای قانون شروع شده است. با توجه به آن که اثر مهاجرت جوانان به خارج از کشور، در برآوردهای جمعیتی مرکز آمار برای سالهای ۱۳۹۵ به بعد دیده نشده است، بنابراین جمعیت زنان واقع در سنین اوج باروری (۳۴-۲۰ ساله) در برآوردهای جمعیتی مرکز آمار ایران، نیز بیشتر از مقدار واقعی برآورد شده و چون این متغیر در مخرج محاسبات نرخ باروری قرار می گیرد، در نتیجه نرخ باروری کل واقعی، می تواند بیشتر از مقدار محاسبه شده باشد. از سوی دیگر بخشی از جوانان داخل ایران نیز به دلیل بی ثباتی اقتصادی و نگرانی از آینده، ازدواج و حتی فرزندآوری خود را به تعویق انداخته اند.

در ماههای پایانی سال ۱۳۹۸ پاندمی کووید ۱۹ به کشور راه یافت و این امر یکی از دلایل افزایش تعداد مرگ و میر به ثبت رسیده در سالهای ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۰ است. در سال ۱۴۰۰ تعداد مرگ و میر ثبت شده به ۵۴۴۵۱۷ مورد رسید که نسبت به سال ۱۳۹۷ تحت تاثیر کرونا حدود ۴۴ درصد افزایش نشان می دهد. مرگ و میر در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ کاهش یافته و به ۴۴۲ هزار مورد در سال ۱۴۰۲ می رسد. بر اساس اعلام سازمان ثبت احوال میزان خام مرگ و میر از ۵ در هزار در سال ۱۳۹۸ به ۶٫۵ در هزار در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است و نیازمند آسیب شناسی بیشتر از جانب دستگاههای اجرایی از جمله وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و وزارت راه و شهرسازی است.

مرکز آمار ایران امید زندگی در بدو تولد را در سال ۱۳۹۵، برای کل جمعیت ۷۴٫۲ سال، برای مردان ۷۲٫۸ سال و برای زنان ۷۵٫۷ سال برآورد نموده است. بر این اساس میزان خام مرگ و میر کشور در سال ۱۳۹۵ برابر ۵ در هزار برآورد شده بود.

ازدواج و طلاق

بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور، تعداد ازدواجهای ثبت شده در سال ۱۴۰۲ برابر ۴۸۰۸۶۹ واقع است که در مقایسه با سال قبل از آن حدود ۸ درصد کاهش نشان می دهد.

تعداد ازدواجها که از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ به دلیل رشد جمعیت جوانان واقع در سن ازدواج روند افزایشی داشته است، از سال ۱۳۹۰ روند کاهشی یافته بود. یکی از دلایل مهم کاهش تعداد ازدواجها از سال ۱۳۹۵ به بعد، کاهش جمعیت اصلی در

معرض ازدواج یعنی دختران ۲۹-۱۵ ساله و پسران ۳۴-۳۰ ساله که بیش از ۸۵ درصد ازدواج‌ها را صورت می‌دهند، بود. در کنار تغییرات فرهنگی و اجتماعی و ساختار سنی جمعیت، شرایط نامناسب اقتصادی کشور نیز در کاهش میزان ازدواج‌ها در این سالها مؤثر بوده است. افزایش تعداد ازدواج‌ها در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به رغم کاهش جمعیت جوانان واقع در سنین اصلی ازدواج و بدتر شدن شرایط اقتصادی کشور و در شرایط شیوع کرونا رخ داده است. یکی از دلایل این امر می‌تواند کاهش بخشی از هزینه‌های مراسم عروسی در این دوران باشد. ولی از سال ۱۴۰۰ الی ۱۴۰۲ مجدداً کاهش تعداد ازدواج به ثبت رسیده است.

میانگین سن ازدواج به روش غیرمستقیم هاینال که با استفاده از درصد افراد هرگز ازدواج نکرده ۴۹-۱۵ ساله از نتایج سرشماری ۱۳۹۵ به دست می‌آید، برای مردان ۲۷،۴ سال و برای زنان ۲۳ سال و میانگین اختلاف سن زوجین ۴،۴ سال بوده است. میانگین سن ازدواج از روش هاینال در سال ۱۳۹۰ برای مردان ۲۶،۷ سال و برای زنان ۲۳،۴ سال و میانگین اختلاف سن زوجین ۳،۳ سال بوده است. در سال ۱۳۹۵ با رفع مضیقه ازدواج از زنان واقع در دهه سنی بیست سالگی، میزان مجرد آنان کاهش یافته و در نتیجه میانگین سن ازدواج زنان در سال ۱۳۹۵ برای اولین بار در ۵۰ سال گذشته، ۰،۴ سال کاهش یافته است. در حالی که سن ازدواج مردان همچنان روند افزایشی خود را حفظ کرده است. نتیجه این امر افزایش میانگین اختلاف سنی زوجین بوده است.

سازمان ثبت احوال میانگین سن مردان در اولین ازدواج را در سال ۱۳۹۹ (با استفاده از روش مستقیم و سن زوجین هنگام ثبت ازدواج) برابر ۲۷،۶ سال و برای زنان ۲۳،۴ سال و متوسط اختلاف سنی زوجین را ۴،۲ سال اعلام کرد. در مقایسه با اغلب کشورهای جهان، میانگین سن ازدواج مردان و زنان در ایران پایین است حتی در مقایسه با کشورهای مسلمانان چون ترکیه، عربستان، کویت و مالزی. البته لازم به ذکر است که میانگین سن ازدواج در مناطق مختلف کشور بسیار متفاوت است. افزایش ناچیز سن ازدواج در سال‌های اخیر معلول دو عامل است:

۱- افزایش میانگین سنی جمعیت واقع در سن ازدواج، که بر روی میانگین سن ازدواجی که از روش مستقیم محاسبه می‌گردد، تاثیر گذار است.

۲- بی ثباتی اقتصادی و کاهش قدرت خرید خانوار و نگرانی از آینده برای جوانان.

تعداد طلاق‌های ثبت شده سالانه که طی سالهای ۱۳۹۸-۱۳۹۶ در حدود ۱۷۵ هزار مورد تثبیت شده بود، در سال ۱۴۰۰ به ۲۰۱۶۶۳ مورد افزایش یافته است. تعداد طلاق‌ها در دو ساله ۱۴۰۰-۱۳۹۸ که مصادف با شیوع کرونا بوده است، حدود ۱۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. تعطیلی کسب و کارها که منجر به کاهش درآمد خانوارها شد و خانه نشینی‌های دراز مدت و

افزایش تنش‌ها در خانه از دلایل احتمالی افزایش طلاق در دوره یاد شده می باشد. تعداد طلاق های به ثبت رسیده در دوره ۱۴۰۲-۱۴۰۰ تقریباً تثبیت شده است.

در نیمی از طلاق های رخ داده عمر ازدواج کمتر از ۵ سال است. نتایج تحقیقات مختلف نشان می دهد، مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اعتیاد از مهمترین دلایل طلاق در کشور است و احتمال طلاق در کسانی که در سنین پایین (زیر بیست یا بیست و پنج سالگی) ازدواج می کنند، بیشتر است.

نتیجه گیری و توصیه ها

بررسی تحولات جمعیتی کشور نشان می دهد که تا قبل از سال ۱۳۹۷، نرخ باروری به میزان مطلوب (بیش از نرخ جانشینی ۲,۱ فرزند) رسیده بود. متوسط سن ازدواج زنان و مردان نیز در کشور در مقایسه با کشورهای منطقه مناسب ارزیابی می شود. حتی با کاهش مضيقه ازدواج، متوسط سن ازدواج دختران برای اولین بار طی ۵۰ سال گذشته، در سال ۱۳۹۵ کاهش یافت. ولی سن ازدواج مردان به دلیل مشکلات اقتصادی با روند بسیار آهسته رو به افزایش بوده است که می تواند بر بالا رفتن سن ازدواج دختران نیز تاثیر بگذارد.

ساختار سنی جمعیت کشور از سال ۱۳۸۵ تاکنون در بهترین حالت ممکن قرار دارد که از آن با عنوان پنجره جمعیتی یاد می شود. پیش بینی می شود تا حدود دو دهه دیگر در این شرایط مطلوب قرار داشته باشیم.

تا قبل از شیوع کرونا در سال ۱۳۹۸ میزان مرگ و میر نیز ۵ در هزار نفر و بسیار پایین بوده است. ولی تحت تاثیر مرگ و میر ناشی از کرونا در سال ۱۴۰۰ میزان مرگ و میر به ۶,۵ در هزار نفر افزایش یافته است که این امر از نرخ رشد جمعیت کاسته ولی تاثیر منفی بر ساختار سنی جمعیت نداشته است. مشاهده می شود با روند واکسیناسیون انجام شده و بهبود روشهای درمانی، تعداد مرگ و میر بر اثر کووید، کاهش قابل توجهی یافته و نزدیک به دوران قبل از شیوع کرونا شده است.

ایران از جمله کشورهایی است که میزان جمعیت سالمند در آن پایین است. ولی نسبت سالمندی به آهستگی در حال افزایش بوده و با ورود متولدین دهه ۶۰ به سنین بالای ۶۰ سال این نسبت به سرعت افزایش خواهد یافت.

اصلی ترین چالش جمعیتی کشور در چند سال اخیر، روند کاهشی نرخ باروری در سالهای ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ بوده است. ولی در سال ۱۴۰۰ با وجود شیوع کرونا، نرخ باروری با اندکی افزایش به ۱,۶۹ فرزند رسید. ولی همچنان نرخ باروری پایین تر از نرخ جانشینی است. از دلایل اصلی این امر، مشکلات اقتصادی (مسکن، امنیت شغلی، درآمد و قدرت خرید پایدار) و برخی از مولفه های فرهنگی و اجتماعی تاثیرگذار بر نرخ باروری کل بخصوص در بین جوانان است. بنابراین اتخاذ راهکارهایی برای بهبود شرایط اقتصادی و افزایش درآمد جوانان توأم با سیاستهای اجتماعی و فرهنگی می تواند اهداف سیاستهای کلی جمعیت را بطور مناسبی محقق نماید.

یکی از مهمترین راه حل‌ها برای حل مشکلات جمعیتی بخصوص افزایش نرخ باروری است. ضمن آنکه اقداماتی نظیر تامین خوابگاه‌های مته‌ای برای دانشجویان، پرداخت کمک هزینه ازدواج و عائله‌مندی به شاغلان، دانشجویان و سربازان، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان به مادران طی بارداری و پس از زایمان، تخصیص بالاترین سطح یارانه به همه نوزادان تا سن دو سالگی و ... از دیگر راه‌های پیشنهادی برای افزایش نرخ باروری است که برخی از موارد در راستای قانون جوانی جمعیت در لوایح بودجه سنواتی اجرایی شده است.

طلاق در دوران شیوع کرونا افزایش یافت؛ لیکن از سال ۱۴۰۰ به بعد تعداد طلاق‌های ثبت شده، تثبیت شده است. آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان و پوشش بیمه‌ای مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده و افزایش مراکز تخصصی مشاوره خانواده و بهبود کیفیت آن، در کنار بهبود شرایط بازار کار و افزایش درآمد واقعی برای جوانان می‌تواند از میزان طلاق‌ها بکاهد. تحولات نامناسب وقایع حیاتی جمعیت در برهه کوتاه چندان بر ساختار سنی جمعیت، تاثیرگذار نیست. بلکه ادامه چندین ساله شرایط نامناسب جمعیتی، اثر خود را در درازمدت نشان خواهد داد. بنابر این با بهبود شرایط اقتصادی در کشور می‌توان به افزایش بیشتر نرخ باروری و افزایش نرخ رشد جمعیت امیدوار بود.

فصل ۴: بازار کار

مقدمه

بازار کار یکی از بازارهای مهم چهارگانه در اقتصاد است که در آن، تعادل و عدم تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار شکل می‌گیرد. بحران بیکاری به ویژه بیکاری جوانان، زنان و دانش‌آموختگان دانشگاهی، مسئله‌ای است که کشور با آن مواجه است و چالش ایجاد مشاغل شایسته و پایدار برای افرادی که هر ساله وارد بازار کار می‌شوند، موضوع را تشدید و روز به روز با اهمیت‌تر می‌کند. باتوجه به این‌که از اشتغال به عنوان یکی از موضوعات اصلی سیاست‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور یاد می‌شود، لذا لازم و ضروری است تا برنامه‌های توسعه کشور و ساختار بودجه‌ریزی مطابق با سیاست‌های بازار کار و ایجاد اشتغال و در هماهنگی و تناسب با آن‌ها بررسی و تهیه شوند.

تحلیل عملکرد بازار کار

بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در جدول شماره (۴-۱)، نرخ مشارکت جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر (نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به کل جمعیت (فعال و غیر فعال) همان گروه سنی (یا همان گروه خاص) در سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۲ در یک روند افزایشی ملایم نرخ مشارکت از ۴۴/۱ درصد (به ۴۴/۵ در سال ۱۳۹۷) و پس از آن مجدداً به ۴۴/۱ درصد در سال ۱۳۹۸ بازگشت، نرخ مشارکت ۴۴/۵ درصد در طی سالهای قبل و بعد دیگر تکرار نشدند. نرخ مشارکت متأثر از شرایط کرونایی کشور در سال ۱۳۹۹ کاهش و به ۴۱/۳ درصد و در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ۴۰/۹ درصد یعنی پایین‌ترین حد خود در این سال‌ها رسید و پس از کنترل شدن کرونا و بازگشت فعالیت‌های اقتصادی به شرایط قبلی، نرخ مشارکت در نهایت در سال ۱۴۰۲ بهبود پیدا کرد و به ۴۱/۳ درصد رسید ولی هنوز با سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ بیش از ۳ واحد فاصله دارد. کند شدن روند افزایشی نرخ مشارکت از سال ۱۳۹۸ عمدتاً در نتیجه رکود اقتصادی به دلیل بازگشت تحریم‌ها و دلسرد شدن و ناامید شدن جوانان از پیدا کردن شغل بوده است. عرضه جدید نیروی کار از حدود ۷۱۹ هزار نفر در سال ۱۳۹۷ به حدود ۲۶ هزار نفر در سال ۱۳۹۸ کاهش یافت. به دنبال شیوع بیماری کرونا عرضه جدید نیروی کار در سال ۱۳۹۹ (تغییرات جمعیت فعال (جمعیت شاغل و بیکار)) به یکباره در حد یک میلیون و چهار صد هزار نفر کاهش یافت و در سال

۱۴۰۰ نیز همچنان تمایلی برای ورود یا افزایش جمعیت فعال به بازار کار دیده نشد. حتی در سال ۱۴۰۱ که سه سال از کرونا سپری شده بود، فقط در حدود ۲۴۲ هزار نفر به جمعیت فعال افزوده شد، شاخص تغییرات جمعیت فعال یا همان عرضه جدید نیروی کار در سال ۱۴۰۲ به ۵۷۳ هزار نفر رسید. به عبارت دیگر در سال ۱۴۰۲ که جمعیت فعال با توجه به افزایش جمعیت به حدود ۲۶۶۳۸ هزار نفر رسیده ولی هنوز به سطح جمعیت فعال ۲۷۱۶۷ هزار نفری که در سال ۱۳۹۸ صورت گرفته بود، فاصله ای حدود ۵۲۸ هزار نفر دارد.

شاخص دیگر که به عنوان عامل مهم باید به آن پرداخت جمعیت شاغل است، که همانطور که در جدول آمده است تغییرات اشتغال یا همان "خالص ایجاد اشتغال" در سال ۱۳۹۹ بیش از یک میلیون نفر منفی بوده است. البته مقدار مطلق در سال ۱۴۰۲ از سال‌های قبل فراتر رفته است ولی از آنجا که در طی این سالها اقتصاد ایران با افزایش جمعیت هم روبرو بوده است باید شاخص دیگری به نام نسبت اشتغال (شاغل به جمعیت) را در نظر گرفته شود. شاخص نسبت اشتغال در سال ۱۴۰۲ به حدود ۳۷/۹ درصد رسیده است که با نسبت اشتغال سال ۱۳۹۸ که در حدود ۳۹/۴ درصد بوده فاصله ۱/۵ واحدی دارد. نسبت اشتغال در شش ماهه اول سال ۱۴۰۳ در حدود ۳۸/۳ درصد بوده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته و به عبارت دیگر، روند نسبت اشتغال در حال بهتر شدن و رسیدن به سطوح قبلی است. به عبارت دیگر برآیند عرضه و تقاضای بازار کار که در شاخص نسبت اشتغال دیده می‌شود، حاکی از بهبود نسبی و کند اشتغال از زمان ویروس کرونا تاکنون بوده است.

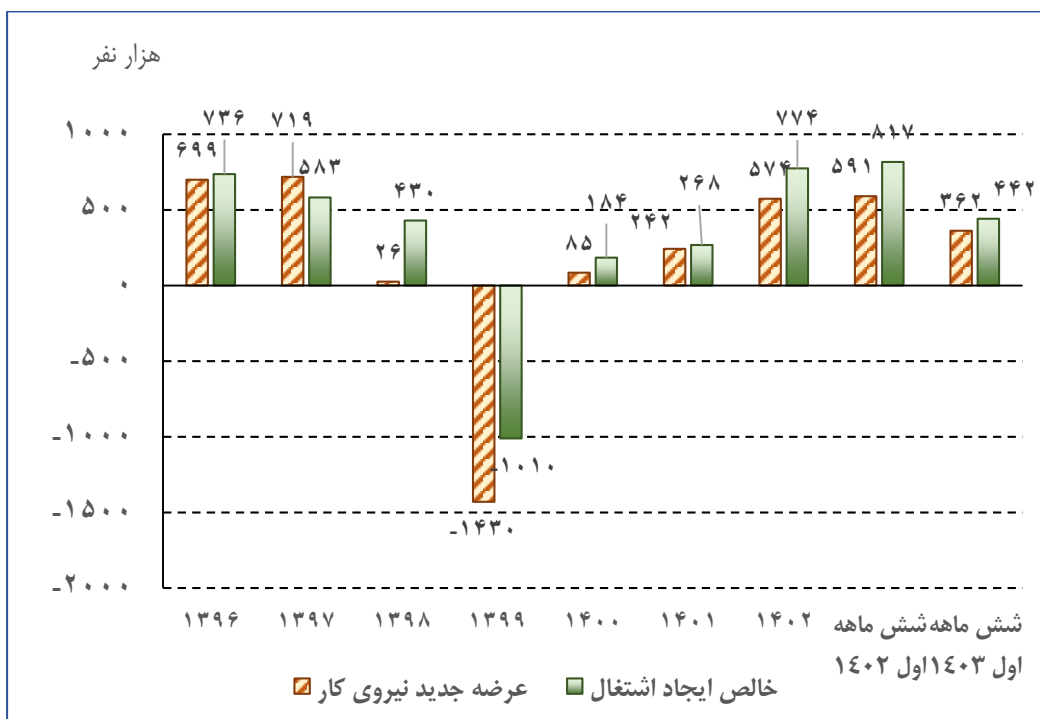
جدول ۴-۱- شاخص‌های کلیدی بازار کار طی سال‌های ۱۳۹۶ تا شش ماهه اول ۱۴۰۳

شاخص‌ها	واحد اندازه‌گیری	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	شش ماهه اول ۱۴۰۳
نرخ مشارکت کل نیروی کار (فعال به جمعیت)	درصد	۴۴/۱	۴۴/۵	۴۴/۱	۴۱/۳	۴۰/۹	۴۰/۹	۴۱/۳	۴۱/۴
نسبت اشتغال (شاغل به جمعیت)	درصد	۳۸/۹	۳۹/۱	۳۹/۴	۳۷/۳	۳۷/۲	۳۷/۲	۳۷/۹	۳۸/۳
نرخ بیکاری کل نیروی کار	درصد	۱۲	۱۲/۲	۱۰/۷	۹/۶	۹/۲	۹	۸/۱	۷/۶
تعداد بیکاران	هزار نفر	۳۱۶۲	۳۲۹۷۹	۲۸۹۳	۲۴۷۴	۲۳۷۵	۲۳۴۹	۲۱۴۸	۲۰۶۰
عرضه جدید نیروی کار (تغییرات جمعیت فعال)	هزار نفر	۶۹۹	۷۱۹	۲۶	-۱۴۲۹	۸۵	۲۴۲	۵۷۳	۳۶۲
جمعیت شاغل	هزار نفر	۲۳۲۶۰	۲۳۸۴۳	۲۴۲۷۳	۲۳۲۶۳	۲۳۴۴۷	۲۳۷۱۵	۲۴۴۹۰	۲۴۹۳۷
خالص ایجاد اشتغال (تغییرات اشتغال نسبت به دوره مشابه)	هزار نفر	۷۳۶	۵۸۳	۴۳۰	-۱۰۱۰	۱۸۴	۲۶۸	۷۷۴	۴۴۲

*تمامی شاخص‌ها بر مبنای جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر محاسبه شده است. مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار. مرکز آمار ایران

در نمودار شماره (۴-۱) روند عرضه جدید نیروی کار (تغییرات جمعیت شاغل و بیکار) و خالص ایجاد اشتغال (تغییرات شاغلین نسبت به دوره قبل) طی دوره ۱۳۹۶ تا شش ماهه ۱۴۰۳ قابل مشاهده است. همانطور که در سطور بالا آمد، در سال ۱۳۹۹ به دلیل شیوع بیماری کرونا عده‌ای از جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر، خارج شده و به جمعیت غیرفعال منتقل شده‌اند، چرا که در شرایط شیوع بیماری کرونا که سلامتی افراد و در نتیجه آن برخی از مشاغل را تهدید کرده است تمایل به کار کردن در عده‌ای کاهش یافته است. عرضه جدید نیروی کار (تغییرات جمعیت شاغل و بیکار) در سال ۱۳۹۹ در حدود ۱۴۳۰ هزار نفر کاهش یافت برای ملموس تر شدن موضوع، شاید بتوان گفت که به نوعی یک میلیون نفر آن از تعداد، مربوط به شاغلین بوده است و حدود ۴۰۰ هزار نفر آن بخشی از بیکاران بوده‌اند که بنا به شرایط کرونایی از بازار کار و جمعیت فعال خارج شده به جمعیت غیر فعال منتقل شدند. در سال ۱۴۰۲ تعداد شاغلین در حدود ۷۷۴ هزار نفر افزایش داشته اند این در حالی است که عرضه کار جدید در این سال ۵۷۴ هزار نفر بوده است. به عبارت دیگر برای ملموس تر شدن این تغییرات می توان گفت که میزان اشتغال ایجاد شده با توجه به شرایط رشد اقتصادی سالهای اخیر، توانسته است هم بخشی از افزایش عرضه جدید نیروی کار را پوشش دهد و هم توانسته بخشی از بیکاران را شاغل نماید.

نمودار ۴-۱. روند خالص ایجاد اشتغال و عرضه کار جدید در دوره ۱۳۹۶-شش ماهه ۱۴۰۳



مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار. مرکز آمار ایران

عدم تعادل‌های بازار کار در ابعاد مختلف

نرخ بیکاری کل نیروی کار بیانگر عدم تعادل بازار کار در سطح کلی (کلان) است و تمامی اطلاعات بازار کار را نشان نمی‌دهد. برای شناخت تمامی جوانب بازار کار، باید عدم تعادل‌های بازار کار را در ابعاد مختلف شامل بین استانی، شهری-روستایی، گروه سنی، جنس و سطح سواد مورد توجه قرار داد.

- اولین نوع عدم تعادل‌های منطقه‌ای به تفاوت‌های موجود بین نرخ بیکاری مناطق شهری و روستایی مربوط می‌شود. همان‌طور که از نمودار (۲-۴) مشاهده می‌شود، نرخ بیکاری در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری در دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۲ همواره کمتر بوده است. با توجه به بالاتر بودن نرخ مشارکت نیروی کار در روستاها نسبت به شهرها، پایین‌تر بودن نرخ بیکاری در روستاها به معنای اشتغال‌زایی بیشتر در مناطق روستایی است. اجرای قانون ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی بر روند اشتغال‌زایی در مناطق روستایی به‌طور نسبی موثر بوده است. با توجه به روند تبدیل روستاها به شهرها، برای بررسی وضعیت اشتغال‌زایی مناطق روستایی بهتر است به‌جای استفاده از تعداد جمعیت شاغل و تغییرات آن، از شاخص نسبت اشتغال به جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر استفاده شود. همان‌طور که از جدول زیر ملاحظه می‌شود، در سال‌های مورد بررسی، شاخص نسبت اشتغال در مناطق روستایی بزرگتر از مناطق شهری است و افزون بر آن، نسبت اشتغال مناطق روستایی تا پایان سال ۱۳۹۸ روند با ثباتی داشته و در حدود ۴۳٫۷ درصد بوده است. این شاخص از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ به شدت کاهش داشته ولی در سال ۱۴۰۲ و با کاهش محدودیت‌های کرونایی مجدداً افزایش یافته و به ۴۰٫۴ درصد رسیده است ولی هنوز با نسبت اشتغال سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در حدود ۳ درصد فاصله دارد.

- دومین نوع عدم تعادل بازار کار، عدم تعادل‌های منطقه‌ای از منظر تفاوت‌های موجود بین نرخ بیکاری استان‌های کشور است. همان‌طور که از جدول (۲-۴) ملاحظه می‌شود، دامنه تغییرات نرخ بیکاری استانی (فاصله بین بالاترین و پایین‌ترین نرخ بیکاری استانی) در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۸ روندی نزولی داشته است. ولی بعد از شیوع بیماری کرونا فاصله بین بالاترین و پایین‌ترین نرخ بیکاری در استانها افزایش یافت و از ۸/۵ واحد به ۹/۳ واحد رسید. طبیعتاً بیماری کرونا به عنوان عامل خارجی به رغم حمایت‌های دولت از واحدهای اقتصادی، بخصوص حمایت از ۱۴ رسته مشخص که مستقیماً تحت تاثیر این ویروس قرار گرفته و یا به‌طور موقت تعطیل شده‌اند، در همه استانها موثر بوده است اما بعد از دوره همه‌گیری کرونا، انتظار نیز بر این بود که فاصله نرخ بیکاری در استانها کاهش یابد و این روند دقیقاً بعد از کاهش اثرات کرونا تغییر جهت داد و فاصله نرخ بیکاری بین استانها مجدداً شروع به کاهش

کرد بطوریکه از ۹/۳ واحد در سال ۱۴۰۰ به ۸/۹ واحد در سال ۱۴۰۱ و به ۶/۷ واحد در سال ۱۴۰۲ رسید. در سال ۱۴۰۲ بالاترین نرخ بیکاری مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۱۲/۴ درصد و پایین ترین نرخ با ۵/۷ درصد مربوط به خراسان جنوبی است.

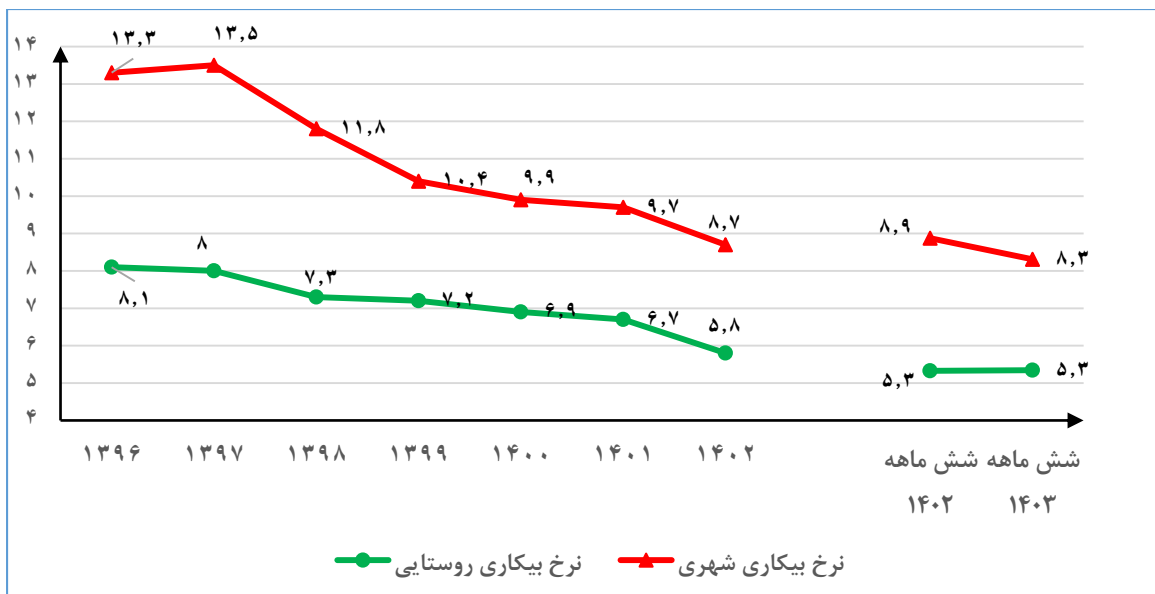
جدول ۴-۲- عدم تعادل های منطقه ای بازار کار طی سال های ۱۳۹۶ تا شش ماهه ۱۴۰۳ (درصد)

شاخص ها	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	شش ماهه ۱۴۰۳
نرخ بیکاری روستایی	۸/۳	۸	۷/۳	۷/۲	۶/۹	۶/۷	۵/۸	۵/۳
نرخ بیکاری شهری	۱۳/۴	۱۳/۶	۱۱/۸	۱۰/۴	۹/۹	۹/۷	۸/۷	۸/۳
نرخ مشارکت روستایی	۴۷/۴	۴۷/۵	۴۷/۳	۴۴/۲	۴۳/۲	۴۲/۷	۴۲/۹	۴۲/۷
نرخ مشارکت شهری	۴۳/۲	۴۳/۵	۴۳	۴۰/۴	۴۰/۳	۴۰/۳	۴۰/۸	۴۱/۱
نسبت اشتغال روستایی	۴۳/۴	۴۳/۷	۴۳/۸	۴۱	۴۰/۲	۳۹/۹	۴۰/۴	۴۰/۵
نسبت اشتغال شهری	۳۷/۴	۳۷/۶	۳۸	۳۶/۲	۳۶/۳	۳۶/۴	۳۷/۲	۳۷/۷
دامنه تغییرات نرخ بیکاری بین استان ها	۱۳/۸	۱۱/۶	۸/۵	۹	۹/۳	۸/۹	۶/۷	-

مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران

- در نمودار شماره (۴-۲)، نرخ بیکاری شهری و روستایی در کنار هم ترسیم شده است. محدودیت های کرونایی تاثیر بیشتری بر نرخ بیکاری شهری گذاشته است. لذا، می توان گفت که تعداد جویندگان شغل در شهرها به شدت تحت تاثیر قرار گرفته و از بازار کار خارج شده و به گروه غیرفعالان ملحق شده اند لذا نرخ بیکاری در شهرها در سال های اخیر کاهش یافتند و این روند در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه یافت و به ۸،۷ درصد رسید. بدیهی است که برای نتیجه گیری بهتر باید به روند نرخ مشارکت شهری هم توجه شود که مشاهده می شود نرخ مشارکت شهری از ۴۳،۵ در سال ۱۳۹۷ به ۴۰،۸ در سال ۱۴۰۲ رسیده است. شاخص نسبت اشتغال شهری هم بهبود وضعیت در سال ۱۴۰۲ را نشان می دهد ولی هنوز نسبت اشتغال ۳۷،۲ درصد در سال ۱۴۰۲ با نسبت اشتغال ۳۸ درصدی در سال ۱۳۹۸ فاصله دارد.

نمودار ۴-۲- نرخ بیکاری روستایی و نرخ بیکاری شهری در دوره ۱۳۹۶ تا شش ماهه ۱۴۰۳



مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران

- سومین نوع عدم تعادل‌های بازار کار مربوط به تفاوت‌های نرخ بیکاری بین زنان و مردان است. نمودار (۳-۴) سیر حرکتی متغیرهای نرخ بیکاری زنان و نرخ بیکاری کل را طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، همواره نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان بطور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است و این در شرایطی است که نرخ مشارکت زنان نسبت به مردان به مراتب پایین‌تر است. بنابراین، زنان در مقایسه با مردان به دلیل ساختار تولید و بافت فرهنگی و اجتماعی به خصوص در استانهای کم‌تر برخوردار در انتخاب فرصت‌های شغلی با محدودیت بیشتری مواجه هستند و بسیاری از مشاغل ماهیت مردانه دارد، ولی این نوید وجود دارد که به تدریج زنان در حال ورود به مشاغل جدیدتر نسبت به گذشته هستند. فاصله نرخ بیکاری زنان با مردان تا سال ۱۳۹۷ کاهش یافته ولی در سال ۱۳۹۸ این فاصله در حدود ۸/۵ واحد درصد ثابت شده و با ظهور شرایط کرونایی بر اقتصاد کشور این فاصله در سال ۱۳۹۹ به ۷/۲ واحد درصد کاهش یافت و با عادی شدن شرایط و انتقال جمعیت غیرفعال به فعال (به خصوص برای مردان) این فاصله مجدداً افزایش یافته و به ۸/۴ واحد درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است.
- نرخ مشارکت زنان که تا انتهای سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ روندی افزایشی داشته و به حدود ۱۷ درصد رسیده بود، با حضور شرایط کرونایی بیش از ۳ واحد درصد نزول کرد و به حدود ۱۳,۳ درصد در سال ۱۴۰۰ که در طی دو سال اخیر بهبود یافته و به حدود ۱۴,۲ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. بخشی از کاهش نرخ بیکاری در سال‌های گذشته بواسطه کاهش نرخ مشارکت زنان بوده است که ریشه در دلسردی زنان جوان از پیدا کردن شغل بواسطه شرایط رکودی و بخصوص شرایط و محدودیت‌های کرونایی بوده است. گفتنی است، معمولاً در شرایط رکود اقتصاد

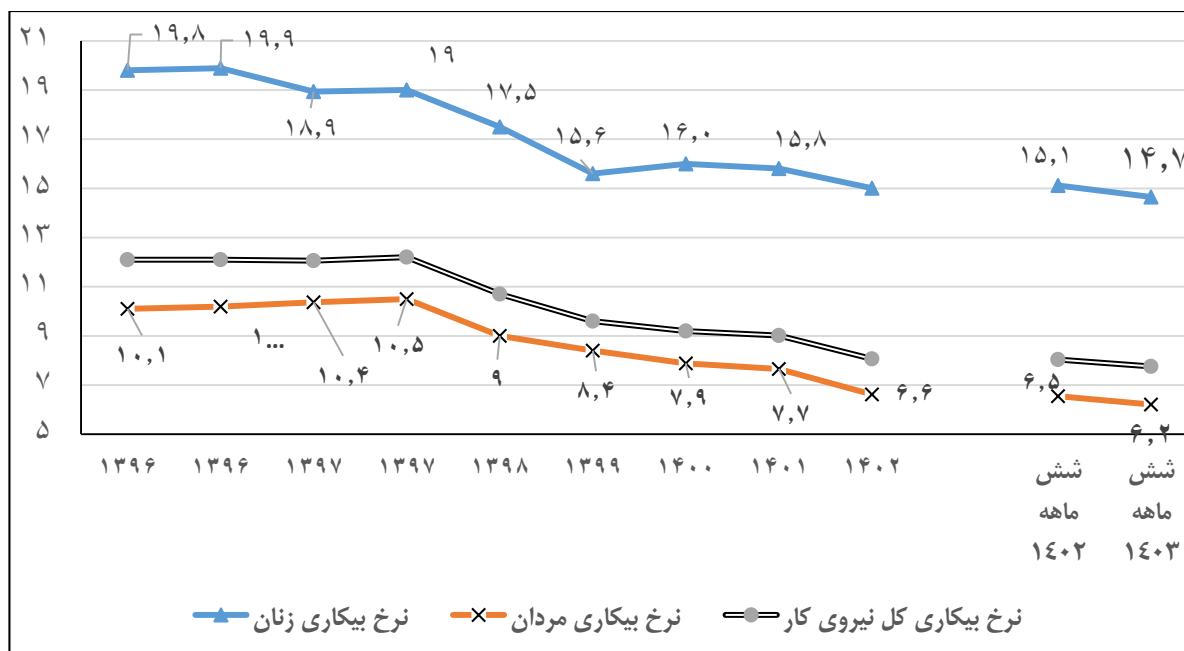
و کاهش کسب و کارها زنان از شانس کمتری نسبت به مردان در پیدا کردن شغل برخوردار هستند. با توجه به این که نسبت اشتغال زنان که در سال ۱۳۹۸ از ۱۴ به ۱۱/۷ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده بود، در طی سالهای ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ در کانال ۱۱ درصد بود که این شاخص هم مانند شاخص های دیگر در سال ۱۴۰۲ بهبود یافته و به ۱۲،۱ درصد رسیده است و طبیعتاً با نسبت اشتغال ۱۴ درصدی سال ۱۳۹۸ فاصله دارد. در بخش مردان در طی این سالها با کاهش حدود ۱ درصدی در نسبت اشتغال مواجه هستیم. نرخ مشارکت مردان در سال ۱۳۹۸ در حدود ۶۴/۷ درصد بوده است که در سال ۱۳۹۹ به ۶۸/۷ درصد و در سال ۱۴۰۲ به ۶۸/۴ درصد رسیده است.

جدول ۴-۳- روند نرخ بیکاری و مشارکت مردان و زنان در اقتصاد ایران (درصد)

شاخص ها	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	شش ماهه ۱۴۰۳
نرخ بیکاری زنان	۱۹/۹	۱۹	۱۷/۵	۱۵/۶	۱۶	۱۵/۸	۱۵	۱۴/۷
نرخ بیکاری مردان	۱۰/۱	۱۰/۵	۹	۸/۴	۷/۹	۷/۷	۶/۶	۶/۲
نرخ بیکاری کل نیروی کار	۱۲/۱	۱۲/۲	۱۰/۷	۹/۶	۹/۲	۹	۸/۱	۷/۸
فاصله نرخ بیکاری زنان با نرخ بیکاری کل	۷/۸	۶/۸	۶/۸	۶	۶/۸	۶/۸	۶/۹	۶/۹
نرخ مشارکت مردان	۷۰/۹	۶۳/۹	۶۴/۷	۶۸/۷	۶۸/۷	۶۸/۲	۶۸/۴	۶۸/۶
نرخ مشارکت زنان	۱۷/۴	۱۷/۶	۱۷	۱۳/۹	۱۳/۳	۱۳/۶	۱۴/۲	۱۴/۵
نرخ مشارکت کل نیروی کار	۴۴/۲	۴۴/۵	۴۴/۱	۴۱/۳	۴۰/۹	۴۰/۹	۴۱/۳	۴۱/۵
نسبت اشتغال زنان	۱۴	۱۴/۲	۱۴	۱۱/۷	۱۱/۱	۱۱/۴	۱۲/۱	۱۲/۵
نسبت اشتغال مردان	۶۳/۷	۶۳/۹	۶۴/۷	۶۲/۹	۶۳/۳	۶۳	۶۳/۹	۶۴/۹

مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران

نمودار ۴-۳- روند نرخ بیکاری زنان و نرخ بیکاری کل نیروی کار کشور در دوره ۱۳۹۶ تا شش ماهه ۱۴۰۳



مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران

- چهارمین نوع عدم تعادل های بازار کار مربوط به تفاوت های نرخ بیکاری بین گروه های سنی بخصوص جوانان است. در جدول (۴-۴) نرخ مشارکت و بیکاری جوانان ۱۸-۳۵ ساله با نرخ مشارکت و بیکاری نیروی کار بزرگسال (۳۶-۵۹ سال) مقایسه شده است. همان طور که از نمودار (۴-۴) ملاحظه می شود، نرخ مشارکت جوانان (۱۸-۳۵ ساله) کمتر از نرخ مشارکت بزرگسالان (۳۶-۵۹ ساله) کشور است، زیرا بخشی از آن ها در حال تحصیل در دانشگاه ها هستند. مطابق نمودار (۴-۴)، نرخ بیکاری جوانان به مراتب بالاتر از میانگین نرخ بیکاری کشور است. گفتنی است، بالاتر بودن نرخ بیکاری جوانان نسبت به بزرگسالان عمدتاً به دلیل نداشتن سابقه کار، مهارت و سرمایه است. اولین علت کاهش نرخ بیکاری جوانان طی سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲، ناشی از عواملی همچون خروج بخشی از جوانان از بازار کار به دلیل اثر مایوس شوندگی ناشی از رکود اقتصادی و کاهش فشار عرضه کار آن ها به علاوه شیوع بیکاری کرونا بوده است که نشانه آن کاهش نرخ مشارکت جوانان در حدود ۵ واحد درصد در سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ بوده است. دومین دلیل آن، افزایش ایجاد اشتغال برای جوانان است که به افزایش نسبت اشتغال جوانان منجر شده است. مطابق جدول (۴-۴)، اگر چه نرخ بیکاری جوانان در سال ۱۳۹۸ به حدود ۱۷/۹ درصد کاهش یافته، ولی همچنان بیش از ۱/۷ برابر میانگین نرخ بیکاری کشور است و به وضوح نشانگر وضعیت بسیار نامساعد بازار کار جوانان در ایران است. در سال ۱۳۹۹، نسبت به سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ نسبت به ۱۳۹۹، بیشترین کاهش نرخ مشارکت مربوط به جوانان ۱۸-۳۵ ساله با حدود ۵ واحد درصد کاهش است ولی در بین بزرگسالان و بزرگسالان حدود ۲ واحد درصد کاهش نشان داده می شود.

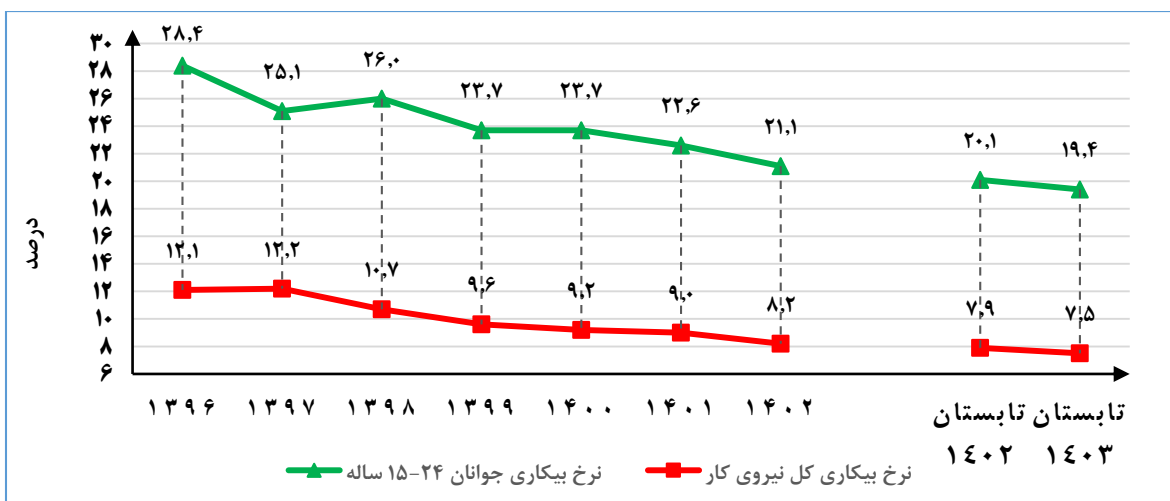
انتظار بر این است که نرخ مشارکت بزرگسالان ۶۰ ساله و بالاتر هر ساله کاهش یابد، چرا که افراد با سنین بالا بیشتر نیاز به استراحت و تفریح دارند. شاید یکی از دلایل آن وجود مشارکت افراد بالای ۶۰ سال در بخش کشاورزی باشد ولی در عین حال نمی توان به قطعیت موضوع مشارکت به دلیل نیاز معیشتی افراد بالای ۶۰ سال را رد کرد. در خصوص نرخ بیکاری نیز بیشترین کاهش نرخ بیکاری مربوط به جوانان ۱۸-۳۵ ساله می باشد و دلیل آن نیز کاهش نرخ مشارکت در آن گروه سنی است. به غیر از سال ۱۴۰۲ که توأمان با کاهش نرخ بیکاری (از ۱۶/۳ به ۱۵/۲)، نرخ مشارکت نیز نسبت به سال قبل افزایش داشته است (از ۴۶/۸ به ۴۷/۶) و طبیعتاً نشان از بهبود شرایط در سال ۱۴۰۲ دارد. ولی این گروه نیز هنوز با شرایط سال ۱۳۹۸ یعنی نرخ مشارکت ۵۰/۸ در حدود ۳ واحد درصد فاصله دارد.

جدول ۴-۴- مقایسه نرخ بیکاری و مشارکت جوانان با بزرگسالان در دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۳-تابستان (درصد)

شاخص‌ها	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	تابستان ۱۴۰۳
نرخ بیکاری جوانان ۱۸-۳۵ ساله	۱۹/۴	۱۹/۶	۱۷/۹	۱۶/۷	۱۶/۵	۱۶/۳	۱۵/۲	۱۴/۸
نرخ بیکاری بزرگسالان ۳۶-۵۹ ساله	۵/۷	۶/۱	۵/۱	۴/۹	۴/۶	۴/۶	۳/۹	-
نرخ بیکاری بزرگسالان ۶۰ساله و بالاتر		۲/۳	۱/۹	۱/۷	۱/۷	۲/۲	۱/۷	-
نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله	۲۸/۴	۲۵/۱	۲۶	۲۳/۷	۲۳/۷	۲۲/۶	۲۱/۲	۱۹/۴
نرخ بیکاری کل نیروی کار	۱۲/۱	۱۲/۲	۱۰/۷	۹/۶	۹/۲	۹	۸/۱	۷/۵
نرخ مشارکت جوانان ۱۸-۳۵ ساله		۵۱/۱	۵۰/۸	۴۶/۲	۴۶	۴۶/۸	۴۷/۶	-
نرخ مشارکت جوانان ۱۵-۲۴ ساله	۳۹/۲	۳۷/۳	۲۶/۲	۲۲/۶	۲۲	۲۲/۷	۲۳/۲	-
نرخ مشارکت میانسالان ۳۶-۵۹ ساله	۵۱/۲	۵۲/۱	۵۱/۷	۵۰/۲	۵۰	۴۹/۸	۵۰/۷	-
نرخ مشارکت بزرگسالان ۶۰ساله و بالاتر		۱۶/۳	۱۶/۵	۱۴/۳	۱۴	۱۳/۷	۱۳/۵	-
نرخ مشارکت کل نیروی کار	۴۰/۳	۴۴/۵	۴۴/۱	۴۱/۳	۴۰/۹	۴۰/۹	۴۱/۳	۴۱/۷

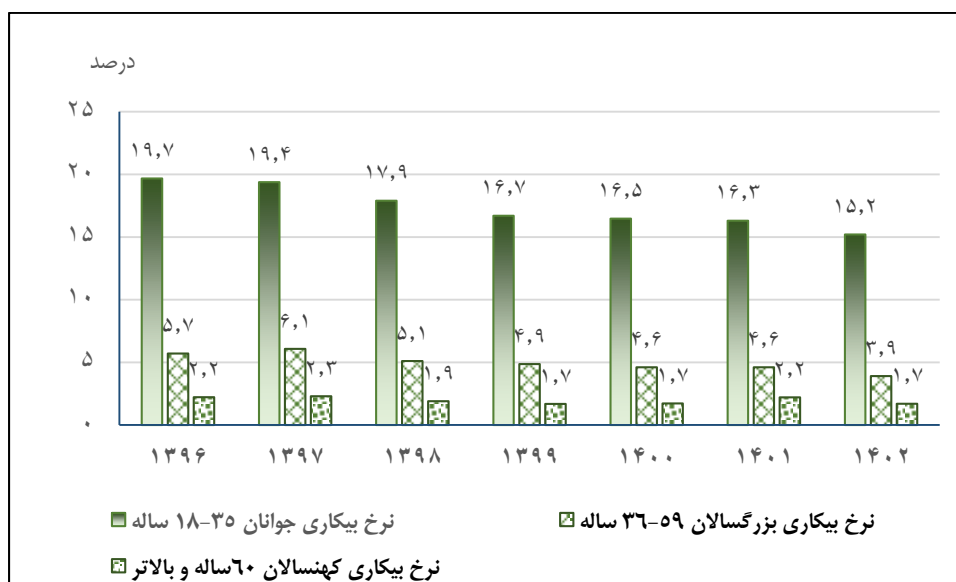
مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران و محاسبات امور اقتصاد کلان

نمودار ۴-۴- روند نرخ بیکاری کل نیروی کار و نرخ بیکاری جوانان در دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۳-تابستان



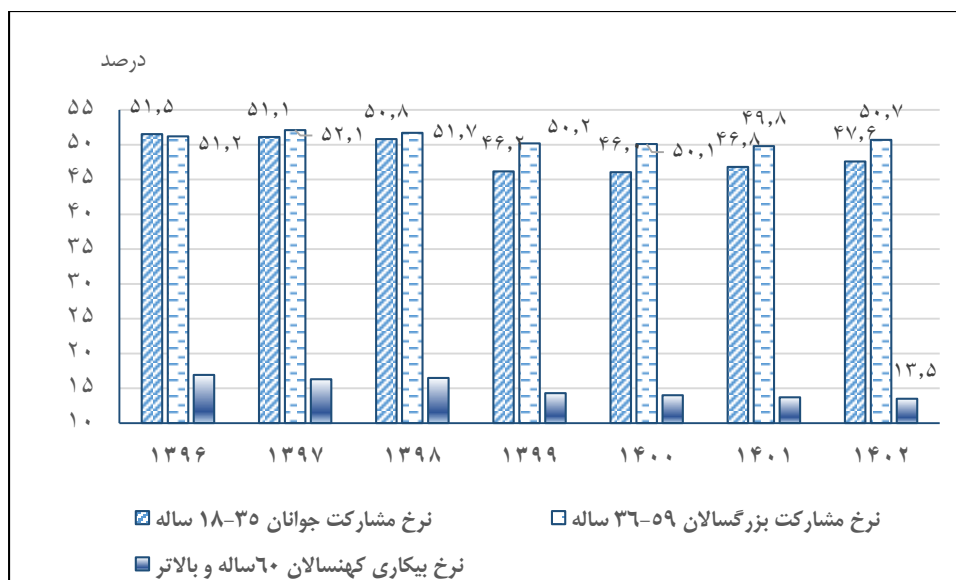
مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران و محاسبات امور اقتصاد کلان

نمودار ۴-۵- نرخ بیکاری جوانان، میانسالان و بزرگسالان در سال های ۱۳۹۶-۱۴۰۲



مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران و محاسبات امور اقتصاد کلان

نمودار ۴-۶- مقایسه نرخ مشارکت جوانان، بزرگسالان و کهنسالان در دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۲



ماخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران و محاسبات امور اقتصاد کلان

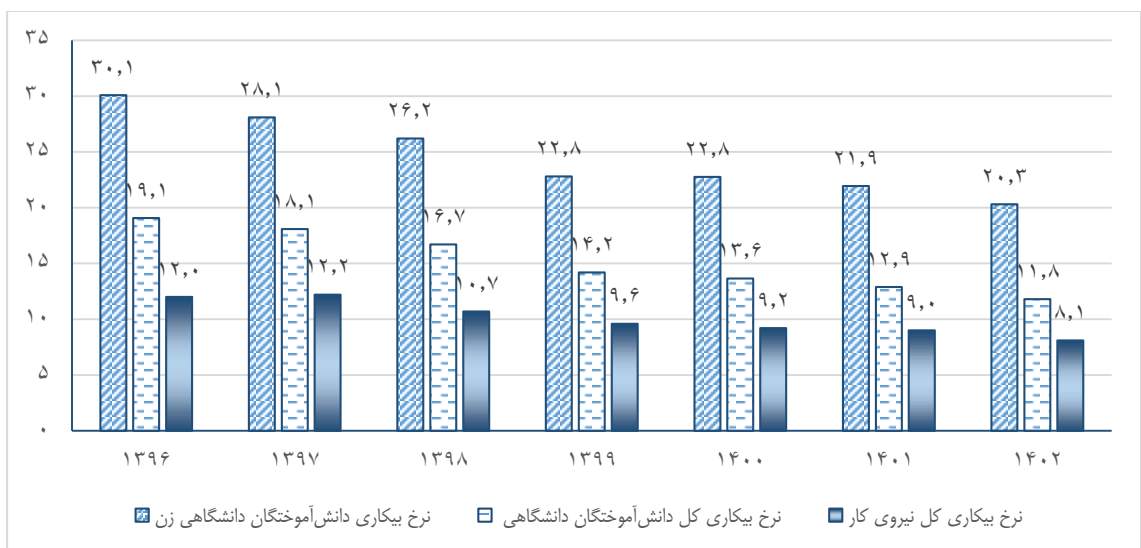
• پنجمین نوع عدم تعادل‌های بازار کار مربوط به فاصله نرخ بیکاری بین افراد با سطوح سواد مختلف است. در جدول (۴-۵) آمار مربوط به نرخ مشارکت و نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی (فوق دیپلم به بالا) به تفکیک کل نیروی کار و زنان ارائه شده است. همانطور که در جدول مذکور مشاهده می‌شود، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی به مراتب بالاتر از میانگین نرخ بیکاری کشور است که دلیل اصلی آن بالا بودن فشار عرضه دانش‌آموختگان دانشگاهی در نتیجه فارغ‌التحصیل شدن آن‌ها از مؤسسات آموزش عالی و ورود به بازار کار است. مطلب دیگر آن که نرخ مشارکت زنان دانش‌آموخته دانشگاهی خیلی بیشتر از نرخ مشارکت کل نیروی کار زنان است (نمودار ۴-۸) و این امر باعث شده است نرخ مشارکت کلی دانش‌آموختگان دانشگاهی (۶۳/۵ درصد در سال ۱۴۰۲) بیشتر از نرخ مشارکت کل نیروی کار (۴۱/۳) باشد. نرخ مشارکت کل دانش‌آموختگان دانشگاهی در کل کشور روندی صعودی داشته و مهم‌ترین منبع افزایش نرخ مشارکت در سال‌های اخیر بوده است. همان‌طور که در نمودار (۴-۷) ملاحظه می‌شود، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی طی ۱۳۹۶-۱۴۰۲ روندی نزولی دارد. گفتنی است، روند مذکور برای زنان دانش‌آموخته دانشگاهی نیز صادق است و از ۳۰/۴ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۲۶/۲ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده و پس از آن به ۲۱/۹ درصد در سال ۱۴۰۱ و به ۲۰/۳ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. نکته مهم آن است که نرخ بیکاری زنان دانش‌آموخته دانشگاهی به مراتب بالاتر از مردان است و همچنان در سطح بالایی قرار دارد و به وضوح محدودیت‌های موجود در بازار کار برای زنان تحصیل کرده دانشگاهی را نشان می‌دهد.

جدول ۴-۵- نرخ بیکاری و نرخ مشارکت دانش‌آموختگان دانشگاهی و نرخ بیکاری و مشارکت کل نیروی کار در دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۲ (درصد)

شاخص‌ها	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
نرخ بیکاری کل دانش‌آموختگان دانشگاهی	۱۹/۴	۱۸/۳	۱۶/۷	۱۴/۲	۱۳/۶	۱۲/۹	۱۱/۸
نرخ بیکاری کل نیروی کار	۱۲/۱	۱۲/۲	۱۰/۷	۹/۶	۹/۲	۹	۸/۱
نرخ مشارکت کل دانش‌آموختگان دانشگاهی	۵۶/۹	۵۷/۷	۶۵/۹	۶۱/۸	۶۲	۶۲/۴	۶۳/۵
نرخ مشارکت کل نیروی کار	۴۰/۳	۴۴/۵	۴۴/۱	۴۱/۳	۴۰/۹	۴۰/۹	۴۱/۳
نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی زن	۳۰/۴	۲۸/۲	۲۶/۲	۲۲/۸	۲۲/۸	۲۱/۹	۲۰/۳
نرخ بیکاری کل زنان	۱۹/۸	۱۹	۱۷/۵	۱۵/۶	۱۶	۱۵/۸	۱۵
نرخ مشارکت دانش‌آموختگان دانشگاهی زن	۴۱/۶	۴۱	۴۶	۴۰/۳	۳۹/۳	۳۸/۲	۴۲
نرخ مشارکت کل زنان	۱۶	۱۷/۶	۱۷	۱۳/۹	۱۳/۳	۱۳/۶	۱۴/۲

مأخذ: نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران و محاسبات امور اقتصاد کلان

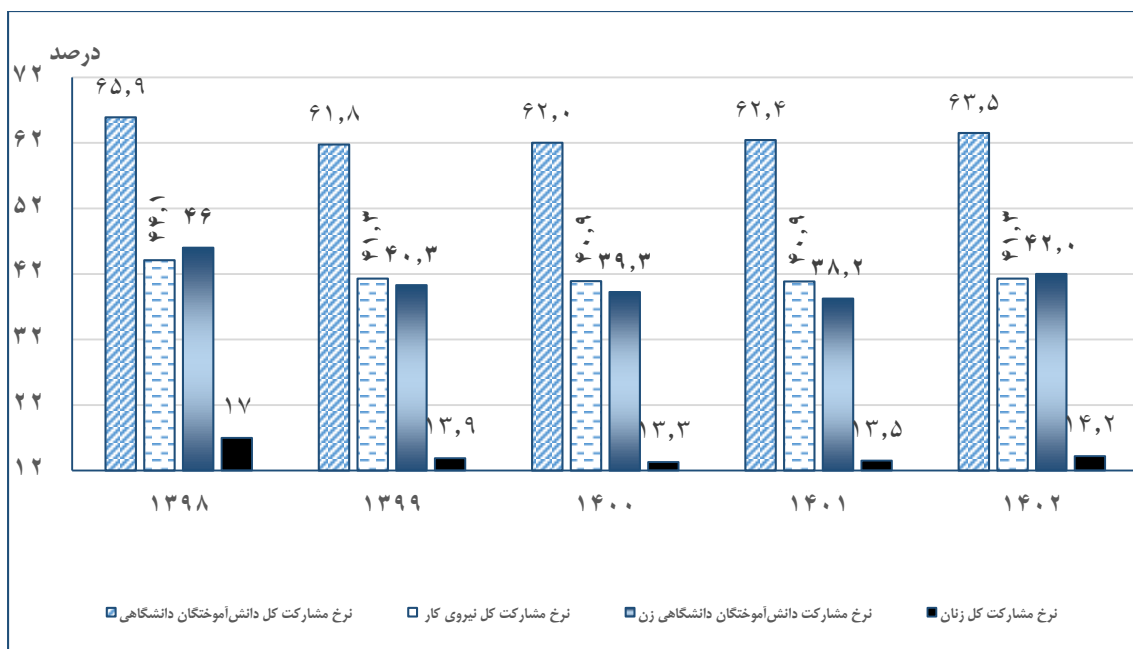
نمودار ۴-۷- روند نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی و مقایسه با نرخ بیکاری کل نیروی کار در دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۲



مأخذ:

نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران و محاسبات امور اقتصاد کلان

نمودار شماره ۴-۸- مقایسه نرخ مشارکت کل نیروی کار و مشارکت زنان دانشگاهی در سالهای ۱۳۹۸-۱۴۰۲



مأخذ: نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران و محاسبات امور اقتصاد کلان.

وضعیت درآمدی شاغلان

تحولات شاخص‌های دستمزدها

اطلاع از روند دستمزدها در تحلیل روند اشتغال مفید است، زیرا دستمزدها یکی از عوامل موثر بر تقاضای نیروی کار و نتیجتاً سطح اشتغال است. از منظر دیگر، بررسی وضعیت نابرابری دستمزدها در ارتباط با وضعیت رفاه اجتماعی جامعه نیز حائز اهمیت است. در نهایت، بررسی وضعیت دستمزدها به شناسایی مشاغل با کیفیت در اقتصاد ایران کمک می‌کند که در سیاستگذاری‌های بازار کاربرد دارد.

مقایسه شاخص‌های مختلف دستمزد با تورم، گویای این واقعیت است فاصله نرخ تورم و نرخ رشد حداقل دستمزد در سال‌های منتهی به اواخر دهه ۱۳۹۰ افزایش یافته است. متوسط رشد حداقل دستمزد، کمتر از رشد تورم بوده است. در حالی که در سال ۱۴۰۲ میزان افزایش قیمتها نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۲۳ برابر شده است، شاخص حداقل دستمزد طی همین بازه زمانی کمی بیش از ۱۶ برابر شده است. مقایسه متوسط رشد سالانه شاخص‌های حداقل دستمزد، خدمات ساختمانی و تورم نشان می‌دهد که تقریباً در همه دوره‌ها میزان افزایش شاخص خدمات ساختمانی و شاخص مزد و حقوق کارگاه‌های بزرگ صنعتی، بیشتر از حداقل دستمزد و تورم بوده است. به عبارت دیگر تعدیل دستمزد در بخش ساختمان راحت‌تر و بیشتر از تورم بوده است که این به ماهیت بخش ساختمان و قدرت چانه زنی شاغلان این بخش بر می‌گردد. به عبارت دیگر، تازه واردین به بازار کار که برای جبران خدمات نیروی انسانی خود با این شاخص مواجه می‌باشند همواره کمتر از سایر شاخص‌های

دستمزدی تغییر می یابد به طوری که در میان مدت انگیزه را برای ورود به بازار کار به ویژه بخش رسمی کم رنگ تر نموده است.

جدول ۴-۶. مقایسه شاخص قیمت تورم با شاخص مختلف دستمزد (۱۳۹۰=۱۰۰)

شاخص خدمات ساختمانی	شاخص مزد و حقوق کارگاه های بزرگ صنعتی	شاخص حداقل دستمزد	شاخص بهای تولیدکننده	شاخص قیمت مصرف کننده	
۱,۰	۱,۰	۱,۰	۱,۰	۱,۰	۱۳۹۰
۱,۳	۱,۱	۱,۲	۱,۳	۱,۳	۱۳۹۱
۱,۸	۱,۵	۱,۵	۱,۸	۱,۸	۱۳۹۲
۲,۲	۱,۹	۱,۸	۲,۰	۲,۰	۱۳۹۳
۲,۵	۲,۳	۲,۲	۲,۱	۲,۳	۱۳۹۴
۲,۷	۲,۷	۲,۵	۲,۳	۲,۵	۱۳۹۵
۲,۹	۳,۳	۲,۸	۲,۵	۲,۷	۱۳۹۶
۳,۶	۳,۹	۳,۴	۳,۵	۳,۶	۱۳۹۷
۴,۹	۵,۴	۴,۶	۴,۸	۵,۰	۱۳۹۸
۷,۵	۷,۶	۵,۸	۷,۵	۷,۴	۱۳۹۹
۱۲,۳	۱۱,۸	۸,۰	۱۲,۱	۱۰,۸	۱۴۰۰
۱۸,۰	۱۹,۲	۱۲,۷	۱۶,۶	۱۵,۹	۱۴۰۱
۲۶,۰	۳۰,۲	۱۶,۱	۲۳,۱	۲۳,۰	۱۴۰۲

ماخذ: آمارهای مرکز آمار و بانک مرکزی و محاسبات امور کلان

ترکیب تعداد افراد شاغل در خانوارها

در جداول زیر (۴-۷) تا (۴-۱۰) تحولات تعداد افراد شاغل در سطح خانوارهای شهری بر حسب دهک های هزینه ای در مقطع ۱۳۹۰ و ۱۴۰۲ آورده شده است. متوسط تعداد افراد شاغل در خانوارها در سال ۱۳۹۰ حدود ۱,۰ نفر بوده که در سال ۱۴۰۲ به ۰,۹ نفر کاهش یافته است. این وضعیت برای دهک های مختلف درآمدی فرق دارد و خانوارهای کم درآمد با متوسط تعداد افراد شاغل کمتر در خانوار (تقریباً بین ۰,۶ تا ۰,۷ نفر افراد شاغل در خانوارها) مواجه هستند و برعکس، خانوارهای پردرآمد با متوسط تعداد افراد شاغل بالاتر در خانوار (تقریباً بین ۱,۰۴ تا ۱,۲ نفر افراد شاغل در خانوارها) همراه هستند. در عین حال، تحت تکفل اشتغال یا نسبت حمایتی خانوار از بعد اشتغال (شاخص نسبت تعداد افراد شاغل به تعداد افراد در خانوارها) در طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در دهک های میانی و بالا بهبود یافته است ولی دهک های پایین درآمدی کاهش نسبی نشان

می دهد و این موضوع از بعد کنترل و حذف فقر و به خصوص حمایت های صورت گرفته از سوی دولت و نهادهای حمایتی و نهادهای عمومی غیردولتی از اقشار کم درآمد برای ایجاد فرصت های شغلی در دو دهه اخیر، نگران کننده می باشد.

در مناطق شهری متوسط خانوارهای بدون فرد شاغل در دهک های ۱ تا ۳ در سال ۱۳۹۰ اندکی بیش از ۳۸ درصد بوده که این شاخص در سال ۱۴۰۲ به رقم ۴۴,۷ درصد افزایش یافته است. در مناطق روستایی متوسط خانوارهای بدون فرد شاغل در دهک های ۱ تا ۳ در سال ۱۳۹۰ اندکی بیش از ۵۳,۸ درصد بوده که این شاخص در سال ۱۴۰۲ به رقم ۵۹,۲ درصد افزایش یافته است.

بدین ترتیب می توان گفت که طی دهه اخیر خانوارهای بدون فرد شاغل در اقتصاد ایران افزایش تدریجی داشته است. همچنین، درآمدهای ناشی از کار در دهک های پایین درآمدی با کاهش تدریجی همراه بوده است. این در حالی است که طی سالهای اخیر تسهیلات مختلف اشتغال زایی به کسب و کارهای خانگی خرد و بنگاههای خرد اعطا شده است.

جدول ۴-۷. درصد خانوارهای شهری بر حسب تعداد افراد شاغل در هر یک از دهک های هزینه سالانه در سال ۱۳۹۰

شرح	کل	دهک های ۱ تا ۳	دهک های ۴ تا ۷	دهک های ۸ تا ۱۰
متوسط تعداد افراد در خانوارها	۳,۷	۳,۰	۳,۷	۴,۰
متوسط تعداد افراد شاغل	۱,۰	۰,۷	۰,۹	۱,۲
نسبت تعداد افراد شاغل به تعداد افراد در خانوارها	۲۷,۰	۲۳,۳	۲۴,۳	۳۰,۰
متوسط خانوارهای بدون فرد شاغل	۲۶,۲	۳۸,۳	۲۴,۴	۲۰,۱
متوسط خانوارهای با ۱ نفر شاغل	۵۶,۷	۵۵,۳	۶۲,۸	۵۱,۴
متوسط خانوارهای با ۲ نفر شاغل	۱۳,۶	۵,۳	۱۰,۸	۲۱,۹
متوسط خانوارهای با ۳ نفر شاغل و بیش تر	۳,۶	۱,۱	۲,۱	۶,۷

ماخذ: هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران

جدول ۴-۸. درصد خانوارهای شهری بر حسب تعداد افراد شاغل در هر یک از دهک های هزینه سالانه در سال ۱۴۰۲

شرح	کل	دهک های ۱ تا ۳	دهک های ۴ تا ۷	دهک های ۸ تا ۱۰
متوسط تعداد افراد در خانوارها	۳,۲	۲,۷	۳,۴	۳,۴
متوسط تعداد افراد شاغل	۰,۹	۰,۶	۰,۹	۱,۰۴
نسبت تعداد افراد شاغل به تعداد افراد در خانوارها	۲۸,۱	۲۲,۲	۲۶,۵	۳۰,۶

متوسط خانوارهای بدون فرد شاغل	۳۰,۹	۴۴,۷	۲۵,۹	۲۳,۶
متوسط خانوارهای با ۱ نفر شاغل	۵۴,۵	۴۷,۷	۵۹,۹	۵۴,۱
متوسط خانوارهای با ۲ نفر شاغل	۱۲,۱	۶,۶	۱۲,۰	۱۸,۰
متوسط خانوارهای با ۳ نفر شاغل و بیش‌تر	۲,۵	۱,۱	۲,۲	۴,۳

ماخذ: هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران

جدول ۴-۹. درصد خانوارهای روستایی بر حسب تعداد افراد شاغل در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه در سال ۱۳۹۰

شرح	کل	دهک های ۱ تا ۳	دهک های ۴ تا ۷	دهک های ۸ تا ۱۰
متوسط تعداد افراد در خانوارها	۳,۷	۲,۶	۴,۳	۵,۰
متوسط تعداد افراد دارای درآمد در خانوارها	۱,۴	۱,۱	۱,۴	۱,۹
متوسط تعداد افراد شاغل	۰,۹۶	۰,۶	۱,۳	۱,۹
متوسط خانوارهای بدون فرد شاغل	۲۶,۲	۵۳,۸	۴۲,۴	۴,۷
متوسط خانوارهای با ۱ نفر شاغل	۵۶,۷	۳۶,۴	۵۹,۳	۴۲,۱
متوسط خانوارهای با ۲ نفر شاغل	۱۳,۶	۷,۷	۲۰,۰	۲۶,۲
متوسط خانوارهای با ۳ نفر شاغل و بیش‌تر	۱۰,۶	۲,۱	۹,۹	۲۷,۰

ماخذ: هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران

جدول ۴-۱۰، درصد خانوارهای شهری بر حسب تعداد افراد شاغل در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه در سال ۱۴۰۲

شرح	کل	دهک های ۱ تا ۳	دهک های ۴ تا ۷	دهک های ۸ تا ۱۰
متوسط تعداد افراد در خانوارها	۳,۲	۲,۴	۳,۵	۳,۹
متوسط تعداد افراد دارای درآمد در خانوارها	۱,۶	۱,۴	۱,۸	۱,۸
متوسط تعداد افراد شاغل	۰,۹	۰,۵	۱,۰	۱,۲
متوسط خانوارهای بدون فرد شاغل	۳۰,۹	۵۹,۲	۲۲,۵	۱۱,۱
متوسط خانوارهای با ۱ نفر شاغل	۵۴,۵	۳۳,۹	۶۰,۰	۶۳,۱
متوسط خانوارهای با ۲ نفر شاغل	۱۲,۱	۶,۱	۱۴,۲	۱۸,۴
متوسط خانوارهای با ۳ نفر شاغل و بیش‌تر	۲,۵	۱,۱	۲,۲	۴,۳

ماخذ: هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران

اقدامات دولت در زمینه اشتغالزایی

دولت در سال‌های اخیر به‌خصوص از سال ۱۳۹۶ اقدامات و فعالیت‌هایی را در زمینه بهبود کسب و کار و سرمایه‌گذاری جدید در سطح بخش‌های اقتصادی و استان‌ها به‌عمل آورده است. این اقدامات منجر به اعطای تسهیلات اشتغالزایی ارزان قیمت به واحدهای اقتصادی و یا فعالان شده است. در کنار این اقدام، برخی از سیاست‌های اشتغال در قالب برنامه‌های فعال بازار کار بخصوص برای مناطق کم‌برخوردار و محروم اتخاذ نموده است که عمدتاً مربوط به جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاهی بوده است. به این فعالیت‌ها و اقدامات در ذیل اشاره شده است:

- (۱) اجرای سیاستهای فعال بازار کار مشتمل بر:
 - ✓ اجرای طرح کارورزی دانش‌آموختگان دانشگاهی
 - ✓ اجرای طرح مهارت آموزی در محیط کار واقعی
 - ✓ اجرای طرح مشوق‌های بیمه کارفرمایی
 - (۲) اعطای تسهیلات ارزان قیمت و حمایتی در قالب واحدهای پشتیبان و خرد توسط نهادهای حمایتی و عمومی (تبصره ۱۶ قانون بودجه)
 - (۳) اجرای قانون ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱. (اجرای قانون در سال ۱۴۰۲ به دلیل تغییر سازوکار اجرایی عملکردی نداشته است)
 - (۴) حمایت از تولید و اشتغال از طریق اعطای تسهیلات ترجیحی (موضوع بند الف تبصره ۱۸ قوانین بودجه سنواتی).
تبصره ۱۸ قوانین بودجه سنواتی، رویه‌ای است که از سال ۱۳۹۶ جهت تحقق اهداف برنامه ششم توسعه کشور و ایجاد سالانه حدود یک میلیون شغل آغاز شد و در ادامه در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ و تبصره (۲) قانون بودجه ۱۴۰۳ با تلفیق سایر برنامه‌های اشتغالزایی نظیر قانون ایجاد اشتغال پایدار روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی، موضوع تبصره ۱۶ قانون بودجه ۱۴۰۱ (اشتغال حمایتی) تنفیذ شد. این برنامه‌ها به لحاظ ماهوی محدود به پرداخت تسهیلات در اشکال گوناگون می‌باشد.
- دولت در لوایح بودجه سالانه خود منابعی برای ایجاد اشتغال در تبصره ۱۸ در نظر گرفته است که این منابع در تلفیق با منابع بانکها و با کمک دستگاه‌های اجرایی و نهادهای حمایتی در جهت ایجاد اشتغال خرد و متوسط به افراد جویای کار و به بنگاههای کوچک و متوسط پرداخت می‌شود تا با راه‌اندازی کسب و کار علاوه بر ایجاد درآمد و شغل برای خود، برای دیگران هم به ایجاد اشتغال مبادرت می‌کنند. با وجود ثابت بودن ماهیت تبصره (۱۸) که حمایت از اشتغال از طریق اهرم نمودن منابع دولت و اعطای تسهیلات با نرخ ترجیحی بوده لیکن جامعه هدف آن در هر سال متناسب با شرایط - بویژه شعار سال - تغییر

یافته است. تسهیلات موضوع تبصره‌های یاد شده مشتمل بر اعطای دو نوع تسهیلات تلفیقی (اهرم منابع دولت) و اعطای تسهیلات تکلیفی قرض الحسنه بوده است. تسهیلات تلفیقی که از طریق سپرده‌گذاری منابع دولت در بانک‌ها و تلفیق با منابع شبکه بانکی و با عاملیت بانک‌ها پرداخت می‌شوند.

عملکرد اعطای تسهیلات اشتغال زایی به تامین منابع بودجه‌ای ارتباط دارد. بر اساس مفاد بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور منابع مالی تبصره مزبور، اعتبارات مندرج در ردیف (۲۹) جدول پرداختی‌های (مصارف) تبصره (۱۴) قانون مورد اشاره بوده که بدلیل عدم تحقق منابع مزبور، برنامه‌های موضوع این تبصره صرفاً از محل معادل ریالی برداشت یک میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی معادل ۷۷۵۹۸ میلیارد ریال (موضوع بند (ب) مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ شورای عالی هماهنگی اقتصادی) تامین اعتبار شده است. طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ با دبیرخانه‌ای سازمان برنامه و بودجه کشور، مجموع تسهیلات داده شده با صرف منابع تبصره (۱۸) و تلفیق با منابع بانکی بالغ بر ۱۷۹۶۰۱ میلیارد ریال و مجموع تسهیلات داده از محل صندوق توسعه ملی بالغ ۱۱۰۶۵۰ میلیارد ریال بوده است. از سال ۱۴۰۰ سازوکار اجرایی تبصره (۱۸) قانون بودجه تغییر نمود و امور اجرایی تبصره مذکور به وزارت امور اقتصادی و دارایی واگذار شد. سازمان برنامه و بودجه کشور در سال ۱۴۰۰ مبلغ ۱۸۹٫۶ هزار میلیارد ریال به صورت نقدی تخصیص داد که پس از تلفیق با منابع بانکی به میزان ۴۵۸ هزار میلیارد ریال تسهیلات برای حمایت از تولید و اشتغال پرداخت شده است. کارسازی اعطای تسهیلات تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۱ با تاخیر در سال ۱۴۰۲ انجام شده که تا پایان سال ۱۴۰۲ از محل اعتبارات سال قانون بودجه ۱۴۰۱ و پس از تلفیق با منابع بانکی تا پایان سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۱۶۳ هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداخت شده است. اعطای تسهیلات از محل تبصره (۱۸) قانون بودجه ۱۴۰۱ تا پایان شهریور ۱۴۰۳ ادامه داشته که بر اساس آخرین گزارشها بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداخت شده است. به‌رغم پیش بینی سازوکارهای نظارتی از طریق ایجاد و یا توسعه نهادهای اداری و اجرایی و یا سامانه‌های نظارتی، گزارش نظارتی متقن و مستدلی از نحوه اجرا و میزان تحقق برنامه‌های تامین مالی از محل تبصره در سالهای ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در راستای اهداف مدنظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان (شامل تناسب طرح مصوب با رسته‌های معرفی شده، تحقق اشتغال پیش‌بینی شده در طرح و همچنین ارزیابی پایداری آن‌ها، بررسی استقرار طرح مصوب در مناطق مورد هدف، ارزیابی اهلیت مجریان طرح‌ها و ...) موجود نیست. غالب گزارش‌های ارائه شده (آنهم دولت و مجلس شورای اسلامی) نمایانگر عملکرد بانک‌ها و دستگاه‌های اجرایی در پرداخت تسهیلات بوده است. به‌طوری که اصابت تسهیلات و اعتبارات به اقشار یا گروه‌های هدف بیکار و یا کم درآمد جامعه، به‌طور دقیق روشن نمی‌باشد و نیازمند بررسی دقیق‌تر و شفاف‌تر می‌باشد.

پیش‌بینی متغیرهای اصلی بازار کار

در خصوص چشم انداز شاخص‌های نرخ بیکاری، اشتغال، و نرخ مشارکت در ابتدا باید توجهی به آخرین اطلاعات جمع‌آوری شده از طرح نیروی کار که در بهار و تابستان ۱۴۰۳ انجام گرفته است، داشته باشیم. بر این اساس نرخ بیکاری در شش ماهه اول ۱۴۰۳ در حدود ۷/۶ درصد است که نسبت به ۸ درصد بیکاری شش ماه اول ۱۴۰۲ بهبود یافته و انتظار می‌رود همین روند تا پایان سال ۱۴۰۳ نیز ادامه یابد، لذا پیش‌بینی می‌شود نرخ بیکاری تا پایان سال ۱۴۰۳ در حدود ۷٫۶ درصد برسد. تعداد افراد شاغل در شش ماهه سال ۱۴۰۳ در حدود ۲۴۹۳۷ هزار نفر بوده است که در مقایسه با شش ماهه سال ۱۴۰۲ در حدود ۴۴۲ هزار نفر افزایش داشته است، در این خصوص انتظار می‌رود جمعیت شاغل در انتهای ۱۴۰۳ به بیش از ۲۵ میلیون نفر برسد. در مورد نرخ مشارکت که در شش ماهه ۱۴۰۳ در حدود ۴۱/۴ درصد بوده که تغییری نسبت به دوره مشابه نداشته است ولی انتظار این است که تا پایان سال ۱۴۰۳ رقم فوق به حدود ۴۱/۵ درصد برسد. با توجه به کاهش صورت گرفته در سالهای ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ برای نرخ مشارکت اقتصادی و با توجه به بازگشت‌ها به بازار کار که از سوی فعالین اقتصادی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ و همچنین ثبات نسبی در اقتصاد کلان و انتظار بهبود شاخص‌های کسب و کارها که خود به عنوان محرک مثبت برای مشارکت در فعالیتهای اقتصادی قلمداد می‌شود، لذا انتظار می‌رود که برای سال ۱۴۰۴ نرخ مشارکت افزایش یابد و به حدود ۴۲ درصد برسد. همچنین روند نزولی نرخ بیکاری بسته به شرایط اقتصادی انتظار می‌رود در حالت خوش بینانه در حدود ۷/۵ درصد ثابت مانده و یا با توجه به افزایش نرخ مشارکت، تا حدود ۸ درصد افزایش یابد.

مشکلات و چالش‌های بازار کار

مشکلات و گلوگاه‌های بازار کار نشأت گرفته از دو بخش طرف عرضه و طرف تقاضا است. در طرف عرضه بازار کار، بسیاری از دانش‌آموختگان نظام آموزش عمومی و عالی کیفیت پایینی دارند و فاقد تجربه و مهارت‌های مورد نیاز بازار کار هستند که به اشتغال‌پذیری پایین آن‌ها منجر شده است. بنابراین سیاست‌های غالب در حوزه عرضه بازار کار ایران در طول برنامه هفتم، توجه به سیاست‌های اشتغال‌پذیری و تقویت نظام مهارتی (در قالب فنی و حرفه‌ای، کار و دانش و مهارت دانشجویان در حال فارغ التحصیل) می‌باشد. به‌نحوی که مهارت‌های اجتماعی و فنی آنها در فرآیند بازار کار تقویت گردد. طرف تقاضای بازار کار تحت تأثیر سیاست‌های اقتصاد کلان، سیاست‌های بازار کار و فضای حاکم بر اقتصاد کشور، دچار برخی مشکلات و تنگناها است که در مقطع کنونی به شدت تحت تأثیر تبعات منفی ناشی از شیوع ویروس کرونا و تداوم رکوردهای اقتصادی نیز شده است. برخی از مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات منشاء بازار کار شامل موارد زیر است:

- عدم تعادل‌های بازار کار کشور در ابعاد سنی، جنسیتی، تحصیلی و منطقه‌ای به‌رغم سیاست‌های حمایتی اتخاذ شده
- فقدان نگرش جامع به امور بازار کار و ناهماهنگی بین سیاست‌های اقتصادی و سیاست‌های بازار کار
- حکمرانی نامناسب بازار کار و اقدام یا فعالیت‌های مختلف، موازی و غیرهدفمند توسط نهادهای درگیر این مسأله
- فقدان نظام جامع و کارآمد جمع‌آوری، انتشار و تحلیل اطلاعات بازار کار
- پایین بودن سطح بهره‌وری کار و به تناسب آن پایین بودن سطح دستمزد برای شاغلان موجود و تازه واردین به بازار کار (جوانان) با وجود افزایش سطح دانش نظری نیروی کار
- ناکارایی نهادهای آموزش فنی و حرفه‌ای و مراکز کارایی در فرآیند جستجوی شغل و کاهش شکاف مهارتی
- وجود قوانین و مقررات پیچیده و انعطاف‌ناپذیر در روابط کار که باعث سخت شدن ورود و خروج بازار شده است.
- کمبود نیروی انسانی ماهر و عدم تناسب بین تخصص‌ها و نیازهای بازار کار
- توسعه مشاغل غیر رسمی و اشتغال بی کیفیت که نه تنها آسیب اقتصادی را به همراه دارد، بلکه آسیب‌های اجتماعی آن دوچندان می‌باشد.

برخی از راهکارها و اقدامات قابل اجرا

- بهبود فضای کسب و کار در رسته فعالیت‌های منتخب دارای ظرفیت توسعه اشتغال و تولید به منظور افزایش رشد اقتصادی و ایجاد مشاغل با کیفیت
- ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاست‌های بازار کار، که مهم‌ترین این موارد عبارتند از حمایت از طرح‌های اشتغال جوانان (موضوع ماده ۹۴ قانون برنامه ششم توسعه)، رشد بیشتر مالیات‌های غیرمستقیم نسبت به مالیات‌های مستقیم، رشد بیشتر اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نسبت به اعتبارات هزینه‌ای، ایجاد ثبات در بازار ارز به منظور امکان برنامه‌ریزی برای تولید و تامین کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی با قیمت مناسب.
- کمک به تثبیت اشتغال در واحدهای موجود از راه‌هایی مانند تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های دارای کمبود نقدینگی و در معرض ورشکستگی و ارائه خدمات مشاوره و بازاریابی.
- حمایت از کارگران بیکار شده فاقد بیمه بیکاری بنگاه‌ها و ارتقای مهارت‌های تخصصی آن‌ها
- تداوم حمایت هدفمند دولت از توسعه رسته‌های دارای ظرفیت افزایش اشتغال و تولید با اولویت رسته‌های تخصص‌بر
- حمایت هدفمند از توسعه خوشه‌های کسب و کار و توسعه بنگاه‌های خرد و کوچک

- حمایت از طرح‌های تأمین مالی خرد و کمک به ایجاد تنوع در شیوه‌های تأمین مالی شرکت‌های نوپا با تکیه بر مشارکت‌های مردمی
- تداوم اجرای طرح برنامه‌های فعال بازارکار از جمله کارورزی برای جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاهی و مهارت آموزی در محیط کار واقعی
- حمایت از توسعه کارآفرینی و آموزش مهارت‌های کسب و کار بخصوص در محیط دانشگاهی
- تداوم حمایت از توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان و خدمات فنی و مهندسی با رویکرد صادرات به خارج از کشور
- تداوم حمایت از طرح‌های توسعه اشتغال ویژه نهادهای حمایتی و مشاغل خانگی در راستای فقرزدایی
- حمایت از شکل‌گیری و توسعه استارت آپ‌ها و فعالیت‌های نوآورانه و اتصال آنها به واحدهای اقتصادی متوسط و بزرگ
- اعطای مشوق‌های بیمه‌ای، مالیاتی و یارانه دستمزدی برای گروه‌های هدف (کارفرمایان مرتبط) در مناطق عدم برخوردار از اشتغال و به‌کارگیری نیروی کار جدید به‌ویژه گروه‌های خاص (جوانان، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و زنان)

فصل ۵: بازار پول و تورم

مقدمه

بازار پول یکی از بازارهای چهارگانه در اقتصاد است که عملکرد آن بر بازارهای دیگر تأثیر گذار بوده و از عملکرد متغیرهای این بازارها نیز تأثیر می‌پذیرد. درجه بالای تأثیرپذیری و تأثیرگذاری تحولات حوزه‌های پولی و بانکی از سایر حوزه‌ها و بخش‌های اقتصادی، ضرورت اعمال سیاست‌های اقتصادی مناسب از سوی دولت و بانک مرکزی را ایجاب می‌کند. از این‌رو در این قسمت از گزارش، تحولات متغیرهای حوزه پولی و بانکی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه به وضعیت تورم پرداخته می‌شود.

عملکرد متغیرهای پولی

در دهه اخیر تغییر و تحولات اساسی در ساختار پول و نقدینگی کشور ایجاد شده است و در برخی از مواقع بسیاری از شاخص‌های اقتصادی را متأثر ساخته است. اما در سال‌های اخیر همکاری دولت و بانک مرکزی در اتخاذ سیاست‌های مدیریت رشد نقدینگی مشهود بوده است. نرخ رشد ۱۲ ماهه پایه پولی از ۴۲ درصد در سال ۱۴۰۰ و ۴۵ درصد در ۱۴۰۱ به ۲۱,۲ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۳ کاهش یافته است. ضمن آنکه پایه پولی در پایان خرداد ۱۴۰۳ با رشدی معادل ۲,۱ درصد نسبت به پایان سال ۱۴۰۲ به ۱۱۱۳۰,۳ هزار میلیارد ریال رسید. همانگونه که در نمودار شماره (۱-۴) مشخص می‌شود، از نیمه دوم سال ۱۴۰۱ تا اردیبهشت ۱۴۰۳ رشد ۱۲ ماهه پایه پولی فراتر از رشد ۱۲ ماهه نقدینگی بوده است. اما از ابتدای سال ۱۴۰۳، ملاحظه می‌گردد که رشد پایه پولی کنترل شده و پایین‌تر از رشد نقدینگی آمده است.

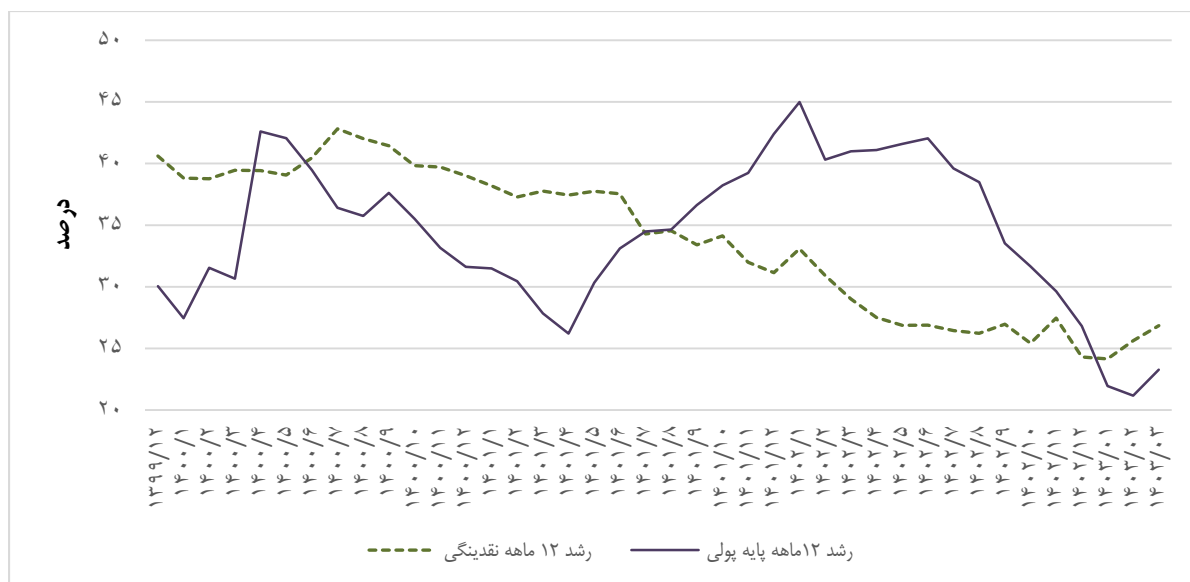
طبق آخرین آمار منتشر شده توسط بانک مرکزی، حجم نقدینگی در پایان خرداد ۱۴۰۳ به رقم ۸۳۵۳۹,۹ هزار میلیارد ریال رسید که نسبت به خرداد ۱۴۰۲ معادل ۲۶,۸ درصد رشد و نسبت به اسفند ۱۴۰۲ معادل ۶ درصد رشد نشان می‌دهد. همچنین در مقایسه با ماه قبل، رشد نقدینگی از ۲۵,۶ درصد در اردیبهشت‌ماه سال جاری به ۲۶,۸ درصد در خرداد ماه

افزایش یافته که نشانه‌ای از انحراف از هدف ۲۵ درصدی تعیین شده برای نقدینگی دیده می‌شود. لازم به ذکر است رشد نقدینگی هدف‌گذاری شده برای پایان سال ۱۴۰۳ معادل ۲۳ درصد (با دامنه مثبت و منفی ۲ درصد) در نظر گرفته شده است. بانک مرکزی از سال ۱۴۰۰ اقدامات متعددی را برای کنترل رشد نقدینگی انجام داد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به رویکرد آن بانک در کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها اشاره کرد. به طوری که در سال ۱۴۰۰ تمرکز آن بانک بر سمت دارایی ترازنامه بانک‌ها بود ولی از سال ۱۴۰۱ نظارت بر سمت بدهی ترازنامه بانک‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است. در سال ۱۴۰۰ میزان رشد ترازنامه برای بانک‌های تجاری ۲ درصد و برای بانک‌های تخصصی ۲٫۵ درصد تعیین می‌شد، اما این رویکرد از سال ۱۴۰۱ تغییر کرد هر بانک بر حسب شرایط شاخص‌های نظارتی مثل نسبت کفایت سرمایه و میزان اضافه برداشت، طبقه‌بندی و نسبت‌های رشد سقف ترازنامه بر حسب شرایطی که هر بانک داشت، ابلاغ شد.

در سال ۱۴۰۱ بانک مرکزی در کنار سیاست کنترل ترازنامه، سیاست تغییر سپرده قانونی بانک‌ها را نیز مورد توجه قرار داد. به طوری که این نسبت که قبلاً در دامنه ۱۰ تا ۱۳ درصد تعیین می‌شد، براساس مصوبه شورای پول و اعتبار سقف آن تا ۱۵ درصد افزایش یافت. این سیاست برای تکمیل سیاست‌های کنترل رشد نقدینگی اتخاذ شد و براساس آن این امکان فراهم شد تا نسبت سپرده قانونی بانک‌هایی که از سقف‌های تعیین شده تخطی داشتند تا ۱۵ درصد افزایش یابد.

از نیمه دوم سال ۱۴۰۱ به واسطه اعمال سیاست‌های کنترل ترازنامه و افزایش نسبت سپرده قانونی (که به نوبه خود ضریب فزاینده پولی را کاهش داده است)، رشد نقدینگی محدود شده است. اما از آنجا که کاهش ضریب فزاینده محدودیت دارد و نمی‌تواند به عنوان راه‌حل دائمی کنترل رشد نقدینگی مورد استفاده قرار گیرد، روند افزایشی نرخ رشد پایه پولی دیر یا زود روند کاهشی رشد نقدینگی را تحت تاثیر قرار داده و رشد نقدینگی با پایه پولی همسو خواهد شد. همانگونه که در نمودار شماره (۱-۵) ملاحظه می‌گردد از ابتدای سال ۱۴۰۳، افزایش رشد نقدینگی شروع شده است.

نمودار ۱-۵: روند رشد دوازده ماهه نقدینگی و پایه پولی در ایران-درصد



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران

در جدول شماره (۱-۵) آمار متغیرهای پولی طی سال‌های اخیر ارائه شده است. بر اساس ارقام مندرج در این جدول، حجم پول در پایان خرداد ۱۴۰۳ معادل ۲۰۵۳۶ هزار میلیارد ریال است. رشد نقطه‌به‌نقطه پول در خرداد ۲۱,۲ درصد است. از سوی دیگر شبه‌پول با رسیدن به عدد ۶۳۰۰۰ هزار میلیارد ریال، رشد ۲۸,۸ درصدی را نسبت به خرداد سال گذشته ثبت کرده است. بررسی ترکیب نقدینگی نشان می‌دهد که سهم شبه پول در رشد نقدینگی بیشتر بوده است. بر این اساس سهم پول از نقدینگی ۲۴,۶ درصد و سهم شبه‌پول از این متغیر پولی ۷۵,۴ درصد ثبت شده است. در بخش پول، سپرده‌های دیداری عمده سهم این بخش را به خود اختصاص داده‌اند و در بخش شبه‌پول، سپرده‌های کوتاه‌مدت، یک‌ساله و سه‌ساله عمده این بخش را در اختیار دارند.

جدول ۱-۵: حجم و رشد نقدینگی و منابع پایه پولی کشور- هزار میلیارد ریال- درصد

اجزای پایه پولی	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	خرداد ۱۴۰۳
خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی	۲,۴۱۷	۳,۴۷۵	۴۷۰۴	۵۶۸۲	۶۸۳۴,۳	۱۸۵۳۷,۱	۱۹۰۸۴
رشد ۱۲ ماهه	۱۱,۵	۴۳,۷	۳۵,۳	۲۰	۶,۳	۱۷۱,۶	۲۲۹,۴
خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی	۲۹۲	۱۵۶	-۲۲۵	-۸۸۲	-۱۹۸۵,۸	-۱۷۸۶,۸	-۶۳۵,۴
رشد ۱۲ ماهه	۴۳۰	-۴۶,۵	-۲۴۳,۸	۲۹۲,۵	۱۲۵	-۱۰	-۱۵,۳
مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها	۱,۳۸۱	۱,۱۰۷	۱۱۷۱,۴	۱,۴۶۳	۳۹۱۲,۴	۷۷۱۳,۵	۶۶۸۴,۸
رشد ۱۲ ماهه	۴۶	-۱۹,۸	۵,۸	۲۵	۱۶۷,۴	۹۷,۲	-۱۱۵۱
خالص سایر ارقام	-۱۴۳۳	-۱۲۱۰	-۱۰۶۱	-۲۲۳,۳	-۱۵۱	-۱۳۵۵۷,۵	-۱۴۰۰۳,۲
رشد ۱۲ ماهه	۲,۱۴	-۱۵,۵	-۱۲,۳	-۷۹	-۳۲	۸۸۷۸,۵	-۱۳۵۶۴,۶

۱۱۱۳۰	۱۰۹۰۶,۳	۸,۵۹۹	۶۰۳۹	۴,۵۸۹	۳,۵۲۸	۲,۶۵۷	پایه پولی
۲۳,۳	۲۷,۶	۴۲,۴	۳۱,۶	۳۰	۳۲,۸	۳۰	رشد ۱۲ ماهه
۸۳۵۳۹,۹	۷۸۷۷۴,۵	۶۳,۳۷۶	۴۸۳۲۴	۳۴,۷۶۲	۲۴,۷۲۲	۱۸,۸۲۹	نقدینگی
۲۶,۸	۲۴,۳	۳۱	۳۹	۴۰,۶	۳۱,۳	۲۳	رشد ۱۲ ماهه
۷,۵۰۶	۷,۲۲۳	۷,۳۶۹	۸,۰۰۱	۷,۵۷۵	۷,۰۰۶	۷,۰۸	ضریب فزاینده نقدینگی
۳,۴۸	-۲	-۷,۹	۵,۶۲	۸,۱۲	-۱	-۰,۸	رشد ۱۲ ماهه
۲۴,۶	۲۴	۲۶	۲۰	۲۰	۱۷	۱۵	سهم پول در نقدینگی
۲۰۵۳۶,۶	۱۹۱۴۶,۴	۱۶۲۹۷	۹۸۶۶	۶۹۱۰	۴۲۷۳	۲۸۵۲	پول
۶۳۰۰۳	۵۹۶۲۸	۴۷۰۸۰	۳۸۴۵۹	۲۷۸۵۲	۲۰۴۴۹	۱۵۹۷۶,۶	شبه پول
۳۲,۶	۳۲	۳۴,۶	۲۵,۷	۲۴,۸	۲۰,۹	۱۷,۸	نسبت پول به شبه پول

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران

سهم اجزای پایه پولی در رشد پایه پولی در جدول شماره (۲-۵) نشان داده شده است. مطابق جدول مزبور خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۹۷-۹۹ و ۱۴۰۲ و سه ماهه ۱۴۰۳ بیشترین سهم را از رشد پایه پولی داشته است و به عبارت دیگر، بخش عمده‌ای از رشد پایه پولی در این دوره ناشی از خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی بوده است. اما در سال ۱۴۰۱، مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها بیشترین سهم را در رشد پایه پولی داشته است. به این معنی که بخش عمده‌ای از رشد پایه پولی در این سال با منشأ اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی بوده است و تأثیر به‌سزائی در افزایش نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها داشته است.

جدول ۲-۵: سهم اجزای پایه پولی در رشد پایه پولی - درصد

شرح	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	خرداد ۱۴۰۳
رشد پایه پولی	۳۰	۳۲,۸	۳۰,۱	۳۱,۶	۴۲,۴	۲۷,۶	۲۳,۳
سهم خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی	۳۴,۸	۳۹,۹	۳۴,۸	۲۱,۳	۱۸,۹	۱۸۱,۵	۱۷۸
سهم خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی	-۱۰,۸	-۵,۱۰	-۱۰,۸	-۱۴,۳	-۱۸,۳	۰,۷	-۰,۱
سهم مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها	۱,۸	-۱۰,۳	۱,۸	۶,۴	۴۰,۵	۴۴,۵	۳۰,۵
سهم خالص سایر ارقام	۴,۳	۸,۳	۴,۳	۱۸,۲	۱,۳	-۱۹۹,۱	-۱۸۵,۱
مأخذ: بانک مرکزی							

عملکرد تسهیلات پرداختی شبکه بانکی

جدول شماره (۳-۵) عملکرد تسهیلات پرداختی را نشان می‌دهد. تسهیلات پرداختی بانک‌ها در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۵۶۴۶۰ هزار میلیارد ریال بوده است که نسبت به سال قبل آن نزدیک به ۲۷ درصد رشد داشته است، ضمن آنکه تسهیلات پرداختی طی ۵ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۳ مبلغ ۲۲۹۵۶,۷ هزار میلیارد ریال می‌باشد که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل معادل ۲۳,۹ درصد افزایش داشته است. از کل تسهیلات پرداختی ۷۵,۶ درصد به صاحبان کسب و کار و ۲۴,۴ درصد به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است.

نکته قابل توجه در اعطای تسهیلات سیستم بانکی مربوط به سهم تسهیلات پرداختی در قالب سرمایه در گردش است که در حدود ۷۵ درصد از کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار را شامل می‌شود. شایان ذکر است که تسهیلات سرمایه در گردش به سبب دوره بازپرداخت کوتاه مدت (۳ ماهه) در طول سال به دفعات پرداخته می‌گردد و هر بار به هنگام پرداخت در تسهیلات پرداختی آن سال محاسبه می‌شود. همچنین بیشترین سهم در تسهیلات پرداختی به خانوار شامل خرید کالای شخصی می‌باشد که معادل ۴۰,۹ درصد از کل تسهیلات پرداختی به خانوارها می‌باشد.

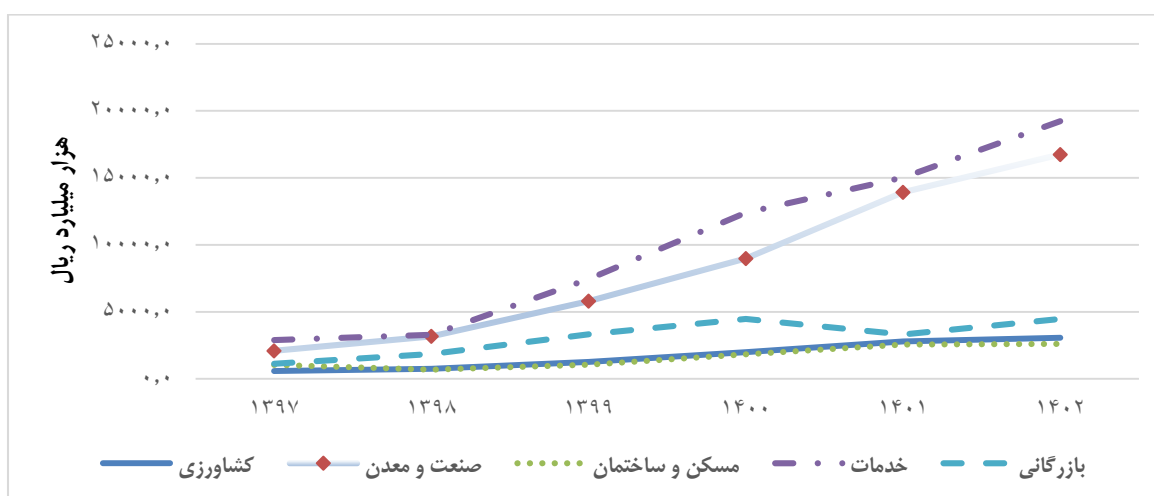
جدول ۳-۵: عملکرد تسهیلات پرداختی طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۵ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۳-هزار میلیارد ریال

سال	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۵ ماهه ۱۴۰۳
تسهیلات سرمایه در گردش	۴۳۲۰	۵۲۶۱	۱۱۶۳۵	۱۹۳۷۹	۲۷۴۲۹	۳۵۲۴۴	۱۳۰۹۹
سهم از تسهیلات صاحبان کسب و کار	۵۶	۵۴	۶۱	۶۵	۷۲,۹	۷۶,۴	۷۵,۴
سایر موارد	۳۴۱۷	۴۴۸۹	۷۳۵۴	۱۰۳۰۳	۱۰۱۹۷	۱۰۸۷۸	۴۲۶۴
سهم از تسهیلات صاحبان کسب و کار	۴۴	۴۶	۳۹	۳۵	۲۷	۲۳,۶	۲۴,۶
جمع تسهیلات اعطایی به صاحبان کسب و کار	۷۷۳۷	۹۷۵۰	۱۸۹۸۹	۲۹۶۸۲	۳۷۶۲۶	۴۶۱۲۲	۱۷۳۶۳
کل تسهیلات اعطایی	۷۷۳۷	۹۷۵۰	۱۸۹۸۹	۲۹۶۸۲	۴۴۴۸۵	۵۶۴۶۰	۲۲۹۵۶
رشد نسبت به دوره مشابه سال قبل	۲۶	۲۶	۹۵	۵۹	۲۶,۷۷	۲۶,۹	۲۸,۴

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران

در نمودار شماره (۲-۵) روند تسهیلات پرداختی ۱۲ ماهه به تفکیک بخش‌های اقتصادی از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ نشان داده شده است. مطابق نمودار، تسهیلات پرداختی به بخش خدمات، به خصوص در سال‌های اخیر، نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی بالاتر است و طی سال‌های اخیر سهم ۴۰ درصدی از تسهیلات بخش‌ها را به خود اختصاص داده است. همچنین رشد تسهیلات در این بخش نیز روند صعودی داشته است و از رشد ۱۴ درصدی در سال ۱۳۹۷ به رشد ۲۸ درصد در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال قبل رسیده است.

نمودار ۲-۵: روند تسهیلات پرداختی ۱۲ ماهه سال‌های اخیر-هزار میلیارد ریال



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران

بررسی روند تغییرات مطالبات غیرجاری که نتیجه بروز ریسک اعتباری است به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکداری ایران است. مطابق جدول شماره (۴-۵)، شاخص نسبت مانده تسهیلات غیر جاری به کل مانده تسهیلات در ایران از متوسط استانداردهای جهانی که حدود ۵ درصد است، بالاتر است. اطلاعات و آمار جدول ذیل نشان می‌دهد از نسبت مطالبات غیر جاری شبکه بانکی در تسهیلات ریالی و ارزی از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ کاسته شده، لیکن در سال ۱۴۰۲ افزایش داشته است. نسبت تسهیلات غیر جاری تسهیلات ارزی طی سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته که می‌تواند ناشی از تلاطم بازار ارز از اواخر سال ۱۳۹۶ تاکنون باشد. کاهش ثبات اقتصاد کلان، افزایش تورم و رکود از مواردی هستند که احتمال نکول تسهیلات دریافتی بنگاه‌ها و افزایش مطالبات غیرجاری را افزایش می‌دهد. در نتیجه، شبکه بانکی حتی بیش از پیش نیازمند افزایش نظارت و اصلاحات است تا بتواند بدون اختلالات جدی به کار خود ادامه دهد.

جدول ۴-۵: مانده کل تسهیلات جاری و غیر جاری (هزار میلیارد ریال/ درصد)

سال	تسهیلات ریالی	تسهیلات ارزی	تسهیلات ریالی و ارزی
-----	---------------	--------------	----------------------

نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات	تسهیلات غیر جاری	کل تسهیلات (جاری و غیر جاری)	نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات	تسهیلات غیر جاری	کل تسهیلات (جاری و غیر جاری)	نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات	تسهیلات غیر جاری	کل تسهیلات (جاری و غیر جاری)	
۱۰	۱۵۰۷	۱۵۰۹۰,۲	۹,۸	۲۲۶,۶	۲۳۲۰,۲	۱۰	۱۲۸۰,۳	۱۲۷۷۰	اسفند ۱۳۹۷
۹	۱۷۳۹,۵	۱۹۳۵۵,۸	۱۰,۶	۳۷۴,۶	۳۵۴۲,۱	۸,۶	۱۳۶۴,۹	۱۵۸۱۳,۷	اسفند ۱۳۹۸
۶,۷	۱۸۷۱	۲۷۹۲۲	۸,۸	۴۷۰,۱	۵۳۶۴	۶,۲	۱۴۰۰,۷	۲۲۵۵۸,۱	اسفند ۱۳۹۹
۶,۱	۲۵۴۰,۳	۴۱۴۱۸,۲	۱۰,۸	۱۰۱۳,۵	۹۴۱۷,۹	۴,۸	۱۵۲۶,۸	۳۲۰۰۰,۴	اسفند ۱۴۰۰
۶,۹	۳۸۲۴,۷	۵۵۸۳۳,۱	۱۶,۶	۱۸۳۰,۳	۱۱۰۰۴,۶	۴,۴	۱۹۹۴,۴	۴۴۸۲۸,۵	اسفند ۱۴۰۱
۸,۸	۶۲۰۱,۹	۷۰۶۸۲,۳	۱۹,۹	۲۳۷۵,۵	۱۱۹۱۵	۶,۵	۳۸۲۶,۵	۵۸۷۶۷,۳	اسفند ۱۴۰۲

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران

به طور کلی همانگونه که از جدول فوق نمایان است، نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات تا سال ۱۴۰۰ روند نزولی و بعد از آن مجدداً این نسبت که نشان دهنده وضعیت شبکه بانکی می باشد، روند صعودی به خود گرفته است. شایان ذکر است که دلیل کاهش نسبت مذکور در دهه نود به سبب تغییر در نحوه محاسبه این نسبت بوده است. در حال حاضر نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات ریالی و ارزی به میزان ۸,۸ درصد است. در حالی که براساس استانداردهای جهانی نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات پرداختی بانکها باید بین ۳ تا ۵ درصد باشد. نکته قابل توجه این است که این نسبت در تهسلات ارزی تشدید یافته است که می تواند ناشی از نوسانات ارزی سال های اخیر باشد.

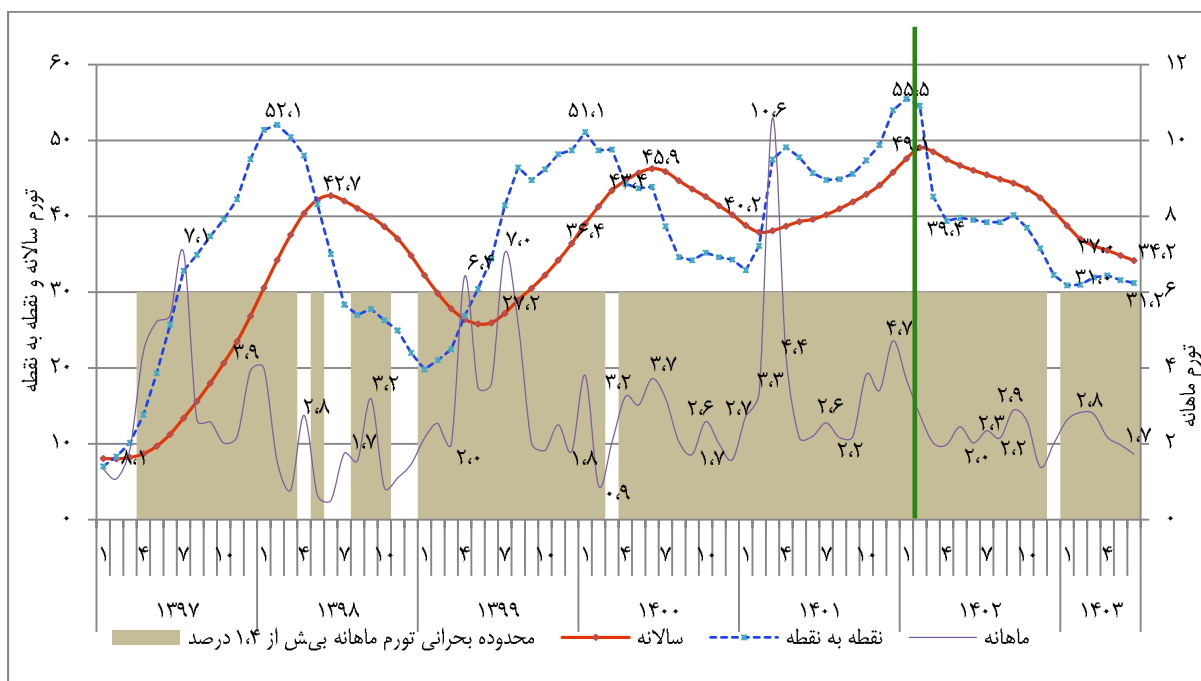
نسبت بالای تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات چه در بخش ریالی و چه در بخش ارزی همواره یکی از معضلات بانکها و نظام بانکی به شمار می رود که می تواند باعث تشدید مشکل نقدشوندگی های بانک ها شود زیرا بسیاری از بانکها که دارای نسبت تسهیلات غیرجاری قابل قبولی هستند نیز با تنگنای نقدینگی مواجه هستند و اگر این نسبت نیز بخواهد در شرایط مطلوب نباشد شرایط وخیم تر می شود.

شاخص قیمت مصرف کننده

طبق آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران، میانگین تورم سالانه شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۱۴۰۲ به رقم ۴۰,۷ درصد رسید که همانند سال های اخیر آن بسیار بیشتر از روند بلندمدت آن (۲۰-۱۸ درصد) می باشد. البته این شاخص در شهریور سال ۱۴۰۳ به ۳۴,۲ درصد رسید که در مقایسه با سال قبل ۱۱,۹ واحد درصد کاهش یافته است. تورم نقطه به نقطه مصرف کننده در سال ۱۴۰۲ و شهریور ماه سال ۱۴۰۳ به ترتیب ۳۲,۳ و ۳۱,۲ درصد بوده که در مقایسه با انتهای سال ۱۴۰۱ حدود ۲۲ واحد درصد کاهش نشان می دهد. همچنان که در نمودار (۳-۵) مشاهده می شود، نرخ تورم سالانه به صورت نقطه

به نقطه در فروردین ماه سال ۱۴۰۲ به حداکثر خود یعنی ۵۵,۵ درصد رسید و پس از آن وارد روند نزولی شده و پیش بینی می‌شود این روند نزولی در صورت ثابت ماندن سایر شرایط، تا انتهای سال ۱۴۰۳ تداوم داشته باشد.

نمودار ۳-۵: تورم سالانه، نقطه به نقطه و ماهانه شاخص قیمت مصرف کننده- درصد



منبع: مرکز آمار ایران

تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده (تورم) به تفکیک دوازده گروه اصلی و تفکیک کالا و خدمات در جدول (۵-۵) ارائه شده است. نکته قابل توجه اینکه شاخص قیمت کالاها در سال ۱۴۰۲ بالاترین سطح (۵۵,۹ درصد) در دهه اخیر بوده است و نقش مهمی در شاخص قیمت کل (تورم) در این سال داشته است. درحالی که طی سال‌های تحریم از سال ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۳، متوسط افزایش شاخص کل قیمت ۳۷ درصد بوده است. در بین گروه‌های اصلی قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها با متوسط ۴۴,۶ درصد، هتل و رستوران ۴۸,۷ درصد، پوشاک و کفش ۴۲,۴ درصد بیش از سایر گروه‌ها بوده است. طبق معمول در شرایط بحران ارزی، رشد شاخص قیمت اقلام کالایی با ۴۲,۲ درصد به‌صورت قابل توجهی بیشتر از تورم شاخص قیمت خدمات با ۳۰,۲ درصد بوده است. بدین ترتیب شوک‌های بیرونی بر اقتصاد ملی از جمله تشدید تحریم‌ها، ابتدا شاخص قیمت کالاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سپس منجر به افزایش شاخص قیمت خدمات شده است.

جدول ۵-۵: تورم شاخص قیمت مصرف کننده به تفکیک گروه‌ها اصلی در مناطق کشور (۱۴۰۰=۱۰۰) - درصد

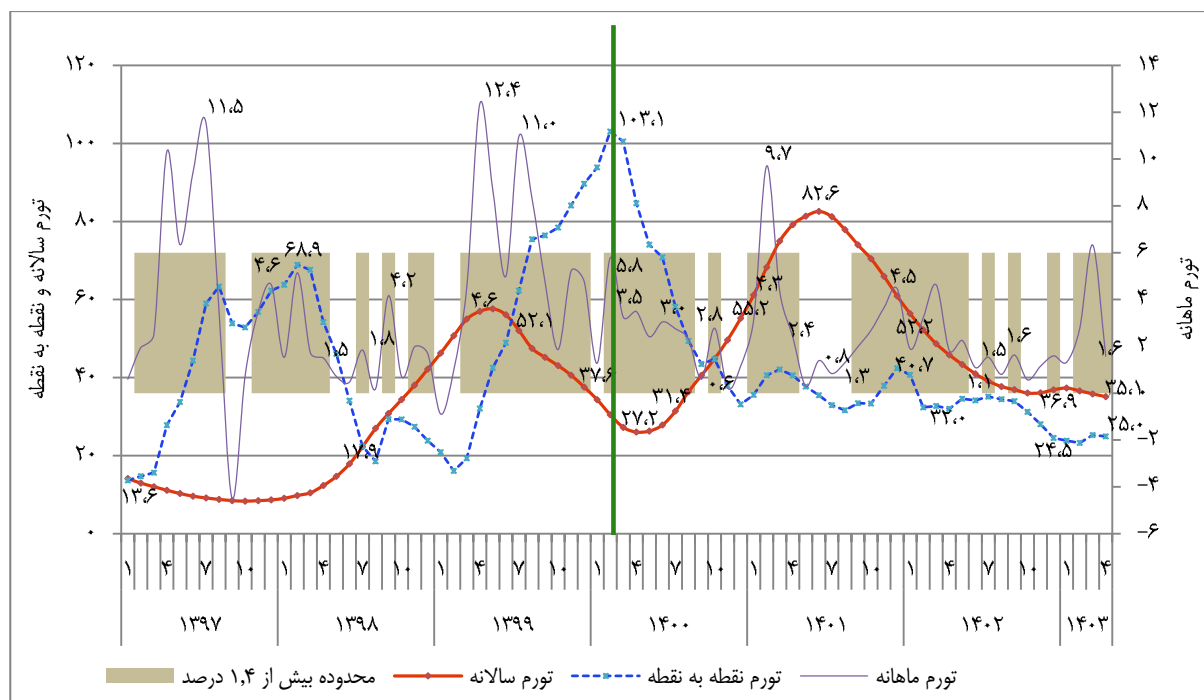
شاخص کل	ضریب	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	شهریور ۱۴۰۳	متوسط دوره
شاخص کل	۱۰۰,۰	۲۶,۹	۳۴,۸	۳۶,۴	۴۰,۲	۴۵,۸	۴۰,۷	۳۴,۲	۳۷,۰
۱- خوراکی ها و آشامیدنی ها	۲۸,۸۲	۳۶,۸	۴۳,۰	۳۹,۱	۵۱,۹	۷۱,۲	۴۱,۲	۲۹,۰	۴۴,۶
۲- دخانیات	۰,۶۲	۱۰۲,۴	۲۹,۹	۳۶,۶	۳۵,۹	۳۹,۴	۴۲,۱	۳۵,۳	۴۵,۹
۳- پوشاک و کفش	۴,۵۲	۲۹,۶	۴۳,۹	۳۸,۷	۵۱,۳	۴۷,۵	۴۷,۲	۳۸,۵	۴۲,۴
۴- مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها	۳۶,۱۱	۱۶,۸	۲۳,۷	۲۵,۳	۲۶,۸	۳۲,۳	۳۹,۲	۴۰,۹	۲۹,۳
۵- مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آن ها	۴,۴۰	۴۳,۰	۴۹,۳	۴۶,۵	۴۶,۵	۳۵,۲	۳۶,۷	۲۹,۶	۴۱,۰
۶- بهداشت و درمان	۶,۶۸	۱۷,۲	۲۵,۹	۲۹,۹	۳۸,۷	۴۳,۲	۴۲,۹	۳۲,۶	۳۲,۹
۷- حمل و نقل	۸,۹۳	۲۷,۲	۴۶,۸	۶۵,۶	۳۷,۵	۳۶,۳	۴۱,۹	۲۹,۴	۴۰,۷
۸- ارتباطات	۲,۴۱	۲۳,۳	۱۵,۴	۱۶,۵	۶,۴	۱۱,۷	۱۹,۸	۱۹,۱	۱۶,۰
۹- تفریح و فرهنگ	۰,۸۷	۴۳,۵	۴۵,۵	۴۲,۵	۳۹,۹	۳۶,۶	۴۳,۷	۳۵,۸	۴۱,۱
۱۰- آموزش	۰,۸۸	۱۷,۵	۲۱,۸	۲۱,۵	۲۵,۰	۳۲,۵	۳۷,۴	۴۰,۷	۲۸,۱
۱۱- هتل و رستوران	۱,۳۵	۲۱,۶	۴۰,۱	۲۹,۷	۶۱,۶	۸۲,۷	۵۹,۸	۴۵,۳	۴۸,۷
۱۲- کالاهای و خدمات متفرقه	۴,۴۲	۳۴,۸	۳۷,۲	۳۷,۴	۴۰,۸	۳۳,۹	۴۰,۶	۳۶,۴	۳۷,۳
کالا	۵۲,۱۸	۳۵,۱	۴۴,۲	۴۳,۵	۴۶,۷	۵۵,۹	۴۱,۱	۲۹,۱	۴۲,۲
خدمات	۴۷,۸۲	۱۸,۱	۲۳,۵	۲۶,۴	۲۹,۸	۳۴,۷	۴۰,۲	۴۰,۸	۳۰,۵

مأخذ: مرکز آمار ایران

شاخص قیمت تولید کننده

از آنجا که تورم تولید کننده از طرف مرکز آمار ایران به صورت فصلی و با تأخیر منتشر می شود، از آمار بانک مرکزی برای نشان دادن تورم تولید کننده در این گزارش استفاده شده است. طبق آمار و اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۲، شاخص قیمت تولید کننده ۳۶,۹ درصد بوده که نسبت به سال قبل از آن ۲۴ واحد درصد کاهش یافت است. بیشترین تورم ناشی از افزایش قیمت گروه های «هتل و رستوران»، «کشاورزی، شکار و جنگلداری و ماهیگیری» و گروه «بهداشت و مددکاری اجتماعی» بوده است. ضمن آن که میانگین تورم سالانه شاخص قیمت تولید کننده در تیر ماه سال ۱۴۰۳ به ۳۵,۱ درصد رسید که در مقایسه با سال قبل ۱۰,۷ واحد درصد کاهش یافته است. تورم نقطه به نقطه تولید کننده در تیر ماه سال ۱۴۰۳ نیز ۲۵,۰ درصد بوده که در مقایسه با سال گذشته ۷ واحد درصد کاهش نشان می دهد. همچنان که در نمودار (۴-۵) نیز قابل مشاهده است، نرخ تورم سالانه تولید کننده نقطه به نقطه در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ به حداکثر خود یعنی ۱۰۳,۱ درصد رسیده و پس از آن وارد روند نزولی شده است.

نمودار ۴-۵: تورم سالانه، نقطه به نقطه و ماهانه شاخص قیمت تولید کننده-درصد



منبع: بانک مرکزی ایران

تغییرات شاخص قیمت تولید کننده به تفکیک هشت گروه اصلی و گروه اصلی خدمات در جدول (۵-۶) آمده است. طی سال‌های تحریم از سال ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۳، متوسط افزایش شاخص کل قیمت ۴۲,۱ درصد بوده است. در بین گروه‌های اصلی، شاخص قیمت گروه ساخت (صنعت) به طور متوسط ۴۲ درصد، شاخص قیمت گروه کشاورزی، شکار و جنگلداری و ماهیگیری ۴۳ درصد و گروه حمل و نقل و انبارداری ۴۹,۴ درصد قابل توجه بوده است.

جدول ۵-۶: درصد تغییر در متوسط شاخص بهای سالانه گروه‌های اصلی تولیدکننده (بر پایه سال ۱۳۹۵)

سال	ضریب	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	تیر ۱۴۰۳	متوسط دوره
شاخص کل	۱۰۰,۰	۸,۶	۴۲,۲	۳۷,۶	۵۵,۲	۶۰,۹	۳۶,۹	۳۵,۱	۳۹,۵
کشاورزی، شکار و جنگلداری و ماهیگیری	۱۸,۶	۹,۳	۳۸,۶	۳۴,۶	۳۶,۸	۶۵,۴	۵۷,۷	۵۳,۹	۴۲,۳
ساخت (صنعت)	۴۷,۱	۶,۸	۵۴,۱	۳۶,۲	۵۷,۶	۵۹,۸	۳۴,۶	۲۹,۶	۳۹,۸
حمل و نقل و انبارداری	۱۶,۹	۶,۸	۳۹,۶	۵۸,۹	۸۸,۶	۶۸,۲	۲۴,۴	۲۸,۸	۴۵,۰
هتل و رستوران	۰,۸	۱۸,۱	۲۶,۸	۵۰,۳	۳۳,۷	۶۴,۳	۸۰,۰	۷۸,۲	۵۰,۲
اطلاعات و ارتباطات	۱,۵	۲,۳	۳,۳	۱۰,۴	۱,۸	۱۷,۵	۱۰,۵	۶,۲	۷,۴
آموزش	۲,۵	۱۲,۶	۱۶,۹	۲۰,۶	۱۷,۵	۲۷,۹	۳۷,۶	۴۰,۵	۲۴,۸
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۱۱,۶	۲۷,۳	۱۷,۱	۲۱,۶	۲۳,۵	۴۵,۰	۴۴,۳	۴۶,۴	۳۲,۲
سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	۰,۹	۲۳,۳	۲۰,۰	۲۴,۸	۳۱,۶	۵۰,۵	۵۴,۲	۵۶,۱	۳۷,۲

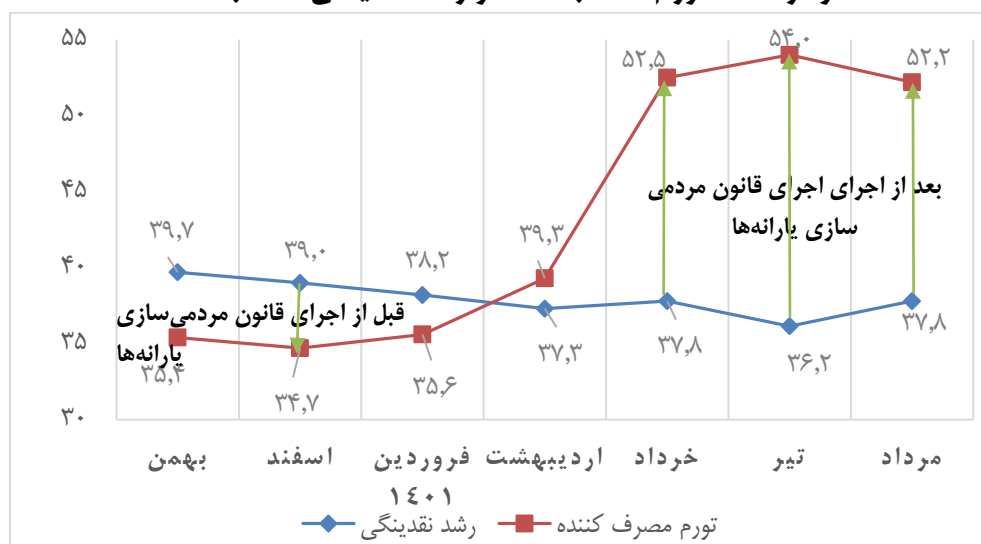
۳۸,۲	۳۴,۰	۳۰,۰	۶۰,۴	۶۱,۹	۴۱,۸	۲۷,۴	۱۲,۱	۳۴,۳	گروه تخصصی: خدمات
------	------	------	------	------	------	------	------	------	-------------------

مأخذ: بانک مرکزی ایران، محاسبات: امور اقتصاد کلان

ریشه‌های تورم در سال‌های اخیر

اجرای سیاست‌های اقتصادی در سال‌های اخیر از فروردین ماه ۱۴۰۱، با افزایش دستمزدهای نیروی کار مشمول قانون کار کلید خورده است. از طرفی در ۲۱ اردیبهشت ماه همین سال، اجرای قانون مردمی سازی یارانه‌های کالاهای اساسی (حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰۰ ریال) در دستور کار دولت قرار گرفت. همزمان قیمت‌های جهانی اقلام کالای اساسی و نهاده‌ها نیز به دلیل جنگ روسیه و اوکراین تا حد دو برابر افزایش یافته است. همه این سیاست‌ها و عوامل نقش مؤثری در تشدید قیمت‌ها و به تبع آن نرخ تورم در اقتصاد ایران داشته‌اند.

نمودار ۵-۵: تورم نقطه به نقطه و رشد نقدینگی نقطه به نقطه



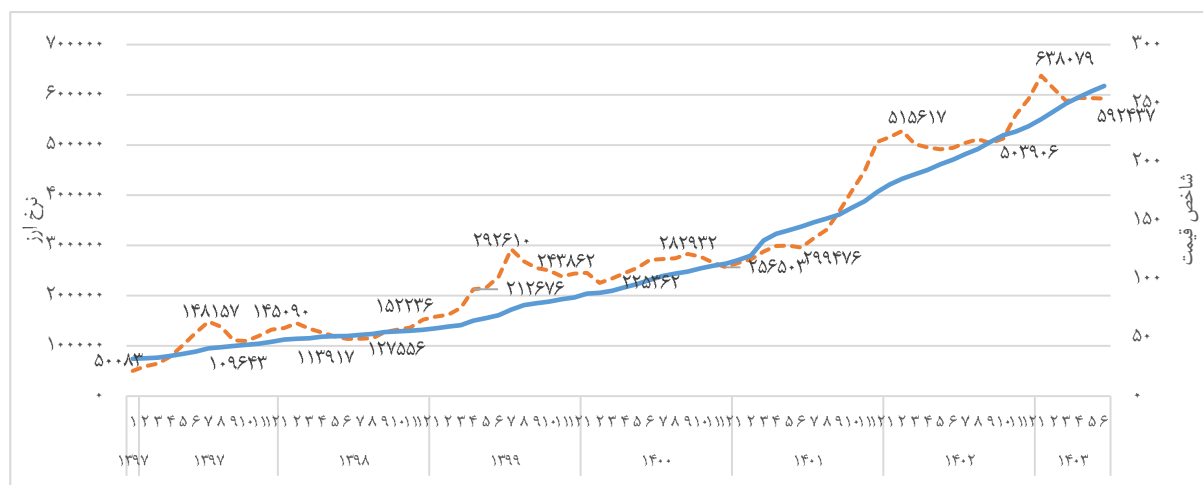
مرکز آمار و محاسبات کارشناسی

در نتیجه اجرای سیاست‌ها و شرایط اقتصادی که بدان‌ها اشاره شد، در شش ماه نخست سال ۱۴۰۱، نرخ تورم ماهانه طبق آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران (سال پایه ۱۴۰۰)، به ترتیب ماهانه ۲,۷، ۳,۳، ۱۰,۶، ۴,۴، ۲,۲ و ۲,۲ درصد شد که در مجموع، شاخص کل قیمت مصرف‌کننده را در شش ماه نخست سال، ۲۷,۹ درصد رشد داد که حدود ۱۵ درصد بیشتر از معمول بوده است. این موارد سبب تغییر جهت تورم نسبت به رشد نقدینگی به صورت نقطه به نقطه شده که در نمودار (۵-۵) به نمایش درآمده است.

در نیمه دوم سال نیز نزدیک ۲۰ واحد درصد به تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده اضافه شده که عمدتاً ناشی از اثرات نقدینگی و افزایش شدید نرخ ارز بوده است. در خصوص اثرات نرخ ارز (هرچند وقت یکبار)، گفتنی است ایالات متحده در اواخر سال

۱۳۹۶ با نقض برجام و تحریم‌های جدید علیه اقتصاد ایران دست به سلسله اقداماتی زد که روی انتظارات و کاهش ارزش پول ملی و شکل‌گیری تورم در ایران اثرگذار بوده و اثرات آن هر از گاهی در اقتصاد ایران ظاهر می‌شود. با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به تزریق دائم ارز از ناحیه نفت و گاز به اقتصاد کشور، هم‌زمان با کاهش عرضه منابع ارزی کشور از سال ۱۳۹۶، نرخ ارز افزایش و به تبع آن دارایی‌های نقد شونده از جمله ارز، طلا، خودرو شروع به افزایش می‌نماید و به دنبال آن بازار سفته بازی نیز در این بازارها شکل می‌گیرد. همچنین قیمت دارایی‌های ثابت مانند مسکن نیز با نسبتی از آن شروع به افزایش نموده است. متوسط قیمت ارز در بازار آزاد از حدود ۵۰ هزار ریال در ابتدای سال ۱۳۹۷ به بالای ۵۰۰ هزار ریال در انتهای سال ۱۴۰۱ رسیده است. بیشترین رشد قیمت ارز در سال ۱۴۰۱ مربوط به نیمه دوم این سال می‌باشد که در آن نرخ دلار با شتابی قابل توجه از حدود ۳۰۰ هزار ریال به بالای ۵۰۰ هزار ریال رسیده است (نمودار شماره ۵-۶).

نمودار ۵-۶: روند شاخص قیمت و نرخ ارز در بازار آزاد طی دوره ۱۴۰۳-۱۴۰۰ (ریال)



مأخذ: بانک مرکزی

در ابتدای سال ۱۴۰۲ نرخ دلار غیر رسمی (بازار) در محدوده نسبتاً بالای ۵۰۰ هزار ریال، پایدار ماند و در طول سال بین ۴۹۰ تا ۵۱۰ هزار ریال در نوسان بوده ولی در سه ماه پایانی سال ۱۴۰۲ به دلیل شکل‌گیری انتظارات افزایش قیمت دلار حتی تا بالای ۶۳۰ هزار ریال نیز رسید. در مجموع، افزایش نرخ ارز در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ماقبل خود ۵۳٫۶ درصد بوده است که قابل توجه است. در اقتصاد ایران افزایش قیمت نرخ ارز، معمولاً یکی از مسیرهای فعال کردن رشد نقدینگی محسوب می‌شود زیرا کسری بودجه دولت را (به علت افزایش مخارج جاری دولت و افزایش مابه‌التفاوت‌های یارانه‌ای) بیش از گذشته افزایش می‌دهد و از طرفی دیگر، زیان انباشته شبکه بانکی به علت افزایش نکل‌ها و به هم ریختن وضعیت کسب و کار بخش خصوصی افزایش می‌یابد. به عبارتی دیگر، سیاست‌های بودجه‌ای و پولی که از گذشته عامل افزایش نقدینگی و تورم

بوده است در شرایط افزایش نرخ ارز، تشدید نیز می‌شوند. ضمناً با افزایش نرخ ارز، سفته بازی و رشد قیمت برخی از دارایی‌ها محتمل خواهد بود.

شایسته ذکر است که افزایش دوره‌ای قیمت ارز و به تبع آن سایر دارایی‌ها، فقط به دلیل کاهش قیمت نفت یا کاهش فروش نفت و کاهش صادرات و واردات نبوده است بلکه اولاً تراز حساب سرمایه نیز حاکی از خروج سرمایه و ارز از جریان اقتصاد کشور بوده و ثانیاً بخشی از درآمدهای صادراتی ایران که در حساب جاری منعکس می‌شود معمولاً بلوکه شده و وارد اقتصاد کشور نمی‌شود.

با وجود همه این مسائل، رشد نقدینگی در سال ۱۴۰۲ به میزان ۶,۸ واحد درصد نسبت به سال ۱۴۰۱ کمتر شده و در اسفند ماه به ۲۴,۳ درصد رسیده است. همچنین تورم نیز در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال قبل از خود به میزان ۵,۱ واحد درصد کاهش یافته و به ۴۰,۷ درصد رسیده است.

درباره کاهش شدت تورم در سال ۱۴۰۲ گفتنی است اولاً بعد از رشدهای شدید شاخص قیمت معمولاً انتظار می‌رود رشدهای آتی باشدت کمتری ادامه یابد. ثانیاً درآمدهای نفتی ایران به دلیل فروش بیشتر نفت با قیمت بالاتر نسبت به سال گذشته افزایشی قابل ملاحظه یافت و وارد کنندگان توانستند واردات بیشتری نسبت به صادرات غیر نفتی رقم بزنند و به همین دلیل تراز تجاری کشور در سال ۱۴۰۲ به مبلغ ۱۶,۷- میلیارد دلار رسیده است که رقمی بسیار بزرگ محسوب می‌شود. سومین نکته این که سیاست پولی کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها و محدودیت در اعطای بخشی از تسهیلات (که عمدتاً به سرنوشت نکول منتهی می‌شدند) نیز توسط بانک مرکزی دنبال شد. این دو موضوع یعنی افزایش درآمد صادرات نفت و افزایش واردات و کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها سبب کاهش شدت رشد نقدینگی شد و این شاخص در انتهای سال ۱۴۰۲ به ۲۴,۳ درصد رسید که نسبت به اسفند ۱۴۰۱ کاهش نشان می‌دهد. به دنبال آن از شدت تورم نیز در سال ۱۴۰۲ کاسته شده و تورم نیز مسیر نزولی را طی کرده و این مسیر نزولی حتی تا نیمه نخست سال ۱۴۰۳ نیز تداوم یافته است. بدین ترتیب آن چه در دهه اخیر در تحولات پولی و تورم می‌توان اشاره کرد این است که تغییرات و ترکیب پایه پولی و به تبع آن نقدینگی، نقش مهمی در تشدید تورم داشته است. این تغییرات نیز عمدتاً با منشأ محدودیت‌های ارزی بوده است.

پیش بینی متغیرهای پولی و تورم

در جدول شماره (۷-۵) متغیرهای پایه پولی، نقدینگی، نرخ ارز و تورم آمده است. با شبیه‌سازی وضع موجود و تداوم روند گذشته که در آن روزانه ۱,۷ میلیون بشکه نفت در روز با قیمت بیشتر از ۶۵ دلار صادر شود و مسائلی همچون شوک‌های بیرونی از جمله تحریم جدید نفتی اتفاق نیفتد و موانعی جدی جدیدی بر کسب و کارها و فعالیت اقتصادی ایجاد نشود، پیش

بینی می‌شود شاخص قیمت سال ۱۴۰۳ به میزان ۳۱,۱ درصد و در سال ۱۴۰۴ نیز ۳۳,۰ درصد نسبت به سال قبل آن رشد خواهد کرد.

جدول ۷-۵: پیش بینی متغیرهای پولی، نرخ ارز و تورم

۱۴۰۴	۱۴۰۳	۱۴۰۲	۱۴۰۱	
۳۰,۱	۲۲,۶	۲۷,۶	۴۲,۹	پایه پولی
۲۹,۵	۲۴,۹	۲۴,۳	۳۱,۱	نقدینگی
۳۳,۰	۳۱,۱	۴۰,۷	۴۵,۸	شاخص قیمت

مأخذ: بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و پیش‌بینی امور اقتصاد کلان

خلاصه و جمع‌بندی

در این فصل عملکرد متغیرهای پولی، بانکی و تورم مورد بحث قرار گرفت. بر اساس مطالب ارائه شده، رشد نقدینگی از محدوده ۴۰ درصد در سال‌های گذشته به ۲۶,۸ درصد در خرداد سال ۱۴۰۳ کاهش یافته است که از هدف ۲۵ درصدی تعیین شده در قانون کمی انحراف دارد. کنترل حجم پول در سال‌های اخیر به واسطه اعمال سیاست‌های کنترلی بانک مرکزی و انضباط مالی دولت حاصل شده است. اما این مهم با اعمال محدودیت در اعطای تسهیلات همراه بود به نحوی که رشد واقعی تسهیلات در سال‌های اخیر منفی بوده است. بر اساس آمار ارائه شده در این فصل، رشد تسهیلات پرداختی در سال ۱۴۰۲ در حدود ۲۷ درصد و در ۵ ماهه نخست سال ۱۴۰۳ معادل ۲۴ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ تورم سالانه در سال ۱۴۰۲ ۴۰,۷ درصد و در شهریور ۱۴۰۳ معادل ۳۴ درصد بوده است که نشان‌دهنده رشد منفی تسهیلات پرداختی شبکه بانکی می‌باشد.

هرچند کنترل حجم پول و مهار تورم همواره باید مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد، اما نباید از رشد اقتصادی و تأمین مالی غفلت نمود. در این راستا لازم است با شناسایی چالش‌های موجود در این بازار و رفع آن‌ها، به تأمین مالی غیرتورمی تولید توجه شود که در ادامه پس از بررسی چالش‌های موجود در حوزه پول و تورم به ارائه توصیه‌های سیاستی در جهت رفع آن‌ها می‌پردازیم.

چالش‌های حوزه‌های پول و تورم

- وابستگی بودجه عمومی دولت به منابع حاصل از فروش نفت و میعانات گازی، سبب شده بروز هر نوع شوک منفی نفتی از سه ناحیه‌ی کاهش میزان صادرات، ایجاد مانع در نقل و انتقال ارز حاصل از فروش و یا شوک ناشی از کاهش قیمت، از یک سو به سلطه مالی دولت بر بخش پولی اقتصاد می‌انجامد و از سوی دیگر اجزای پایه پولی از جمله خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی را متأثر می‌سازد.

- تحریم‌های اقتصادی و کاهش مبادلات تجاری که با محدودیت منابع ارزی و تشدید انتظارات تورمی همراه بوده، از نیمه دوم سال ۱۳۹۶ تا کنون منبع اصلی نوسانات شدید در بازارهای پولی و مالی کشور بوده است.
- کاهش مراودات و روابط کارگزاری شبکه بانکی داخلی با شبکه بانکی بین‌المللی در اثر تحریم‌ها که در عدم بهبود شاخص‌های عملکردی بانک‌های داخلی در مقایسه با استانداردهای جهانی موثر بوده است.
- حجم بالای مطالبات غیر جاری بانک‌ها و افزایش سهم مطالبات مشکوک‌الوصول و همچنین ناترازی بانک‌ها و تشدید شکاف بین منابع و مصارف شبکه بانکی در سال‌های اخیر زمینه را برای رشد نقدینگی و به تبع آن افزایش سطح عمومی قیمت‌ها فراهم کرده است.
- افزایش سهم دارایی‌های منجمد، موهومی و غیر نقد در ترازنامه بانک‌ها و پایین بودن نسبت کفایت سرمایه نقش مهمی در ناترازی بانک‌ها و به تبع آن رشد پایه پولی، افزایش نقدینگی و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها داشته است.

توصیه‌های سیاستی

- ✓ راه‌اندازی نظام حل و فصل و فراهم سازی امکان انحلال، توقف، ورشکستگی و ادغام بانک‌های ناسالم
- ✓ الزام بانک‌ها به واگذاری دارایی‌ها و اموال مازاد و سهام خود در شرکت‌هایی که فعالیت غیر بانکی انجام می‌دهند با توجه به افزایش قیمت در بازار دارایی‌ها
- ✓ تداوم اجرای برنامه ساماندهی بازار غیر متشکل پولی و موسسات اعتباری غیر مجاز
- ✓ ممنوعیت اعطای تسهیلات بانکی به پروژه‌های فاقد توجیه فنی، اقتصادی و مالی
- ✓ تنوع ابزارهای مالی برای پوشش نیازهای مشتریان
- ✓ کاهش کسری بودجه دولت از طریق افزایش بهره‌وری در بخش عمومی و اصلاح قیمت‌گذاری دستوری در بازارهای مختلف ارز و انرژی که هر سال منجر به افزایش کسری بودجه دولت شده است.
- ✓ تسهیل دسترسی بخش حقیقی به منابع لازم برای سرمایه در گردش استفاده از ابزارهایی مانند فکتورینگ و LC ریالی.

فصل ۶- بازار سرمایه و بازار بدهی

مقدمه

بازار سرمایه در جذب پس اندازهای راکد و سوق دادن آنها در واحدهای تولیدی، بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی می‌تواند نقش مهمی انجام دهد. از یک سو با فراهم آوردن امکانات و تسهیلات زمینه برای مشارکت عموم مردم در توسعه کشور را ایجاد می‌کند و از سوی دیگر به عنوان یک اهرم مهم در کنترل نقدینگی، نرخ تورم و افزایش نرخ رشد پس انداز در جامعه عمل می‌کند.

اهم وظایف سازمان بورس و اوراق بهادار حفظ، تقویت و توسعه بازار سرمایه‌ی با ثبات، شفاف، منصفانه و کارا از طریق نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات مرتبط، کنترل و مدیریت ریسک فراگیر، ایجاد زیرساخت‌های مقرراتی و فن‌آوری اطلاعات، ارتقاء جایگاه بین‌المللی و توسعه فرهنگ سرمایه‌گذاری و ارتقاء سواد مالی می‌باشد. علاوه بر ظرفیت‌سازی برای توسعه بازار سرمایه، نظارت بر بورس‌ها، بازارها و ناشران و همچنین نظارت بر نهاد های مالی و سایر ارکان بازار سرمایه می‌توان اشاره کرد.

لذا با توجه به اهمیت بازار سرمایه در اقتصاد کشور، در این گزارش روند تحولات این بازار در طی سال جاری بررسی، نقش آن در تامین مالی و در ادامه بازدهی این بازار با بازدهی در بازارهای رقیب نیز مورد کنکاش قرار می‌گیرد. در ادامه به بررسی بازار بدهی پرداخته می‌شود.

شاخص‌های بازار سرمایه

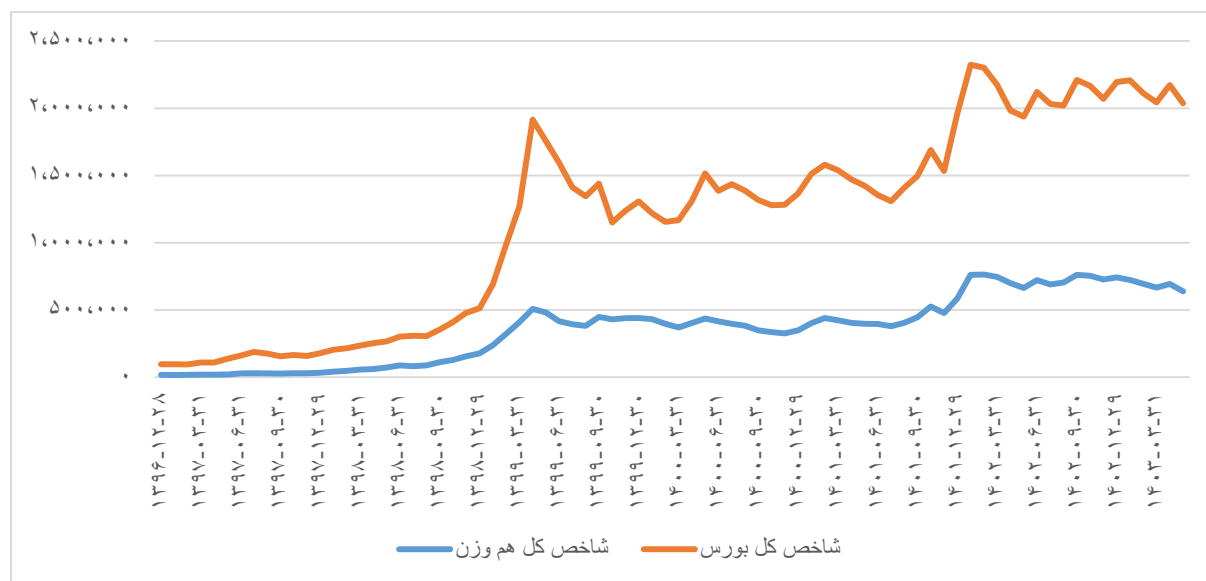
یکی از مهمترین شاخص‌های بازار سرمایه، شاخص کل قیمت می‌باشد. در نمودار شماره ۵-۱- روند شاخص کل بورس و شاخص هم‌وزن از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا ابتدای شهریور ۱۴۰۳ ارایه شده است. شاخص فوق تا حد زیادی متأثر از وضعیت اقتصادی و سیاسی و انتظارات ناشی از آن در سودآوری شرکتها، سیاستهای بودجه‌ای، ارزی و پولی دولت و تورم سالانه و بازدهی سایر دارایی‌های مالی است.

عدد شاخص کل در ابتدای سال ۱۳۹۸ در محدوده ۱۸۰ هزار واحد قرار داشته و این عدد در انتهای سال ۱۴۰۱ به محدوده ۲ میلیون واحد و در انتهای سال ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد ۴۳ درصدی داشته در حالیکه نرخ رشد شاخص در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ تنها ۴ درصد بوده است.

شاخص کل هموزن از عدد ۳۴ هزار واحد در ابتدای سال ۱۳۹۸ به عدد ۵۷۵ هزار واحد در انتهای سال ۱۴۰۱ رسیده است. شاخص هموزن در انتهای سال ۱۴۰۱ نسبت به اسفند سال ۱۴۰۰ رشد ۶۸ درصدی داشته است.

آغاز رشد اصلی شاخص کل در مقطع اخیر از ابتدای سال ۱۳۹۸ آغاز گردید و با رشد ۲۷۳ درصدی از رقم ۵۱۳ هزار واحد به مقدار ۲ میلیون واحد در تیرماه ۱۳۹۹ دست یافت اما این روند از ابتدای مردادماه ۱۳۹۹ معکوس شد و بازار سرمایه وارد روند نزولی شد به طوری که عدد شاخص در انتهای سال ۱۳۹۹ به عدد ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار واحد رسید. شایان ذکر است شاخص بازار سرمایه تا پیش از آغاز رشد در سال ۱۳۹۹ با شیب ملایمی افزایش یافته است. در محدوده زمانی بین سال‌های ۱۳۹۹ تا اواسط ۱۴۰۱ شاخص کل نتوانست از عدد ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد فراتر رود اما در آبان سال ۱۴۰۱ با وقوع اتفاقاتی مانند تثبیت قیمت جهانی مواد خام، تزریق نقدینگی به بازار از طرف اشخاص حقیقی، افزایش نرخ ارز و گزارشات مناسب میان-دوره‌ای، شاخص کل روند صعودی خود را آغاز نموده و به سقف تاریخی شکل گرفته در مرداد ۱۳۹۹ نزدیک گردید. پس از سال ۱۳۹۹ در خرداد ۱۴۰۲ و با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی شاخص کل افزایش یافت. لیکن پس از آن و به خصوص در یک ساله اخیر حرکت شاخص نوسانی می‌باشد و روند صعودی یا نزولی مشخصی ندارد. به نظر می‌رسد بازار در یک سال اخیر بیش از آن که برای سرمایه‌گذاران جذابیت داشته باشد برای افرادی که از نوسانات بازار کسب سود می‌کنند جذاب است و سرمایه‌گذاران با بازدهی بیشتر و ریسک کمتر را در سایر بازارهای دارایی‌ها مواجه هستند.

نمودار شماره ۶-۱: روند شاخص کل و هموزن بازار سرمایه در بازار سرمایه ایران



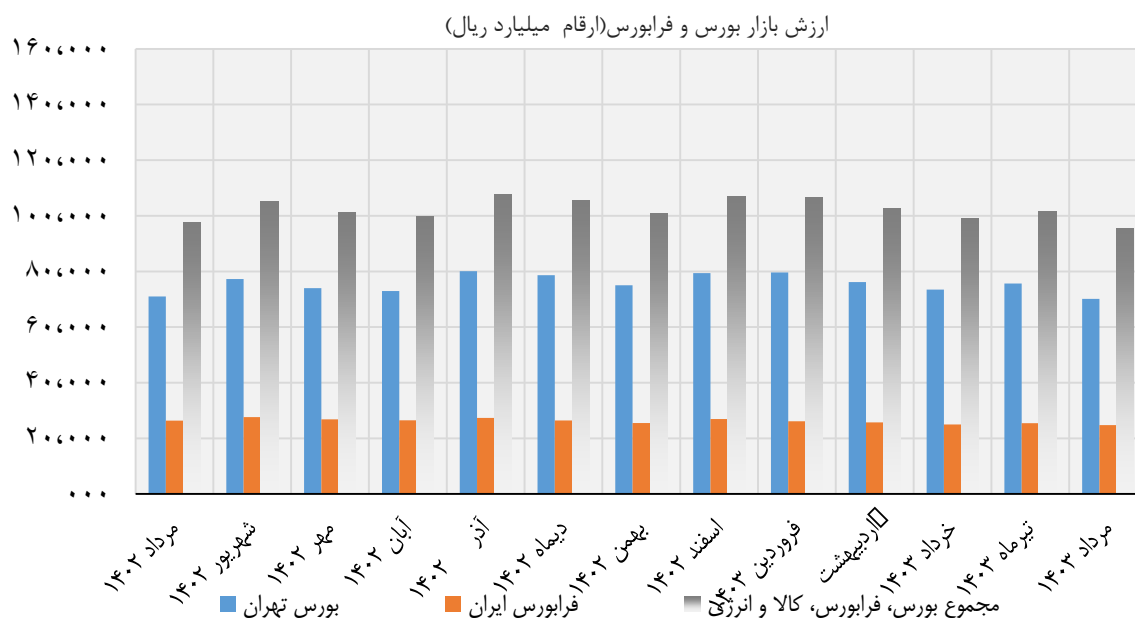
ماخذ: گزارشات سازمان بورس اوراق بهادار تهران

ارزش بازار بورس و فرابورس

ارزش بازار بورس و فرابورس که حاصل ضرب تعداد اوراق بهادار قابل معامله و شناور در قیمت پایانی آنها است از مرداد ۱۴۰۲ تا مرداد ۱۴۰۳ در نمودار شماره (۶-۲) نشان داده شده است. علیرغم افزایش نرخ تورم، ارزش بازار روند صعودی نداشته است. افزایش این عدد نشان‌دهنده افزایش حجم معاملات و قیمت سهام است. از آنجاکه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار سرمایه، نقدشونده بودن آن است افزایش ارزش بازار نشان‌دهنده اقبال سهام‌داران به بازار سرمایه می‌باشد.

عدم تایید روند صعودی در ارزش بازار نشان می‌دهد که بازار مورد بررسی در انتشار اوراق جدید و یا افزایش قیمت عملکرد موافقی نداشته‌اند و سرمایه‌گذاران انگیزه لازم برای افزایش سرمایه در بازار را ندارند و به نظر می‌رسد بازارهای موازی دارایی جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران دارایی‌های مالی دارند.

نمودار شماره (۶-۲): ارزش بازار بورس و فرابورس (ارقام میلیارد ریال)

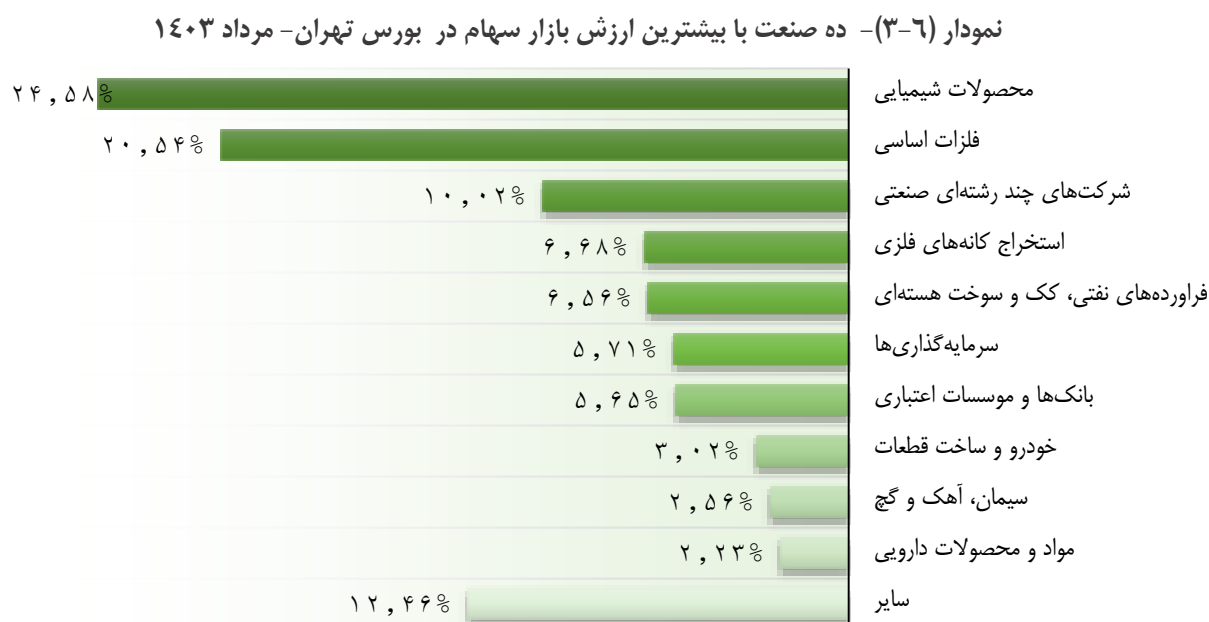


ماخذ - گزارشات سازمان بورس اوراق بهادار تهران

تمرکز صنایع بورسی

در نمودار شماره (۶-۳) ارزش سهام ده صنعت با بیشترین ارزش ارایه شده است. مشاهده می‌شود که در بین صنایع مختلف محصولات شیمیایی و فلزات اساسی بیشترین ارزش بازار را دارند و در مجموع بیش از ۴۰ درصد ارزش بازار سهام را شامل می‌شوند. بنابراین تحولات این صنایع و قوانین و مقررات موثر بر سهام این شرکتها تا حد زیادی وضعیت بازار را روشن

می‌کند. به عبارت دیگر، به رغم رکود حاکم بر بازار سرمایه کماکان بیشترین اقبال به سمت صنایع پتروشیمی و فلزی است. بخصوص اینکه بخش عمده‌ای از سهام این شرکت‌ها در اختیار نهادهای عمومی غیر دولتی، صندوق‌ها و بانک‌ها می‌باشد و به نوعی هر نوع تغییر در ارزش سهام این شرکت‌ها، این نهادها (نسبت به سهامداران خرد) می‌توانند منتفع و یا متضرر شوند.



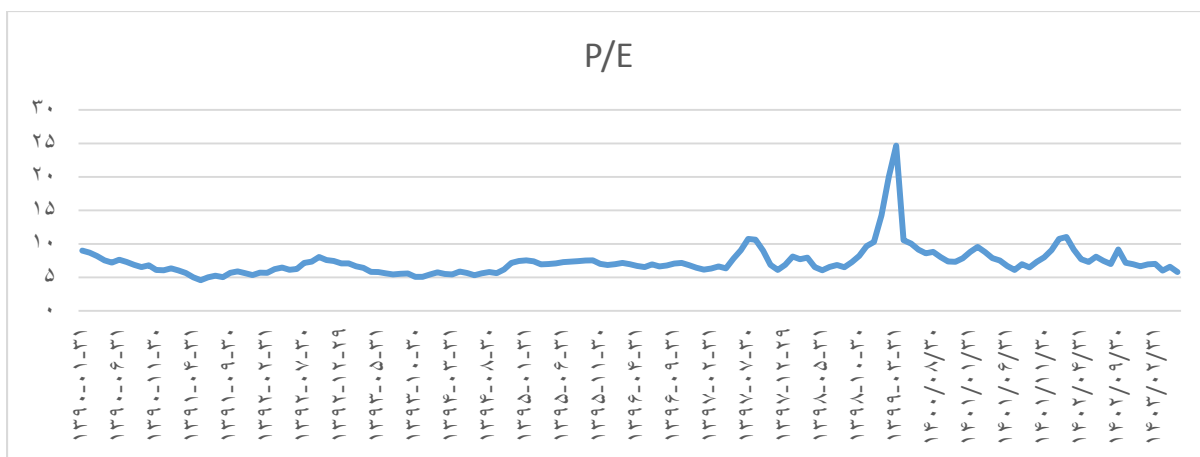
ماخذ - گزارشات سازمان بورس اوراق بهادار تهران

بررسی نسبت قیمت به سود

بررسی نسبت قیمت به سود^۱ که بیانگر قیمت یک واحد سود و انتظارات بازار است در نمودار شماره (۴-۶) نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۹ قیمت سهام به طور غیرمعمول افزایش یافته است (این نسبت به حدود ۲۵ رسیده است) و با ترکیدن حباب قیمتی در نیمه مرداد ۱۳۹۹ قیمت‌ها به میانگین سطح قیمتی خود در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ به میانگین بلند مدت خود (حدود ۵) برگشت. این نسبت با توجه به نرخ بازدهی اوراق و سپرده‌های بلندمدت جذابیتی برای سرمایه‌گذارانی در بازار سهام ندارد.

نمودار شماره (۴-۶): نسبت-قیمت به سود بازار از سال ۱۳۹۰ تا ابتدای شهریور ۱۴۰۳

^۱The P/E ratio shows the expectations of the market and is the price you must pay per unit of current earnings



ماخذ - گزارشات سازمان بورس اوراق بهادار تهران

با توجه به ارقام مندرج در جدول شماره (۶-۱) وضعیت شرکتهای بورسی در حوزه بانکها و موسسات اعتباری با نسبت معادل ۲,۱ پایینترین نسبت و ساخت صنایع ارتباطی با نسبت ۱۷,۹ بیشترین نسبت در بین صنایع مورد بررسی در پایان مرداد ۱۴۰۳ می‌باشد. نسبت معرفی شده برای سایر صنایع در این بازه متغیر است.

جدول (۶-۱): مقایسه نسبت درآمد به قیمت در بین صنایع منتخب

مقایسه نسبت p به E در بین صنایع مختلف			
۱۴۰۳/۵/۳۱	۱۴۰۳/۴/۳۱	۱۴۰۲/۱۲/۲۹	صنایع منتخب تاریخ
۵,۸۰	۶,۵۸	۶,۶۶	کل بازار
۱۷,۹	۲۱,۵	۴۶,۶	ساخت دستگاهها ارتباطی
۱۴,۴	۱۶,۴	۱۵,۳	انبوه سازی املاک
۴,۶	۴,۸	۴,۶	حمل و نقل و ارتباطات
۲,۱	۲,۶	۳,۸	بانکها وموسسات اعتباری

ماخذ- گزارشات سازمان بورس اوراق بهادار تهران

تامین مالی در بازار سرمایه

جذب منابع از بازار سرمایه از طریق تأسیس شرکتهای سهامی (عام)، افزایش سرمایه شرکتهای سهامی، عرضه اولیه سهام شرکتها در بورس و فرابورس، افزایش ارزش صندوقها نسبت به ابتدای سال و انتشار ابزارهای تأمین مالی از قبیل اوراق، صکوک و غیره است.

جدول شماره (۶-۲) میزان تأمین منابع مالی از طریق بازار سرمایه طی سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۹۹ میزان تأمین مالی از طریق بازار سرمایه ۱۱۰ درصد نسبت به سال ۱۳۹۸ بیشتر شده است و در سال ۱۴۰۰ این رشد نسبت به سال ۱۳۹۹ معادل ۶۰ درصد بوده است. در سال ۱۴۰۱ رشد تأمین مالی از طریق بازار سرمایه نسبت به سال ۱۴۰۰ کاهش ۱۶ درصدی داشته است که عمده دلیل این وضعیت، کاهش در عرضه اولیه سهام و افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی بوده است.

ارزش تأمین مالی از طریق بازار بدهی طی بازه ۵ ساله اخیر با روند فزاینده صعودی بوده است طوری که در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ رشد حدود ۱۰۰ درصدی را شاهد بوده‌ایم و همچنین در سال ۱۳۹۹ نیز این رشد حدود ۱۱۸ درصد بوده است اما در سال ۱۴۰۰ رشد ۱۶ درصد بود. در سال ۱۴۰۱ نیز تأمین مالی از طریق اوراق بدهی نسبت به سال ۱۴۰۰ رشد ۱۷ درصدی داشته است. در سال ۱۴۰۲ تأمین مالی از طریق اوراق بدهی نسبت به سال قبل رشد ۲۸ درصدی داشته است. با افزایش اقبال به بازار سرمایه و افزایش حجم و ارزش معاملات توانایی دولت در جهت تجهیز منابع از طریق بازار بدهی افزایش خواهد یافت. البته این موضوع ارتباط مستقیمی با سودآوری این بازار و اقبال عمومی به این بازار دارد.

جدول شماره ۶-۲: ارزش جذب و تجهیز منابع از طریق بازار سرمایه

شرح	واحد	سال ۱۳۹۸	سال ۱۳۹۹	سال ۱۴۰۰	سال ۱۴۰۱	۱۴۰۲
افزایش سرمایه	تأسیس شرکت‌های سهامی عام	۲,۰۰۰	۴,۱۰۰	۲۵,۴۰۰	۲۷,۴۰۰	۲,۴۰۰
	افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی عام	۴۱۷,۷۳۷	۹۸۹,۹۸۱	۱,۸۱۲,۱۴۴	۲,۸۴۱,۸۵۵	۳,۹۵۶,۵۷۷
	افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی عام - از محل مازاد تجدید ارزیابی (مجوزهای ارائه شده)	۶۷۹,۶۱۲	۹۶۷,۸۷۷	۲,۶۹۴,۲۹۰	۹۸,۸۵۱	۱,۰۳۷,۸۳۰
عرضه اولیه		۵۳,۰۰۵	۳۰۷,۳۱۵	۱۰۰,۷۲۶	۶۸,۳۹۰	۵۶,۱۶۷
جمع تأمین مالی از طریق اوراق بدهی		۱,۰۰۶,۷۶۲	۲,۲۰۲,۳۷۷	۲,۵۴۸,۲۱۵	۲,۹۸۳,۸۳۱	۳,۸۱۳,۶۷۰
جمع کل تأمین مالی		۲,۶۴۹,۰۹۸	۴,۴۷۱,۶۵۰	۷,۱۸۰,۷۷۵	۶,۰۲۰,۳۲۷	۸,۸۶۶,۶۴۶

وضعیت بازدهی دارایی‌ها در بازارهای موازی

عملکرد بورس اوراق بهادار ایران در یکسال اخیر دارای فراز و فرودهایی بوده است که ناشی از اتفاقات بنیادی بازار و وقوع رخدادهایی خارج از بازار می‌باشد که از مهمترین این موارد می‌توان به شدت گرفتن تحریم‌ها، افزایش تنش‌های منطقه‌ای بخصوص حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ج.ا. ایران در دمشق، ناترازی در تولید و مصرف انرژی (خصوصاً برق و گاز) و تبعات آن بر تولید و بنگاهای اقتصادی اشاره کرد.

یکی از معیارهای سنجش رونق و رکود بازار، شاخص بورس است. در واقع فعالان بازار وضعیت کلی بازار و انتظارت تغییرات قیمتی احتمالی آتی را بر مبنای این شاخص شکل می‌دهند. سرمایه‌گذاران با مقایسه بازدهی شاخص بازار با سایر دارایی‌ها از جمله طلا، ارز و اوراق بدون ریسک نسبت به خرید و فروش دارایی‌های مالی تصمیم می‌گیرند. بازدهی کل شاخص بازار درکنار بازدهی سایر دارایی‌های مالی در یکسال گذشته در جدول شملره (۵-۳) درج شده است.

جدول ۶-۳: مقایسه بازدهی بازار اوراق بهادار و سایر بازارهای دارایی‌ها از سال ۱۴۰۲ تا ابتدای مهرماه ۱۴۰۳

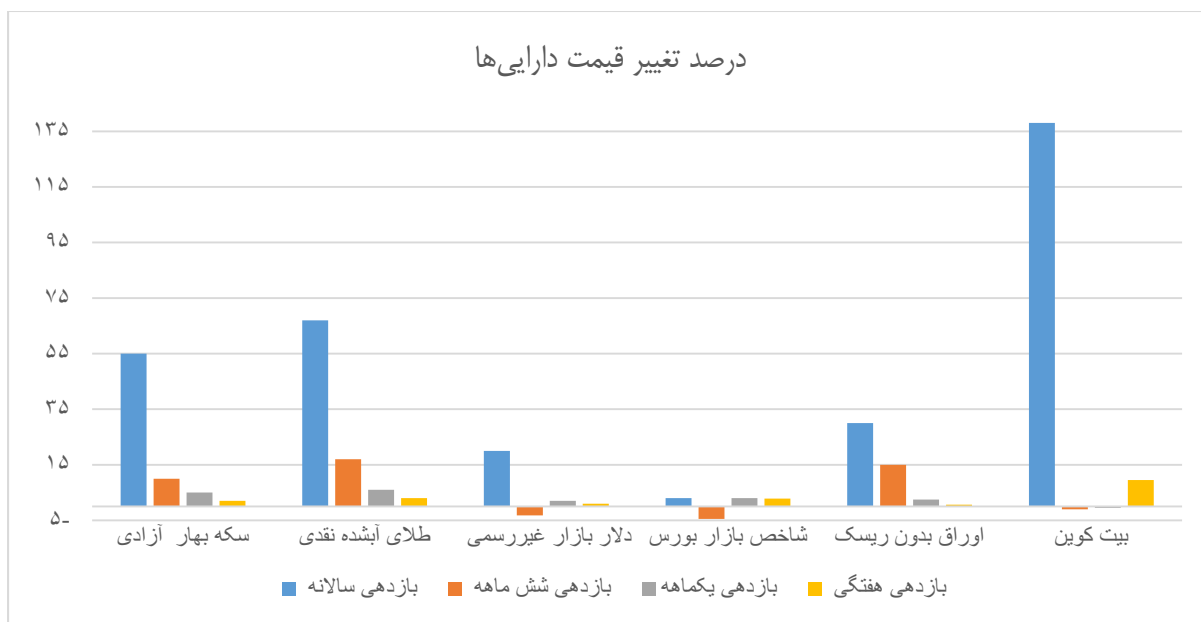
ردیف	دارایی مالی	بازدهی سالانه	بازدهی شش ماهه	بازدهی یکماهه	بازدهی هفتگی
۱	سکه بهار آزادی	۵۵٪	۱۰٪	۵٪	۲٪
۲	طلا ی آبشده نقدی	۶۷٪	۱۷٪	۶٪	۳٪
۳	دلار بازار غیررسمی	۲۰٪	۳٫۲٪	۲٪	۱٪
۵	شاخص بازار سهام	۳٪	۴٫۵٪	۳٪	۲٫۸۴٪
۶	اوراق بدون ریسک	۳۰٪	۱۵٪	۲٫۵٪	۰٫۶۲۵
۷	بیت کوین	۱۳۸٪	۱٪	۰٫۵٪	۹٫۵٪

ماخذ: داده‌های مرکز آمار ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی و سایت www.tgju.org

در جدول شماره (۶-۳) و همچنین نمودار شماره ۵-۵ بازدهی دارایی‌ها در بازارهای مختلف در دوره‌های زمانی مختلف نشان داده شده است. بر اساس داده‌های بدست آمده، بیشترین میزان رشد سالانه به ترتیب مربوط به رمزارز بیت کوین، طلا، آبشده نقدی و سکه بهار آزادی بوده است و بورس دارای کمترین رشد سالانه بوده است. هر چند اخیراً وضعیت بازار سرمایه

اندکی بهبود یافته است و نسبت به قیمت دلار و اوراق بدون ریسک بازدهی بیشتری داشته است. بازدهی سرمایه‌گذاری در طلای آب شده در دوره یک ماه اخیر نیز وضعیت بهتری در بین دارایی‌های مورد بررسی داشته است. با توجه به نرخ‌های تورم اعلام شده مرکز آمار و بانک مرکزی، سرمایه‌گذاری در طلای آب شده و سکه بهار آزادی بازدهی بالاتر از نرخ تورم برای سرمایه‌گذاران داشته است. در خصوص رمز ارز بیت کوین نیز هرچند با لحاظ نوسانات زیاد این دارایی، زمانبندی ورود و خروج از بازار دارای اهمیت است اما در مجموع در یکسال اخیر بازدهی بسیار بالاتری از نرخ تورم^۱ برای خریداران داشته است. افزایش قیمت طلای آب شده و سکه با ثبات نرخ ارز تا حدود زیادی می‌توان ناشی از وضعیت بی‌ثبات منطقه، جنگ اوکراین، حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به منافع ایران و پاسخ موشکی ایران، شهادت رئیس‌جمهور ایران در پی سانحه سقوط هلیکوپتر، فضای مبهم انتخابات آمریکا و رکود در بازارهای موازی از جمله بازار مسکن و بازار سرمایه دانست.

نمودار شماره (۵-۶): نرخ رشد دارایی‌های منتخب در بازه یکساله اقتصاد ایران از سال ۱۴۰۲ منتهی به مهر ۱۴۰۳



ماخذ: داده‌های مرکز آمار ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی و سایت www.tgju.org

در مجموع بررسی بازارهای رقیب طی یکسال اخیر حاکی از آن است که بازار سهام جذابیتی برای سرمایه‌گذاری بخصوص سرمایه‌گذاران واقعی نداشته است و بازدهی اوراق بدون ریسک در دور سالانه و شش ماهه به مراتب از بازار سهام بیشتر بوده است. همچنین با لحاظ نرخ تورم برای بازدهی بازار نامناسب و اساساً سرمایه‌گذاری در این بازار توجیه اقتصادی نداشته است. این موضوع باعث شده بنگاه‌های اقتصادی حاضر در بازار بورس برای تأمین مالی خود دچار مشکلاتی شوند هرچند کوتاه‌مدت

^۱ آخرین نرخ تورم سالانه مرکز آمار ۳۴,۲ درصد می‌باشد

این موضوع چندان نمایان نیست ولی در میان مدت و بلندمدت در صورت تداوم این وضعیت (از بازار سرمایه)، تأمین مالی واحدهای اقتصادی یاد شده برای توسعه و سرمایه‌گذاری دچار مشکلات عدیده‌ای خواهند شد.

بازار بدهی و پایداری بدهی‌های دولت

رعایت قواعد بدهی به منظور حفظ توازن منابع و مصارف از موضوعات مهم در سیاست‌گذاری مالی دولت به شمار می‌رود. عدم انسجام در برنامه‌ریزی و بکارگیری راهبرد نادرست در مدیریت منابع و مصارف بودجه‌ای می‌تواند عملکرد ارکان اقتصادی کشور را دچار اختلال کند. کسری بودجه‌های شدید دولت در اکثر مواقع به دلیل توانایی اغلب دولت‌ها در تحمیل خواسته‌های خود به سیاست‌گذار پولی، استفاده از منابع ارزی کشور و افزایش بدهی‌های دولت به بانک مرکزی، قابلیت ایجاد نوسانات ارزی و فشارهای تورمی را دارد. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی ضعیف در مدیریت منابع و تحلیل رفتن منابع عمرانی (تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) می‌تواند ضربه مهلکی به بخش‌های غیردولتی درگیر در پروژه‌های زیربنایی کشورها وارد نماید. بنابراین دولت‌ها برای تعیین سطح بهینه مخارج در معرض مصالحه‌ای بین سلطه مالی و تامین کالاهای عمومی قرار دارند و به منظور هموارسازی مسیر بودجه، ایجاد بدهی می‌کنند.

تحلیل پایداری بدهی دولت تحت الگوی^۱ DSA که از سوی صندوق بین‌المللی پول معرفی شده، نکات بسیار مهمی در اختیار برنامه‌ریزان اقتصادی در امر تنظیم منابع و مصارف دولت و بودجه‌ریزی قرار می‌دهد.

تحلیل پایداری بدهی‌ها

اتخاذ یک راهبرد بلندمدت برای جلوگیری از انحراف بدهی‌ها از یک روند متوازن به گونه‌ای که دولت همواره قادر به ایفای تعهدات خود باشد، ضرورت تدوین یک چارچوب منسجم برای ارزیابی پایداری بدهی‌ها را بیش از پیش روشن می‌کند. تحلیل پایداری بدهی (DSA) بدین منظور انجام می‌گیرد تا میزان بدهی‌های سالانه دولت مشخص گردد^۲، به نحوی که دولت در بازپرداخت بدهی‌هایش در افق زمانی مورد نظر مجبور به نکول و یا مذاکره دوباره با طلبکاران نشود، همچنین باید مشخص شود که روند کنونی ایجاد بدهی در چارچوب راهبرد بلندمدت است یا اینکه دولت تامین منافع کوتاه‌مدت خود را به قیمت خلق بدهی‌های بزرگ در آینده انجام می‌دهد. بی‌شک فقدان برنامه‌ریزی در ایجاد بدهی موجب می‌شود که دولت برای تسویه بدهی‌های خود مجبور به اتخاذ سیاست‌های تعدیلی ناموجه اقتصادی و سیاسی گردد.

بدین منظور شاخص‌هایی معرفی شده‌اند که قابلیت ارزیابی جریان بدهی‌ها را برای تحلیل‌گران بالا می‌برد:

^۱ - Debt Sustainability Analysis

^۲ - "Financial Programming and Policies", IMF, Volume ۱

• شاخص نیاز به تامین مالی ناخالص (GFN/GDP)

«نیاز تامین مالی ناخالص» (GFN)، عبارت از مجموع کسری تراز عملیاتی و مبالغ لازم برای بازپرداخت اصل و سود بدهی‌های سررسید شده در سال مورد نظر است. مبالغ لازم برای بازپرداخت اصل و سود بدهی‌های سررسید شده در آن سال، به ترتیب در طبقات «اعتبارات تملک دارایی‌های مالی» و «اعتبارات هزینه‌ای» جداول بودجه درج می‌گردد. به منظور رعایت حدود امن این شاخص، باید برنامه‌ریزی در انتشار اوراق بهادار به گونه‌ای باشد که بار مالی پرداخت اصل و فرع اوراق مورد نظر، موجب عبور شاخص مزبور از ناحیه امن ۱۰ تا ۱۵ درصد GDP در افق زمانی پروژه مدیریت بدهی نشود. صندوق بین‌المللی پول برای دو طبقه اصلی کشورها براساس دسترسی به بازارهای باز و توسعه اقتصادی حد آستانه متفاوتی، برای کشورهای پیشرفته ۱۵ درصد و برای کشورهای در حال توسعه و نوظهور ۱۰ درصد را در نظر گرفته است^۱. رعایت این حد نه تنها در انضباط مالی دولت نقش مهمی ایفا می‌کند بلکه در جهت‌دهی منابع از بخش خصوصی به بخش عمومی و یا برعکس، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

• شاخص بدهی انباشته^۳ ($Debt/GDP$)

شاخص دیگری که به منظور برقراری پایداری بدهی‌های دولت معرفی می‌گردد، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی می‌باشد. باید توجه داشت که انتشار اوراق بدهی بدلیل ایجاد بار مالی برای دولت در سال‌های آینده می‌تواند به افزایش بدهی‌های دولت بیانجامد. بنابراین تأکید می‌شود مدیریت انتشار اوراق به گونه‌ای باشد که نسبت مورد نظر در افق زمانی پروژه مدیریت بدهی برای بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی از حد آستانه استاندارد بین‌المللی که توسط IMF برای کشورهای پیشرفته ۶۰ درصد و برای کشورهای در حال توسعه و نوظهور ۵۰ درصد می‌باشد تعیین شده، عبور نکند. شایان ذکر است حد آستانه نسبت مورد نظر در ماده (۱۲) قانون برنامه هفتم پیشرفت (شامل بدهی دولت و شرکت‌های دولتی) برابر ۴۰ درصد در نظر گرفته شده است.

عملکرد متغیرهای بدهی

روند شناسایی و ساماندهی بدهی‌های بخش دولتی ایران حسب نیاز کشور و بنابر مواد ۱ و ۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور از سال ۱۳۹۴ و با تاسیس مرکز مدیریت بدهی‌ها و دارایی‌های مالی عمومی در وزارت امور اقتصادی و

۱ - Gross Financing Needs

۲ - STAFF GUIDANCE NOTE FOR PUBLIC DEBT SUSTAINABILITY ANALYSIS IN MARKET-ACCESS COUNTRIES, INTERNATIONAL MONETARY FUND, May ۹, ۲۰۱۳

۳ - Debt Stock

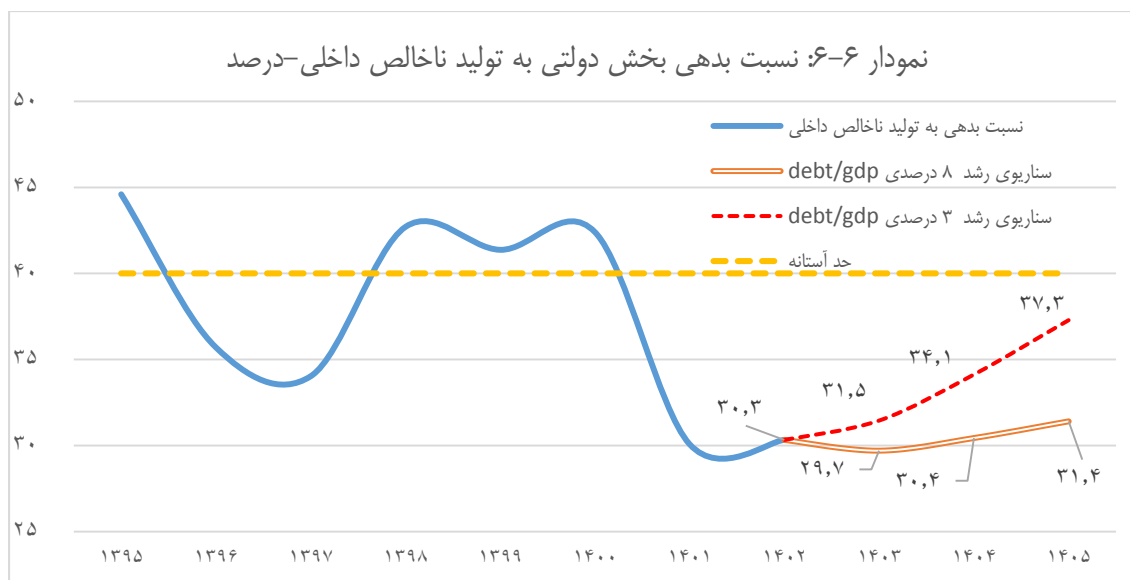
دارایی آغاز شد. روند تغییرات مانده بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به استناد گزارش‌های فصلی مرکز مدیریت بدهی‌ها و دارایی‌های مالی عمومی در جدول شماره ۴-۵ نشان داده شده است. همچنین در این جدول روند تغییرات شاخص نسبت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی ($Debt/GDP$) و نسبت نیاز به تامین مالی ناخالص دولت به تولید ناخالص داخلی (GFN/GDP)، نمایش داده شده است.

جدول ۶-۴: روند تغییرات نسبت بدهی بخش دولتی به GDP و نسبت نیاز به تامین مالی ناخالص دولت به GDP

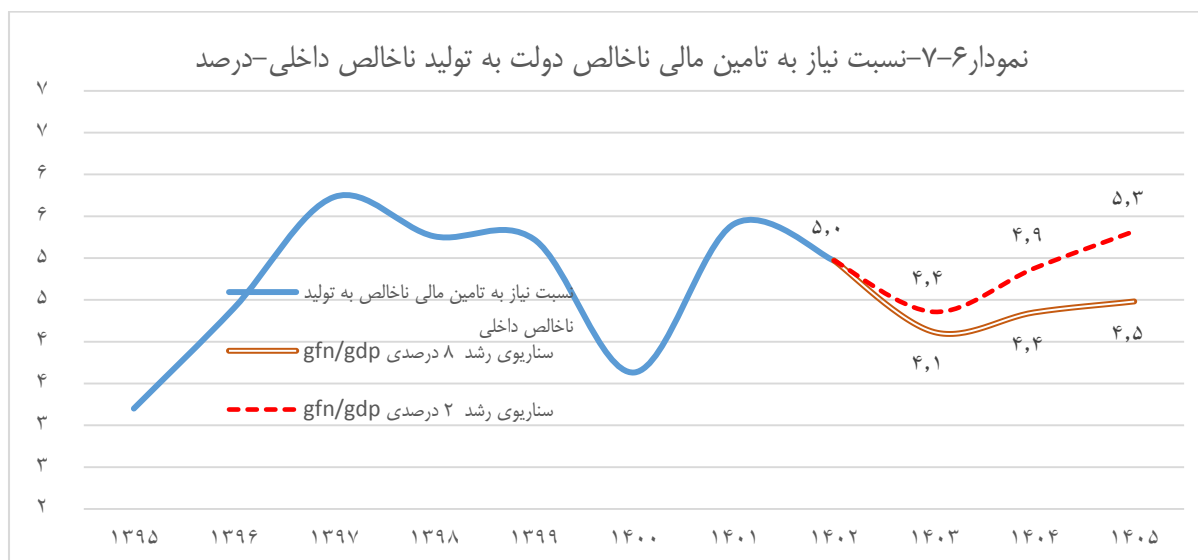
متغیر	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
بدهی دولت و شرکت‌های دولتی (میلیارد ریال)	۵,۸۷۱	۵,۴۶۸	۷۳۵۹	۱۱,۶۸۵	۱۶,۸۷۶	۲۸,۳۱۴	۳۱,۳۸۲	۴۲,۲۳۰
تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (جاری) (میلیارد ریال)	۱۳,۱۵۱	۱۵,۳۱۷	۲۱,۶۲۷	۲۷,۳۶۴	۴۰,۷۹۱	۶۶,۷۷۵	۱۰۴,۳۵۰	۱۳۹,۲۴۳
نسبت بدهی بخش دولتی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۴۴,۶	۳۵,۷	۳۴,۰	۴۲,۷	۴۱,۴	۴۲,۴	۳۰,۱	۳۰,۳
نسبت نیاز به تامین مالی ناخالص دولت به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۳,۲	۴,۴	۵,۷	۵,۲۶	۵,۲۲	۳,۶	۵,۴	۴,۹

ماخذ: مرکز مدیریت بدهی‌ها و دارایی‌های مالی عمومی-وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

وضعیت بدهی‌ها و تعهدات دولت در سال‌های اخیر موجب بروز نگرانی‌هایی در خصوص حفظ پایداری بدهی دولت در سال‌های آینده شده است. افزایش تعهدات دولت بابت سود و اصل اوراق بهادار دولتی می‌تواند موجب عبور شاخص‌های نسبت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی ($Debt/GDP$) و نسبت نیاز به تامین مالی ناخالص دولت به تولید ناخالص داخلی (GFN/GDP)، از مقادیر آستانه حساسیت و حدود مندرج در ماده (۱۲) قانون برنامه هفتم توسعه و استانداردهای بین‌المللی شود. این موضوع در گزینه رشد‌های پایین‌تر از ۸ درصد (۲ درصد در مدل حاضر) صادق‌تر است. این موضوع لزوم توجه هر چه بیشتر برنامه‌ریزان در تدوین برنامه انتشار اوراق بهادار دولتی و مدیریت بازار سرمایه و بازار بدهی را روشن می‌کند.



ماخذ: محاسبات و برآورد کارشناسی



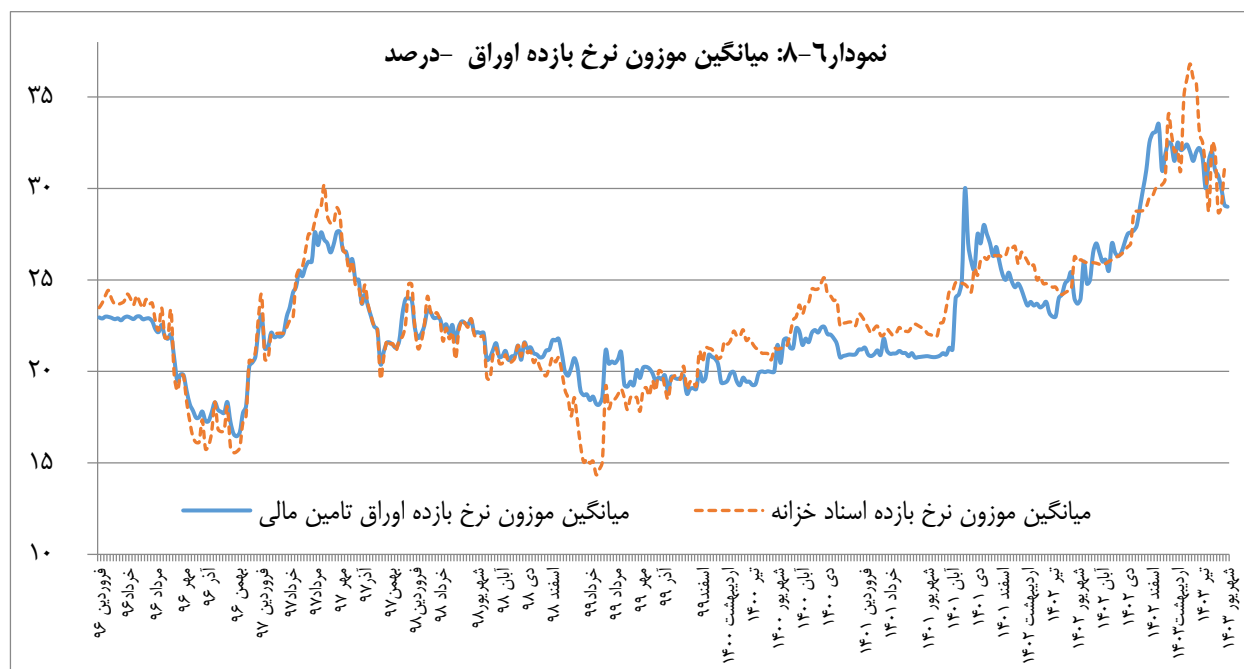
ماخذ: محاسبات و برآورد کارشناسی

موضوع مهمی که باید به آن توجه داشت این است که تورم مزمن اقتصاد ایران موجب می شود که شاخص های پایداری بدهی نتواند به درستی و به موقع وضعیت ناپایدار بدهی ها در ایران را توضیح دهد. تورم بالای کشور ایران به رشد بالای شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی می انجامد که موجب رشد بالای ارزش اسمی تولید ناخالص داخلی نسبت به ارزش واقعی آن می شود. این در حالی است که ارزش بدهی ها به تناسب تورم رشد نمی کند. بنابراین در تفسیر دامنه امن نسبت های پایداری بدهی در کشور ایران سخت گیری بیشتری به خرج داد. لذا نکته مهمی در ذات این دو شاخص (بدهی

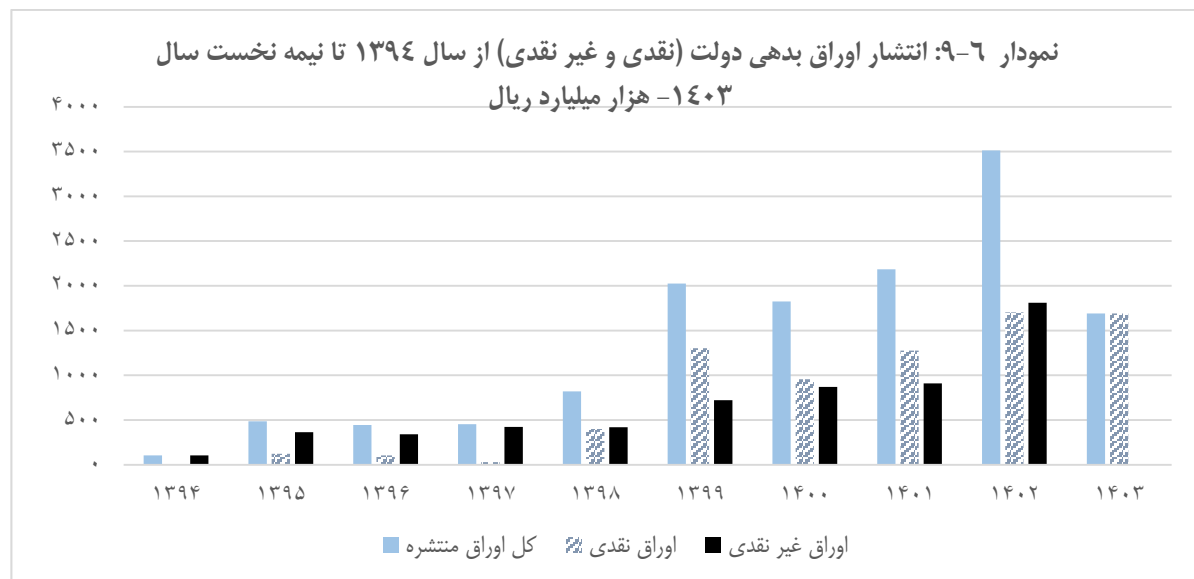
بخش دولتی به GDP و نیاز به تأمین مالی ناخالص به GDP وجود دارد این است که کشورها همواره کنترل نرخ تورم در سطح کمتر از ۵ درصد را مورد تأکید قرار می‌دهند و در شرایط باثبات با سطح تورمی بسیار پایین این دو شاخص تصویر واقعی‌تری از نیاز دولت به بازار بدهی دارند. در حالیکه در شرایط تورمی بالای ۴۰-۳۵ درصد، وضعیت متفاوت خواهد بود و گاهی اوقات هم این نسبت ممکن است همراه‌کننده باشد.

وضعیت بازار بدهی

توسعه بازار بدهی به منظور تأمین مالی تعهدات بخش دولتی و شهرداری‌ها مهم‌ترین برنامه سال‌های اخیر دولت در حوزه مدیریت بدهی بوده است. بدین منظور در قوانین بودجه سال‌های اخیر ظرفیت‌های مناسبی برای این امر در قالب انتشار اوراق اسناد خزانه اسلامی، انواع صکوک، اوراق مرابحه و اوراق منفعت اختصاص یافته است. دو چالش عمده‌ای که پس از حضور گسترده دولت در بازار بدهی رخ داده را می‌توان بالا رفتن نرخ بازدهی مورد انتظار اوراق در بازار و پایین آمدن سهم اوراق بدهی بخش خصوصی از کل اوراق تأمین مالی دانست. در نمودار ذیل میانگین موزون نرخ بازده اوراق بدهی نشان داده شده است. میانگین موزون این نرخ طی سال‌های ۱۳۹۶ تا شهریور ۱۴۰۳ بطور تقریبی ۲۴ درصد می‌باشد. البته این نرخ در یکسال اخیر رشد داشته و به بالای ۳۵ درصد رسیده است. بدیهی است افزایش این نرخ، هزینه تأمین مالی پروژه‌های دولت و نهادهای استفاده‌کننده از این ابزار را افزایش می‌دهد.

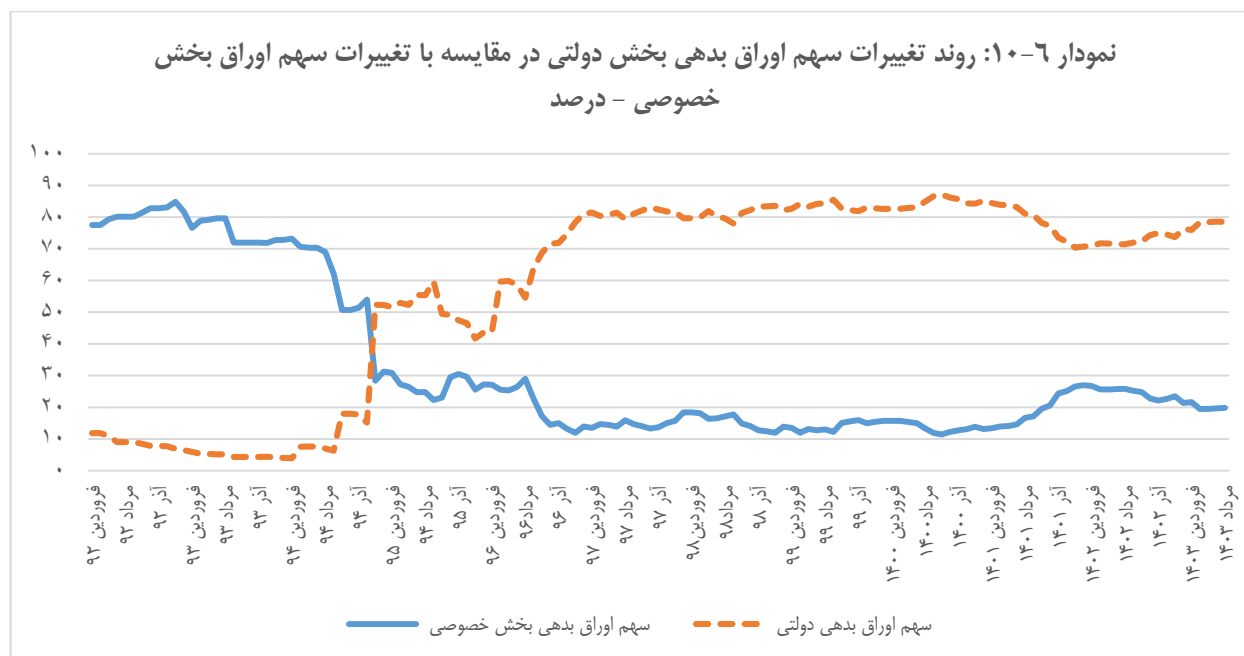


با وجودی که شروع عملیات بازار باز با مدیریت بانک مرکزی در سال ۱۳۹۹ توانست تا حدودی بخش تقاضای اوراق بدهی (نقدی) دولتی را تقویت کند، لیکن حجم بالایی اوراق دولت و کمبود منابع آزاد در بازار پول و سرمایه موجب بالا رفتن نرخ سود اوراق بدهی در بازار شد. این موضوع با توجه به عرضه حجم بزرگی از اوراق گام به بازار و تنزیل این اوراق با نرخهای بالای ۳۰ درصد، تشدید شد. عبور نرخهای بازدهی اوراق بدهی دولت از ۳۵ درصد در ماههای پایانی سال ۱۴۰۲ و شش ماهه نخست سال ۱۴۰۳، هزینه بالایی را بابت تامین مالی به دولت تحمیل کرده است. ورود حجم بالایی از اوراق مربحه و اسناد خزانه دولتی به بازار بدهی، بالا رفتن نرخ بازدهی سایر بازارهای رقیب و ناتوانی صندوقهای سرمایه‌گذاری در افزایش حضور در بازار به بالا رفتن نرخهای بازار بدهی می‌شود. تجربه نشان داده است که اتخاذ برنامه منسجم از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور در بهبود توزیع زمانی انتشار اوراق در طی سال و همراهی سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی از طریق فعال شدن بازار بین بانکی و صندوقهای سرمایه‌گذاری، موجب کاهش نرخهای بازدهی می‌شود.

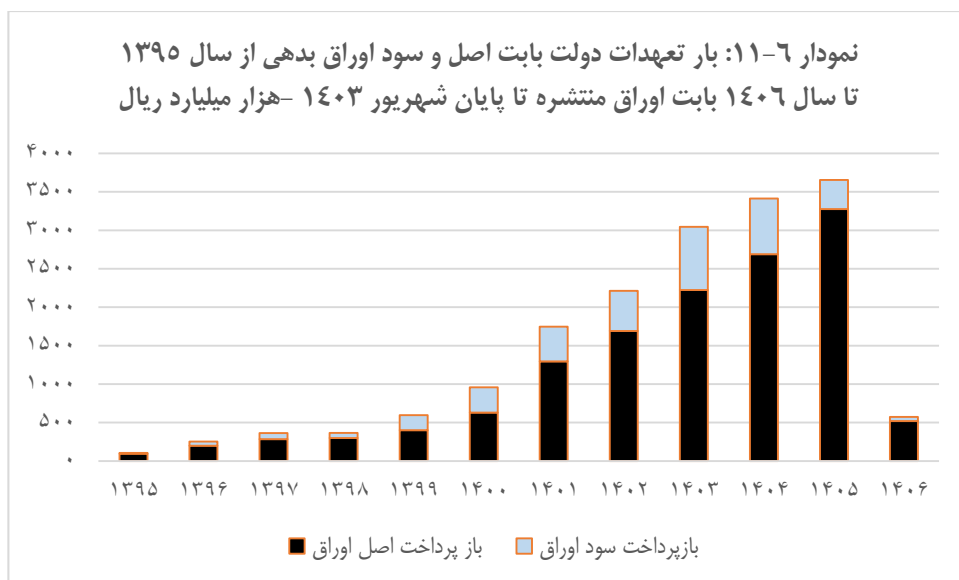


بالا رفتن سهم اوراق بدهی بخش دولتی و شهرداری‌ها به جای اوراق بخش خصوصی و ناتوانی بخش خصوصی در انتشار اوراق بدهی با نرخهای بالا، از دیگر آسیب‌های حضور گسترده دولت در بازار بدهی بوده است. همان گونه که در نمودار بعدی نشان داده شده، سهم اوراق بدهی بخش خصوصی از حدود ۸۰ درصد در فروردین ۱۳۹۲ به حدود ۱۰ درصد در فروردین ۱۳۹۷ کاهش یافته و تاکنون نیز نتوانسته از ۲۰ درصد فراتر رود. در مرداد ۱۴۰۳ از مجموع ۹۷۵۰ هزار میلیارد ریال کل اوراق تامین مالی بازار، حدود ۷۶۵۰ هزار میلیارد ریال به اوراق بخش دولتی، ۱۹۴۰ هزار میلیارد ریال به اوراق بخش خصوصی و ۱۶۵ هزار میلیارد ریال به اوراق شهرداری‌ها اختصاص داشته است.

نمودار ۶-۱۰ تصویر واقع‌بینانه‌تر از کاهش سهم اوراق بدهی بخش خصوصی و در مقابل افزایش سهم اوراق بدهی بخش دولتی و شهرداری‌ها را نشان می‌دهد و این موضوع منطبق با اثر جایگزینی سرمایه‌گذاری دولتی به جای سرمایه‌گذاری خصوصی دارد.



این نمودار نشان می‌دهد که بازار بدهی نیازمند تعمیق و نهادسازی است، در غیر این صورت، تامین مالی دولت در بازار بدهی به معنی بیرون انداختن بخش خصوصی از این بازار خواهد بود. به علاوه، نرخ‌های اوراق مالی دولت نیز به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت. بالا بودن نرخ بازدهی اوراق بدهی بخش دولتی یکی از عوامل اصلی کاهش نقش بخش خصوصی در بازار بدهی بوده که باید در برنامه‌ریزی انتشار اوراق برای سال‌های بعد مورد توجه دولت باشد. علاوه بر این کاهش نرخ‌های بازار اوراق بدهی موجب کاسته شدن از فشار بازپرداخت سود اوراق در طبقه اعتبارات هزینه‌ای بودجه سالانه سال‌های بعد می‌شود. وضعیت تعهدات آتی اوراق از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۶ بابت اصل و سود اوراق بابت اوراق منتشره تا پایان شهریور ۱۴۰۳ به ترتیب ۷۸۴,۶ هزار میلیارد تومان و ۱۶۳,۸ است.



خلاصه و جمع بندی

عملکرد مناسب بازار سرمایه در جذب پس اندازهای راکد و سوق دادن آن‌ها به افزایش تولید و اشتغال همواره مورد تاکید کارشناسان اقتصادی بوده است. بررسی روند شاخص بازار سرمایه و تغییرات ارزش بازار بیانگر آن است که از ظرفیت بازار به منظور تامین مالی بنگاههای اقتصادی آنچنان که شایسته است استفاده نشده است.

از طرفی مقایسه بازدهی سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه با بازده سرمایه‌گذاری در سایر دارایی‌های مالی در یکسال گذشته نشان می‌دهد که بازدهی سرمایه‌گذاری در این بازار در مقایسه با سایر داراییها کم بوده است و با توجه به وضعیت فروش اوراق بدهی به نظر می‌رسد برای استفاده مناسب از ظرفیت بازار و تامین مالی از این طریق لازم است سیاستگذاری صحیح به منظور ایجاد چشم‌انداز مثبت سودآوری بازار در دستور کار قرار گیرد. بدیهی است با افزایش اقبال به بازار سرمایه و افزایش حجم و ارزش معاملات توانایی دولت در جهت تجهیز منابع از طریق بازار بدهی افزایش خواهد یافت و سرمایه‌های خرد نیز به جای حرکت به سمت دارایی‌های غیرمولد در تامین مالی بنگاههای تولیدی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

نسبت تمرکز صنایع در این بازار نشان می‌دهد در بین صنایع مختلف محصولات شیمیایی و فلزات اساسی بیشترین ارزش بازار را دارند و در مجموع بیش از ۴۰ درصد ارزش بازار سهام را شامل می‌شوند و تصمیماتی که بر سودآوری این صنایع اثر دارد، روند بازار را متاثر می‌نماید.

برنامه‌ریزی دقیق فرآیند مدیریت بدهی دولت از طریق ابزار بازار بدهی، خصوصا برنامه‌ریزی نظام‌مند در زمان‌بندی انتشار اوراق و مدیریت نرخ‌های بازدهی اوراق بهادار دولتی، زمینه استفاده صحیح از ابزار اوراق بهادار را فراهم می‌آورد. در این میان طراحی

یک الگوی برنامه‌ریزی منابع و مصارف بودجه عمومی دولت تحت شرایط تحریمی، به نحوی که پیش‌نیازهای پایداری بدهی دولت فراهم شود، ضروری است. تغییر در منابع حاصل از درآمد صادرات نفت و میعانات گازی و همچنین اعمال تغییراتی در ردیف اعتبارات هزینه‌ای و درآمدهای مالیاتی، با توجه به شرایط تحریمی، از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که باید در تدوین چارچوب منابع و مصارف بودجه مورد توجه قرار گیرد.

بررسی وضعیت بازار سرمایه و همچنین تحولات آن در سال‌های اخیر نشان می‌دهد آن چنان که شایسته است از ظرفیت این بازار به منظور تامین مالی بنگاهها و شرکت‌های تولیدی استفاده نشده است. از طرف دیگر بررسی پایداری بدهی‌های دولت و همچنین تحولات بازار بدهی نشان می‌دهد که پایداری بدهی‌های دولت ایران، از ناحیه شوک‌های مختلف - که در زمان وقوع دور جدید تحریم‌های اقتصادی محتمل هستند - به شدت آسیب پذیر است. این موضوع لزوم حساسیت هر چه بیشتر در خصوص عملکرد منابع و مصارف بودجه‌ای کشور را نشان می‌دهد. از طرف دیگر بالا بودن بیش از حد شاخص *Bond Spread*^۱ می‌تواند سبب بروز اختلالات زیادی در حفظ پایداری بدهی دولت شود. این امر نشانگر بالا بودن هزینه تامین مالی از طریق اوراق بهادار برای دولت می‌باشد.

چالش‌های بازار سرمایه

چالش‌ها و ریسک‌های بازار سرمایه را می‌توان در سه دسته اصلی چالش‌های ناشی از محیط اقتصاد کلان، ریسک‌های تحمیل‌شده از سوی سیاست‌گذاران و ریسک‌های مربوط به ویژگی‌های بازار سرمایه بررسی کرد.

الف) چالش‌های اقتصاد کلان

مسائلی همچون مشکلات نظام بانکی، چالش نرخ ارز، ریسک‌های بین‌المللی و بحران صندوق‌های تامین اجتماعی و مشکلاتی که بر فضای کلان اقتصادی موثر است می‌تواند به ایجاد ابهام و افزایش ریسک در بازار سرمایه کشور منجر شود. برای مقابله با چالش‌های فوق، لازم است برنامه‌های کلان اقتصادی و برنامه‌های بازار سرمایه برای فعالان و سرمایه‌گذاران روشن، شفاف و قابل پیش‌بینی باشد تا ریسک‌های بازار در کنار بازدهی آن توجیه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در این بازار داشته باشد.

ب) ریسک‌های ناشی از سیاست‌گذاری

۱- این شاخص نشانگر تفاوت نرخ بازدهی اوراق با سررسید مشابه در کشور مورد نظر و کشور آمریکا (یا آلمان) می‌باشد. حد آستانه حساسیت برای این شاخص ۲ درصد و آستانه هشدار ۶ درصد است. به نقل از ماخذ زیر:

STAFF GUIDANCE NOTE FOR PUBLIC DEBT SUSTAINABILITY ANALYSIS IN MARKET-ACCESS COUNTRIES, INTERNATIONAL MONETARY FUND, May ۹, ۲۰۱۳

سیاست‌هایی همچون تغییر مکرر در نرخ سپرده بانکی، نرخ بهره مالکانه، نرخ خوراک پتروشیمی‌ها، محدودیت‌های قیمت و میزان فروش ارز حاصل از صادرات، تغییرات در قوانین و مقررات فروش ارز حاصل از صادرات و تامین ارز مواد اولیه می‌توانند عملکرد بازار سرمایه را دستخوش نوسان نمایند. تدوین یک سیاست منسجم با در نظر داشتن شرایط تحریمی و اجتناب از تغییرات مکرر سیاست‌ها و قوانین و مقررات در کوتاه‌مدت ضروری به نظر می‌رسد. تعیین تکلیف درخصوص ایجاد ظرفیتهای مناسب برای نقل انتقال وجوه در فضای تجارت خارجی، ایجاد زیرساخت حقوقی و فنی برای سرمایه‌گذاران خارجی، استفاده از تجارب موفق سایر کشورها برای کاهش این ریسک میتواند مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد. بدیهی است تغییر مکرر قوانین و مقررات ریسک بازار ناشی از سیاست‌گذاری را افزایش می‌دهد.

ج) ریسک‌های مربوط به ویژگی‌های بازار سرمایه ایران

بازار سرمایه کشور به‌خاطر برخی نواقص از جمله عمق کم، عدم توسعه‌یافتگی زیرساخت‌ها، کمبود ابزارها و نهادهای گردش پایین معاملات، و کاهش اعتماد در بازار با مخاطرات زیادی روبرو است. حل این معضلات بدون همفکری فعالین بازار میسر نمی‌باشد. بازار سرمایه به عنوان نبض اقتصاد کشور می‌تواند از شفاف‌ترین بخش‌های اقتصادی باشد. لازم به توضیح است که روند مداوم رشد و توسعه بازار سرمایه بدون رشد بنیان‌های اقتصادی کشور و ایجاد ظرفیتهای جدید از طریق سرمایه‌گذاری و تولید امکان‌پذیر نیست. استفاده از ابزارهای نوین و افزایش اعتماد فعالان بازار در کنار ثبات اقتصادی و چشم انداز مثبت رشد اقتصادی و افزایش انتظار سودآوری بنگاههای تولیدی می‌تواند زمینه توسعه پایدار این بازار را فراهم آورد.

توصیه‌های ذیل می‌تواند به بهبود روند استفاده از ظرفیت بازار سرمایه و پایداری بدهی دولت کمک نماید:

- ثبات فضای کلان اقتصادی و توجیه ریسک‌های بازار در کنار بازدهی قابل قبول آن برای سرمایه‌گذاری
- کاهش ابهام، نااطمینانی و ریسک بازار
- عدم تغییر مکرر قوانین و مقررات به خصوص قوانین موثر در سودآوری شرکت‌های بورسی
- افزایش عمق بازار سرمایه و توسعه زیرساخت‌های بازار
- افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و رعایت قوانین و مقررات و شفافیت در انتشار اطلاعات
- افزایش سهم بازار سرمایه در تامین مالی شرکت‌ها نسبت به تامین مالی از طریق بانک
- گسترش فرهنگ سهام‌داری و رعایت حقوق صاحبان سهام
- مدیریت بازار بدهی و بازار سرمایه در راستای کاهش تدریجی نرخ‌های بازدهی اوراق و حرکت به سمت انتشار اوراق بلندمدت به جای کوتاه مدت

- برنامه ریزی دقیق به منظور انتشار و ورود تدریجی اوراق موضوع ماده (۱۰) قانون برنامه هفتم پیشرفت به نحوی که انتشار این اوراق نرخ های بازدهی بازار متاثر نکند.
- استفاده از ظرفیت بازارگردان اولیه^۱ اوراق دولتی در تقویت تقاضا و مدیریت نرخ سود اوراق دولت
- ملزم کردن بانک مرکزی در استفاده از ابزارهای سیاست گذاری پولی به منظور کنترل نرخ های سود اوراق دولت (به خصوص اوراق منتشره در مکانیسم حراج) در داخل کریدور نرخ سود
- تسهیل استفاده از دارایی های دولت به عنوان پشتوانه اوراق مالی اسلامی
- استفاده از ظرفیت اوراق ارزی
- افزایش تدریجی سهم صندوق های سرمایه گذاری در اوراق بازار بدهی
- تسهیل انتشار اوراق بدهی شرکتی از طریق فعال کردن نهادهای اعتبارسنجی

^۱ -primary dealer

فصل ۷: تجارت خارجی

تجارت خارجی یکی از بخش‌های مهم تقاضای کل است که امروزه با گسترش فن‌آوری و افزایش تنوع در تولید کالاها در جهان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که حضور در بازارهای جهانی و بهره‌گیری از مزایای آن و حتی قرار گرفتن در بخشی از زنجیره ارزش جهانی محصولات، می‌تواند نقش موثری در توسعه اقتصادی کشورها ایفا نماید. در این بخش عملکرد دو متغیر صادرات و واردات کالای اقتصاد ایران و برخی از مهمترین اجزای آنها نظیر اقلام، ترکیب و شرکای تجاری، سال ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفته است. سپس ضمن ارائه آخرین عملکرد صادرات و واردات کالا در سال ۱۴۰۳، پیش‌بینی متغیرهای مذکور در دو سناریوی ادامه روند و دستیابی به اهداف برنامه و در پایان جمع‌بندی و راهکارهای سیاستی ارائه شده است.

تجزیه و تحلیل صادرات و واردات کالا

بر اساس آمار مقدماتی گمرک جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۲ بیش از ۱۳۶ میلیون تن کالا به ارزش ۴۹,۳ میلیارد دلار صادر شده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل به لحاظ وزنی حدود ۱۰ درصد افزایش لیکن به لحاظ ارزشی حدود ۸,۹ درصد کاهش داشته است (جدول ۷-۱). از مهمترین دلایل کاهش ارزش صادرات علیرغم افزایش وزنی می‌توان به کاهش قیمت جهانی مواد اولیه از جمله نفت، محصولات پتروشیمی و فراورده‌های هیدروکربوری، کاهش انگیزه صادرات و یا کم‌اظهاری ارزش صادرات اشاره نمود. به عبارت دیگر، به ازای هر تن محصول صادراتی ایران به طور متوسط ۳۶۲ دلار نصیب اقتصاد ایران شده که این رقم در سال ۱۴۰۱ حدود ۴۳۶ دلار بوده است. یعنی طی یک سال یاد شده به ازای هر تن محصول صادراتی ۷۴ دلار دریافتی صادراتی کاهش یافته که بخشی از دلایل آن مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین در دوره مذکور بیش از ۳۹ میلیون تن کالا به ارزش ۶۶,۲ میلیارد دلار وارد کشور شده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزنی و ارزشی به ترتیب حدود ۴,۴ و ۹,۸ درصد افزایش داشته‌است. تسهیل ترخیص کالاهای اساسی، افزوده شدن کالاهای جدید به سبد وارداتی نظیر طلای خام، به همراه اتخاذ سیاست کاهش یا حذف سود بازرگانی و مالیات بر ارزش افزوده واردات کالاهای اساسی و برخی کالاهای تولیدی و صنعتی به دنبال حذف ارز ترجیحی، رانت موجود بین نرخ ارز تخصیصی برای واردات با نرخ بازار و امکان واردات در مقابل صادرات به عنوان یکی از روش‌های رفع تعهد ارزی از مهمترین دلایل افزایش واردات محسوب می‌شوند. نکته قابل توجه این است که در سال ۱۴۰۲، اقتصاد ایران به ازای هر تن محصول وارداتی به طور متوسط ۱۶۹۱ دلار پرداخت نموده که در سال قبل آن این رقم حدود ۱۶۱۴ دلار بوده است. به عبارت دیگر،

در سال ۱۴۰۲ به طور نسبی محصولات صادراتی ایران ارزان تر در سطح جهانی فروش رفته است و درمقابل، محصولات وارداتی گران تری را خریداری کرده است. به طوری که نسبت قیمت وارداتی به صادراتی بیش از ۴,۶ برابر است که عمدتاً ناشی از نوع فن آوری و حتی دسترسی سخت تر برای واردات می باشد.

در مجموع حجم تجارت خارجی (مجموع صادرات و واردات) در سال ۱۴۰۲ بیش از ۱۱۵,۵ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل آن (حدود یک درصد) افزایش یافته است. بر این اساس می توان گفت حجم تجارت خارجی کشور تقریباً بیش از ۲۲ درصد حجم GDP کشور را در بر می گیرد. همچنین تراز تجاری غیرنفتی در سال ۱۴۰۲ با کسری حدود ۱۶,۹ میلیارد دلار مواجه بود که در مقایسه با کسری ۶,۲ میلیاردی دوره مشابه سال قبل از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. افزایش درآمدهای نفتی در سال ۱۴۰۲ توانسته بخشی از کسری را جبران نماید.

جدول ۷-۱: عملکرد صادرات غیرنفتی و واردات کالا در سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲

عنوان	۱۴۰۱		۱۴۰۲		درصد تغییر نسبت به مدت مشابه سال قبل		میزان تغییر ارزش (میلیون دلار)
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	ارزش	
صادرات	۱۳۴۲۰۸	۵۴۱۳۳	۱۳۶۴۰۹	۴۹۳۲۹	۱۰	-۸,۹	-۴۸۰۴
واردات	۳۷۳۷۶	۶۰۳۰۹	۳۹۰۱۶	۶۶۲۰۴	۴	۱۰	۵۸۹۵
تراز بازرگانی	۸۶۸۳۲	-۶۱۷۶	۹۷۳۹۳	-۱۶۸۷۵	۱۲	۱۷۳	-۱۰۶۹۹
حجم تجارت	۱۶۱۵۸۴	۱۱۴۴۴۲	۱۷۵۴۲۵	۱۱۵۵۳۳	۹	۱,۰	۱۰۹۱

ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

اقلام عمده صادرات و واردات کالا در سال ۱۴۰۲

تمرکزگرایی در اقلام صادراتی یکی از ویژگی های تجارت خارجی ایران می باشد که در دهه اخیر این تمرکز بیشتر به سمت محصولات فرآورده های نفتی و گازی گرایش پیدا کرده است. فهرست ۱۵ قلم عمده صادراتی در سال ۱۴۰۲ بیانگر آن است که بیشتر اقلام عمده صادراتی ماهیت پتروشیمی و معدنی دارد به طوریکه ۲۵,۴ درصد ارزش صادرات مربوط به صادرات پنج قلم گاز طبیعی، پروپان مایع شده، قیرنفت، متانول و بوتان مایع شده بوده که همگی ماهیت نفتی و تا حدودی معدنی دارند و ماهیت خام فروشی دارد (جدول ۷-۲). پایین بودن قیمت هر تن محصول صادراتی یاد شده در سال ۱۴۰۲ (۳۵۹ دلار) حاکی از این موضوع می باشد.

جدول ۷-۲: اقلام عمده صادرات در سال ۱۴۰۲

ردیف	تعرفه	شرح تعرفه	۱۴۰۱		۱۴۰۲		درصد تغییرات		سهم ارزش	
			وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	ارزش	۱۴۰۱	۱۴۰۲
۱	۲۷۱۱۱۹۰	گاز طبیعی	۲۰۷۶۱	۷۵۵۷.۱	۹۲۷۳	۳۰۸۹.۹	-۵۵	-۵۹	۱۴.۰	۶.۳
۲	۲۷۱۱۱۳۹۰	پروپان مایع شده در ظروف یک هزار سانتی متر مکعب و بیشتر	۵۷۱۱	۳۷۹۳.۶	۶۷۶۹	۳۰۶۲.۱	۱۹	-۱۹	۷.۰	۶.۲
۳	۲۷۱۳۳۰۰	قیر نفت	۴۷۷۴	۱۸۰۳.۲	۵۹۴۱	۲۱۹۷.۰	۲۴	۲۲	۳.۲	۴.۵
۴	۲۹۰۵۱۱۰۰	متانول	۸۰۲۷	۲۱۸۱.۱	۹۳۵۶	۲۱۰۸.۳	۱۷	-۳	۴.۰	۴.۳
۵	۲۷۱۱۱۳۹۰	پروپان مایع شده در ظروف یک هزار سانتی متر مکعب و بیشتر	۳۴۰۳	۲۲۱۰.۵	۴۵۵۵	۲۰۸۱.۴	۳۴	-۶	۴.۱	۴.۲
۶	۷۲۰۶۱۰۰۰	شمش از آهن و فولاد غیر ممزوج، که در جای دیگر ذکر نشده	۳۱۷۷	۱۵۶۲.۲	۳۶۱۲	۱۷۲۹.۱	۱۴	۱۱	۲.۹	۳.۵
۷	۳۱۰۲۱۰۹۰	سایر آهن	۳۰۳۵	۱۴۵۰.۳	۵۳۲۸	۱۶۴۸.۶	۷۶	۱۴	۲.۷	۳.۲
۸	۲۷۱۱۱۹۹۰	سایر گازهای نفتی و هیدروکربورهای گازی شکل مایع شده	۱۷۰۲	۷۵۶.۴	۲۷۱۱	۱۳۳۰.۵	۵۹	۶۳	۱.۴	۲.۵
۹	۷۲۰۷۱۳۹۰	سایر محصولات نیمه تمام از آهن یا فولاد غیر ممزوج	۲۰۷۸	۱۰۱۳.۶	۲۵۳۶	۱۱۹۹.۳	۲۲	۱۸	۱.۹	۲.۴
۱۰	۲۶۰۱۱۳۰۰	سنگ آهن بهم فشرده شده و کنسانتره های آن	۵۸۳۲	۶۷۴.۳	۱۰۴۵۹	۱۰۹۵.۵	۷۹	۶۲	۱.۲	۲.۲
۱۱	۷۲۱۴۳۰۰۰	مبله های آهنی یا فولادی، گرم نورد شده	۲۰۴۱	۱۰۹۶.۵	۲۱۱۸	۱۰۲۸.۳	۴	-۶	۲.۰	۲.۱
۱۲	۲۷۱۰۱۲۹۰	سایر روغن های سبک و فرآورده ها بجز بنزین	۱۶۶۲	۱۱۰۱.۷	۲۰۱۸	۹۷۶.۶	۲۱	-۱۱	۲.۰	۲.۰
۱۳	۳۹۰۱۱۰۳۰	پلی اتیلن گرید فیلم با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴٪	۱۳۵۴	۱۶۱۱.۶	۸۷۰	۸۱۹.۰	-۳۶	-۴۹	۳.۰	۱.۷
۱۴	۷۶۰۱۱۰۰۰	آلومینیوم بصورت کار نشده، غیر ممزوج	۳۶۶	۸۹۲.۳	۳۴۰	۷۴۷.۴	-۷	-۱۶	۱.۶	۱.۵
۱۵	۷۴۰۳۱۱۰۰	کاتود و قطعات کاتود از مس تصفیه شده	۱۰۷	۹۲۹.۴	۸۵	۷۰۷.۶	-۲۰	-۲۴	۱.۷	۱.۴
جمع اقلام مذکور			۶۴۰۲۹	۲۸۶۳۲	۶۵۹۷۳	۲۳۷۲۱	۳	-۱۷	۵۳	۴۸
کل صادرات			۱۲۴۲۰۸	۵۴۱۳۳	۱۳۶۴۰۹	۴۹۳۳۹	۱۰	-۹	۱۰۰	۱۰۰

ماخذ: استخراج براساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران

فهرست ۱۵ قلم عمده وارداتی در سال ۱۴۰۲ بیانگر آن است که بخش عمده‌ای از محصول وارداتی کشور در این سال (۸ قلم) مربوط به کالاهای اساسی و نهاده های دامی بوده به‌طوری که ۵,۷ درصد ارزش واردات مربوط به ذرت دامی بوده و رتبه اول را به خود اختصاص داده‌است. در مجموع واردات شش قلم ذرت دامی، دانه سویا، برنج، کنجاله سویا، گندم معمولی و جو بیش از ۱۴,۷ درصد ارزش کل واردات را به خود اختصاص داده است.

نکته قابل توجه دیگر آن است که ۱۵ قلم صادراتی ایران در سال ۱۴۰۲ حدود ۴۸ درصد ارزش صادرات غیرنفتی کشور را تشکیل می دهند و درمقابل این ۱۵ قلم از بعد واردات حدود ۳۱ درصد ارزش واردات کشور را تشکیل می دهند. یعنی کالای اساسی، نهاده های دامی و سایر اقلامی که در فهرست ۱۵ قلم عمده وارداتی قرار دارند، در مقایسه با اقلام صادراتی کشاورزی و سنتی ایران پرهزینه تر می باشند و این موضوع در سیاست تجاری اقتصاد ایران نیاز به آسیب شناسی دارد، چرا که محصولات با فن آوری پایین از بعد واردات در مقایسه با کالاهای مشابه صادراتی ایران از ارزیابی بالاتری برخوردار هستند. به نظر می‌رسد تجدید نظر در تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه تلفن‌های هوشمند به منظور جلوگیری از فشار بر کسری تجاری ضروری است (جدول ۷-۳).

جدول ۷-۳: اقلام عمده واردات در سال ۱۴۰۲

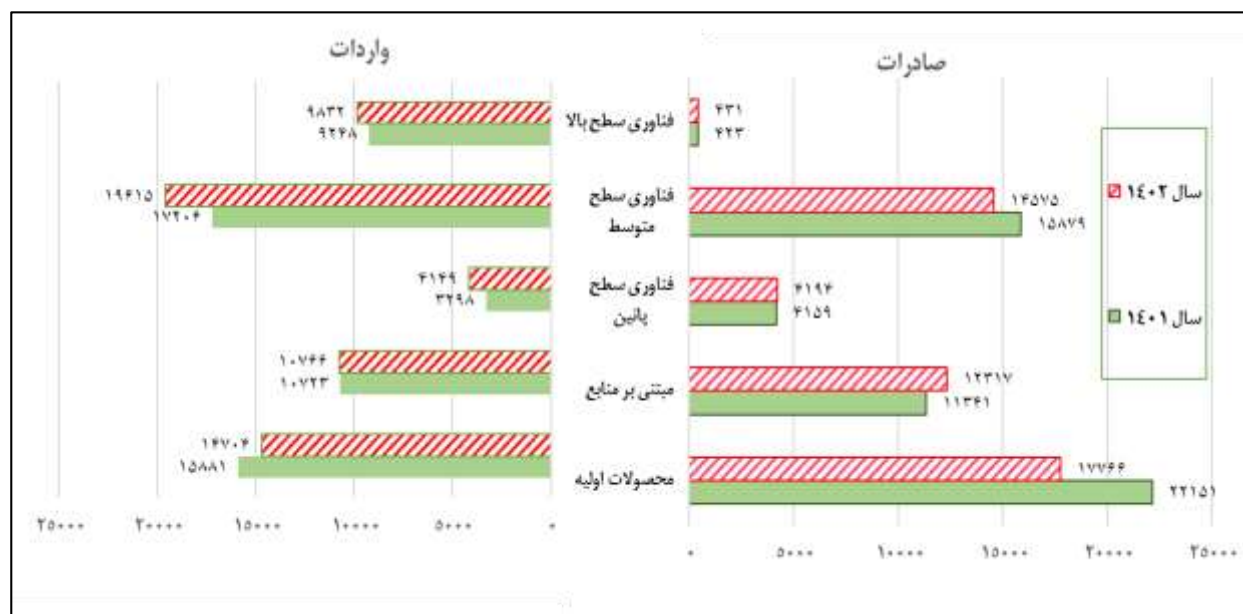
ردیف	تعرفه	شرح تعرفه	۱۴۰۱		۱۴۰۲		درصد تغییرات		سهم ارزش	
			ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	وزن	ارزش	۱۴۰۱	۱۴۰۲
۱	۱۰۰۵۹۰۱۰	ذرت دامی	۸۰۹۳	۳۳۷۳	۱۰۱۹۱	۳۷۸۲٫۷	۲۶	۱۶	۵٫۴	۵٫۷
۲	۸۵۱۷۱۳۹۰	سایر تلقن های هوشمند	۳	۱۹۷۱	۵	۳۹۰۵۹	۵۰	۴۷	۳٫۳	۴٫۴
۳	۷۱۰۸۱۲۰۰	خلای خام (ازجمله خلای آبکاری شده یا پلاتین) برای مصارف غیرپولی	۰	۰	۰	۱۹۳۵۹	۱۰۰	۱۰۰	۰٫۰	۲٫۹
۴	۱۲۰۱۹۰۱۰	دانه سویا تراریخته	۲۵۳۳	۱۹۷۱	۲۷۱۳	۱۹۲۷۰	۷	-۲	۳٫۳	۲٫۹
۵	۹۸۷۰۳۱۲	قطعات منفصله جهت تولید اتومبیل سواری بنزینی با ساخت داخل ۱۴٪ تا کمتر از ۳۰٪	۸۹	۸۹۱	۱۵۸	۱۵۸۸٫۲	۷۹	۷۸	۱٫۵	۲٫۴
۶	۱۰۰۶۳۰۲۰	برنج کامل سفید شده حتی صیقلی یا براق شده	۱۷۰۵	۲۱۵۶	۱۰۵۵	۱۲۳۸۰	-۳۸	-۴۳	۳٫۶	۱٫۹
۷	۱۵۱۲۱۱۰۰	روغن دانه آفتابگردان، روغن گلرنگ یا زعفران کاذب	۶۵۰	۱۱۶۹	۸۰۱	۱۱۵۳٫۳	۲۳	-۱	۱٫۹	۱٫۷
۸	۳۳۰۴۰۰۰۰	کنجاله و سایر آخال های جامد از سویا	۱۳۴۳	۸۵۵	۱۶۸۱	۱۰۶۱٫۵	۲۵	۲۴	۱٫۴	۱٫۶
۹	۱۰۰۱۹۹۲۰	گندم معمولی	۴۴۷۳	۲۰۲۰	۲۵۲۷	۱۰۰۱٫۸	-۴۴	-۵۰	۳٫۳	۱٫۵
۱۰	۸۷۰۱۲۱۰۰	تراکتورها فقط با موتور پیستونی درونسوز تراکمی - احتراقی (دیزل یا نیمه دیزل)	۳۰	۴۴۴	۵۴	۸۵۴٫۳	۸۳	۹۲	-۰٫۷	۱٫۳
۱۱	۱۰۰۳۹۰۰۰	جو به استثنای بذر	۲۳۷۸	۹۹۱	۲۱۸۲	۷۴۶٫۷	-۸	-۲۵	۱٫۶	۱٫۱
۱۲	۱۵۱۱۹۰۱۰	پالم اوایل درظروف ۲۰۰ لیتری و بیشتر	۴۹۶	۷۳۴	۵۱۴	۵۸۹۰	۴	-۲۰	۱٫۲	۰٫۹
۱۳	۹۸۷۱۱۸۲	موتورسیکلت ها یا ساخت داخل ۲۰ درصد تا کمتر از ۳۰ درصد	۲۹	۳۱۵	۴۵	۵۱۱٫۷	۵۶	۶۲	-۰٫۵	۰٫۸
۱۴	۹۸۷۰۳۱۳	قطعات منفصله جهت تولید اتومبیل سواری بنزینی با ساخت داخل ۳۰٪ تا کمتر از ۵۰٪	۴۱	۳۶۱	۵۸	۵۰۰٫۵	۴۲	۳۹	-۰٫۶	۰٫۸
۱۵	۱۷۰۱۱۳۰۰	شکر تصفیه نشده بدون اضافه کردن مواد خوشبو کننده یا مواد رنگ کننده از نیشکر	۱۲۵۵	۶۷۹	۷۲۶	۴۷۷٫۱	-۴۲	-۳۰	۱٫۱	۰٫۷
جمع اقلام مذکور			۲۳۱۱۷	۱۷۸۱۹	۲۲۷۱۰	۲۰۲۷۳	-۱٫۸	۱۳٫۷	۲۹٫۶	۳۰٫۶
کل واردات			۲۷۲۷۶	۶۰۳۰۹	۳۹۰۱۶	۶۶۲۰۴	۴٫۴	۹٫۸	۱۰۰۰	۱۰۰۰

ماخذ: استخراج براساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران

مقایسه تفکیک صادرات و واردات برحسب فن آوری

مقایسه نتایج بررسی صادرات و واردات بر مبنای طبقه بندی محصولات تجاری براساس سطح تکنولوژی طی سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نشان می دهد که صادرات سه گروه محصولات اولیه، تولیدات مبتنی بر منابع و تولیدات با تکنولوژی پایین بیشتر از میزان واردات بوده است. در مقابل واردات تولیدات با تکنولوژی متوسط و بالا نیز بیشتر از صادرات بوده است (نمودار ۱). به عبارت دیگر صادرات عمدتاً بر پایه مواد اولیه و محصولات با تکنولوژی پایین است در حالی که ترکیب واردات مبتنی بر تولیدات با تکنولوژی بالا می باشد. به عبارتی اتکای بخش عمده صادرات کشور به محصولات پایه و کمتر فرآوری شده است که یکی از چالش های اصلی و ساختاری حوزه تجارت خارجی می باشد. البته این نکته لازم به ذکر است که کشورهای منطقه از جمله ترکیه تلاش کرده اند تا از آن، به عنوان یک فرصت، بهره لازم را ببرند. به طوری که رابطه تجاری این کشور با سایر کشورها برای این نوع محصولات عمدتاً متکی بر وابستگی اقتصاد و یا زنجیره تولید آنها به محصولات ترکیه شود. لذا الزاماً صادرات این نوع محصولات با رویکرد جدید جنبه منفی تلقی نمی شود. از اینرو لازم است این موضوع با نگاه جدید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. توسعه و ارتقای زنجیره تولید و صادرات، حمایت از صادرات کالاهای دانش بنیان و دارای فن آوری بالا و جذب سرمایه گذاری خارجی به منظور تولید صادراتی از جمله راهکارهایی است که می تواند مد نظر قرار گیرد.

نمودار ۷-۱: مقایسه صادرات و واردات برحسب فن آوری در سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲



ماخذ: سازمان توسعه تجارت

شرکای تجاری

بر اساس آمار گمرک ج.ا. ایران در سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به طور متوسط حدود ۷۴ درصد صادرات به پنج کشور چین، عراق، امارات، ترکیه و هند و حدود ۷۶ درصد واردات از پنج کشور امارات، چین، ترکیه، هند و آلمان انجام شده است. نسبت‌های مذکور بیانگر تمرکز بالای تجارت به لحاظ بازار و شرکای تجاری است (جدول ۷-۴). بدین ترتیب رابطه تجاری با چهار کشور فوق الذکر (چین، امارات، ترکیه و هند) نقطه ثقل تجارت خارجی کشور ایران محسوب می‌شود و به عنوان ظرفیت در روابط بین الملل در کنار تجارت خارجی مورد توجه قرار گیرد.

بررسی سهم ۵ شریک اصلی صادرات و واردات طی دوره مذکور بیانگر کاهش تمرکز صادرات و افزایش تمرکز واردات است. همچنین تمرکز واردات از دو کشور امارات و چین نیز افزایش یافته و از ۷۵٫۶ درصد در سال ۱۴۰۱ به ۷۷٫۲ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. این نسبت‌ها بیانگر تمرکز بسیار بالای تجارت خارجی اقتصاد ایران به لحاظ شرکای تجاری کشور است که در میان مدت و بلند مدت ریسک‌های تجاری کشور را افزایش می‌دهد و نیاز به بررسی علمی دقیق تری برای برون‌رفت از این وضعیت دارد.

جدول ۷-۴: مهمترین شرکای تجاری در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ - میلیون دلار

مقاصد صادرات	۱۴۰۱	۱۴۰۲	مبای‌ی واردات	۱۴۰۱	۱۴۰۲
چین	۱۴۷۳۳	۱۳۹۱۵	امارات	۱۸۵۴۲	۲۰۷۶۷
عراق	۱۰۲۸۲	۹۲۱۶	چین	۱۵۸۳۰	۱۸۵۳۹
امارات متحده عربی	۶۲۰۳	۶۶۱۲	ترکیه	۶۱۳۷	۷۵۲۰
ترکیه	۷۶۲۹	۴۱۶۰	آلمان	۲۰۲۳	۲۱۵۱
هند	۲۱۲۷	۲۱۷۵	هند	۲۹۴۲	۱۹۱۶
جمع ۵ کشور	۴۰۹۷۵	۳۶۰۷۷	جمع ۵ کشور	۴۵۴۷۵	۵۰۸۹۳
سهم از کل صادرات	۷۶	۷۳	سهم از کل واردات	۷۵	۷۷

ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

آخرین وضعیت صادرات و واردات کالا در سال ۱۴۰۳

بر اساس آمار گمرک، در شش ماه اول ۱۴۰۳ بیش از ۷۰,۳ میلیون تن کالا به ارزش حدود ۲۶ میلیارد دلار صادر شده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل به لحاظ وزنی و ارزشی به ترتیب حدود ۳,۵ درصد و ۶,۵ درصد افزایش داشته است. همچنین حدود ۱۸,۳ میلیون تن کالا به ارزش حدود ۳۳ میلیارد دلار وارد کشور شده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزنی و ارزشی به ترتیب حدود ۲,۸ درصد و ۶,۶ درصد افزایش داشته است. در مجموع حجم تجارت خارجی (مجموع صادرات و واردات) طی دوره مذکور بیش از ۵۸,۳ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل آن ۶,۵ درصد افزایش یافته است. همچنین تراز تجاری غیرنفتی در شش ماه اول ۱۴۰۳ با کسری ۶,۸ میلیارد دلار مواجه بوده حال آنکه این تراز در دوره مشابه سال قبل از کسری حدود ۶,۴ میلیارد دلار برخوردار بوده است (جدول ۷-۵). کسری حدود ۶,۴ میلیاردی در شش ماهه اول سال جاری، نیاز به تدابیر لازم برای مدیریت تجارت خارجی به خصوص از بعد واردات کالاهای مصرفی است. زیرا در صورت ادامه روند قلعی، این کسری افزایش خواهد یافت.

جدول ۷-۵: آخرین عملکرد صادرات و واردات (شش ماه اول سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳)

عنوان	شش ماهه ۱۴۰۲		شش ماهه ۱۴۰۳		درصد تغییر نسبت به مدت مشابه سال قبل		میزان تغییر ارزش (میلیون دلار)
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	ارزش	
صادرات	۶۷۹۹۴	۲۴۱۹۱	۷۰۳۴۲	۲۵۷۵۸	۳,۵	۶,۵	۱۵۶۷
واردات	۱۷۷۶۳	۳۰۵۷۰	۱۸۲۶۹	۳۲۵۷۳	۲,۸	۶,۶	۲۰۰۳
تراز بازرگانی	۵۰۲۳۱	-۶۳۷۹	۵۲۰۷۳	-۶۸۱۵	۴	۷	-۴۳۶
حجم تجارت	۸۵۷۵۷	۵۴۷۶۱	۸۸۶۱۱	۵۸۳۳۱	۳	۶,۵	۳۵۷۰

ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

پیش بینی صادرات و واردات کالا

برای ترسیم میزان و حجم تجارت خارجی اقتصاد ایران در آینده نزدیک تلاش شده است در قالب الگوی اقتصاد سنجی، پیش بینی صادرات و واردات برای سالهای ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ در دو سناریوی ادامه روند و اهداف برنامه هفتم صورت گیرد که مفروضات هریک از سناریوها به شرح زیر می باشد:

مفروضات سناریوی ادامه روند:

○ نرخ رشد اقتصادی برای سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ به ترتیب ۳,۵، ۳,۵ و ۴ درصد

○ نرخ تورم برای سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ به ترتیب ۳۳,۳، ۳۴,۵ و ۲۵ درصد

مفروضات سناریوی اهداف برنامه هفتم:

○ متوسط نرخ رشد اقتصادی سالانه برای دوره ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ به میزان ۸ درصد.

○ نرخ تورم برای سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ به ترتیب ۳۱، ۳۰ و ۲۱ درصد.

پیش بینی میزان واردات و صادرات بر مبنای مفروضات فوق و نتایج حاصل از تخمین و برازش الگوهای اقتصادسنجی طی دروه ۱۴۰۲-۱۳۵۰، در جدول (۷-۶) ارایه شده است. ارقام مندرج در این جدول نشان می دهد که ارزش صادرات غیرنفتی ایران از ۴۹,۳ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۲ به ترتیب به ۶۵ میلیارد دلار و ۷۴,۴ میلیارد دلار در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ خواهد رسید. همچنین پیش‌بینی می‌شود ارزش واردات نیز از ۶۶,۲ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۲ به ترتیب به ۷۵,۵ میلیارد دلار و ۸۲,۴ میلیارد دلار برسد. تداوم روند گذشته نشان می‌دهد که کسری تجاری، به تدریج، کاهش یافته و به ۷,۷ میلیارد دلار خواهد رسید. در گزینه اهداف برنامه هفتم، وضعیت متفاوت است و پیش‌بینی رشد اقتصادی بالا و به تبع آن رشد صادرات غیرنفتی بیشتر موجب می‌شود تا در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ تراز تجاری با مازاد مواجه شود.

جدول ۷-۶: نتایج پیش بینی صادرات و واردات کالا- میلیارد دلار

سناریو	عنوان	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵
گزینه ادامه روند	صادرات غیرنفتی (گمرک)	۵۶۹۸۴	۶۵۰۶۲	۷۴۷۱۹
	واردات (گمرک)	۶۸۶۵۱	۷۵۵۴۲	۸۲۴۴۴
گزینه اهداف برنامه هفتم	صادرات غیرنفتی (گمرک)	۶۰۳۵۴	۷۷۱۹۷	۱۰۲۸۵۰
	واردات (گمرک)	۶۸۰۴۶	۷۵۲۱۴	۸۳۴۷۰

ماخذ: برآوردهای کارشناسی

جمع بندی و توصیه های سیاستی

حوزه تجارت خارجی در سال ۱۴۰۲ در مقایسه با سال ماقبل آن، از عملکرد بهتری برخوردار بود، به‌طوری که حجم تجارت کالا و خدمات حدود ۳,۴ میلیارد دلار نسبت به سال ماقبل آن افزایش یافت و دو متغیر اصلی مشتمل بر صادرات کالای غیرنفتی و واردات کالا از رشد مثبت برخوردار بودند. هرچند مشکلات ساختاری این حوزه نظیر اتکای بخش عمده صادرات کشور به محصولات پایه و کمتر فرآوری شده، پایین بودن قدرت رقابت‌پذیری محصولات صادراتی به دلیل تورم‌های ساختاری و بالا و تمرکز بالای تجارت به لحاظ بازار و شرکای تجاری، کماکان وجود داشته است.

درمجموع مهمترین چالش‌های بخش تجارت خارجی عبارتند از: افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، تغییرات اقلیمی، تداوم مسائل و مشکلات ژئوپلیتیکی، نوسانات نرخ ارز و اختلاف زیاد نرخ ارز مرکز مبادله و بازارآزاد، کم‌اظهاری ارزش صادرات ناشی از الزام بازگشت ارز صادراتی، ناترازی انرژی و به تبع آن تعطیلی واحدهای تولیدی و عوامل ساختاری به ویژه بالا بودن تورم داخلی (که کاهش قدرت رقابت پذیری را به دنبال دارد). این چالش‌ها موجب شده ترازتجاری غیرنفتی همواره با کسری مواجه باشد. به عبارتی کسری تجاری غیرنفتی، اصلی‌ترین چالش این حوزه است که موجب شده عواید ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی نتواند به طور کامل ارز مورد نیاز واردات را پوشش دهد. بدین ترتیب سیاست‌ها و راه کارهایی که بتواند چالش‌های مذکور را مرتفع نماید می‌تواند زمینه جهش صادرات غیرنفتی کالا و خدمات را به دنبال داشته باشد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

- افزایش سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای به ویژه از کشورهای صاحب فناوری از طریق حمایت از واردات کالاهای سرمایه‌ای وارداتی به‌ویژه با فناوری بالا برای تقویت حضور در زنجیره ارزش تولید جهانی و افزایش سطح کیفی کالاهای وارداتی
- حفظ نرخ حقیقی ارز بر اساس برابری قدرت خرید از طریق تعدیل نرخ ارز متناسب با تفاوت تورم داخلی و خارجی
- جلوگیری از صادرات کالا با ارزش افزوده پایین و مواد اولیه و خام از طریق وضع عوارض و اعمال مشوق‌های لازم و حمایت از سیاست‌های پردازش محصولات خام و اولیه داخلی
- پرداخت مشوق‌های هدفمند ازجمله حمایت پلکانی از تولیدکنندگانی که بخشی از تولید خود را صادر می‌کنند، شناسایی ظرفیت بازارهای هدف جهت توسعه صادرات، اتصال به زنجیره ارزش جهانی
- تقویت دیپلماسی اقتصادی با کشورهای دیگر به ویژه کشورهای آسیایی، منطقه و پیرامونی به منظور بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با صادرات
- پالایش مجوزها و بخشنامه‌های غیرضروری، تسریع در انجام امور گمرکی مربوط به صادرات و واردات کالا
- جدیت در ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان به‌منظور بازگرداندن ارز صادراتی به کشور
- ایجاد و توسعه شرکت‌های بزرگ صادراتی به‌منظور حفظ و توسعه بازارهای صادراتی
- ارتقای زیرساخت‌های صادراتی به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل و حرکت به سمت برندسازی جهت افزایش کیفیت کالاهای صادراتی
- منطقی کردن قیمت‌های پایه کالاهای صادراتی برای اخذ پیمان ارزی و محاسبه آمارهای گمرکی و جلوگیری از کم‌اظهاری بهای کالاهای صادراتی یا بیش‌اظهاری قیمت کالاهای وارداتی

فصل ۸: بازار ارز

مقدمه

نرخ ارز و نوسانات آن از عواملی است که بر بسیاری از متغیرهایی اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار است. این متغیر علاوه بر عوامل بنیادی و کلاسیک اقتصادی از جمله تورم، وضعیت بودجه دولت، تراز حساب جاری و حساب سرمایه و سیاست‌های پولی و مالی دولت، تابع عوامل رفتاری و عوامل سیاسی و محیط بیرونی مانند تغییرات بازارهای جهانی، تحولات سیاسی، توافقات بین‌المللی و تنش‌های منطقه‌ای می‌باشد. با شکل‌گیری محدودیت منابع ارزی، اولویت‌بندی و تامین و تخصیص ارز با نرخ‌های متفاوت در دستور کار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. بر اساس آخرین گزارش بانک مرکزی از اول فرودین تا ۲۱ مهرماه سال ۱۴۰۳ حدود ۷,۹۸۹ میلیون دلار برای کالای اساسی و دارو، ۱۹,۶۹۰ میلیون دلار برای کالاهای تجاری و بازرگانی و ۸,۱۲۱ میلیون دلار واردات در مقابل صادرات تخصیص داده است. ارز تخصیصی برای خدمات در طی این دوره ۸۶۰ میلیون دلار بوده است. در مجموع در این دوره ۳۶,۶۶۰ میلیون دلار برای واردات، تامین ارز شده است. نرخ ارز تخصیصی برای کالاهای اساسی و دارو ۲۸۵,۰۰۰ ریال می‌باشد و برای سایر نیازهای وارداتی با نرخ نیما انجام شده است.

تبیین اجزای عرضه و تقاضای ارز

در جدول ۸-۱ مهمترین منابع تأمین ارز و تقاضای آن ذکر شده است. شایسته ذکر است که انگیزه ورود ارز توسط شرکت‌های پتروشیمی و پالایشی و فولاد و فروش آن با نرخ کمتر از بازار غیر رسمی با توجه به شکاف نرخ سامانه‌های مشخص شده بانک مرکزی با بازار آزاد سبب می‌شود تمایل به کم اظهارهای صادرات و فروش ارز در بازار غیررسمی یا سپرده ارز در خارج کشور وجود داشته باشد. علاوه بر این، ارز حاصل از خروج کالا از کشور از طریق غیررسمی به سامانه‌های تعریف شده بانک مرکزی بر نمی‌گردد. ادامه این روند منجر به فشار به نرخ ارز در بازار غیر رسمی برای تامین نیازهای ارزی شود. بنابراین تعدیل نرخ سامانه‌های مذکور همراه با ایجاد سازوکارهای مناسب برای اثرگذاری بر نرخ‌های بازار غیررسمی ضروری به نظر می‌رسد.

جدول شماره ۸-۱: بررسی اجزای عرضه و تقاضای ارز در اقتصاد کشور

منابع تأمین ارز کشور	مصارف ارزی کشور
----------------------	-----------------

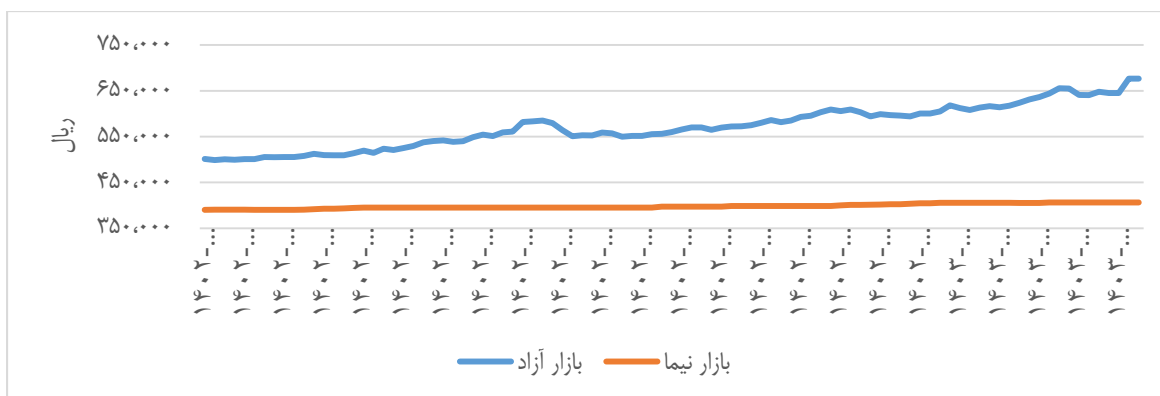
صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های معدنی	واردات کالای اساسی با ارز ترجیحی
صادرات شرکت‌های پتروشیمی و پالایشی و فولاد	واردات مواد اولیه و کالاهای وارداتی تخصیص در سامانه نیما
صادرات کالا و خدمات توسط بخش خصوصی	ورود کالا به کشور توسط ارز اشخاص و خارج از سامانه
قاچاق خروجی	قاچاق ورودی
ورود سرمایه به شکل ارز	خروج سرمایه و ارز از کشور

عملکرد بازار ارز آزاد و نیمایی

نرخ ارز بازار آزاد در نه ماهه ابتدای سال ۱۴۰۲ نوسان اندکی را تجربه نمود ولی از ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۲ از محدوده ۵۰ هزار تومان فراتر رفت و تا انتهای فروردین ماه در یک روند صعودی افزایش یافت. پس از آن تا انتهای شهریور ۱۴۰۳ در محدوده ۶۰ هزار تومان نوسان یافت. این موضوع از آن جهت جالب توجه است که از ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۲، نرخ ارز تالار دوم مرکز مبادله ارز و طلا نوسان اندکی را تجربه کرده و از حدود ۳۹ هزار تومان به حدود ۴۶٫۵ هزار تومان رسیده است. با افزایش نرخ ارز رسمی موضوع تاثیر آن بر بازار غیررسمی و تورم برای فعالان اقتصادی و منتفعان و متضرران به عنوان یک موضوع کلیدی اهمیت یافته است. دولت نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی اقتصاد کشور از یک طرف در حساب‌های منابع پایه پولی از افزایش نرخ ارز رسمی در تامین منابع بودجه منتفع می‌گردد و از طرف دیگر، به عنوان یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان منابع ارزی با افزایش نرخ ارز نیاز به منابع ریالی بیشتری برای انجام هزینه‌های ارزی خود دارد. وجود شکاف میان بازار نرخ ارز آزاد و نیمایی نیز منجر به آن شده است که رانتهای ارزی تخصیصی موجب تخصیص غیربهبینه و ناکارا و وجود انگیزه فساد گردد. از این رو حرکت به سمت نظام تک نرخ و ایجاد زمینه‌های اجرا آن مجددا مورد بحث قرار گرفته است.

همان طور که در نمودار (۸-۱) مشاهده می‌شود، شکاف بین نرخ ارز آزاد و نیمایی از محدوده ۲۸ درصد در ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۲ به محدوده ۶۱ درصد در فروردین ۱۴۰۳ رسیده که بیشترین مقدار این نماگر از ابتدای سال ۱۴۰۲ بوده است. (اختلاف نرخ ارز نیما و نرخ ارز آزاد در سال ۱۴۰۲ به طور متوسط برابر با ۳۵ درصد بوده است). انتظار می‌رود با ثابت ماندن نرخ نیمایی و افزایش نرخ بازار آزاد این اختلاف تشدید و صف متقاضیان نرخ ارز نیمایی افزایش یابد. این موضوع موجب افزایش فشار بر منابع محدود بانک مرکزی از یک طرف و افزایش انگیزه کم‌اظهاری برای صادرات کالا و خدمات از طرف دیگر خواهد شد. نرخ دلار نیمایی در سال جاری مسیر جداگانه‌ای از بازار غیر رسمی داشته و به نظر می‌رسد بازارساز با افزایش نرخ، به دنبال کاهش فاصله با نرخ ارز بازار آزاد بوده است. با توجه به شکاف ایجاد شده بین نرخ ارز در بازار آزاد نیما، نرخ ارز نیمایی در سال جاری به تدریج در مسیر صعودی قرار گرفته است.

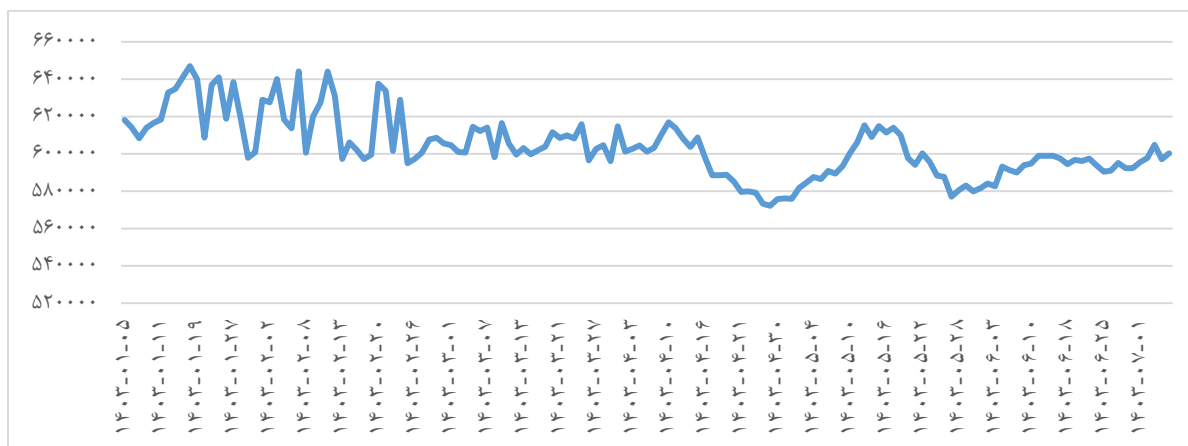
نمودار ۸-۱: نوسانات نرخ ارز غیررسمی و نیمایی از ابتدای دی ماه ۱۴۰۲



ماخذ: سامانه نیما و رصد نرخ ارز بازار غیر رسمی

به علاوه نوسان بازار غیررسمی در نمودار (۸-۲) با توجه به انتظارات فعالان بازار و تنش‌های سیاسی و منطقه‌ای قابل بررسی است و در زمان افزایش تنش، نرخ بازار افزایش و با چشم انداز مثبت درخصوص گسترش روابط تجاری نرخ کاهش یافته است.

نمودار ۸-۲: نوسانات نرخ ارز غیررسمی از ابتدای سال ۱۴۰۳



ماخذ: سامانه نیما و رصد نرخ ارز بازار غیر رسمی

به نظر می‌رسد قیمت تعادلی بازار جدا از نوسانات مقطعی تابع عوامل بنیادی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود. در صورتی که هدف سیاستگذاران نزولی شدن نرخ ارز در بازار غیر رسمی، کاهش هر چه بیشتر اختلاف نرخ دو

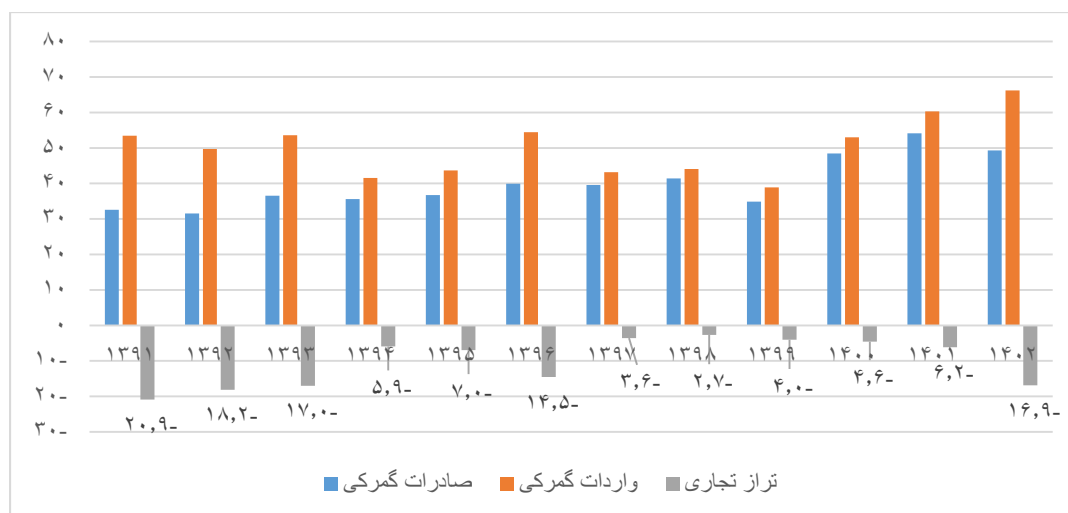
بازار و زمینه سازی برای تک نرخی شدن ارز است اجرای آن نیازمند منابع ارزی کافی به منظور تامین باثبات تقاضای ارز می باشد.

دلایل بنیادی نوسانات ارزی اخیر

الف- نرخ ارز و تجارت خارجی

از جمله مهمترین عوامل بنیادی تاثیرگذار بر نوسانات ارزی وضعیت حساب جاری و حساب سرمایه است. بررسی وضعیت تراز تجاری غیرنفتی و حساب سرمایه در نمودارهای ۸-۳ و ۸-۴ ترسیم شده است. چنانچه ملاحظه می شود تراز تجاری غیر نفتی و حساب سرمایه در سال ۱۴۰۲ با مقادیر بسیار بزرگ به ترتیب ۱۶,۹ و ۱۵,۴ منفی شده است که بر میزان ذخایر در دسترس در بازار ارز اثرات قابل توجهی داشته است. افزایش واردات و تامین ارز آن با نرخ پایین تر از بازار غیررسمی در کنار کم اظهاری صادرات به منظور فروش ارز ناشی از آن در نرخهای بالاتر می تواند سبب افزایش کسری تراز تجاری شود.

نمودار ۸-۳- تراز تجاری غیر نفتی - میلیارد دلار

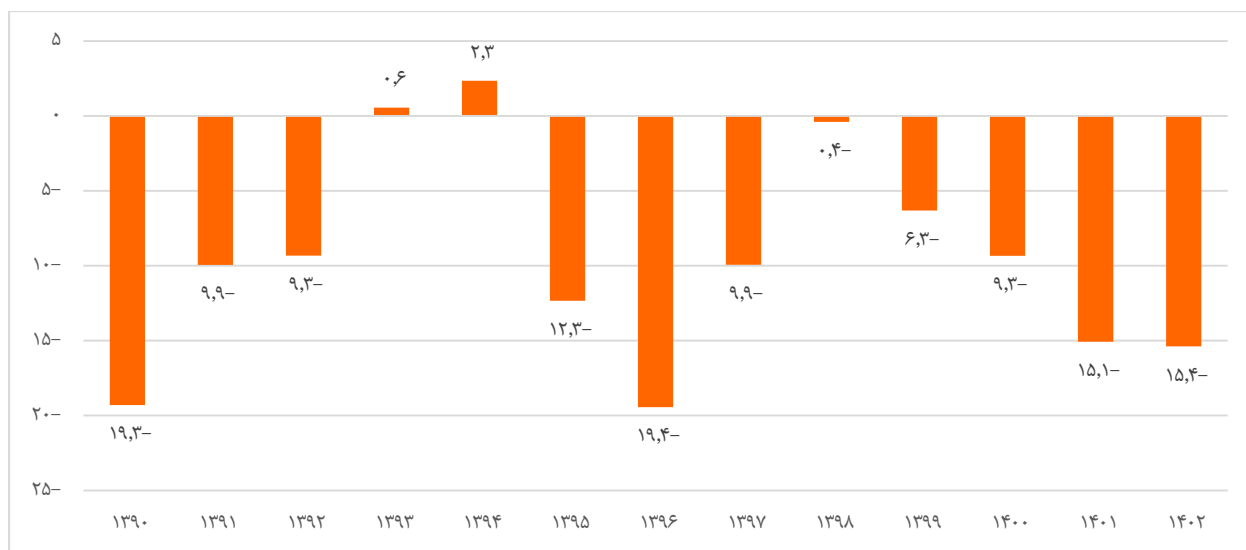


ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

ب- نرخ ارز و حساب سرمایه

نمودار شماره ۸-۴) نشان می دهد که حساب سرمایه در سالهای اخیر منفی بوده است. خروج سرمایه، مهاجرت و انتقال ارز به خارج کشور از دلایلی است که بر حساب سرمایه موثر است و تقاضای ارز را در بازار غیررسمی افزایش می دهد. این موضوع که حساب سرمایه پس از سال ۱۳۹۰ در بسیاری از سالها منفی بوده است و در سالهای اخیر قدرمطلق آن افزایش داشته است.

نمودار ۸-۴: حساب سرمایه - میلیارد دلار



ماخذ: بانک مرکزی

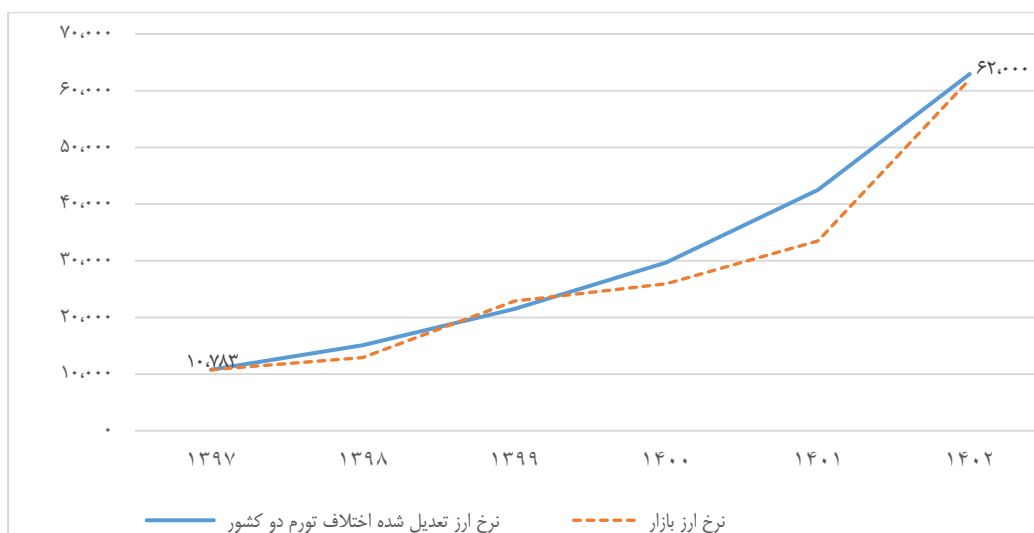
نرخ ارز و تورم

در نگاه پولی به پدیده نرخ ارز و نظریه برابری قدرت خرید، علیت بین تورم و نرخ ارز مطرح نبوده و صرفاً حرکت آن‌ها با یکدیگر به عنوان یک شرط تعادلی در نظر گرفته می‌شود، به این معنا که هر دو معلول نقدینگی مازاد بر تولید بوده و در بلندمدت باید در تناسب با یکدیگر تعدیل شوند. در این رویکرد دو نگاه استفاده از کالاهای قابل تجارت (آرپی‌تراژ محور) و دارایی محور وجود دارد که تأیید کننده ارتباط دو متغیر در طی زمان می‌باشند. در اقتصاد ایران که موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای متعددی در مسیر تجاری ورود کالا از طریق قانونی به کشور وجود دارد، نمی‌توان از رویکرد دارایی محور در تعیین نرخ ارز غافل شد. زیرا در رویکرد دارایی محور پول هر کشور به مثابه یک دارایی در نظر گرفته می‌شود و نرخ تعادلی ارز را نرخ ارزی می‌داند که قیمت دو دارایی (دو پول ملی) بر اساس قدرت خرید برابر شوند. همچنین سرمایه‌گذاران با در نظر گرفتن رویکرد دارایی محور درخصوص دسترسی به سبدهی از دارایی‌های مالی و همچنین نسبت به نقل و انتقال سرمایه به خارج از کشور تصمیم‌گیری می‌نمایند.

به منظور تطبیق اثرات تورم و قدرت خرید کالاها و خدمات در دو کشور بر ارزش ارز، تعیین سال پایه موضوع مناقشه‌انگیزی در استفاده از این روش است. سال ۱۳۹۷ سال خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های نفتی و جهش ارزی از حدود متوسط نرخ ۴۰,۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۶ به متوسط ۱۰۷,۸۳۰ ریال در سال ۱۳۹۷ رسیده است. در این سال اثر شوک خروج ایران از گردونه تجارت بین‌الملل در بازار ارز تخلیه شده است. لذا می‌توان این سال را برای تعدیل تورم دو کشور به عنوان سال شروع در نظر گرفت و تفاوت نرخ تورم دو کشور ایران و ایالات متحده را برای سال‌های بعد در نرخ ارز محاسبه نمود. به عبارت

دیگر، از سال ۱۳۹۷ به بعد همواره موضوع تحریم نفتی، دسترسی به دلارهای نفتی، تدوین و اجرای سامانه‌های تخصیص نرخ ارز و بازگشت ارز صادراتی با قوت و ضعف متفاوتی موضوعیت داشته و رابطه مبادله نیز در این سال‌ها نسبتاً ثابت بوده است. هر چند انتقاداتی به این روش از جمله دقت اندازه‌گیری تورم در اقتصاد آمریکا و ایران، تشابه سبد کالای مصرفی در محاسبات آماری، تطابق سال میلادی و شمسی و تغییر انتظارات خانوار و فعالان اقتصادی از آینده متغیرهای اقتصادی در محاسبه نرخ ارز وارد است و نقش عواملی از جمله ناطمینانی از صادرات نفتی و افزایش هزینه‌های تجاری را نمی‌توان نادیده گرفت. اما، نتایج محاسبه تصویر مناسبی از ارتباط پدیده تورم و نرخ ارز ارائه می‌دهد و بیش از پیش لزوم کنترل تورم را آشکار می‌سازد. تورمی که ناشی از عوامل تنگناهای سمت عرضه، ساختار نظام بانکی و بودجه‌ای و همچنین عوامل غیر اقتصادی مؤثر بر اقتصاد کشور است.

نمودار شماره ۸-۵: تعدیل نرخ ارز با توجه به تفاوت نرخ تورم دو کشور



مأخذ: آمار بانک‌های مرکزی ایران و آمریکا

برای تعدیل نرخ ارز، تفاوت نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی و تورم اعلام شده برای اقتصاد آمریکا از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ بر قیمت ارز سال ۱۳۹۷ اعمال و مقادیر آن در نمودار شماره ۸-۵ استخراج شده است. مشاهده می‌شود نرخ‌های بازار غیر رسمی (خط نقطه چین) در حول و حوش این خط (خط آبی) نوسان داشته است.

بنابراین به نظر می رسد اثرات قیمت دارایی و آربیتراژ بر اثر تفاوت نرخ تورم دو کشور در قیمت‌های نسبی نرخ‌های ارز دو کشور منعکس شده است. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد وجود نرخ تورم بالا در یک کشور سبب می‌شود تا ارز آن کشور ارزش واقعی خود را از دست دهد و ارزهای خارجی نسبت به آن ارزش بیشتری پیدا کنند.

با عنایت به موارد ذکر شده برخی از مهم‌ترین دلایل نوسانات ارزی اخیر در اقتصاد ایران را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

✓ افزایش کسری تجاری غیرنفتی کشور

✓ افزایش کسری حساب سرمایه

✓ افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی در نتیجه:

○ افزایش تنش منطقه خاورمیانه شروع دور جدید از تنش‌ها بین رژیم صهیونیستی و مقاومت اسلامی در

غزه و لبنان

○ تداوم جنگ اوکراین و روسیه و اثرات آن بر افزایش کالاهای وارداتی

✓ تفاوت نرخ تورم جهانی و داخلی و انتظار افزایش قیمت ارز در بلندمدت

جمع بندی و توصیه های سیاستی

نرخ ارز و نوسانات آن از عواملی است که بر بسیاری از متغیرهایی اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار است. این متغیر علاوه بر عوامل بنیادی از جمله تورم، وضعیت بودجه دولت، تراز حساب جاری و حساب سرمایه و سیاست‌های پولی و مالی دولت، تابع عوامل رفتاری، عوامل سیاسی و محیط بیرونی از جمله تغییرات بازارهای جهانی، تحولات سیاسی، توافقات بین‌المللی و تنش‌های منطقه‌ای می‌باشد. از این رو توصیه سیاستی تلاش در جهت بهبود عوامل بنیادی همراه با کاهش تنش در محیط سیاسی و بیرونی است که می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاران این حوزه قرار گیرد.

بررسی منابع تامین ارز و مصارف ارزی کشور و وضعیت حساب سرمایه و تراز تجاری کشور تا حد زیادی دلایل افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی را توجیه می‌کند. همچنین بررسی اختلاف تورم در دو کشور و تعدیل آن توسط نرخ ارز از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۴۰۲ مسیر افزایش نرخ ارز را به خوبی توضیح می‌دهد. علاوه بر عوامل بنیادی ذکر شده تنش‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و چشم‌انداز کاهش یا افزایش این تنش‌ها در مقاطع زمانی مختلف جهش یا کاهش قابل توجه نرخ ارز را توضیح می‌دهد. به نظر می‌رسد کاهش شکاف نرخ سامانه‌های رسمی طراحی شده بانک مرکزی با بازار غیررسمی ارز نیازمند وجود شرایطی از جمله کاهش تورم داخلی به سطوح قابل قبول، دسترسی به منابع ارزی قابل اتکا و مدیریت مصارف ارزی کشور

است. همچنین توسعه بازارهای صادراتی کالا و خدمات با هدف افزایش ارزآوری و گسترش مبادلات با کشورهای منطقه از عواملی است که می تواند تا حد قابل توجهی مدیریت بازار ارز را در شرایط موجود تسهیل نماید.

با توجه به جمع بندی یاد شده می توان توصیه های ذیل را ارایه نمود:

- ✓ کاهش نرخ تورم به سطوح قابل قبول و ثبات آن در بلندمدت؛
- ✓ کاهش اختلاف بین نرخهای رسمی و غیررسمی ارز و تامین به موقع تقاضای ارز در سامانه؛
- ✓ دسترسی به منابع ارزی قابل اتکا به منظور مدیریت مناسب تقاضای ارز؛
- ✓ تقویت حکمرانی ارزی کشور از طریق ارتباط با نظام پرداخت بین المللی و فاصله گرفتن از مبادلات مالی تراستی محور؛
- ✓ ثبات در سیاست ها و تصمیم گیری های ارزی و اطمینان دادن به جامعه نسبت به تداوم این سیاست ها؛
- ✓ نظارت بر شرکت های بزرگ دولتی از جمله پتروشیمی ها و ارز حاصل از صادرات آن در شبکه رسمی؛
- ✓ مدیریت نوسانات احتمالی ارز توسط بانک مرکزی از طریق بازسازی و مداخله هوشمندانه در بازار آزاد؛
- ✓ توسعه صادرات خدمات به ویژه صادرات خدمات درمانی و صادرات خدمات گردشگری؛
- ✓ گسترش مبادلات منطقه ای و کشورهای همسایه بخصوص تهاتر کالاهای بین دو کشور و ارزهای محلی؛

فصل ۹: بودجه عمومی

مقدمه

سیاست مالی به معنی بهره‌گیری از درآمدها و هزینه‌های دولت به منظور تأثیرگذاری بر اقتصاد یک کشور و دستیابی به اهداف سیاستی مورد نظر سیاست‌گذاران است. قانون بودجه سالانه کل کشور یکی از ابزارهای اصلی اعمال سیاست مالی به شمار رفته و از مسیرهای مختلف بر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر می‌گذارد. در طرف منابع بودجه، درآمدهای مالیاتی از اجزای اصلی منابع درآمدی دولت محسوب می‌شود و در عین اینکه به تأمین مالی عرضه خدمات عمومی مانند آموزش و امنیت یاری می‌رساند، از سوی دیگر، با افزایش بار مالیاتی بر بنگاه‌ها بر انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری آنان تأثیر می‌گذارد که از عوامل مهم موثر بر رشد اقتصادی و اشتغال است. همچنین بخش اصلی مصارف دولت را هزینه‌های دولت تشکیل می‌دهد که عمدتاً در بخش‌های دفاع و امنیت، آموزش و بهداشت هزینه می‌شود و از این رو بر کیفیت و کمیت ارائه کالاها و خدمات عمومی و انجام وظایف حاکمیتی مستقیماً تأثیر می‌گذارد. طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای که با عنوان طرح‌های عمرانی نیز شناخته می‌شود، با تأمین زیرساخت‌های کشور بر کیفیت ارائه خدمات عمومی دولت تأثیر گذاشته و همچنین مکمل و مشوق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد است. بنابراین، مجموع مصارف هزینه‌ای دولت و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بر تقاضای کل اقتصاد تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، در صورتی که منابع دولت کمتر از مصارف باشد، دولت مجبور به تأمین مالی کسری از طریق بازار بدهی خواهد شد. صرف نظر از ارزیابی کمی نحوه اثرگذاری منابع و مصارف بر متغیرهای اقتصاد کلان، در ادامه اجزاء بودجه عمومی دولت، به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عملکرد متغیرهای مهم بودجه عمومی دولت

بودجه عمومی دولت در دو بخش اصلی منابع (دریافت‌ها) و مصارف (پرداخت‌ها) قابل ارزیابی است. برای تحلیل بهتر بودجه‌های سنواتی، شاخص‌های مهم بودجه‌ای در برش‌های سالانه و عملکرد شش ماهه تهیه و بررسی شده است.

منابع عمومی بودجه (دریافت‌ها)

منابع بودجه عمومی از سه جزء اصلی درآمدهای عمومی، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌های مالی تشکیل می‌شود. میزان عملکرد منابع بودجه عمومی در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۱۵۸۲۰ هزار میلیارد ریال است که بر این اساس میزان تحقق منابع عمومی دولت نسبت به مصوب آن حدود ۹۱ درصد بوده، و عملکرد منابع نسبت به عملکرد کل دریافت‌های سال

قبل ۳۷ درصد بیشتر شده است. در سال ۱۴۰۲ ترکیب اجزای اصلی منابع عمومی شامل درآمدهای عمومی، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌های مالی به ترتیب ۵۰,۴، ۲۲,۴ و ۲۷,۲ درصد بوده است. در شش ماهه ابتدای سال ۱۴۰۳ در مقایسه با شش ماهه ابتدای سال قبل، عملکرد منابع و سایر دریافت‌ها از ۷۱۴۵ هزار میلیارد ریال به ۱۲۷۷۱ هزار میلیارد ریال رسیده است. رشد اسمی دریافت‌ها در شش ماهه سال جاری نسبت به شش ماهه سال پیش در حدود ۷۹ درصد بوده و بالغ بر ۹۸ درصد اعتبار مصوب شش ماهه سال جاری محقق شده است.^۱

در حالی که به لحاظ ماهیت، منابع بودجه غیرقطعی هستند، در اقتصاد سیاسی تنظیم قانون بودجه نیز انگیزه بیش‌برآوردی ارقام منابع وجود دارد؛ لذا معمولاً منابع بودجه بطور کامل محقق نمی‌شوند. در سوی دیگر، مصارف بودجه که معمولاً ماهیت قطعی دارند، در تناظر با منابع بیش‌برآوردشده، پیش‌بینی می‌شوند و به همین علت ناترازی (کسری) بودجه و تبعات آن بروز می‌کند.

جدول ۹-۱: عملکرد منابع عمومی بودجه و اجزای آن ۱۴۰۰-۱۴۰۲

۱۴۰۲		۱۴۰۱		۱۴۰۰		(هزار میلیارد ریال/درصد)
عملکرد	سهم	عملکرد	سهم	عملکرد	سهم	
۲۱,۷۴۷,۰	۱۰۰,۰	۱۵,۸۲۰,۷	۱۰۰,۰	۱۱,۰۴۴,۹	۱۰۰,۰	منابع عمومی
۱۰,۹۵۰,۳	۵۰,۴	۶,۹۶۳,۵	۴۴,۰	۴,۹۶۵,۸	۴۵,۰	درآمدها
۴,۸۷۵,۵	۲۲,۴	۴,۱۸۱,۰	۲۶,۴	۲,۴۰۰,۳	۲۱,۷	واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای
۵,۹۲۱,۲	۲۷,۲	۴,۳۴۹,۴	۲۷,۵	۳,۶۷۸,۸	۳۳,۳	واگذاری دارایی‌های مالی

مأخذ: خزانه داری کل کشور و محاسبات امور اقتصاد کلان

درآمدهای عمومی

درآمدهای عمومی، مشتمل بر درآمدهای مالیاتی (مالیاتی و گمرکی) و سایر درآمدها، به‌عنوان پایدارترین درآمدهای بودجه‌ای محسوب می‌شوند. عملکرد درآمدهای عمومی در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۱۰۹۵۰ هزار میلیارد ریال بوده که ۵۷ درصد رشد نسبت به سال مالی قبل نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۲ سهم عملکرد درآمدهای عمومی از دریافت‌ها ۵۰ درصد بوده و ۵ واحد درصد بیش از سال قبل شده است. عملکرد درآمدهای مالیاتی و گمرکی در سال ۱۴۰۲ حدود ۸۶۶۹ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به رقم مصوب آن، ۹۷ درصد محقق شد و نسبت به عملکرد سال قبل ۶۳ درصد رشد داشت. همچنین در حالی که سهم این درآمدها در قانون بودجه ۱۴۰۳ حدود ۷۶ درصد منظور شده است، پیش‌بینی می‌شود به ۷۸ درصد برسد. البته به جز درآمدهای

برای قابل مقایسه شدن نسبت‌ها، از منابع و مصارف استفاده خواهد شد. در واقع در مواردی که سایر دریافت‌ها یا پرداخت‌ها عملکرد داشته،^۱ لحاظ نشده است.

مالیاتی که پیش بینی می‌شود بطور کامل محقق شود، درآمدهای گمرکی و سایر درآمدها با کاهش رقم عملکرد نسبت به مصوب روبرو هستند.

یادآور می‌شود عملکرد درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۷۷۷۱ هزار میلیارد ریال بود و سهم آن از درآمدهای مالیاتی و گمرکی بیش از ۸۹ درصد شد. این سهم در بودجه مصوب سال ۱۴۰۳ حدود ۷۶ درصد است که پیش بینی می‌شود با ۲ واحد درصد افزایش به ۷۸ درصد برسد که این افزایش ناشی از کاهش پیش‌بینی عملکرد درآمدهای عمومی است. ضمناً عملکرد سایر درآمدها در سال ۱۴۰۲ بیش از ۲۲۸۱ هزار میلیارد ریال بود که ۱۴۳ درصد تحقق یافت و نسبت به عملکرد سال ۱۴۰۱ حدود ۳۸ درصد رشد کرد. این رشد عمدتاً ناشی از میزان تحقق بالا و رشد قابل توجه "سود سهام شرکت‌های دولتی" و "ردیف درآمدهای متفرقه" بود.

همچنین در مقاطع شش ماهه، سهم عملکرد درآمدهای عمومی از دریافت‌ها در شش ماهه اول سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۲ به ترتیب حدود ۵۳ و ۶۶ درصد بوده که دلیل کاهش این نسبت در شش ماهه اول سال جاری، افزایش سهم درآمدهای حاصل از صادرات نفت بوده است. پیش‌بینی می‌شود عملکرد سهم درآمدهای عمومی از دریافت‌ها در سال ۱۴۰۳ به ۶۷ درصد نزدیک شود. این افزایش علی‌رغم کاهش این درآمدها نسبت به رقم مصوب، و به دلیل کاهش پیش‌بینی عملکرد منابع بودجه است.

جدول ۹-۲: عملکرد درآمدهای عمومی بودجه و اجزای آن ۱۴۰۰-۱۴۰۲

۱۴۰۲		۱۴۰۱		۱۴۰۰		(هزار میلیارد ریال/درصد)
سهم	عملکرد	سهم	عملکرد	سهم	عملکرد	
۱۰۰,۰	۱۰۹۵۰,۳۲۴	۱۰۰,۰	۶۹۶۳,۵	۱۰۰,۰	۴۹۶۵,۸	درآمدهای عمومی
۷۹,۲	۸۶۶۹,۳۵	۷۶,۳	۵۳۱۳,۹	۶۵,۶	۳۲۵۸,۶	مالیات‌ها
۷۱,۰	۷۷۷۱,۶۰۳	۶۷,۸	۴۷۲۳,۱	۶۰,۶	۳۰۱۱	امور مالیاتی
۸,۲	۸۹۷,۷۴۷	۸,۵	۵۹۰,۸	۵,۰	۲۴۷,۶	گمرکی
۲۰,۸	۲۲۸۰,۹۷۴	۲۳,۷	۱۶۴۹,۶	۳۴,۴	۱۷۰۷,۲	سایر درآمدها

مأخذ: خزانه داری کل کشور و محاسبات امور اقتصاد کلان

یکی از مهم‌ترین اجزاء درآمد عمومی، درآمدهای مالیاتی است که در سال‌های اخیر عملکرد آن تحقق ۱۰۰ درصدی را نشان می‌دهد. درآمدهای مالیاتی اگر چه به لحاظ نظری بر میزان تولید ناخالص داخلی اثر منفی دارد، لکن مالیات‌ها با عنایت به اثرات توزیعی و تخصیصی که در اقتصاد دارند، به عنوان سیاست اقتصادی بکارگرفته می‌شوند و با تأمین منابع بودجه دولت؛ زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات عمومی (بهداشت و درمان، آموزش و ...) را فراهم می‌کنند و از طریق مخارج دولت می‌توانند بر رشد اقتصادی و یا تقاضای کل تأثیر مثبت بگذارند. باید توجه داشت که افزایش بیش از حد مالیات‌ها می‌تواند

سبب افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه بروز تورم و تشدید رکود شود. به عبارت دیگر، در صورتی که سیاست‌های دولت (از جمله سیاست‌های مالیاتی) منجر به تضعیف تولید و سرمایه‌گذاری شود، تدریجاً آثار منفی خود را بر پایه‌های مختلف مالیاتی نشان خواهد داد و منجر به کاهش درآمدهای دولت خواهد گردید. با تلاش دولت برای تقویت درآمدهای پایدار، سهم درآمدهای عمومی (شامل درآمدهای مالیاتی و گمرکی، و سایر درآمدها) از دریافت‌ها، در سال‌های کاهش درآمدهای نفتی ناشی از تحریم‌ها، نسبت به سهم درآمدهای نفتی از دریافت‌ها، بالاتر رفته است.

درآمدهای گمرکی که ناشی از واردات کالاها و خدمات است، متأثر از نرخ ارز و سیاست‌های وارداتی کشور و البته تحریم‌ها است. افزایش درآمدهای گمرکی اگر چه موجب افزایش منابع بودجه دولت می‌شود و اثر واردات بر تولید ملی به ساختار واردات کشور بستگی دارد. با واردات مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی و تأمین کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، تداوم و رشد اشتغال و تولید میسر خواهد بود. اعمال مالیات بر واردات علاوه بر کارکرد درآمدزایی برای دولت با دو هدف اصلی دیگر نیز صورت می‌گیرد. اولاً نوعی «سیاست صنعتی» است که با افزایش قیمت نسبی کالاهای وارداتی مصرفی در مقابل کالاهای تولید داخل، مزیت نسبی برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران داخلی ایجاد می‌نماید. ثانیاً در شرایط تورمی و محدودیت ارزی ناشی از تحریم‌ها با افزایش نسبی قیمت بعضی کالاهای مصرفی و در نتیجه کاهش تقاضای آن‌ها، تقاضای ارزی برای کالاهای وارداتی که از نظر دولت فاقد اولویت محسوب می‌شوند، کاهش یابد و به عبارت دیگر نوعی «سیاست مدیریت مصارف ارزی» محسوب می‌شود.

سایر درآمدها به عنوان سومین جزء درآمدها، به نوعی نشان‌دهنده هزینه دریافت برخی خدمات دولتی است و ناشی از فعالیت شرکت‌های دولتی و حاصل انحصارات دولت است. دو جزء مهم این درآمدهای یعنی درآمد مربوط به سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی و درآمد مربوط به وزارت صنعت، معدن و تجارت (بهره مالکانه و غیر) است که طبق برخی از گزارشات به نظر می‌رسد با کم‌برآوردی مواجه است که مستلزم بررسی و برآورد جدید می‌باشد.

نمودار ۹-۱: ترکیب درآمدهای عمومی بودجه (هزار میلیارد ریال)



مأخذ: خزانه داری کل کشور و محاسبات امور اقتصاد کلان

واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای

منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای از اجزای مهم منابع عمومی دولت است. عملکرد واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای در سال ۱۴۰۲ حدود ۴۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده که ۱۷ درصد رشد نسبت به سال ۱۴۰۱ داشته است. مهمترین جزء این منبع که عموماً سهمی بالای ۹۵ درصد دارد، درآمد حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی است. سایر اجزاء شامل فروش اموال منقول و غیرمنقول و واگذاری طرح‌های تملک دارائی‌های سرمایه‌ای، عملکرد و سهم ناچیزی دارند. عملکرد درآمد حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۴۸۱۳ هزار میلیارد ریال بود که درصد تحقق منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و منابع حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی در سال ۱۴۰۲ به ترتیب ۵۷ و ۶۵ درصد میزان مصوب بوده است. بدین ترتیب سهم درآمدهای نفتی از منابع در سال ۱۴۰۲، ۲۲ درصد شد که نسبت به سال قبل بیش از ۶ واحد درصد کمتر بود. در شش ماهه ابتدای سال ۱۴۰۳ عملکرد واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و منابع حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی به ترتیب ۴۲۰۵ و ۴۱۸۳ هزار میلیارد ریال بوده است که نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۲ به ترتیب ۱۶۰ و ۱۶۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. در بازه زمانی مذکور ردیف‌های منابع مورد اشاره به ترتیب ۱۲۸ و ۱۴۱ درصد درآمد مصوب شش ماهه را محقق کرده‌اند که عملکرد قابل توجهی محسوب می‌گردد. البته شایسته ذکر است که معادل ۱۰۹۸ هزار میلیارد ریال از مبلغ واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، از منابع حاصل از صندوق توسعه ملی تامین شده است و چون در

مصوب قانون بودجه ۱۴۰۳، رقمی برای آن درج نشده است، لذا، درصد تحقق واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای بیش از ۱۰۰ درصد شده است.

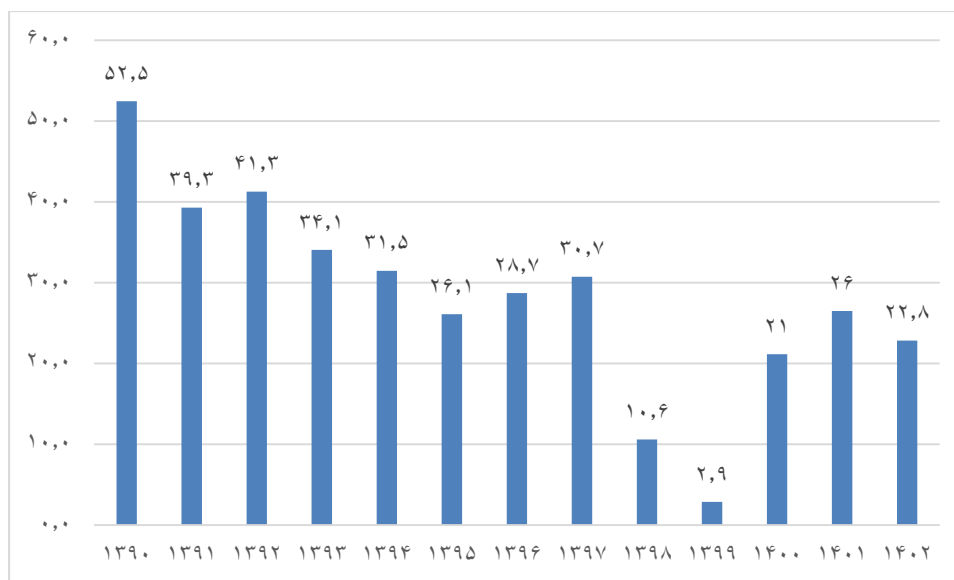
جدول ۹-۳: عملکرد درآمدهای عمومی بودجه و اجزای آن ۱۴۰۰-۱۴۰۲

۱۴۰۲		۱۴۰۱		۱۴۰۰		(هزار میلیارد ریال/درصد)
سه‌م	عملکرد	سه‌م	عملکرد	سه‌م	عملکرد	
۱۰۰،۰	۴۸۷۵،۵	۱۰۰،۰	۴،۱۸۱،۰	۱۰۰،۰	۲،۴۰۰،۳	واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای
۹۸،۷	۴۸۱۳،۲	۹۸،۲	۴،۱۰۴،۸	۹۷،۳	۲،۳۳۵،۹	نفت و فرآورده‌های نفتی
۱،۳	۶۲،۳	۱،۸	۷۶،۲	۲،۷	۶۴،۴	سایر

مأخذ: خزانه داری کل کشور و محاسبات امور اقتصاد کلان

با عنایت به تحریم‌های نفتی، در سال‌های اخیر عملکرد این منبع مهم بودجه تحت تأثیر قرار گرفته است. اگر چه منابع طبیعی از جمله نفت و گاز به عنوان سرمایه بین‌نسلی است و هدف دولت‌ها در بلند مدت کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی است. اما، مشکلات ساختاری اقتصاد و عدم کفایت درآمدهای عمومی برای تأمین مصارف بودجه، در میان‌مدت، تحقق این درآمدها بسیار حائز اهمیت است. شایان ذکر است، با کاهش فشار تحریم‌ها نسبت به سال‌های اول پس از خروج آمریکا از برجام و بازیابی تقاضای جهانی نفت بعد از شوک پاندمی کرونا، در حال حاضر عملکرد صادرات نفت بطور نسبی بهبود یافته است به ویژه این که عملکرد شش ماهه سال جاری تحقق بیش از ۱۰۰ درصد را نشان می‌دهد. به دلیل عدم سرمایه‌گذاری مناسب در بخش بالادست نفت و گاز در سنوات گذشته و چالش‌های مرتبط با تأمین سرمایه و فناوری ناشی از تحریم‌ها، بخش بالادست نفت و گاز با محدودیت تولید مواجه شده است. با توجه به افزایش سالانه تقاضای داخلی نفت و گاز طبیعی و امکان افت ظرفیت تولیدی موجود، در صورت عدم سرمایه‌گذاری مناسب، علاوه بر تشدید ناترازی انرژی، منابع عمومی دولت نیز تحت تأثیر کاهش درآمدهای صادراتی قرار خواهد گرفت. در حال حاضر یکی از چالش‌های مهم پیش روی اقتصاد کشور و بودجه عمومی دولت، نیاز به سرمایه‌گذاری در بالادست نفت و گاز به منظور حفظ توان و افزایش ظرفیت تولیدی است که از اولویت‌های بالای دولت به شمار می‌رود.

نمودار ۹-۲: سه‌م درآمدهای نفتی از منابع (درصد)



مأخذ: خزانه داری کل کشور و محاسبات امور اقتصاد کلان

واگذاری دارایی‌های مالی

این منبع به عنوان سومین منبع درآمدی بودجه عمومی دولت به شمار می‌رود که اجزای اصلی آن، درآمد حاصل از فروش اوراق مالی اسلامی (مانند اوراق مشارکت و اسناد خزانه اسلامی)، واگذاری شرکت‌های دولتی و استفاده از منابع صندوق توسعه ملی است. عملاً هر گاه درآمدها و واگذاری دارائی‌های سرمایه‌ای نتوانند مصارف را پوشش دهند، این جزء تأمین‌کننده ناترازی (یا کسری) بودجه است. عملکرد سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد، میزان واگذاری دارایی‌های مالی بالغ بر ۵۹۲۱ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به سال قبل ۳۶ درصد رشد کرده و از درصد تحقق ۱۲۳ درصدی برخوردار بوده است. سهم این منبع از دریافت‌ها بالغ بر ۲۷ درصد شد که نسبت به سال قبل یک واحد درصد کمتر شده است. همچنین در قانون بودجه سال ۱۴۰۳ نسبت واگذاری دارائی مالی به منابع برابر با ۱۲,۵ درصد است که انتظار می‌رود بیشتر از رقم مذکور محقق شود.

با توجه به اطلاعات موجود و سیاست‌های بودجه‌ای مبنی بر تنوع روش‌های تأمین مالی دولت (فروش اوراق مالی اسلامی و ...)، می‌توان گفت که سهم درآمد حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی از واگذاری دارایی‌های مالی به نفع سهم اوراق مالی اسلامی، کاهش یافته است. در سال‌های اخیر فروش و واگذاری انواع اوراق مالی اسلامی، بالاترین سهم را در این منبع داشته است. با لحاظ ضوابط مربوط به پایداری بدهی‌های دولت، عملکرد فروش اوراق مالی اسلامی در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۳۲۲۸ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل بیش از دو برابر شده است و بدین ترتیب سهم این جزء در واگذاری دارائی‌های مالی به ۵۴,۵ درصد رسید که بیش از ۲۲ واحد درصد نسبت به سال قبل آن افزایش نشان می‌دهد. همچنین میزان فروش اوراق در قانون بودجه سال ۱۴۰۳ معادل ۲۵۴۶ هزار میلیارد ریال مصوب شده است که پیش‌بینی می‌شود

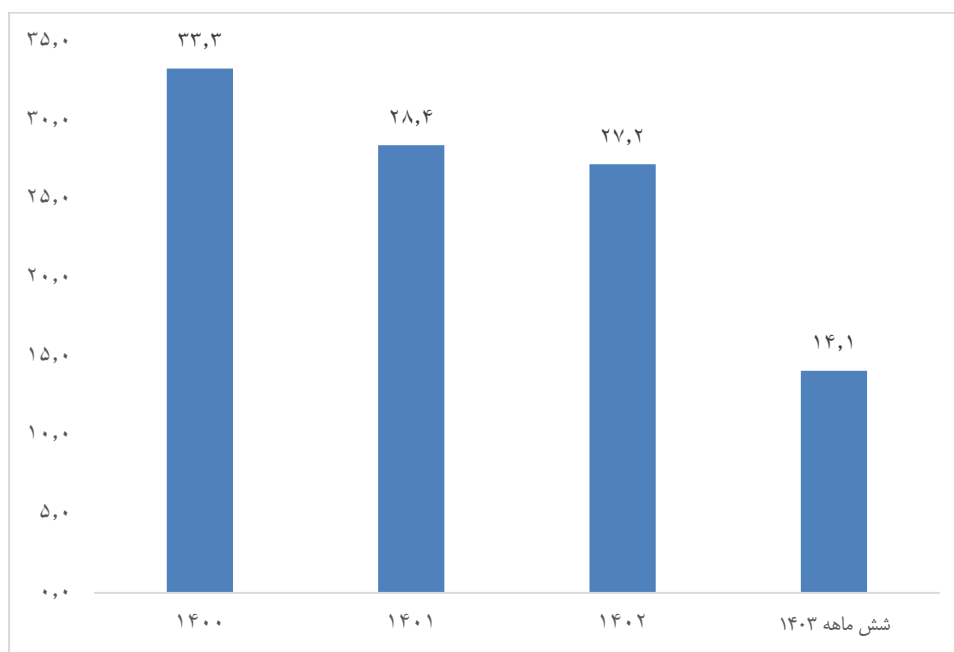
به‌طور کامل تحقق یابد و حتی بیشتر از رقم مصوب باشد. یادآور می‌شود که ظرفیت انتشار اوراق با گسترش و توسعه بازار بدهی افزایش می‌یابد. عملکرد واگذاری شرکت‌های دولتی و سایر واگذاری‌ها در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۹۰۴ هزار میلیارد ریال بود که ۶۲ درصد رقم مصوب محقق شد و عملکرد آن ۴۸ درصد کمتر از سال قبل بود. سهم این جزء از منبع در سال ۱۴۰۲، حدود ۱۵ درصد بود که پیش‌بینی می‌شود با تحقق پنجاه درصدی در سال ۱۴۰۳، سهم آن به ۱۰ درصد برسد. لازم به ذکر است، میزان استقراض از منابع صندوق توسعه ملی در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۱۷۳۲ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به سال قبل ۳۵ درصد رشد کرده است. همچنین سهم آن از واگذاری دارائی‌های مالی به ۲۹ درصد رسید که تقریباً مشابه سال قبل آن است. یادآور می‌شود، صرف‌نظر از میزان بدهی‌های دولت که هر ساله تسویه می‌شود، میزان فروش اوراق و استقراض از صندوق توسعه ملی، به عنوان افزایش بدهی دولت محسوب می‌شود. در واقع در سال ۱۴۰۲ بدهی ناخالص دولت حدود ۴۹۶۰ هزار میلیارد ریال افزایش یافته که حدود ۲۲۷۰ هزار میلیارد ریال بیشتر از سال قبل آن است.

در یک برش شش ماهه، عملکرد واگذاری دارایی مالی از ۷۹,۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲ به ۱۷۹۶ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته که نشانگر رشد ۱۲۵ درصدی است. علاوه بر این، در شش ماهه ابتدای سال ۱۴۰۳ حدود ۱۱۰ درصد مبلغ مصوب شش ماهه تحقق یافته است. بخش عمده منابع ناشی از واگذاری دارایی مالی حاصل از فروش و واگذاری اوراق مالی اسلامی است که در مدت ۶ ماهه ابتدای سال جاری ۱۴۸۷ هزار میلیارد ریال عملکرد داشته و معادل ۱۱۵ درصد مبلغ مصوب شش ماهه را محقق کرده است.

مطابق بند (ب) ماده (۱۰) قانون برنامه هفتم پیشرفت دولت موظف است به منظور تعیین تکلیف و بازپرداخت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به شبکه بانکی، معادل طلب حسابرسی شده موسسات اعتباری از دولت و شرکت‌های دولتی، اوراق مالی اسلامی با سررسید حداکثر پنج سال در اختیار موسسات اعتباری طلبکار قرار دهد. با این حال اوراق مالی مذکور صرفاً قابل معامله بین موسسات مالی و اعتباری با یکدیگر و بانک مرکزی بوده و قابل واگذاری به دیگران ندارد. همچنین مقرر شده است هر گونه استفاده دولت از منابع شبکه بانکی در قالب تحویل اوراق مالی اسلامی قابل معامله در بازار به موسسات اعتباری صورت گیرد. بر این اساس در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ مطابق تکلیف قانون برنامه هفتم بخشی از واگذاری اوراق مالی اسلامی به منظور رد دیون بانک‌ها در نظر گرفته خواهد شد. گفتنی است که ظرفیت انتشار اوراق ۱۲ ماهه در سناریوی سیاست‌های پولی هماهنگ با بانک مرکزی در سال ۱۴۰۳، به میزان ۴۰۰ همت و در سال ۱۴۰۴ به میزان ۵۲۲ همت می‌باشد. همچنین ظرفیت انتشار اوراق ۱۲ ماهه در سناریوی ادامه روند ۵ سال اخیر، در سال ۱۴۰۳، به میزان ۴۰۸ همت و

در سال ۱۴۰۴ به میزان ۳۷۴ همت برآورد می‌شود^۱. لذا، در انتشار و فروش انواع اوراق مالی بایستی به ظرفیت بازار سرمایه توجه کرد که در غیر این صورت به افزایش پایه پولی و تورم منجر خواهد شد.

نمودار ۹-۳: روند سهم واگذاری دارایی‌های مالی به منابع عمومی (درصد)



مأخذ: خزانه‌داری کل کشور، محاسبات امور اقتصاد کلان

مصارف عمومی بودجه (پرداخت‌ها)

به لحاظ نظری، پرداخت‌ها یا مصارف بودجه عمومی که سه حوزه اعتبارات هزینه‌ای، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و اعتبارات تملک دارایی‌های مالی را شامل می‌شود، می‌تواند اثر مثبت بر تولید ناخالص داخلی داشته باشد و به رشد اقتصادی بیانجامد. افزایش اعتبارات هزینه‌ای از طریق مصرف ملی، اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای با افزایش سرمایه‌گذاری دولت و به عنوان مکمل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، و اعتبارات تملک دارایی‌های مالی با تسویه بدهی دولت و کاهش اثرات منفی آن، بر اقتصاد اثر مثبت دارند. بطور کلی این مصارف، ابزار اعمال حاکمیت دولت در اقتصاد هستند و تداوم ارائه خدمات آموزش و بهداشت عمومی، نظم و امنیت، دفاع ملی و ... وابسته به این اعتبارات است. البته این اعتبارات به لحاظ نظری و کارکردی می‌توانند منجر به بروز تورم، جایگزینی دولت به جای بخش خصوصی در اقتصاد

^۱. برآورد امور اقتصاد کلان

شوند. ضمناً هر چه سهم اعتبارات تملک دارائی‌های سرمایه‌ای (برای طرح‌هایی که مکمل طرح‌های بخش‌های خصوصی و تعاونی بوده و زنجیره ارزش آنها را کامل نماید) بیشتر باشد، می‌توان انتظار داشت که اثرات مثبت بیشتری بر اقتصاد داشته باشد.

عملکرد مصارف در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۲۱۷۴۷ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به سال قبل ۴۳ درصد رشد کرده و از درصد تحقق ۹۱ درصد برخوردار شد. سهم اعتبارات هزینه‌ای، تملک دارائی‌های سرمایه‌ای و تملک دارائی‌های مالی به ترتیب حدود ۷۶٫۶ درصد، ۱۴ درصد و ۷٫۳ درصد بود که نسبت به سال قبل به ترتیب حدود ۲ واحد درصد کمتر، ۲٫۷ واحد درصد بیشتر و ۱٫۵ واحد درصد بیشتر شده است.

عملکرد مصارف بودجه در شش ماهه ۱۴۰۳ حدود ۱۲۹۷۶ هزار میلیارد ریال شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷۸ درصد رشد کرده است. درصد تحقق شش ماهه مصارف ۹۹ درصد بوده و دولت به تعهدات خود در مصارف کل، در شش ماهه ابتدای سال عمل کرده است.

جدول ۹-۴: عملکرد درآمدهای عمومی بودجه و اجزای آن ۱۴۰۲-۱۴۰۰

شش ماهه ۱۴۰۳		۱۴۰۲		۱۴۰۱		۱۴۰۰		(هزار میلیارد ریال/درصد)
سهم	عملکرد	سهم	عملکرد	سهم	عملکرد	سهم	عملکرد	
۱۰۰٫۰	۱۲٫۹۷۵٫۶	۱۰۰٫۰	۲۱٫۷۴۷٫۰	۱۰۰٫۰	۱۵٫۲۰۶٫۱	۱۰۰٫۰	۱۱٫۰۴۴٫۹	مصارف بودجه عمومی
۹۰٫۳	۱۱٫۷۲۱٫۹	۷۷٫۶	۱۶٫۸۷۹٫۹	۷۴٫۴	۱۱٫۳۱۱٫۴	۷۳٫۳	۸٫۰۹۱٫۸	اعتبارات هزینه‌ای
۵٫۰	۶۴۹٫۷	۱۴٫۰	۳۰۴۸٫۸	۱۶٫۸	۲٫۵۴۹٫۳	۱۲٫۸	۱٫۴۰۹٫۰	اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای
۴٫۷	۶۰۴٫۰	۸٫۴	۱۸۱۸٫۴	۸٫۸	۱٫۳۴۵٫۴	۱۴٫۰	۱٫۵۴۴٫۱	اعتبارات تملک دارایی‌های مالی

مأخذ: خزانه‌داری کل کشور، محاسبات امور اقتصاد کلان

اعتبارات هزینه‌ای (جاری)

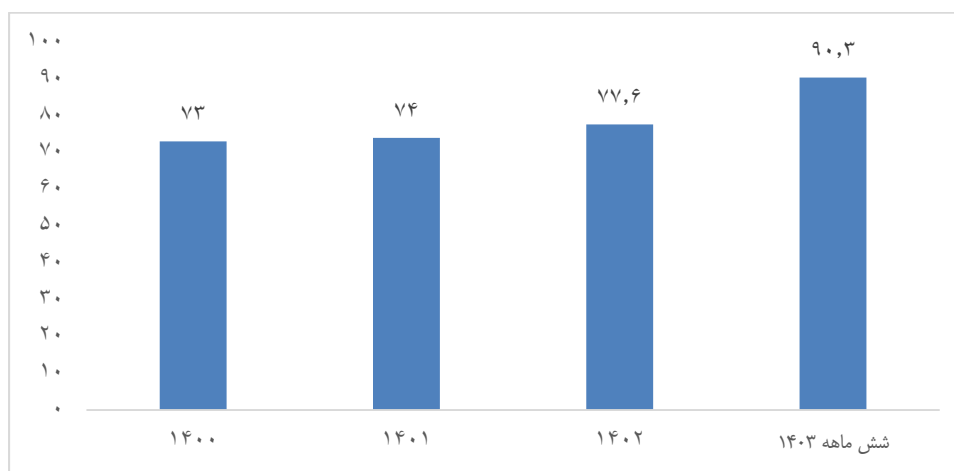
اعتبارات هزینه‌ای با توجه به ماهیت اجزای آن که دربردارنده مواردی چون حقوق و دستمزد، هزینه‌های تأمین اجتماعی، یارانه‌ها، اعتبارات بهداشت و درمان است، از انعطاف کمی برخوردار بوده و همواره بالاترین سهم را از مصارف کل به خود اختصاص داده‌اند. عملکرد این اعتبارات در بودجه سال ۱۴۰۲ حدود ۱۶۸۷۹ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به سال قبل ۴۹ درصد رشد کرده و نسبت به رقم مصوب، ۹۷ درصد محقق شده است. در بین اجزاء این هزینه‌ها، حقوق و مزایا و صندوق‌های بازنشستگی به ترتیب دارای سهم ۵۶ درصد و ۱۹ درصد هستند که عملکرد آنها به ترتیب ۶۱ درصد و ۴۵ درصد بیش از سال ۱۴۰۱ است.

تکالیف قانونی برای افزایش حقوق و دستمزدها، یارانه‌ها، خریدهای تضمینی و ... موجب افزایش اعتبارات هزینه‌ای شده است و البته دولت برای کاهش هزینه‌های غیرضرور تلاش کرده است. لکن هزینه‌های ضروری و با انعطاف کم، سهم قابل توجهی در اعتبارات هزینه‌ای دارند. در این خصوص کنترل تورم، ساماندهی و هدفمند سازی یارانه‌ها و شناسایی دقیق‌تر جوامع هدف می‌تواند در کاهش رشد این اعتبارات مؤثر باشد.

با توجه به تعهد دولت در اجرای تکالیف قانونی، انتظار بر این است که در سال ۱۴۰۳ پرداخت اعتبارات هزینه‌ای بطور کامل تحقق یابد و ۱۸۷۸۷ هزار میلیارد ریال عملکرد داشته باشد که در این صورت نسبت به سال ۱۴۰۲ حدود ۱۱,۳ درصد رشد کرده و در مقایسه با رشد آن در سال ۱۴۰۲، کاهش قابل توجهی خواهد داشت.

در شش ماهه ابتدای سال جاری عملکرد اعتبارات هزینه‌ای ۱۱۷۲۲ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۹۳ درصد افزایش نشان داده و بالغ بر ۱۲۲ درصد اعتبار مصوب محقق شده است. نسبت اعتبارات هزینه‌ای به کل مصارف بودجه در ۶ ماهه ۱۴۰۳ معادل ۹۰ درصد است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته (۸۳ درصد) افزایش نشان می‌دهد. در ۶ ماهه ابتدای سال جاری بیش از ۴۵ درصد اعتبارات هزینه‌ای صرف پرداخت حقوق و مزایای مستمر کارکنان دولت و بیش از ۱۷ درصد به صندوق‌های بازنشستگی پرداخت گردیده است. همچنین با توجه به کسری منابع هدفمندی در مدت زمان مذکور، از تنخواه گردان اعتبارات هزینه‌ای معادل ۱۷۷۶ هزار میلیارد ریال برای هدفمندسازی یارانه استفاده شده که به سرجمع پرداخت اعتبارات هزینه‌ای در شش ماهه اول سال جاری اضافه شده است و به نظر می‌رسد که درصد تحقق بالای اعتبارات هزینه‌ای ناشی از همین موضوع است.

نمودار ۹-۴: سهم اعتبارات هزینه‌ای از مصارف بودجه (درصد)

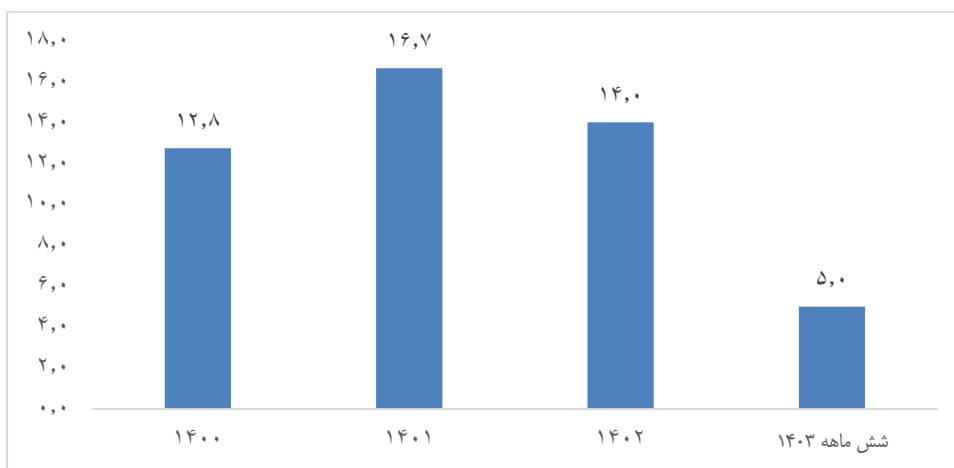


مأخذ: خزانه داری کل و سازمان برنامه و بودجه

اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی)

عملکرد سال ۱۴۰۲ این اعتبارات بالغ بر ۳۰۴۹ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به سال قبل ۲۰ درصد رشد کرد و از درصد تحقق ۶۹ درصدی برخوردار شد. عملکرد شش ماهه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به ترتیب ۳۹۳ و ۶۴۹ هزار میلیارد ریال بوده است که حدود ۶۵ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد. با این حال، با مقایسه مقاطع شش ماهه دو سال متوالی مذکور مشخص می‌شود نسبت اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از کل مصارف بودجه تقریباً ثابت و برابر ۵ درصد بوده است. با توجه به نقش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سرمایه‌گذاری بخش دولتی و این که طرح‌های دارای پیرامون فیزیکی بالا و معطوف به ایجاد ارزش افزوده و اشتغال در اقتصاد کشور، به بهره‌برداری برسند، از منابع صندوق توسعه ملی با استجازه از مقام معظم رهبری استفاده می‌شود.

نمودار ۹-۵: سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از مصارف بودجه (درصد)



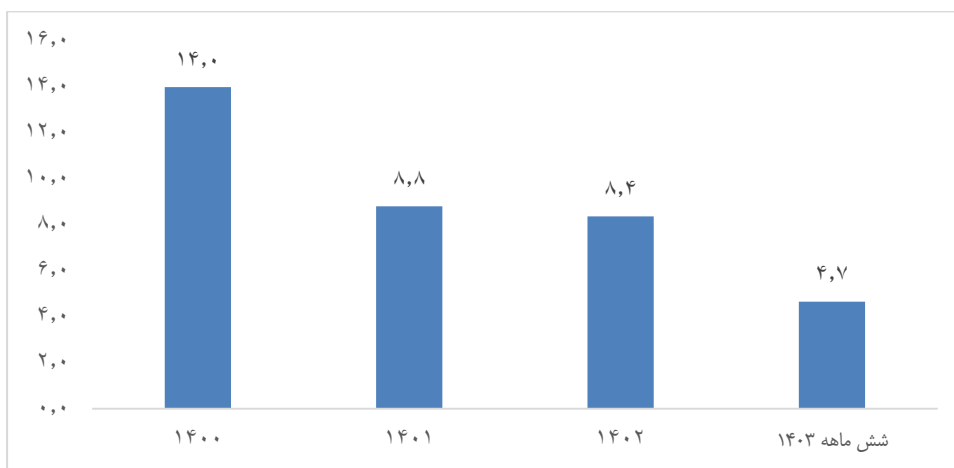
مأخذ: خزانه داری کل کشور و امور اقتصاد کلان

اعتبارات تملک دارایی‌های مالی

اعتبارات تملک دارایی‌های مالی، در واقع بازپرداخت بدهی‌های دولت است. با عنایت به تأمین مالی منابع از طریق انواع اوراق مالی اسلامی و اهتمام دولت به تسویه به موقع اوراق بدهی، عملکرد سالانه این اعتبارات بستگی به میزان سررسید بدهی‌ها دارد. این اعتبارات در سال ۱۴۰۲ عملکردی بالغ بر ۱۸۱۸ هزار میلیارد ریال داشت که نسبت به سال قبل ۳۵ درصد رشد کرد و نسبت به رقم مصوب، ۹۲ درصد تحقق یافت. همچنین سهم اعتبارات تملک دارایی‌های مالی از مصارف بودجه در سال ۱۴۰۲ به ۸٫۴ درصد رسید که ۰٫۴ واحد درصد کمتر از سال قبل بود.

عملکرد اعتبارات تملک دارایی‌هایی مالی در مقاطع شش ماهه سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به ترتیب ۸۰۸ و ۶۰۴ هزار میلیارد ریال است که حکایت از افت ۲۵ درصدی دارد که نشان می‌دهد بازپرداخت اصل اوراق از محل تخصیص در این مدت (۵۹۹ هزار میلیارد ریال) کمتر از سال گذشته (۷۸۳ هزار میلیارد ریال) است.

نمودار ۹-۶: سهم اعتبارات تملک دارایی‌های مالی از مصارف بودجه (درصد)



مأخذ: خزانه داری کل کشور و محاسبات امور اقتصاد کلان

پیش‌بینی متغیرهای مهم منابع بودجه عمومی

درباره درآمدهای مالیاتی در پایان سال جاری پیش‌بینی می‌شود که رقم قانون (۱۲۲۰۰ هزار میلیارد ریال) کاملاً محقق شود. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود که درآمدهای مالیاتی برای سال ۱۴۰۴، برابر با ۱۷۰۰۰ هزار میلیارد ریال باشد که نسبت به پیش‌بینی عملکرد سال ۱۴۰۳ تقریباً ۳۹ درصد افزایش خواهد داشت. این رقم با توجه به پیش‌بینی رشد اقتصادی (۳,۵ درصد) و تورم سال آینده (۳۴ درصد) رقم مناسبی خواهد بود.

میزان درآمد حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی برای سال ۱۴۰۴ بالغ بر ۵۸۳۰ هزار میلیارد ریال برآورد می‌شود که نسبت به مصوب سال ۱۴۰۳ تغییری نخواهد داشت.

میزان مصوب فروش و واگذاری اوراق مالی اسلامی در سال جاری ۲۵۴۶ هزار میلیارد ریال می‌باشد که برای سال آینده ۷۰۰۰ هزار میلیارد ریال در نظر گرفته شده است و در مجموع منابع حاصل از واگذاری دارایی مالی بالغ بر ۹۳۹۰ هزار میلیارد ریال خواهد بود.

برای سال ۱۴۰۳ پیش بینی عملکرد مصارف بالغ بر ۲۴۸۲۰ هزار میلیارد ریال است که پیش‌بینی می‌شود سهم اعتبارات هزینه‌ای ۷۵,۷ درصد و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۱۲,۹ درصد و اعتبارات تملک دارایی‌های مالی ۱۱,۴ درصد بشود. اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سال ۱۴۰۳ پیش بینی می‌شود از رقم ۴۰۰۰ هزار میلیارد ریال اعتبار مصوب تا پایان سال حدود ۳۲۰۰ هزار میلیارد ریال محقق شود (تحقق ۸۰ درصد). همچنین برای لایحه بودجه ۱۴۰۴ نیز ۴۸۰۰ هزار میلیارد ریال برای اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای پیش‌بینی شده است. انتظار بر این است که عملکرد سال ۱۴۰۳ تملک دارایی‌های مالی با تحقق کامل اعتبارات مصوب، حدود ۲۸۳۳ هزار میلیارد ریال باشد که بدین ترتیب نسبت به عملکرد سال قبل حدود ۵۶ درصد رشد خواهد کرد (برای سال بعد نیز رقم ۵۰۰۰ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود).

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

در سال ۱۴۰۲ عملکرد منابع عمومی بودجه بالغ بر ۲۱۷۴۷ هزار میلیارد ریال بوده است که درآمدهای مالیاتی (امور مالیاتی و گمرکی) به میزان ۸۶۶۹، منابع حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی به میزان ۴۸۱۳ و فروش و واگذاری انواع اوراق مالی اسلامی به میزان ۳۲۲۸ هزار میلیارد ریال اجزای اصلی آن را تشکیل داده‌اند. در طرف مصارف بودجه عمومی عملکرد اعتبارات هزینه‌ای بالغ بر ۱۶۸۸۰، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بالغ بر ۳۰۴۸ و اعتبارات تملک دارایی‌های مالی بالغ بر ۱۸۱۸ هزار میلیارد ریال بوده است. منابع (مصارف) بودجه عمومی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال گذشته حدود ۴۰ درصد رشد داشته و ۹۱ درصد میزان مصوب را محقق نموده است.

با وجود اینکه در چند سال اخیر، کشور ایران رشد اقتصادی نسبتاً خوبی را تجربه کرده است، اما، باید توجه داشت که افزایش صادرات نفتی و رونق مجدد بخش خدمات پس از گذر از تکانه منفی دوران کرونا نقش اصلی را در بهبود رشد اقتصادی داشته است که قابلیت تداوم در سال‌های آینده را ندارد. از سوی دیگر، رشد اقتصادی منجر به بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری در کشور نشده است و افزایش سرمایه‌گذاری به منظور تداوم رشد اقتصادی پایدار ضروری است. از این رو، افزایش سهم و بهره‌وری اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران ضروری است و لذا باید به محقق شدن کامل این اعتبارات در سال جاری (۴۰۰۰ هزار میلیارد ریال) اهتمام ویژه‌ای انجام گیرد.

علاوه بر کاهش نسبت تشکیل سرمایه ثابت به تولید، تامین پایدار و مطمئن انرژی صنایع به یکی از چالش‌های اصلی و مهم پیش‌روی رشد اقتصادی تبدیل شده است و بخش انرژی و مخصوصاً بالادست نفت و گاز جزء اولویت‌های بالای سرمایه‌گذاری

به منظور تامین پایدار انرژی در بازار داخل و نگاهداشت و تقویت توان صادراتی به منظور تامین منابع ارزی و ریالی بودجه عمومی است.

تحقق اهداف رشد اقتصادی در صورتی در دسترس خواهد بود که انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی وجود داشته باشد و از این رو در عین حال که افزایش درآمدهای مالیاتی یک ضرورت به منظور تامین مالی پایدار دولت محسوب می‌شود، اما نباید از طریق سیاست‌هایی اجرایی گردد که باعث فشار مضاعف بر صاحبان کسب‌وکار گردد. زیرا در بلندمدت منجر به آسیب‌پذیری پایه‌های مالیاتی نیز خواهد گردید و منابع عمومی دولت را کاهش خواهد داد.

۱۰- توزیع درآمد و رفاه اجتماعی

وضعیت شاخص‌های توزیع درآمد

در بررسی شاخص‌های توزیع درآمد، بایستی به دو نکته توجه نمود: اول اینکه روند تغییرات متغیرها و انحراف از هدف‌گذاری در برخی از سال‌ها نشان‌دهنده لزوم بازنگری در سیاست‌های بهبود توزیع درآمد و حمایتی و بررسی دلایل و عوامل ایجادکننده درون‌زا و برون‌زای آن است. دوم، توجه بیشتر به گروه‌های کم درآمد و بهبود وضعیت آنها با سیاست‌های مناسب همواره هدف قابل دفاعی محسوب می‌شود.

در تحلیل عملکرد شاخص‌های رفاه اجتماعی معیارهایی چون ضریب جینی و مقیاس نابرابری بین دهک‌های درآمدی، دربردارنده جنبه‌های اقتصادی رفاه و عدالت توزیعی هستند که فصل حاضر بر آن متمرکز شده است. به طور کلی بررسی ضریب جینی به عنوان متغیر اصلی بیانگر وضعیت توزیع درآمد، حاکی از آن است که ضریب مذکور همواره دارای نوسان بوده و صرفاً در سال‌هایی که توزیع درآمدی (مثل سال افزایش پرداخت یارانه) اتفاق افتاده، کمی بهبود حاصل شده و سپس با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و با کاهش قدرت خرید، افت کرده است.

ضریب جینی

در تحلیل وضعیت توزیع درآمد معمولاً از ضریب جینی استفاده می‌شود. این ضریب در حالت برابری کامل عدد صفر و در وضعیت نابرابری کامل کمیت یک را اختیار می‌کند. کاهش ضریب جینی به معنی بهبود توزیع درآمد است. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، ضریب جینی کل کشور در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بهبود داشته و به ترتیب به عدد ۰/۳۹۳۸ و ۰/۳۸۷۷ رسیده است. البته، روند عملکرد ضریب جینی در دوره برنامه ششم توسعه حاکی از رشد متوسط سالانه ۰/۱ درصدی است که با هدف‌گذاری رشد منفی متوسط سالانه ۰/۰۲۷ واحدی فاصله دارد. در سال ۱۴۰۲ ضریب جینی بر خلاف روند قبلی آن به عدد ۰/۳۹۷۹ رسیده است که حاکی از عدم تحقق هدف‌گذاری برنامه ششم توسعه است. باوجود اتخاذ سیاست‌های ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی، اعمال تحریم‌ها و سایر شرایط اقتصادی به ویژه تورم، برخی از تأثیرات مثبت تلاش شده برای بهبود رفاه اجتماعی و دستیابی به هدف‌گذاری موردنظر را با اختلال مواجه نموده است.

در جامعه شهری در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ این ضریب نسبت به سال‌های قبل آن‌ها بهبود داشته و به ترتیب به عدد ۰/۳۷۵۷ و ۰/۳۶۹۶ رسیده است. در سال ۱۴۰۲ ضریب جینی در مناطق شهری ۰/۳۸۲۰ است که حاکی از آن است که بهبود سال ۱۴۰۱ به دلیل افزایش تورم، تخلیه شده و میزان نابرابری از سال ۱۴۰۰ نیز بیشتر شده است. در جامعه روستایی روند ضریب جینی در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب ۰/۳۵۹۴ و ۰/۳۶۴۳ گزارش شده است. یعنی اینکه هر چند نابرابری در مناطق روستایی کمتر از شهری است، ولی در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بهبودی که در ضریب جینی کل و شهری ملاحظه می‌شود، در جامعه روستایی دیده نمی‌شود. در سال ۱۴۰۲ ضریب جینی جامعه روستایی ۰/۳۵۸۵ واحد است که بیانگر بهبود نابرابری نسبت به سال ۱۴۰۱ است.

آمارهای مربوط به شاخص‌های توزیع درآمد نشان می‌دهد که آثار و تبعات سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی از جمله اعمال سیاست‌های مربوط به هدفمندی یارانه و واریز یارانه‌های نقدی و غیرنقدی به خانوارها سبب بهبود توزیع درآمد شده است. در این باره می‌توان به کاهشی بودن ضریب جینی از سال ۱۳۸۹ و تداوم آن در سال‌های ۱۴۰۰ و

۱۴۰۱ با اعمال سیاست‌های حمایتی مختلف، طبق مفاد تبصره ۱۴ قانون بودجه کشور اشاره نمود. به عبارت دیگر، روند رو به بهبود کاهش نابرابری در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری سرعت بیشتری دارد. هرچند که نرخ تورم در مناطق روستایی نسبت به شهری بیشتر است و ممکن است در سال‌های بعد روند نابرابری در مناطق روستایی را معکوس نموده و افزایش دهد.

البته روند شاخص‌های توزیع درآمد، در سال‌های گذشته به خصوص سال ۱۴۰۲ حاکی از آن است که با افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی، توان سیاست‌های حمایتی برای ترمیم توزیع درآمد، در سال‌های بعد دوباره کاسته شده است و شاخص‌های توزیع درآمد با اهداف پیش‌بینی شده فاصله دارند. لذا، لازم است تصمیم‌گیران سیاستی به لحاظ اتخاذ و اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی طوری عمل نمایند که تورم کنترل شده و روند آن کاهشی شود و در مقابل رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال افزایشی شود.

شاخص رفاه اجتماعی

این شاخص با توجه به برآورد ضریب جینی و درآمد سرانه محاسبه می‌شود، به طوری که ضریب جینی اثر عکس (بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد) و درآمد سرانه اثر مثبت بر شاخص رفاه اجتماعی دارد. شاخص رفاه اجتماعی در سال ۱۴۰۲ به حدود ۸۴۸۱۶ هزار ریال رسیده است که نسبت به سال ۱۴۰۱ (بالغ بر ۱۱۰۸ هزار ریال) افزایش داشته است.

دوباره متغیرهای کلیدی حوزه توزیع درآمد، به نظر می‌رسد، دو نکته لازم است: اول اینکه، روند تغییرات متغیرها و انحراف از هدف‌گذاری در برخی سال‌ها نشان‌دهنده لزوم بازنگری سیاست‌های بهبود توزیع درآمد و حمایتی و بررسی دلایل و عوامل ایجادکننده درون‌زا و برون‌زای آن دارد. دوم، توجه بیشتر به جامعه کم درآمد و روستایی و افزایش وزن توزیع درآمد به جامعه روستایی به دلیل اینکه دستیابی به عدالت اجتماعی یک اصل اخلاقی است و بعلاوه پویایی جامعه روستایی نقش مهمی در اقتصاد کشور دارد که بایستی در نظر گرفته شود. نکات قابل یادآوری که باید توجه شود:

✓ ساختار تولید در سال‌های اخیر در بخش کشاورزی عمدتاً منفی بوده است (به دلیل خشکسالی) ولی توزیع درآمد مثبت بوده است.

✓ مناطق روستایی به سمت گردشگری روستایی و کشاورزی و ... حرکت کرده است و بهبود درآمدها را در پی داشته است.

- ✓ همواره نرخ تورم در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. افزایش کالاهای مصرفی به خصوص کالاهای اساسی و دسترسی کمتر خانوارهای روستایی، موجب خواهد شد با قیمت بالاتری این نوع کالاها را خریداری نمایند و سبب افزایش هزینه آنها در سبد خانوار گردد.
- ✓ نرخ تورم دهک‌های پایین بالاتر از دهک‌های بالایی است هر نوع شوکی بر اقتصاد ایران و افزایش نرخ تورم، دهک‌های پایینی جامعه را بیشتر متاثر می‌سازد و خود نابرابری را تشدید می‌کند.
- ✓ صاحبان ثروت و دارایی عمدتاً در مناطق شهری ساکن هستند و افزایش تورم برای این قشر درآمد بالایی ایجاد می‌کند و نابرابری افزایش می‌یابد.

جدول ۱۰-۱- متغیرهای کلیدی توزیع درآمد در ایران سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲

عنوان متغیر/شاخص	واحد اندازه‌گیری	سال ۱۴۰۰	سال ۱۴۰۱	سال ۱۴۰۲
ضریب جینی (کل کشور)	صفر تا یک	۰,۳۹۳۸	۰,۳۸۷۷	۰,۳۹۷۹
ضریب جینی (مناطق شهری)	صفر تا یک	۰,۳۷۵۷	۰,۳۶۹۶	۰,۳۸۲۰
ضریب جینی (مناطق روستایی)	صفر تا یک	۰,۳۵۹۴	۰,۳۶۴۳	۰,۳۵۸۳
شاخص رفاه اجتماعی	هزار ریال (قیمت ثابت ۹۵)	۸۱,۰۸۴	۸۳,۷۰۸	۸۴,۸۱۶

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات امور اقتصاد کلان

پیش‌بینی توزیع درآمد

برای پیش‌بینی متغیرهای کلیدی توزیع درآمد، از برآوردهای رشد اقتصادی در دو سناریو ادامه وضعیت موجود و پیگیری اهداف برنامه هفتم پیشرفت استفاده شده است. اعداد بدست آمده از دو سناریو حاکی از آنست که سیاستگذاران همچنان بایستی در خصوص دستیابی به وضعیت مطلوب توزیع درآمد و کم کردن فاصله با اعداد هدفگذاری شده در برنامه هفتم پیشرفت، اهتمام جدی داشته باشند. ضریب جینی با ادامه روند موجود، در سال جاری و سال ۱۴۰۴ تقریباً ثابت مانده و تغییری نکرده است (از عدد ۰,۳۹۵۱ تا ۰,۳۹۵۷). اما، در برنامه هفتم پیشرفت، هدفگذاری شده است که توزیع درآمد در پایان برنامه به عدد ۰,۳۵ برسد که به طور متوسط در هر سال باید ۰,۰۰۹۶ واحد نسبت به سال پایه (۱۴۰۲) کاهش یابد. لذا، ضریب جینی در سال جاری ۰,۳۸۸۳ و در سال بعد ۰,۳۷۸۷ طبق هدف برنامه باید باشد.

آمارهای جدول یاد شده بیانگر این است که تداوم روند موجود و نرخ تورم آتی، این احتمال وجود دارد که توزیع درآمد در سال جاری و سال ۱۴۰۴ نابرابرتر شود و جنبه هشدار از این وضعیت را به تصویر می‌کشد. اما در مقابل، بهبود رشد اقتصادی

(حرکت به سمت رشد ۸ درصد) و کنترل تورم به عنوان دو هدف کلیدی برنامه هفتم پیشرفت، نقش کلیدی در بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری‌ها دارند.

جدول ۱۰-۲ - پیش‌بینی متغیرهای کلیدی توزیع درآمد

گزینه	عنوان متغیر/شاخص	واحد اندازه‌گیری	سال ۱۴۰۳	سال ۱۴۰۴
گزینه ادامه وضعیت موجود (رشد ۳,۵ درصد و تورم ۳,۳ درصد)	ضریب جینی (کل کشور)	صفر تا یک	۰,۳۹۵۱	۰,۳۹۵۷
	شاخص رفاه اجتماعی	هزار ریال (قیمت ثابت ۹۵)	۸۷۴۱۹	۸۹۵۵۸
گزینه تحقق اهداف برنامه هفتم (رشد ۸ درصد و تورم ۳,۱ درصد)	ضریب جینی (کل کشور)	صفر تا یک	۰,۳۸۸۳	۰,۳۷۸۷
	شاخص رفاه اجتماعی	هزار ریال (قیمت ثابت ۹۵)	۸۸۴۰۲	۹۲۰۸۴

ماخذ: محاسبات امور اقتصاد کلان- تورم و رشد سال پایه بر اساس داده‌های بانک مرکزی

خلاصه و توصیه‌های سیاستی

ضریب جینی و شاخص رفاه اجتماعی در سال ۱۴۰۲ به ترتیب رشد ۲,۶ درصد و ۱,۳ درصدی، نسبت به سال قبل داشته‌اند. پیش‌بینی می‌شود که با ادامه وضع موجود، ضریب جینی در سال ۱۴۰۳ (حدود ۰,۳۹۵۱) و سال ۱۴۰۴ (۰,۳۹۵۷) تفاوتی نداشته باشند و به عبارتی بهبودی در توزیع درآمد حاصل نخواهد شد. این در حالی است که طبق هدف برنامه هفتم پیشرفت، ضریب جینی باید در سال آینده به ۰,۳۷۸۷ کاهش یابد. باید توجه داشت اگر نرخ تورم همچنان بالا باشد و رشد اقتصادی نوسانی و پایین باشد، بهبود شاخص‌های مذکور در سال‌های آینده‌ی نزدیک دچار اخلاص خواهند شد، همان‌طوری که در چند سال بعد از سال اجرای پرداخت نقدی یارانه‌ها اتفاق افتاد.

باوجود اتخاذ سیاست‌های ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی، اعمال تحریم‌ها و سایر شرایط اقتصادی مانند تورم بالا، برخی از تأثیرات مثبت تلاش شده برای بهبود رفاه اجتماعی و دستیابی به هدف‌گذاری موردنظر را با اخلاص مواجه نموده است. البته برای بهبود مستمر شاخص‌های توزیع درآمد و رفاه اجتماعی سیاست‌ها و اقداماتی باید به کار گرفته شود که مهمترین آن‌ها عبارتند از: رشد تولید و توزیع فراگیر آن، حمایت از صندوق‌های اجتماعی مردم‌نهاد به‌منظور کاهش فقر و نیل به کیفیت زندگی بهتر فقرا از طریق تقویت درآمد، کنترل تورم باهدف جلوگیری از کاهش قدرت خرید آحاد جامعه به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر، تأمین حداقل معیشت گروه‌های کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر جامعه، افزایش نقش تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، برابری فرصت‌های شغلی و تقویت دسترسی به دارایی‌های مولد از جمله اقدامات هستند. لذا پیشنهادهایی که در رابطه با بهبود متغیرهای کلیدی توزیع درآمد در بودجه سال ۱۴۰۴ می‌توان در نظر داشت، به شرح زیر است:

- اصلاح نظام مالیاتی و حرکت به سمت مالیات بر مجموع درآمد به‌صورت پلکانی و مالیات منفی برای افراد کم‌درآمد؛

- افزایش معافیت مالیاتی برای حقوق بگیران ثابت (خصوصی و عمومی) به میزان بالاتر از وضع موجود (ماهانه ۱۲۰ هزار میلیون ریال سال ۱۴۰۳)؛
- حفظ یا افزایش سهم مخارج فقرزدایی در جهت حمایت از فقرا؛
- گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، برابری فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان با رعایت ملاحظات عدالت)؛
- حمایت از صندوق‌های اجتماعی مردم‌نهاد به منظور کاهش فقر و نیل به کیفیت زندگی بهتر آنان از طریق: تقویت درآمد فقرا و حذف یارانه نقدی خانوارهای با درآمدهای بالا؛
- افزایش نقش دولت در تامین مخارج سلامت و آموزش پایه بخصوص برای خانوارهای کم درآمد و محروم جامعه؛